

به نام خدا



فصلنامه

پژوهش‌های تجربی حسابداری

سال پنجم، شماره ۱۹، بهار ۱۳۹۵

این فصلنامه طبق نامه شماره ۳/۱۸۱۶۵۵ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۳ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از شماره سوم با درجه علمی _ پژوهشی منتشر می شود.

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهراء (س)

مدیر مسئول: علی رحمانی

سر دبیر: ویدا مجتهدزاده

مدیر داخلی: اعظم ولی زاده

عضو هیئت تحریریه	دانشگاه	درجه علمی	رشته
احمد احمدپور	دانشگاه مازندران	استاد	حسابداری
غلامرضا اسلامی بیدگلی	دانشگاه تهران	دانشیار	مدیریت مالی
حمید پور جلالی	دانشگاه هاوایی امریکا	استاد	حسابداری
امید پور حیدری	دانشگاه شهید باهنر کرمان	استاد	حسابداری
رضوان حجازی	دانشگاه الزهراء (س)	استاد	حسابداری
سید احمد خلیفه سلطانی	دانشگاه الزهراء (س)	استادیار	حسابداری
حسین سجادی	دانشگاه شهید چمران اهواز	دانشیار	حسابداری
غلامرضا سلیمانی امیری	دانشگاه الزهراء (س)	دانشیار	حسابداری
سید حسین علوی طبری	دانشگاه الزهراء (س)	دانشیار	حسابداری
ویدا مجتهدزاده	دانشگاه الزهراء (س)	استاد	حسابداری
ساسان مهرانی	دانشگاه تهران	دانشیار	حسابداری

ویراستار علمی: اعظم ولی زاده

ویراستار ادبی: اعظم ولی زاده

ویراستار انگلیسی: الهه ابراهیمی

طراح جلد و لوگو: هدیه تیموریان

صفحه آرا: خدیجه اسفندی

چاپ و صحافی: کارگاه گرافیک فرگاهی

امور هماهنگی: مریم امیری خواه

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن و نمابر: ۸۸۲۱۲۵۷۸

تارنما: <http://jera.alzahra.ac.ir>

رایانامه: jera@alzahra.ac.ir

خط مشی انتشار مجله

پژوهش‌های تجربی حسابداری فصلنامه‌ای است با رویکرد علمی- پژوهشی که با رسالت توسعه دانش و پژوهش حسابداری در کشور، به انتشار مقاله‌های پژوهشی* در حوزه حسابداری مبادرت می‌کند. مقالات با رویکرد تجربی/ آرشویی، آزمایش، بین رشته‌ای/ انتقادی، بازارپایه، پیمایش و مدل سازی که از ویژگی اصالت و نوآوری برخوردار باشند، در اولویت بررسی و انتشار خواهند بود. مهم ترین حوزه‌های مورد تاکید برای انتشار مقاله‌ها به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- پژوهش‌های تجربی حسابداری در بازار سرمایه و بازار پول
- ۲- پژوهش‌های تجربی در حسابرسی و اطمینان بخشی
- ۳- پژوهش‌های تجربی در گزارشگری مالی و راهبری شرکتی

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله‌ها

مقاله‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیئت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که مقاله‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم مقاله به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل مقاله

مقاله در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن Nazanin B با اندازه قلم: برای عنوان مقاله ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن B Zar با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی مقاله ۱۲، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و نمودارها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ سانتی متر قبل و بعد از نگاره و نمودار و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون

شماره گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی مقاله و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت مقاله‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن مقاله از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار مقاله

۲-۱. **صفحه جلد مقاله:** این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل مقاله؛

- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛

- رتبه علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛

- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبه علمی و محل خدمت درج شود.

۲-۲. **صفحه اول مقاله:** عنوان و چکیده مقاله به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف مقاله، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوه استفاده از آن در پایگاه اینترنتی:

< <http://www.aeaweb.org/jel/guide/jel.php> > قابل دسترسی است.

۲-۳. **صفحه دوم تا انتهای مقاله:** این بخش باید در بردارنده موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛

- مروری بر پیشینه (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش؛

- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان

بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد)، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛

- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛

- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج (توصیه‌های سیاستی صرفاً در تحقیقات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛

- فهرست منابع.

- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌ها در متن مقاله از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

- نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی‌نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود.

- هر منبعی که در متن مقاله به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود.

در صورت نیاز به توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون‌متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

۴-۱. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۴-۲. **مقاله:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه)

۴-۳. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۴-۳. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

-در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آنها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

- فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا مقاله‌ای که زودتر (قدیمی تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۵/۵ سانتی متر می‌باشد.

۵. نمودارها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان نمودارها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آنها درج شود. بهتر است نمودارها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آنها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره (۱)) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین

ستون‌هاست با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و نمودارها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در جداولی دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی‌نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی‌نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی‌نوشت و محتوای پی‌نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی‌نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.

فهرست مطالب

- مربوط بودن دارایی‌های نامشهود در هر یک از مراحل چرخه عمر.....۱
جواد مرادی، هاشم ولی پور، مهرداد صالحی
- نقش فرصت‌های رشد در تعدیل رابطه اهرم مالی و تصمیمات سرمایه‌گذاری.....۱۵
احمد احمد پور، سعید پاکدلان
- بررسی تأثیر تعامل بین فرهنگ اخلاقی موسسه حسابرسی، هنجارهای تیم حسابرسی و ویژگی‌های فردی حسابرسان بر انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات کشف شده...۳۳
آرزو آقایی چادگانی، نوشین احمدی
- بررسی ضرورت تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی ایران و شناسایی ابعاد آن از دیدگاه خبرگان و دانشگاهیان.....۵۳
غریبه اسماعیلی کیا، مهناز ملانظری
- بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری.....۸۱
ناصر ایزدی نیا، مسعود طاهری
- بررسی عوامل مؤثر بر رفتار ناکارآمد و تأثیر آن بر تغییر شغل حسابرسان.....۱۰۳
محسن اکبری، غلامرضا محفوظی، رضوان هوشمند
- بررسی تأثیر شفافیت گزارشگری مالی بر مربوط بودن ارزش سود حسابداری.....۱۲۷
شهناز مشایخ، سپیده سادات نصیری
- حفاظت‌های موثر بر استقلال حسابرسان در برابر تهدید صاحبکار به جایگزینی وی.....۱۵۵
احمد مدرس، حسین ابراهیمی، محسن عزیزخانی
- تعیین شرکت‌های برتر با استفاده از الگوی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران (شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران).....۱۸۱
حمید محمودآبادی، نویدرضا نمازی
- اندازه‌گیری هزینه سرمایه براساس مدل مبتنی بر متغیرهای بنیادی و مقایسه آن با مدل‌های رایج در بازار.....۲۰۳
ابراهیم نوروزیگی، علی ثقفی، مهدی مرادزاده‌فرد

مربوط بودن دارایی‌های نامشهود در هر یک از مراحل چرخه عمر

جواد مرادی*، هاشم ولی پور**، مهرداد صالحی***

تاریخ ۰۴ / ۰۸ / ۹۲

تاریخ ۲۱ / ۱۱ / ۹۲

چکیده

هدف این پژوهش بررسی روابط میان چرخه عمر شرکت و مربوط بودن ارزش دارایی‌های نامشهود می‌باشد. در این پژوهش، نخست مربوط بودن دارایی‌های نامشهود مورد بررسی قرار گرفته است، سپس به بررسی مربوط بودن این دارایی‌ها در هر یک از مراحل چرخه عمر پرداخته شده است و داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل همبستگی و رگرسیون چندمتغیره و آزمون والد، آزمون گردیده است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های ۲۵ شرکت طی دوره‌ی زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۱ نشان داد رابطه مثبت و معنادار بین ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، سودباقیمانده و ارزش دفتری دارایی‌های نامشهود با ارزش بازار سهام وجود دارد؛ همچنین، نتایج نشان داد از بین مراحل مختلف چرخه عمر شرکت، دارایی‌های نامشهود در مرحله بلوغ و افول، بیشتر مربوط هستند.

واژه‌های کلیدی: مربوط بودن، دارایی‌های نامشهود، رشد، بلوغ، افول.

طبقه بندی موضوعی: M41

* استادیار دانشگاه شیراز، (نویسنده مسئول)، (jmoradi2005@yahoo.com)

** استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزآباد، (h.valipour@gmail.com)

*** کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی، (salehifinance@gmail.com)

مقدمه

بحث‌های زیادی در رابطه با دارایی‌های نامشهود و ارزش آن‌ها از دید استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری وجود دارد و موج عظیمی از تحقیقات علمی در زمینه دارایی‌های مبتنی بر دانش نظیر نیروی انسانی و تکنولوژی-محوری سازمان‌ها انجام می‌شوند که بر مفاهیمی نظیر مدیریت دانش تکیه می‌کنند. اهمیت این عرصه علمی، روز به روز در حال افزایش است. آلفردسون (۲۰۰۱)، حسابداری دارایی‌های نامشهود و تدوین استاندارد مربوطه را به عنوان کاری نیمه‌تمام توصیف می‌نماید که باید مراحل تکامل خود را طی نماید. انتشار استاندارد حسابداری دارایی‌های نامشهود با توجه به روش‌های حسابداری خاص مندرج در آن، موجب ظهور مسایل جدید و نگرانی‌هایی در رابطه با کاربردی بودن اطلاعات صورت‌های مالی در بین استفاده‌کنندگان شد. این مسئله تا حد زیادی به این علت است که تحقیقات انجام شده، نشان داده‌اند به رغم آزادی عمل زیاد مدیران در زمینه حسابداری دارایی‌های نامشهود در دوره پیش از انتشار استاندارد، اطلاعات مربوط به این دارایی‌ها که توسط شرکت‌ها ارائه شده است، از سوی بازار، به عنوان اطلاعاتی که نامربوط محسوب شده‌اند (احمد و فالک، ۲۰۰۶).

مروری بر متون نوشته شده درخصوص مربوط بودن دارایی‌های نامشهود، نشان می‌دهد احتمالاً ویژگی‌های مختلف یک شرکت معین، بر شیوه‌ای که آن شرکت جهت حسابداری دارایی‌های نامشهود انتخاب می‌کند، و متعاقباً بر روی میزان مربوط بودن چنین اطلاعاتی در گزارش‌های مالی ارائه شده توسط شرکت، اثرگذار است (اسوالد، ۲۰۰۸).

تأثیر شناسایی دارایی نامشهود یا عدم شناسایی آن بر روی ارزش اطلاعات فراهم شده توسط شرکت‌ها، به مرور در حال تبدیل شدن به یک موضوع مهم می‌باشد. (اسکینر، ۲۰۰۸).

مکرراً در این مورد بحث شده است که شرکت‌های اقتصادی جدید، در فرآیند خلق ارزش، وابستگی بیشتری به دارایی‌های نامشهود (در مقایسه با دارایی‌های مشهود و مالی) مخصوصاً سرمایه انسانی یا سایر دارایی‌های وابسته به دانش بشری دارند (مارتینز، ۲۰۰۳). معمولاً بخش قابل توجهی از دارایی‌های نامشهودی که در داخل سازمان ایجاد می‌گردند، در ترازنامه درج نمی‌شوند. عدم درج این دارایی‌ها در صورت‌های مالی، منجر به نقصان در اطلاعات خواهد

شد، زیرا مدیران، سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران، از بعضی اطلاعات مربوط شرکت، مطلع نمی‌شوند (کانیانو و دیگران، ۲۰۰۰).

مفهوم چرخه عمر در دهه‌های اخیر به واژه‌ای شناخته شده در ادبیات حسابداری مبدل شده است. تمامی موجودات زنده از جمله نباتات، جانوران و انسان‌ها همگی از منحنی یا چرخه‌ی عمر پیروی می‌کنند. آن‌ها متولد می‌شوند، رشد می‌کنند، به پیری می‌رسند و در نهایت می‌میرند. تئوری چرخه عمر فرض می‌کند شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی همچون تمامی موجودات زنده دارای منحنی یا چرخه عمر هستند.

در حوزه حسابداری برخی از محققان سه مرحله رشد، بلوغ و افول را برای توصیف عمر شرکت‌ها تبیین نموده‌اند که در هر یک از این مراحل ساختار سرمایه متفاوتی وجود دارد. این مراحل به اختصار در ذیل بیان شده‌اند (بلک، ۱۹۹۸).

مرحله رشد: در مرحل رشد، شرکت‌ها محصولات قابل توجهی (چشمگیری) دارند. پس از این مرحله رقبای شرکت در بازار افزایش می‌یابند، نرخ سهام در بازار ثابت می‌شود و شرکت وارد مرحله ثابتی از رشد می‌شود.

مرحله بلوغ: شرکت‌ها در این مرحله با سابقه‌تر، با ثبات‌تر و با سودآوری و نقدینگی بالا می‌باشند. مدیریت عملکرد مالی و عملیاتی موفق‌تری دارد؛ سهام بازار و نرخ سود در این مرحله ثابت می‌باشد.

مرحله افول: در این مرحله شرکت در واقع رو به فنا و نابودی می‌رود؛ در تولید منابع کافی جهت حفظ بقای خود ناتوان است. شرکت‌ها به جای اینکه توسط نیروهای بازار به فعالیت خود ادامه دهند، توسط مداخله‌گرهای مصنوعی سعی در ادامه حیات خود دارند که در نهایت هم توسط رقبا بلعیده می‌شوند.

تاکنون تحقیقات اندکی به بررسی تجربی موضوع مربوط بودن دارایی‌های نامشهود پرداخته‌اند، که این امر باعث به وجود آمدن شکافی در تحقیقات این حوزه گذشته است. بنابراین، هدف از تحقیق حاضر بررسی میزان مربوط بودن دارایی‌های نامشهود و هریک از مراحل چرخه عمر شرکت‌ها می‌باشد.

پیشینه و ادبیات تحقیق

اگرچه متون علمی که به بررسی ارتباط میان داده‌های حسابداری و ارزش بازار سهام پرداخته‌اند، از مقاله‌های الهام‌بخشی همچون مقاله‌های میلر و مودگیلیانی (۱۹۵۸)، بیور (۱۹۶۸) و بال و براون (۱۹۶۸) نشأت گرفته‌اند، اما اصطلاح "مربوط بودن" به صورتی که برای اطلاعات مربوط به ارقام حسابداری به کار می‌رود اولین بار توسط امیر و همکاران (۱۹۹۳) معرفی شده است.

سپس در تحقیقات بعدی از اصطلاح "مربوط بودن" جهت نشان دادن میزان ارتباط ارقام حسابداری مندرج در صورت‌های مالی با ارزش شرکت استفاده شده است (هانگ، ۲۰۰۱). آزمون‌های تعیین میزان مربوط بودن، میزان ارتباط ارقام حسابداری را با ارزش شرکت نشان می‌دهند. ارزش‌های بازار نظیر قیمت سهام و میزان بازدهی سهام متداول‌ترین معیارهای سنجش ارزش شرکت در تحقیقات گزارشگری مالی می‌باشند.

تحقیقات قبلی (لیو و زاروین، ۲۰۰۷) کاهش میزان مربوط بودن اطلاعات مالی را به گزارش نامناسب دارایی‌های نامشهود نسبت داده‌اند. می‌توان در قالب ارزش هر شرکت را می‌توان بر اساس ارزش فعلی دارایی‌های عملیاتی آن که نتیجه سرمایه‌گذاری‌های قبلی هستند و ارزش فعلی سرمایه‌گذاری‌های سودآور آتی یا فرصت‌های رشد آن شرکت تعریف نمود (مایرز، ۱۹۷۷) همچنین، تحقیقات قبلی نشان داده‌اند شیوه حسابداری بر میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری از جمله اطلاعات مربوط به دارایی‌های نامشهود، تأثیر می‌گذارند (کوسنیدیس، ۲۰۰۵). در بورس اوراق بهادار تهران نیز، رحمانی و قاسمی (۱۳۹۲) دریافتند سود خالص و سرقفلی گزارش شده رابطه قوی معنی‌داری با قیمت سهام دارند.

متون علمی نوشته شده در رابطه با چرخه عمر شرکت نشان می‌دهند ویژگی‌های یک شرکت در مراحل مختلف چرخه عمر آن شرکت، بسیار متغیر است و این مسئله به دلیل تفاوت‌های میان فرصت‌ها و چالش‌هایی است که شرکت در مراحل مختلف از چرخه عمر خود با آن‌ها روبرو می‌شود (دیکنسون، ۲۰۰۹). نتایج تحقیق آنتونی و رامش (۱۹۹۲) نیز نشان داد ارتباط معناداری میان قیمت سهام و اطلاعات حسابداری (همچون درصد رشد سود، درصد مخارج سرمایه‌ای و درصد تقسیم سود نقدی) در چارچوب چرخه‌ی عمر وجود دارد.

بر این اساس می‌توان گفت ویژگی‌های مالی شرکت‌ها متأثر از مرحله‌ای از چرخه‌ی عمر است که شرکت در آن قرار دارد. همچنین، ارزش دارایی‌های عملیاتی مربوط به فرصت‌های رشد شرکت با پیشروی شرکت در طول مراحل مختلف چرخه عمر خود تغییر می‌کند در نتیجه انتظار می‌رود میزان این ارزش در هر یک از مراحل چرخه عمر شرکت متغیر باشد (بلک، ۱۹۹۸). زمانی که شرکتی در مرحله اولیه چرخه عمر خود می‌باشد، می‌توان گفت که تقریباً تمام ارزش آن، از فرصت‌های آتی رشد و سودآوری تشکیل می‌شود تا دارایی‌های عملیاتی آن؛ بنابراین در ارزشیابی شرکت مشخص می‌شود عوامل مربوط به فرصت‌های رشد سهم بیشتری دارند و انتظار می‌رود ارقام حسابداری که اطلاعات مربوط به فرصت‌های رشد شرکت را ارائه می‌دهند، در مراحل اولیه چرخه عمر شرکت، بیشتر مربوط باشند. اگرچه شرکت با پیش رفتن به سمت مرحله بلوغ، کسب سرمایه کرده، سرمایه‌گذاری نموده و فعالیت‌های عملیاتی مختلفی را انجام می‌دهد تمامی این عملکردها، فرصت‌های بالقوه رشد را به دارایی‌های عملیاتی واقعی تبدیل می‌کنند. در نتیجه عوامل مربوط به دارایی‌های عملیاتی دارای سهم بیشتری از میزان ارزش شرکت می‌باشند. همچنین، شرکتی که در مراحل بعدی از چرخه عمر خود به سر می‌برد، فرصت‌های رشد کمتری داشته و به میزان زیادی بر دارایی‌های عملیاتی خود جهت تولید جریان‌های نقدی تکیه دارد. بنابراین انتظار می‌رود ارقام حسابداری که اطلاعات مربوط به دارایی‌های عملیاتی شرکت را ارائه می‌دهند، در طول مراحل بعدی چرخه عمر شرکت بیشتر مربوط باشند. دارایی‌های عملیاتی را می‌توان به صورت دارایی‌های مشهودی تعریف نمود که ارزش مطمئن تری برای شرکت دارند و به وسیله ارزش‌های بازار تخمین زده می‌شوند.

فرضیه‌های تحقیق

حسابداری و گزارشگری مالی به عنوان یک سیستم اطلاعاتی، اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری را در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهد. در این میان، اهمیت دارایی‌های نامشهود بویژه در برخی شرکت‌های وابسته به فناوری‌های اختصاصی، بر کسی پوشیده نیست و انتظار می‌رود در ارزیابی این قبیل شرکت‌ها توسط بازار، دارای اثری بااهمیت باشد. همچنین بر اساس مطالعات بلک (۱۹۹۸) و آنتونی و رامش (۱۹۹۲) انتظار می‌رود ارزش دارایی‌های

نامشهود شرکت در طول مراحل مختلف چرخه عمر شرکت تغییر کند. بنابراین فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر مطرح گردیده است:

- فرضیه اول: دارایی‌های نامشهود برای پیش‌بینی ارزش شرکت اطلاعات مربوطی فراهم می‌کند.
- فرضیه دوم: در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت‌ها، اطلاعات دارایی‌های نامشهود مربوط است.
- فرضیه سوم: سطح مربوط بودن دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت، اختلاف معناداری دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر، به لحاظ هدف، کاربردی است و از لحاظ روش تحقیق از نوع همبستگی است جامعه آماری تحقیق، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که از بین آن‌ها ۲۵ شرکت (که داده‌های مربوط به دارایی‌های نامشهود برای آن‌ها در دسترس بوده است) به عنوان نمونه برای دوره زمانی ۱۳۸۲ الی ۱۳۹۱ انتخاب گردیده است. داده‌های مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای تحقیق از بانک‌های اطلاعاتی ره‌آورد نوین، سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران و آمارهای رسمی منتشر شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از روش کتابخان‌های کسب شده است. به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل رگرسیون چندمتغیره با استفاده از داده‌های مقطعی و آزمون والد استفاده شده است.

روش تجزیه و تحلیل مربوط بودن دارایی‌های نامشهود

در این پژوهش به منظور آزمون مربوط بودن از مدل اولسون^{۱۹} (۱۹۹۵)، به شرح زیر استفاده شده است:

$$MV_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 BV_{it} + \alpha_2 AE_{it} + \varepsilon_{it}$$

MV_{it} : ارزش بازار سرمایه شرکت t ، ۹۰ روز پس از پایان سال مالی t

BV_{it} : ارزش دفتری سرمایه شرکت i ، در پایان سال مالی t

AE_{it} : سود باقیمانده

به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، مدل مذکور با در نظر گرفتن دارایی‌های نامشهود به شرح زیر تعدیل گردیده است:

$$MV_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 ADJ_BV_{it} + \alpha_2 IA_{it} + \alpha_3 AE_{it} + \varepsilon_{it}(1) \quad \text{مدل}$$

$$MV_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 ADJ_BV_{it} + \alpha_2 AE_{it} + \alpha_3 D1*IA_{it} + \alpha_4 D2*IA_{it} + \alpha_5 D3*IA_{it} + \varepsilon_{it}(2) \quad \text{مدل}$$

ADJ_BV_{it} : ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه شرکت i در پایان سال مالی t منهای ارزش دفتری دارایی‌های نامشهود شرکت (IA_{it})

IA_{it} : دارایی‌های نامشهود شرکت i در پایان سال مالی t

$D1, D2, D3$: متغیرهای مصنوعی هستند که به ترتیب به ازای مراحل رشد، بلوغ و افول برابر با یک و در غیراین صورت، صفر در نظر گرفته شده است.

AE : سود باقیمانده که از اختلاف سود عملیاتی و هزینه سرمایه مبتنی بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام تعیین شده است.

برای طبقه‌بندی شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت‌ها، نخست، مقدار هر یک از متغیرهای رشد فروش، مخارج سرمایه‌ای، نسبت سود تقسیمی و سن (عمر) شرکت برای هر سال-شرکت محاسبه می‌شود. سال-شرکت‌ها بر اساس هر یک از چهار متغیر مذکور و با استفاده از پنجم‌های آماری در هر صنعت به پنج طبقه تقسیم می‌شوند که با توجه به قرار گرفتن در پنجم (طبقه) مورد نظر طبق نگاره زیر نمره‌ای بین ۱ تا ۵ می‌گیرند. سپس برای هر سال-شرکت، نمره‌ای مرکب به دست می‌آید که با توجه به شرایط زیر در یکی از مراحل رشد، بلوغ و افول طبقه‌بندی می‌شود:

الف) در صورتی که مجموع نمرات بین ۱۶ و ۲۰ باشد، در مرحله رشد قرار دارد.

ب) در صورتی که مجموع نمرات بین ۹ و ۱۵ باشد، در مرحله بلوغ قرار دارد.

ج) در صورتی که مجموع نمرات بین ۴ و ۸ باشد، در مرحله افول قرار دارد (کرمی و عمرانی، ۱۳۸۹).

نگاره (۱): نحوه طبقه‌بندی شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر

پنجک‌ها	AGE	SG	CE	DPS %
پنجک اول	۵	۱	۱	۵
پنجک دوم	۴	۲	۲	۴
پنجک سوم	۳	۳	۳	۳
پنجک چهارم	۲	۴	۴	۳
پنجک پنجم	۱	۵	۵	۳

نحوه محاسبه متغیرهای فوق به شرح ذیل است:

$$SG_{it} = [SALE_{it}/SALE_{it-1} - 1] * 100$$

$$DPR = (DPS_{it} / EPS_{it}) * 100$$

$$CE_{it} = 100 * (\text{ارزش بازار شرکت / اضافات (کاهش) دارایی ثابت طی دوره})$$

SALE: درآمد فروش

DPS: سود تقسیمی هر سهم

EPS: سود هر سهم

نتایج آزمون فرضیه‌ها

آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

آمار توصیفی متغیرهای تحقیق در نگاره ۲ ارائه شده است.

نگاره (۲): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	میانه	کمینه	بیشینه	انحراف استاندارد
ارزش بازار سرمایه شرکت	۲/۱۶۵۱	۰/۶۰۵۸	۰/۰۰۲۵	۷۸/۸۹۷۵	۷/۴۹۵۹
ارزش دفتری سرمایه شرکت	۰/۷۵۳۹	۰/۳۵۱۳	-۰/۰۵۳۷	۷/۸۲۶۴	۱/۱۷۸۱
سودهای باقیمانده	۰/۳۳۹۲	۰/۱۲۷۳	-۰/۲۸۸۴	۴/۹۴۳۵	۰/۷۳۳۹
ارزش دفتری سرمایه شرکت منهای دارایی‌های نامشهود	۰/۷۳۳۹	۰/۳۴۹۹	-۰/۰۵۸۴	۷/۷۵۶۲	۱/۱۶۱۷
دارایی‌های نامشهود شرکت	۰/۰۲۰۰	۰/۰۰۴۳	۰/۰۰۰۱	۰/۱۴۱۲	۰/۰۲۸۵
درصد پرداخت سود نقدی	۲/۳۵۴۹	۱/۳۶۴۹	-۴/۰۴۵۰	۱۳۱/۰۰	۱۰/۰۲۰
درصد رشد فروش	۰/۴۵۳۱	۰/۱۵۴۹	۰/۴۱۲۴	۴۴/۷۷۳۸	۳/۳۸۱۹
درصد مخارج سرمایه‌ای	۰/۰۸۷۳	۰/۱۰۷۷	-۳/۰۲۵۸	۰/۸۲۷۷	۰/۳۵۰۹

نتایج آزمون فرضیه اول

نتایج آزمون فرضیه اول تحقیق در نگاره (۳) ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری بین دارایی‌های نامشهود و ارزش بازار شرکت وجود دارد. بنابراین، فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ پذیرفته می‌شود.

نگاره (۳): نتایج حاصل از بررسی ضرایب جزئی مدل اول

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
مقدار ثابت	-۰/۸۰۵	۰/۵۵۱	-۱/۴۶۲	۰/۱۴۵
ارزش دفتری سرمایه شرکت منهای دارایی‌های نامشهود	۴/۷۸۰	۰/۴۹۵	۹/۶۵۷	۰/۰۰۰
دارایی‌های نامشهود شرکت	۱/۸۲۹	۱۷/۳۳	۴/۶۸۲	۰/۰۰۰
سود باقیمانده	-۰/۵۷۵	۰/۳۲۳	-۲/۷۷۹	۰/۰۱۷

بنابراین دارایی‌های نامشهود در تعیین ارزش شرکت نقش با اهمیتی ایفا می‌کنند و اطلاعات مربوطی فراهم می‌آورند.

نتایج آزمون فرضیه دوم

خلاصه نتایج مربوط به آزمون مدل (۲) در نگاره (۴) ارائه شده است. همانطور که در نگاره ملاحظه می‌شود، ضریب و مقدار معناداری آماره t محاسبه شده برای متغیرهای دارایی‌های

نامشهود در هر یک از مراحل چرخه عمر بیانگر این است که رابطه مثبت و معناداری بین دارایی‌های نامشهود در هر یک از مراحل چرخه عمر و ارزش بازار سرمایه وجود دارد. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد، پذیرفته می‌شود.

نگاره (۴): نتایج حاصل از بررسی ضرایب جزئی مدل شماره (۲)

معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب	شرح
۰/۰۴۰	-۲/۰۶۴	۰/۵۳۱	-۱/۰۹۷	ضریب ثابت
۰/۰۰۰	۷/۱۸۹	۰/۵۴۱	۳/۸۹۱	ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه شرکت منهای دارایی‌های نامشهود
۰/۰۰۹	-۲/۷۹۳	۱/۶۷۱	-۰/۴۴۱	سود باقیمانده
۰/۰۰۷	۲/۸۰۵	۲۰/۴۴۵	۲۱/۵۹۶	دارایی‌های نامشهود در مرحله رشد
۰/۰۰۱	۳/۵۴۳	۲۰/۹۲۷	۶۱/۳۷۲	دارایی‌های نامشهود در مرحله بلوغ
۰/۰۰۲	۳/۸۳۳	۲۶/۸۹۱	۵۸/۹۱۸	دارایی‌های نامشهود در مرحله افول

نتایج آزمون فرضیه سوم

به منظور مقایسه معناداری اختلاف ضرایب متغیرهای مصنوعی در مراحل مختلف چرخه عمر (بر اساس آزمون مدل (۲)) از آزمون والد استفاده شده است که نتایج آن در نگاره شماره ۵ خلاصه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشترین ضریب مربوط به مرحله بلوغ و کمترین ضریب مربوط به مرحله رشد است. سطح معناداری مندرج در نگاره (۵) حاکی از آن است که ضرایب مراحل بلوغ و افول به میزان با اهمیتی بیش از ضریب متغیر دارایی‌هایی نامشهود در مرحله رشد است، ولی ضرایب مراحل بلوغ و افول، دارای اختلاف معناداری نیستند. بنابراین فرضیه سوم تحقیق نیز پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مربوط بودن دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها در مراحل بلوغ و افول بیش از مرحله رشد است و ارزش بازار شرکت در این مراحل از چرخه عمر، نسبت به تغییرات دارایی‌های نامشهود، حساسیت بیشتری نشان می‌دهد.

نگاره (۵): نتایج حاصل از مقایسه ضرایب جزئی مدل (۲) - آزمون والد

متغیرها	آماره Z	خطای استاندارد	سطح معناداری
$\alpha(3) - \alpha(4)$	-۴۰/۲۲۳	۲۴/۱۷۰	۰/۰۰۲
$\alpha(3) - \alpha(5)$	-۶۰/۳۲۲	۲۹/۴۹۴	۰/۰۰۱
$\alpha(4) - \alpha(5)$	۲/۵۴۵	۲۶/۳۷۱	۰/۰۰۲
ضریب دارایی‌های نامشهود در مرحله رشد		۲۱/۵۹۶	
ضریب دارایی‌های نامشهود در مرحله بلوغ		۶۱/۳۷۲	
ضریب دارایی‌های نامشهود در مرحله افول		۵۸/۹۱۸	

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هانتر و دیگران (۲۰۰۵) عقیده دارند، هدف از تمامی فعالیت‌های تجاری، افزایش ارزش عوامل تولید (داده‌ها) یا منابع مصرفی در روند تجارت است. توانایی شرکت در رقابت دوام‌پذیری و پیشی گرفتن از شرکت‌های رقیب موجب توفیق شرکت در ارزش آفرینی می‌شود. محرک‌های ارزش، ارزش یک محصول یا خدمات را به شکلی که برای مشتریان قابل درک باشد افزایش می‌دهند و متعاقباً در آمد، ثروت، رشد و موفقیت برای شرکت به همراه دارند (ایتنر، ۲۰۰۸). دارایی‌های نامشهود محرک‌های ارزش در اقتصاد کنونی می‌باشند. بنابراین حرفه حسابداری باید به میزان کافی این محرک‌ها را به حساب آورد (گوتری، ۲۰۰۱).

آزمون‌های انجام شده در این تحقیق حاکی از مربوط بودن متغیرهای مستقل (سود باقیمانده، ارزش دفتری سرمایه شرکت منهای دارایی‌های نامشهود و دارایی‌های نامشهود شرکت) در مدل مورد بررسی است و کلیه فرضیه‌های تحقیق، تأیید شد.

نتایج تحقیق نشان داد دارایی‌های نامشهود در تعیین ارزش شرکت نقش با اهمیتی را ایفا می‌کنند و اطلاعات مربوطی فراهم می‌آورند. همچنین نتایج نشان داد چرخه عمر شرکت‌ها می‌تواند بر میزان مربوط بودن دارایی‌های نامشهود مؤثر باشد و مربوط بودن اطلاعات دارایی‌های نامشهود در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت اختلاف معناداری دارد؛ بدین ترتیب که حساسیت ارزش شرکت به ارزش دارایی‌های نامشهود در مراحل بلوغ و افول نسبت به مرحله رشد بالاتر است و تغییرات این طبقه از دارایی‌ها، در مراحل مذکور دارای تأثیر بیشتری بر ارزش شرکت است. در مرحله بلوغ شرکت چون دارای یک سابقه طولانی‌تری

نسبت به مرحله رشد است، از لحاظ مالی بهتر از مراحل دیگر عمل می‌کند و اندازه‌ی دارایی‌های این شرکت‌ها نیز به تناسب بیشتر از اندازه‌ی دارایی‌های شرکت‌های در مرحله رشد بوده، که همه این موارد به نوعی می‌توانند تأیید کنند مربوط بودن دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها در مرحله بلوغ بیشتر از مرحله رشد است. اندازه‌ی دارایی‌های در مرحله افول این شرکت‌ها نیز به تناسب بیشتر از اندازه‌ی دارایی‌های شرکت‌های در مرحله رشد بودهاست. که باعث افزایش مربوط بودن این نوع دارایی‌ها نسبت به مرحله رشد شده است. بعلاوه مربوط بودن دارایی‌های نامشهود در مرحله بلوغ با مرحله افول اختلاف معناداری ندارد.

با توجه به اهمیت روز افزون دارایی‌های نامشهود در ارزش آفرینی برای شرکت، توجه بیشتر به این مقوله و ارتقای رویه‌های حسابداری و گزارشگری مالی به منظور ارزیابی صحیح این دارایی‌ها حایز اهمیت است. بنابراین، لازم است که اشخاص و سازمان‌های تأثیرگذار نظیر استانداردها، سرمایه‌گذاران و محققان، در زمینه ارزیابی دارایی‌های نامشهود اهتمام ویژه داشته باشند. با توجه به نتایج آزمون مبنی بر اینکه دارایی‌های نامشهود با ارزش بازار شرکت رابطه مثبت و معناداری دارد، تمرکز بر استفاده بیشتر از این دارایی‌ها می‌تواند افزایش ارزش بازار شرکت و خلق فرصت‌های مساعد سرمایه‌گذاری جهت پیشبرد اهداف شرکت را به ارمغان آورد. از مهم‌ترین محدودیت‌های این مطالعه، محدود بودن تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار که در صورت‌های مالی خود دارایی‌های نامشهود را افشاء نموده‌اند می‌باشد که باید در تعمیم نتایج مدنظر قرار گیرد. به منظور انجام تحقیق‌های آتی در این زمینه، موضوع‌های زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. می‌توان این پژوهش را با شرکت‌های غیر بورسی هم بررسی کرد.
۲. می‌توان پژوهش را با تأکید بر تأثیر تفکر مدیران در هر یک از مراحل چرخه عمر شرکت بر ارزش شرکت‌ها هم بررسی کرد.
۳. می‌توان پژوهش را با تأکید بر نسبت استفاده شرکت‌های بورسی و غیر بورسی از دارایی‌های نامشهود به دارایی‌های جاری و ثابت مشهود بررسی کرد.

منابع

- رحمانی، علی و قاسمی، مهسا (۱۳۹۲). ارتباط ارزشی سرفعلی گزارش شده، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۳، شماره ۱، صص. ۱۱۱-۱۲۴.
- کرمی، غلامرضا و عمرانی، حامد (۱۳۸۹). تأثیر چرخه عمر شرکت و محافظه کاری بر ارزش شرکت، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۵۹، صص. ۹۶-۷۹.
- Ahmed, K. and Falk, H. (2006). The Value Relevance of Management's Research and Development Reporting Choice: Evidence from Australia. *Journal of Accounting and Public Policy* 25, 231-264.
- Alfredson, K. (2001). Accounting for Identifiable Intangibles - An Unfinished Standard- Setting Task. *Australian Accounting Review* 11, 12-21.
- Amir, E. , Harris, T. S. and Venuti, E. K. (1993). A Comparison of the Value-Relevance of U. S. Versus Non-U. S. GAAP Accounting Measures Using Form 20-F, Reconciliations. *Journal of Accounting Research* 31, 230-264.
- Anthony, J. H. and Ramesh, K. (1992). Association between Accounting Performance Measures and Stock Prices: A Test of the Life Cycle Hypothesis. *Journal of Accounting and Economics* 15, 203-227.
- Ball, R. and Brown, P. (1968). An Empirical Evaluation of Accounting Numbers. *Journal of Accounting Research* 6, 159-178.
- Barth, M. E. (2000). Valuation-based Accounting Research: Implications for Financial Reporting and Opportunities for Future Research. *Accounting and Finance* 40, 7-31.
- Beaver, W. H. (1968). The Information Content of Annual Earnings Announcements. *Journal of Accounting Research* 6, 67-92.
- Black, E. L. (1998). Life-Cycle Impacts on the Incremental Value-Relevance of Earnings and Cash Flow Measures. *Journal of Financial Statement Analysis* 4, 40-56.
- Dickinson, V. (2009). *Cash Flow Patterns as a Proxy for Firm Life Cycle* (SSRN Working Paper). Retrieved April 13, 2010, http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=755804.
- Etner, W. H. (2008). Perspectives on Recent Capital Market Research. *The Accounting Review* 77, 453-474.
- Givoly, H. and Shi, C. (2008). Accounting for Software Development Costs and the Cost of Capital: Evidence from IPO Underpricing in the Software Industry. *Journal of Accounting, Auditing and Finance* 23, 271-303.

- Hanter, B. H. and Manry, D. (2005). The Value-Relevance of R&D and Advertising Expenditures: Evidence from Korea. *The International Journal of Accounting* 39, 155-173.
- Hung, M. (2001). Accounting Standards and Value Relevance of Financial Statements: An International Analysis. *Journal of Accounting and Economics* 30, 401-420.
- Lester, D. L. , Parnell, J. A. and Carraher, S. (2003). Organizational Life-Cycle: A Five Stage Empirical Scale. *International Journal of Organizationak Analysis* 11, 339-354.
- Lev, B. and Zarowin, P. (2007). Capitalization of R&D and the Informativeness of Stock Prices. *European Accounting Review* 16, 703-726.
- Miller, M. H. and Modigliani, F. (1958). The Cost of Capital, Corporation Finance and the Theory of Investment. *American Economic Review* 48, 261-297.
- Myers, S. C. (1977). Determinants of Corporate Borrowing. *Journal of Financial Economics* 5, 147-175.
- Ohlson, J. A. (1995). Earnings, Book Values, and Dividends in Equity Valuation. *Contemporary Accounting Research* 11, 661-687.
- Oswald, D. R. (2008). The Determinants and Value Relevance of the Choice of Accounting for Research and Development Expenditures in the United Kingdom. *Journal of Business Finance & Accounting* 35, 1-24.
- Skinner, D. J. (2008). The Investment Opportunity Set and Accounting Procedure Choice. *Journal of Accounting and Economics* 16, 407-445.

نقش فرصت‌های رشد در تعدیل رابطه اهرم مالی و تصمیمات سرمایه‌گذاری

احمد احمد پور*، سعید پاکدلان**

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۲/۳۱

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال بررسی رابطه اهرم مالی با تصمیمات سرمایه‌گذاری و نقش فرصت‌های رشد در این زمینه می‌باشد. از میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ۹۷ شرکت طی دوره ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای سنجش اهرم مالی از دو شاخص استفاده شده است: نسبت بدهی بر دارایی و نسبت بدهی‌های بلند مدت بر دارایی‌ها. شاخص اول اهرم مالی با سرمایه‌گذاری رابطه منفی و معنی دار، شاخص دوم اهرم مالی با سرمایه‌گذاری رابطه مثبت و معنادار دارد. به علاوه، نتایج پژوهش نشان داد رابطه‌ی منفی شاخص اول اهرم مالی با سرمایه‌گذاری در شرکت‌های با فرصت رشد کمتر قوی‌تر از شرکت‌های با فرصت رشد بیشتر است.

واژه‌های کلیدی: تصمیمات سرمایه‌گذاری، اهرم مالی، فرصت‌های رشد، تجزیه و تحلیل داده تابلویی.

طبقه‌بندی موضوعی: G32; G35

* استاد حسابداری، دانشگاه مازندران، (ahmadpour@umz.ac.ir)

** کارشناس ارشد، حسابداری، دانشگاه مازندران، (نویسنده مسئول)، (saeedpakdelan@yahoo.com)

مقدمه

سرمایه‌گذاری سودآور، نبض حیات شرکت و عاملی بنیادین در تعیین ارزش آن تلقی می‌گردد. بر اساس مبانی نظری موجود، انتظار می‌رود وجوه نقد آتی و بالطبع ارزش شرکت از سرمایه‌گذاری‌ها به شدت اثر می‌پذیرد. اثرپذیری مخارج سرمایه‌ای از ارزش شرکت موضوعی است که در حوزه متون نمایندگی مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرد. از منظر نمایندگی، ممکن است نگرش مدیران، مالکان و اعتباردهندگان، همسو و هم‌جهت نبوده و بین آن‌ها تضاد منافع وجود داشته باشد.

از اینرو تصمیم‌های اتخاذی از سوی مدیران، همیشه با منافع سرمایه‌گذاران و سهام‌داران، هم‌راستا نیست و رفع این تضاد، با توجه به عدم تقارن اطلاعاتی بین این دو گروه، مشکل به نظر می‌رسد. با فرض وجود عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی، دستیابی به معیارهایی که بتوان به کمک آن‌ها به طور غیر مستقیم بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری مدیران اثر گذاشت و رفتارهای سرمایه‌گذاری‌شان را بهتر درک کرد، ضروری به نظر می‌رسد (مرادی و احمدی، ۱۳۸۹).

بر اساس بسیاری از تئوری‌های ساختار سرمایه، شرکت‌هایی با اهرم بالا، نمی‌توانند از فرصت‌های رشد آتی خود استفاده کنند. و شرکت‌های با فرصت رشد آتی کمتر، باید از مصرف کردن وجه نقد در پروژه‌های ضعیف پرهیز نمایند. از آنجا که مدیران، اندازه اهرم مالی را بر اساس اطلاعات محرمانه تعیین می‌کنند، اهرم مالی می‌تواند معیاری برای فرصت‌های رشد باشد و همین امر پرداختن به ارتباط اهرم مالی، تصمیمات سرمایه‌گذاری را حائز اهمیت می‌کند (عیوضیان و همکاران، ۲۰۰۵).

مدیر تمایل ندارد تأمین مالی سرمایه‌گذاری از طریق بدهی بیش از اندازه باشد، زیرا اعتباردهندگان این سرمایه‌گذاری‌ها در بازده شریک می‌شوند. بنابراین، با افزایش نسبت بدهی مدیر ممکن است در پروژه‌های مناسب سرمایه‌گذاری نکند و کاهش ارزش شرکت را موجب شود.

مبانی نظری پژوهش

تعاریف مختلف سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری از متغیرهای مهم اقتصادی است که همواره مباحث عمده‌ای را به خود اختصاص داده است. مکاتب فکری، تعاریف متفاوتی از سرمایه‌گذاری ارائه داده‌اند. در یکی از تعاریف سرمایه‌گذاری را اینگونه بیان کرده‌اند: سرمایه‌گذاری عبارت است از به تعویق انداختن مصرف فعلی برای دستیابی به امکان مصرف بیشتر در آینده. سرمایه‌گذاری را همچنین می‌توان این گونه تعریف کرد: سرمایه‌گذاری مخارج برای تحصیل یک دارایی است که انتظار می‌رود درآمد یا خدمت ارائه کند (تقوی، ۱۳۶۹: ۱۸۰). یکی از تعاریف دیگر عبارتست از: سرمایه‌گذاری فراگردی است که در آن کالاهای سرمایه‌ای برای تولید کالا یا خدمات دیگر بکار می‌رود.

ارتباط اهرم مالی و سرمایه‌گذاری

میرز در تئوری "سرمایه‌گذاری کمتر از اندازه ۱" بر تأثیرات نقدینگی تمرکز می‌کند و نشان می‌دهد شرکت‌هایی که تعهدات بدهی بیشتری دارند، بدون توجه به ماهیت فرصت‌های رشد خود، سرمایه‌گذاری کمتری انجام می‌دهند. در نتیجه، شرکت‌هایی که اهرم مالی بالایی دارند در مقایسه با شرکت‌هایی که اهرم مالی پایین تری دارند، فرصت‌های رشد کمتری خواهند داشت (میرز، ۱۹۷۷). بر اساس تئوری نمایندگی، مسأله‌ی "سرمایه‌گذاری بیش از اندازه ۲" نیز بر اساس تضاد منافع مدیران و سهام‌داران شکل می‌گیرد: از یک طرف مدیران تمایل دارند، حتی با پذیرش پروژه‌های ضعیف و کاهش ثروت سهام‌داران، اندازه شرکت را بزرگ نموده و منافع خود را حداکثر نمایند. از طرفی در صورت نبود جریان‌های نقدی مازاد، مدیران با تأمین مالی از طریق بدهی، هدف خود را پیگیری کرده و به سرمایه‌گذاری می‌پردازند (عیوضیان و همکاران، ۲۰۰۵).

توماس جان‌دیک و آنیل ماخیا (۲۰۰۴) بیان می‌کنند: افزایش قابل توجه اهرم مالی ممکن است نشان‌های از تعهد مدیریتی به منظور بهبود عملکرد باشد. یکی از روش‌هایی که برای پیشینه کردن ارزش شرکت و بهبود ثروت سهام‌داران به کار گرفته می‌شود، گزینش مناسب منابع مالی بلندمدت است. به گونه‌ای که با کاهش هزینه سرمایه اندک بتوان نرخ بازده بیشتری

را تحصیل کرد. لذا ساختار سرمایه با هزینه سرمایه شرکت ارتباط نزدیکی دارد. ساختار سرمایه‌ای که ارزش شرکت را افزایش می‌دهد و یا هزینه کلی سرمایه را به حداقل برساند، ساختار سرمایه بهینه شرکت است. این ساختار سرمایه بهینه ترکیبی از بدهی و سهام است که ارزش شرکت را حداکثر می‌کند (سینایی و رضاییان، ۱۳۸۴). به عبارت ساده تر، نظریه‌های ساختار سرمایه بهینه بر اساس هزینه‌های نمایندگی، بیان می‌کنند اثر معکوس اهرم مالی بر رشد، با ایجاد مانعی برای مدیر در جهت عدم پذیرش پروژه‌های سرمایه‌گذاری ضعیف، ارزش شرکت را افزایش می‌دهد. اثر اهرم مالی حتی اگر سبب انگیزه‌هایی برای سرمایه‌گذاری کمتر شود، می‌تواند ضعیف شود. مدیر با شناخت فرصت‌های رشد پیش رو می‌تواند پیشاپیش و به طور بهینه ای اهرم مالی را کاهش و اثر آن را بر رشد، رقیق نماید (نوروش و یزدانی، ۱۳۸۹).

پیشینه پژوهش

آن و همکاران (۲۰۰۶) به بررسی تأثیر اهرم مالی بر سرمایه‌گذاری پرداختند. شواهد نشان داد، رابطه مثبت بین اهرم مالی و ارزش شرکت به طور قابل توجهی در شرکت‌های دارای بخش‌های متنوع با فرصت رشد کمتر، ضعیف‌تر از شرکت‌های متمرکز می‌باشد. در شرکت‌هایی که عملکرد ضعیفی از خود نشان می‌دهند و دارای رشد سودآوری کمتری هستند، بدهی می‌تواند نقش محدود کننده‌ای برای تصمیمات سرمایه‌گذاری ایفا نماید. هنگامی که شرکت در چند نوع تجارت فعالیت می‌کند دارای فرصت‌های رشد بیشتری است. هرچند افزایش اهرم مالی ممکن است سرمایه‌گذاری کلی را محدود سازد، اما شرکت‌های بزرگ می‌توانند این بدهی را متناسب بین بخش‌های زیرمجموعه خود تخصیص دهند.

اون و هوانگ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به عوامل تعیین کننده مالی را بررسی می‌کند. نتایج نشان داد اهرم مالی دارای رابطه‌ای منفی و معنادار با سرمایه‌گذاری است و شدت سرمایه‌گذاری، با اندازه شرکت کاهش می‌یابد.

فیرم و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین اهرم مالی و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار شانگهای پرداختند. نتایج نشان داد:

رابطه‌ای منفی میان اهرم مالی با سرمایه‌گذاری وجود دارد.

رابطه‌ای منفی میان اهرم مالی و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های با فرصت‌های رشد کمتر و عملکرد ضعیف‌تر در مقایسه با شرکت‌های با فرصت‌های رشد بالا و عملکرد خوب، ضعیف‌تر است.

رابطه‌ای منفی میان اهرم مالی و سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی که دولت سهام آن‌ها را در اختیار دارد در مقایسه با شرکت‌هایی که سهم دولت در سطح پایین‌تری می‌باشد، ضعیف‌تر است.

سانگک با (۲۰۰۹) به بررسی ارتباط بین اهرم مالی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در شرکت‌های صنعتی چین پرداخت. نتایج نشان داد، گرایش شرکت‌هایی که فرصت‌های رشد بیشتری دارند، به سوی وام‌گیری کمتر باشد. همچنین، شرکت‌های بزرگ از بدهی بیشتری استفاده می‌کنند، اما شرکت‌های کوچک برای سرمایه‌گذاری‌ها، بیشتر از وجوه خود شرکت استفاده می‌کنند.

اوموتلو (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای، اثر اهرم مالی بر سرمایه‌گذاری در بازارهای نوظهور را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. وی چنین استدلال کرد اثر اهرم مالی بر سرمایه‌گذاری مهم است، زیرا ارزش شرکت از طریق جریان‌های نقدی مورد انتظار حاصل شده از سرمایه‌گذاری‌ها تعیین می‌شود، اما کانالی که با آن اهرم مالی بر سرمایه‌گذاری اثر می‌گذارد، مشخص نیست. شواهد نشان داد اهرم مالی اثر منفی بر سرمایه‌گذاری در شرکت‌های با تکیه‌ی وین پایین دارد. ساختار سرمایه به عنوان ابزار سیاست مالی، تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری در تنها شرکت‌های با فرصت‌های رشد کم دارد.

نوروش و یزدانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای، رابطه اهرم مالی و تصمیمات سرمایه‌گذاری را بررسی کردند. نتایج نشان داد رابطه منفی و معنی‌داری بین اهرم مالی و سرمایه‌گذاری برقرار است. ارتباط بین اهرم مالی و سرمایه‌گذاری برای شرکت‌هایی با فرصت رشد کمتر، قویتر از شرکت‌هایی با فرصت رشد بیشتر است. شرکت‌هایی که اهرم مالی آن‌ها بیشتر از متوسط اهرم مالی صنعت است، نسبت به شرکت‌هایی که اهرم مالی آن‌ها کمتر از متوسط صنعت است، سرمایه‌گذاری کمتری انجام می‌دهند.

کریمی و همکاران (۱۳۸۹) تأثیر اهرم مالی و فرصت رشد بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج نشان داد بین اهرم مالی و تصمیمات سرمایه‌گذاری رابطه منفی وجود دارد. اما ارتباط منفی بین فرصت رشد و سرمایه‌گذاری وجود نداشت. بعلاوه، شرکت‌هایی که اهرم مالی بیشتری دارند، کمتر به سرمایه‌گذاری می‌پردازند و شرکت‌هایی که بدهی کمتری دارند، رغبت بیشتری به سرمایه‌گذاری در دارایی سرمایه‌ای دارند.

مرادی و احمدی (۱۳۹۰) عوامل مؤثر بر رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در عرصه بازارهای ناقص را بررسی نمودند. آن‌ها با استفاده از اطلاعات تعداد ۸۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با به کارگیری مدل رگرسیون چند گانه، الگوی تغییرات مخارج سرمایه‌ای را برآورد کردند. نتایج نشان داد فقط جریان‌های نقد عملیاتی، با تغییرات مخارج سرمایه‌ای رابطه معناداری دارد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به تئوری‌های موجود و پژوهش‌های انجام شده فرضیه‌هایی به شرح زیر تدوین گردیده است:

فرضیه ۱: بین اهرم مالی و سرمایه‌گذاری شرکت رابطه منفی وجود دارد.

فرضیه ۲: رابطه منفی اهرم مالی با سرمایه‌گذاری در شرکت‌های با فرصت رشد کمتر در مقایسه با شرکت‌های با فرصت رشد بیشتر، قوی‌تر است.

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و تعیین اندازه نمونه

جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است و نمونه آماری با در نظر گرفتن ویژگی‌های زیر انتخاب شد:

تا قبل از سال ۱۳۸۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.

پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفند ماه باشد.

در دوره مورد بررسی تغییر یا توقف در دوره مالی نداشته باشند.

جزو بانک‌ها و موسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ، بانک‌ها و لیزینگ‌ها) نباشند.

نمونه آماری شامل ۹۷ شرکت است که در بازه زمانی ۱۳۸۱ الی ۱۳۹۰ بررسی می‌شوند.

روش پژوهش

پس از جمع‌آوری داده‌ها، مدل به شیوه داده‌های تابلویی برآورد می‌شود. برای تعیین شیوه برآورد از آزمون F تعمیم یافته (چاو) و آزمون هاسمن استفاده می‌شود. آزمون F تعمیم یافته (چاو) جهت تعیین شیوه برآورد رگرسیون به صورت تلفیقی یا اثرات ثابت به کار می‌رود و آزمون هاسمن برای انتخاب از بین مدل اثرات ثابت و تصادفی استفاده می‌شود. بعلاوه، آزمون وایت برای بررسی همسانی واریانس بین باقیمانده‌ها، نگاره ضریب همبستگی بین متغیرها برای بررسی هم خطی و آزمون هاردی برای بررسی مانایی متغیرها به کار می‌رود. لازم به ذکر است در داده‌های پنل بر خلاف داده‌های سری زمانی، برای آزمون مانایی نمی‌توان از آزمون‌های دیکی فولر یا دیکی فولر تعمیم یافته استفاده کرد بلکه لازم است مانایی جمعی آزمون شود و بدین منظور از آزمون هاردی استفاده شد.

فرضیه اول پژوهش با استفاده از رابطه (۱) و فرضیه دوم با استفاده از رابطه (۲) آزمون می‌شوند.

$$-1 + \eta \text{LEVERAGE}_{i;t} - Q_{i;t} + \delta (CF_{i;t} / K_{i;t-1}) = \alpha + \lambda t + \beta - K_{i;t} / I_{i;t} \quad (۱) \text{ رابطه}$$

$$1) + \mu_i + \varepsilon_{i;t} - K_{i;t} \text{ SALE}_{i;t-1} / + \phi$$

$$1 - 1 + \eta \text{LEVERAGE}_{i;t} - Q_{i;t} + \delta (CF_{i;t} / K_{i;t-1}) = \alpha + \lambda t + \beta - K_{i;t} / I_{i;t} \quad (۲) \text{ رابطه}$$

$$1) + \mu_i + \varepsilon_{i;t} - K_{i;t} \text{ SALE}_{i;t-1} / + \gamma D_{i;t-1} \times \text{LEVERAGE}_{i;t-1} + \phi$$

اهرم مالی در این پژوهش به دو شیوه سنجیده شد:

ارزش دفتری کل بدهی‌ها بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها و ارزش دفتری بدهی‌های بلندمدت بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها.

متغیرهای پژوهش در نگاره زیر تعریف شده‌اند.

نگاره (۱): نماد، نام و نحوه محاسبه متغیرهای مستقل و وابسته

نماد متغیر	وابسته	مستقل	نام متغیر	روش محاسبه
$I_{i,t} / K_{i,t-1}$	✓		سرمایه‌گذاری (نسبت به خالص دارایی‌های سال قبل)	سرمایه‌گذاری خالص در اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در سال t خالص دارایی‌های ثابت شرکت i در سال $t-1$ (پایان سال قبل)
$CF_{i,t} / K_{i,t-1}$	✓		جریان وجه نقد عملیاتی (نسبت به خالص دارایی‌های سال قبل)	خالص جریان وجه نقد ناشی از عملیات خالص دارایی‌های ثابت اول دوره
$Q_{i,t-1}$	✓		نسبت کیوی توبین در پایان سال قبل	ارزش بازار کل دارایی‌ها ارزش دفتری کل دارایی‌ها رزش بازار سهام عادی + ارزش دفتری بدهی‌ها = ارزش دفتری کل دارایی‌ها
$LEVERAGE_{i,t-1}$ (۱)	✓		اهرم مالی (۱) در پایان سال قبل	ارزش دفتری کل بدهی‌ها ارزش دفتری کل دارایی‌ها
$LEVERAGE_{i,t-1}$ (۲)	✓		اهرم مالی (۲) در پایان سال قبل	ارزش دفتری بدهی‌های بلندمدت ارزش دفتری کل دارایی‌ها
$D_{i,t-1}$	✓		متغیر مجازی	برابر ۱، اگر نسبت توبین کیو پایان سال قبل بزرگتر از ۱ باشد. برابر ۰، اگر نسبت توبین کیو پایان سال قبل کوچکتر و مساوی ۱ باشد.
$D_{i,t-1} \times LEVERAGE_{i,t-1}$	✓		متغیر مجازی D در اهرم (اثر شاخص رشد بر اهرم)	اهرم مالی \times متغیر مجازی D
$SALE_{i,t-1} / K_{i,t-1}$	✓		فروش (نسبت به خالص دارایی‌های سال قبل)	فروش خالص دوره قبل خالص دارایی‌های ثابت اول دوره

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

مطابق با نگاره (۲) میانگین و میانه سرمایه‌گذاری، به ترتیب برابر با ۰/۹۵۵۳ و ۰/۱۶۵۴ است. کمترین سرمایه‌گذاری مربوط به شرکت پارس پامچال در سال ۱۳۸۹ بوده و بیشترین آن در شرکت سالمین در سال ۱۳۸۵ است.

نگاره (۲): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق برای شرکت‌های نمونه

نماد متغیر	تعداد مشاهده	حداقل	حداکثر	میانگین	میانه	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
$\frac{I_{i,t}}{K_{i,t-1}}$	۹۷۰	-۵/۶۱۱	-۶۸۰ ۴۹۹	۰/۹۵۵۳	۰/۱۶۵۴	۱۶/۴۳۰۲	۲۹/۰۹۸۴	۸۷۸/۰۶۲
$\frac{CF_{i,t}}{K_{i,t-1}}$	۹۷۰	-۳۴۶/۳	۴۷۵/۸۵۴	۰/۸۷۵۱	۰/۵۱۳۱	۲۲/۲۴۵۵	۴/۶۲۰۰	۳۱۵/۷۷۴
$Q_{i,t-1}$	۹۷۰	۰/۵۳۶۵	۱۵/۸۴۸۹	۱/۷۸۳۳	۱/۳۲۴۶	۱/۵۲۵۶	۵/۲۶۵۵	۴۳/۸۹۳۵
$LEVERAGE_{i,t-1}$ (۱)	۹۷۰	۱/۷۱۵۸	۰/۱۵۶۸	۰/۶۷۷۲	۰/۶۷۶۶	۰/۱۶۴۹	۰/۲۸۹۵	۴/۸۳۸۴
$LEVERAGE_{i,t-1}$ (۲)	۹۷۰	۰/۰۰۰۰	۰/۷۹۲۲	۰/۰۸۲۵	۰/۰۵۴۶۲	۰/۰۸۶۵۰	۳/۱۷۸۳	۱۷/۸۴۸۱
$\frac{SALE_{i,t-1}}{K_{i,t-1}}$	۹۷۰	۰/۰۰۰۰	۸۲۸/۱۲۵	۶/۵۴۶۹	۴/۰۲۳۲	۲۶/۹۷۱۴	۲۹/۲۰۶۴	۸۸۹/۴۵۳

نتایج آزمون مانایی داده‌ها

نتایج آزمون مانایی متغیرها به شرح نگاره (۳) است. نتایج نشان می‌دهد فرضیه‌ی صفر مبتنی بر ریشه واحد متغیرها یا نامانایی آن‌ها در سطح ۰/۰۵ اطمینان رد می‌شود و تمامی متغیرهای پژوهش مانا می‌باشند.

نگاره (۳): نتایج آزمون ریشه واحد با استفاده از آزمون هادری

وضعیت مانایی	آزمون هادری		نماد متغیر
	آماره آزمون	(prob)	
مانا	۲۲/۰۰۷۳	۰/۰۰۰۰	$\frac{I_{i,t}}{K_{i,t-1}}$
مانا	۲۱/۸۵۰۰	۰/۰۰۰۰	$\frac{CF_{i,t}}{K_{i,t-1}}$
مانا	۱۴/۲۰۲۲	۰/۰۰۰۰	$Q_{i,t-1}$
مانا	۱۱/۶۱۸۶	۰/۰۰۰۰	(۱) $LEVERAGE_{i,t-1}$
مانا	۱۰/۵۶۲۹	۰/۰۰۰۰	(۲) $LEVERAGE_{i,t-1}$
مانا	۵/۰۴۸۲	۰/۰۰۰۰	$\frac{SALE_{i,t-1}}{K_{i,t-1}}$

نتایج آزمون فرضیه اول

فرضیه اول تحقیق به بررسی رابطه اهرم مالی با سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد.

بر اساس نتایج آزمون F تعمیم یافته، شیوه داده‌های تلفیقی برای برآورد رگرسیون برگزیده شد. بعلاوه نتایج مدل رگرسیون در نگاره (۴) نشان می‌دهد توان توضیح دهندگی مدل (ضریب تعیین تعدیل شده) در صورت برآورد با هر یک از شاخص‌های اهرم مالی در مدل ۱، به ترتیب ۹۷/۲۹ درصد و ۹۳/۰۲ درصد است. آزمون‌های وایت و نگاره ضریب همبستگی نشان داد مفروضات رگرسیون برقرار است. در مدل برآوردی به تفکیک هر شاخص اهرم مالی، جریان وجه نقد عملیاتی به ترتیب با سطح معناداری (۰/۰۲۶۰) و (۰/۰۴۶۷) رابطه مثبت و معنادار با سرمایه‌گذاری دارد. شاخص اول اهرم مالی با سطوح معناداری (۰/۰۱۲۶) رابطه منفی و معنی‌داری با سرمایه‌گذاری و شاخص دوم اهرم مالی با سطوح معناداری (۰/۰۰۰۲) رابطه مثبت و معنی‌داری با سرمایه‌گذاری دارد. فروش در مدل برآوردی به تفکیک هر شاخص، به ترتیب با سطوح معناداری (۰/۰۰۲۹) و (۰/۰۰۱۹) دارای رابطه مثبت و معنی‌داری با سرمایه‌گذاری است. بنابراین فرضیه اول با استفاده از شاخص اول اهرم مالی تأیید شد. این نتایج با نتایج سانگ (۲۰۰۹)، مایکل فیرم و همکاران (۲۰۰۹)، اوموتلو (۲۰۰۹)، سیونگیپیل آه و همکاران

(۲۰۰۶) و اروج ایوازیان و همکاران (۲۰۰۵)، ایکسنلی و همکاران (۲۰۰۶)، لانگ و همکاران (۱۹۹۶)، نوروش و یزدانی (۱۳۸۹) و کریمی و دیگران (۱۳۸۹) مطابقت دارد.

اگرچه فرضیه اول با استفاده از شاخص دوم اهرم مالی تأیید نشد.

نگاره (۴): تأثیر متغیرهای مستقل بر سرمایه‌گذاری (فرضیه اول، مدل ۱)

اهرم مالی ۲ = $\frac{\text{بدهی‌های بلندمدت}}{\text{جمع دارایی‌ها}}$				اهرم مالی ۱ = $\frac{\text{جمع بدهی‌ها}}{\text{جمع دارایی‌ها}}$			
Prob	آماره t	انحراف معیار	ضریب متغیر توضیحی	Prob	آماره t	انحراف معیار	ضریب متغیر توضیحی
**۰/۰۴۶۷	۱/۹۹۱۲	۰/۰۲۹۴	جریان وجه نقد عملیاتی CFi;t / Ki;t (-1)	**۰/۰۲۶۰	۲/۲۲۹۵	۰/۰۲۸۴	جریان وجه نقد عملیاتی CFi;t / Ki;t (-1)
*۰/۰۰۰۰	۰/۵۰۳۴	۰/۰۱۰۳	نسبت کیو توین (Qi; t-1)	*۰/۰۰۰۰	۴/۹۰۲۱	۰/۰۰۸۷	نسبت کیو توین (Qi; t-1)
*۰/۰۰۰۲	۳/۶۷۷۷	۰/۱۸۸۸	اهرم مالی ۲ LEVERAGEi (;t-1)	**۰/۰۱۳۶	-۱/۴۹۰	۰/۱۰۵۶	اهرم مالی ۱ LEVERAG (E i;t-1)
*۰/۰۰۱۹	۳/۱۱۰۷	۰/۰۱۶۷	فروش SALEi;t-1 (/Ki;t-1)	*۰/۰۰۲۹	۲/۹۸۸۰	۰/۰۱۶۴	فروش SALE i;t-1 (/ Ki;t-1)
**۰/۰۵۱۴	-۱/۹۵۰	۰/۰۷۹۷	ضریب ثابت (C)	۰/۶۲۹۶	۰/۴۸۲۵	۰/۰۵۷۹	ضریب ثابت (C)

نتایج آزمون فرضیه دوم

بر مبنای نتایج آزمون F تعمیم یافته، شیوه داده‌های تلفیقی برای برآورد رگرسیون برگزیده شد. بعلاوه نتایج آزمون‌های وایت و نگاره ضریب همبستگی نشان داد مفروضات رگرسیون

برقرار است. ضریب تعیین مدل هر یک از دو شاخص اهرم مالی به ترتیب ۹۷/۳۱ درصد و ۹۳/۰۳ درصد می‌باشد. نتایج نشان داد، شاخص اول اهرم مالی با سطح معناداری (۰/۰۰۶۳) ارتباط منفی و معناداری با سرمایه‌گذاری دارد و $D \times LEVERAGE$ با سطح معناداری (۰/۰۰۳۱) رابطه مثبت و معنادار با سرمایه‌گذاری دارد که حاکی از وجود رابطه منفی قوی‌تر بین شاخص اول اهرم مالی و سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های با فرصت رشد کمتر در مقایسه با شرکت‌های با فرصت رشد بیشتر است. نتایج با نتایج تحقیقات سانگک با (۲۰۰۹)، اوموتلو (۲۰۰۹)، ایوازیان و دیگران (۲۰۰۵)، لانگک و دیگران (۱۹۹۶) و نوروش (۱۳۸۹) همگراست.

اما شاخص دوم اهرم با سطح معناداری (۰/۰۵۹۰) دارای رابطه مثبت معنادار با سرمایه‌گذاری است و $D \times LEVERAGE$ با سطح معناداری (۰/۴۲۷۳) رابطه معنی‌دار با سرمایه‌گذاری ندارد.

تکراره (۵): تأثیر متغیرهای مستقل بر سرمایه‌گذاری، فرضیه دوم، مدل ۲

اهرم مالی ۲ = $\frac{\text{بدهی‌های بلندمدت}}{\text{جمع دارایی‌ها}}$					اهرم مالی ۱ = $\frac{\text{جمع بدهی‌ها}}{\text{جمع دارایی‌ها}}$				
متغیر توضیحی	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob	متغیر توضیحی	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob
جریان وجه نقد عملیاتی (CFi;t / Ki;t) (-1)	۰/۰۵۸۷	۰/۰۲۹۴	۱/۹۹۸۷	***۰/۰۴۶۲۰۰	جریان وجه نقد عملیاتی (CFi;t / Ki;t) (-1)	۰/۰۶۳۸	۰/۰۲۸۵	۲/۲۳۶۷	***۰/۰۲۲۵
نسبت کیو توین (Qi; t-1)	۰/۰۵۱۷	۰/۰۱۰۲	۵/۰۵۵۴	*/۰/۰۰۰۰	نسبت کیو توین (Qi; t-1)	۰/۰۳۵۶	۰/۰۰۸۷	۴/۰۵۶۴	*/۰/۰۰۰۱
اهرم مالی ۲ (LEVERAGE) (i;t-1)	۰/۰۵۴۶۶	۰/۰۲۸۹۱	۱/۸۹۰۲	***۰/۰۰۵۹۰	اهرم مالی ۱ (LEVERAGE) (i;t-1)	-۰/۰۲۹۹۴	۰/۰۱۰۹۴	-۲/۲۳۶	***۰/۰۰۶۳
متغیر مجازی D در اهرم (D×LEVERA) (GE)	۰/۰۱۸۵۲	۰/۰۲۳۳۳	۰/۰۷۹۴۱	۰/۰۴۲۷۳	متغیر مجازی D در اهرم (D×LEVERA) (GE)	۰/۰۱۴۳۰	۰/۰۴۸۲	۲/۹۶۵۱	*/۰/۰۰۳۱
فروش (SALEi;t-1 /) (Ki;t-1)	۰/۰۰۵۱۹	۰/۰۰۱۶۷	۳/۱۰۷۵	*/۰/۰۰۱۹	فروش (SALE i;t-1 /) (Ki;t-1)	۰/۰۰۴۹۱	۰/۰۰۱۶۳	۳/۰۱۵۸	*/۰/۰۰۲۶
ضریب ثابت (C)	-۰/۰۱۵۵	۰/۰۰۷۹۵	-۱/۹۵۱	***۰/۰۰۵۱۳	ضریب ثابت (C)	۰/۰۰۵۳۲	۰/۰۰۵۷۶	۰/۹۲۳۶	۰/۳۵۵۹

نگاره زیر به طور خلاصه نتایج حاصل آزمون فرضیات اول و دوم را نشان می‌دهد.

نتیجه نهایی فرضیات تحقیق		فرض H1	فرضیه
معیار اهرم ۲	معیار اهرم ۱		
رد می‌شود	پذیرفته می‌شود	بین اهرم مالی و سرمایه‌گذاری شرکت رابطه منفی وجود دارد.	اول
رد می‌شود	پذیرفته می‌شود	شرکت‌های با فرصت رشد کمتر نسبت به شرکت‌های با فرصت رشد بیشتر، دارای رابطه منفی معنادارتری بین اهرم مالی و سرمایه‌گذاری هستند.	دوم

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، ارتباط اهرم مالی با تصمیمات سرمایه‌گذاری بررسی گردید. نتایج نشان داد شاخص اول اهرم با سرمایه‌گذاری منفی و معنی دار و شاخص دوم اهرم مالی با سرمایه‌گذاری رابطه مثبت و معنادار دارد. این نتایج ممکن است به آن دلیل باشد که بیشتر منابع حاصل از تأمین مالی از طریق اهرم مالی، صرف مخارج سرمایه‌ای می‌گردد، به عبارت دیگر شرکت‌ها وجه حاصل از وام‌های بلندمدت را در دارایی‌های ثابت سرمایه‌گذاری می‌کنند.

در فرضیه دوم عامل فرصت‌های رشد به مدل اولیه اضافه شد تا نقش فرصت‌های رشد بر ارتباط بین اهرم مالی و بررسی گردد. نتایج فقط برای شاخص اول اهرم حاکی از وجود رابطه‌ی منفی قوی‌تر بین اهرم مالی و سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های با فرصت رشد کمتر در مقایسه با شرکت‌های با فرصت رشد بیشتر می‌باشد. با اهرمی کردن سرمایه‌گذاری، مدیر باید اصل و بهره این بدهی‌ها را با وجه نقدی پرداخت کند که در نظر داشت در پروژه‌های ضعیف بکار گیرد. بنابراین، اهرم مالی ابزاری برای مقابله با مشکل سرمایه‌گذاری بیش از اندازه است. از این رو ارتباط منفی بین اهرم مالی و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های فرصت‌های رشد کمتر، پذیر است. اما در مورد اندازه دوم اهرم نتایج اینگونه نیست. شواهد بدست آمده از تئوری‌های نمایندگی در مورد اهرم شرکت‌ها، و اینکه اهرم نقش تنظیم‌کننده برای شرکت‌های با فرصت‌های رشد کم دارد، حمایت می‌کند.

به طور کلی، بی‌ثباتی و عدم وجود نظم، در تصمیم‌گیری مدیران شرکت‌های ایرانی در خصوص مخارج سرمایه‌ای مشهود است که می‌توان آن را به ساختار ناقص بازار کشورهای در حال توسعه و بی‌ثباتی در عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان کشور نسبت داد. در چنین محیطی، ریسک ناشی از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، افزایش یافته و امنیت اقتصادی سرمایه‌گذاران به خطر می‌افتد.

پیشنهادات

بر مبنای نتایج بدست آمده از تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

پیشنهاد به سرمایه‌گذاران: اطلاعات گذشته می‌تواند مبنای مناسبی برای تصمیم‌گیری آینده باشد. به استفاده کنندگان صورت‌های مالی از جمله سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد قبل از اتخاذ هرگونه تصمیمی مبنی بر اینکه در چه شرکتی سرمایه‌گذاری کنند، فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت را در سال‌های گذشته، از طریق نسبت‌های معرفی شده در این تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و شرکت‌هایی را انتخاب کنند که دارای نسبت‌های بهتری می‌باشند.

پیشنهاد به مدیران: در تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری فقط به بازده کوتاه‌مدت آن توجه نگردد. زیرا مخارج سرمایه‌ای در بلندمدت باعث افزایش ارزش شرکت و ثروت سهامداران خواهد شد. همچنین ارتقای سطح دانش مالی مدیران برای تصمیم‌گیری صحیح در مورد مخارج سرمایه‌ای امری ضروری است. همچنین با بررسی دقیق فرصت‌های سرمایه‌گذاری از طریق نسبت‌های مالی و استفاده از این فرصت‌ها، زمینه بهبود عملکرد شرکت را فراهم خواهد آورد.

پی‌نوشت

منابع

- تقوی، م. (۱۳۶۹). فرهنگ حسابداران. تهران: انتشارات فروردین.
- سعیدی، پ.، و کلامی، ع. (۱۳۸۸). تأثیر تغییر قانون مالیات بر درآمد شرکت‌ها بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های تولیدی، مجله مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، ۴ (۷)، ۹۳-۱۱۲.
- سینایی، ح.، و رضاییان، ع. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت‌ها بر ساختار سرمایه (اهرم مالی). پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ۵ (۱۹)، ۱۲۳-۱۴۸.
- کریمی، ف.، و اخلاقی، ح.، و رضایی مهر، ف. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر اهرم مالی و فرصت رشد شرکت بر تصمیمات سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۲ (۸)، ۶۰-۷۴.
- مرادی، ح.، و احمدی، غ. (۱۳۹۰). تعیین عوامل مؤثر بر رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در عرصه بازارهای ناقص، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳ (۸)، ۱۲۵-۱۳۶.
- نوروش، ای.، و یزدانی، س. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر اهرم مالی بر سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲ (۴)، ۳۵-۴۸.
- Ahn, S. & Denis, D. (2006). Leverage and investment in diversified firms. *Journal of Financial Economics*, 79, 317–337.
- Aivazian, V. & Ge, Y. & Qiu, J. (2005). The impact of leverage on firm investment: Canadian evidence. *Journal of Corp. Finance*, 11, 277–291.
- Aoun, D. Hwang, J. (2008). The effects of cash flow and size on the investment decisions of ICT firms: A dynamic approach. *Information Economics and Policy*, 20, 120–134.
- Baltagi, B. H. , (2005) , “Econometric Analysis of Panel Data”, 3th ed, John Wiley & Sons Inc, New York.
- DeAngelo , H. & Masulis, R. (1980). Optimal Capital Structure under corporate and personal taxation. *Journal of Financial Economics*, 8, 3-29.
- DeAngelo, H. & Skinner, D. (2000). Special Dividends and the Evolution of Dividend Signaling. *Journal of Financial Economics*, 57, 309–354.
- Firth, M. & Lin, C. & Sonia, M. & Wong, L. (2009). Leverage and investment under a state owned bank lending environment: Evidence from China. *Journal of Corporate Finance*, 14, 642–653.
- Jensen, M. C. (1998). Self-Interest, Altruism, Incentives of Agency Theory. *Foundation of Organizational Strategy*. Harvard University, 30, 323-356.

- Long, C. & Xinlei, Z. (2006). On the relation between the market-to-book ratio, growth opportunity, and leverage ratio. *Finance Research Letters*, 3, 253–266.
- Long, L. E. & Ofek, E. & Stulz, R. (1996). Leverage, Investment and firm growth. *Journal of Financial Economics*, 40, 3 – 29.
- Myers, S. (1977). Determinants of corporate borrowing. *Journal of Financial Economics*, 5, 147-175.
- Sung C. & Bae. (2009). On the interactions of financing and investment decisions. *Managerial Finance*, 35, 69, 1699.
- Umutlu, M, (2009). Firm leverage and investment decisions in an emerging market. *Springer Science+Business Media B. V.*

بررسی تأثیر تعامل بین فرهنگ اخلاقی موسسه حسابداری، هنجارهای تیم حسابداری و ویژگی‌های فردی حسابرسان بر انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات کشف شده

آرزو آقایی چادگانی*، نوشین احمدی**

تاریخ دریافت: ۳۰/۰۶/۹۴

تاریخ پذیرش: ۱۸/۰۹/۹۴

چکیده

نداشتن انگیزه و تمایل به گزارش اشتباهات کشف شده باعث کاهش کیفیت کار حسابرسان و منجر به ورشکستگی موسسه حسابداری می‌شود. در این پژوهش، تأثیر تعامل بین ویژگی‌های فردی حسابرسان، فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابداری و هنجارهای تیم حسابداری بر انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات کشف شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای سنجش تأثیر تعاملی متغیرها، روش تعاملی کاوشگر (MODPROBE) به کار گرفته شده است. رابطه بین متغیرهای پژوهش و فرضیه‌ها با استفاده از تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده توجیه می‌شود. جامعه آماری این پژوهش را شرکای موسسات حسابداری و حسابداران رسمی شاغل در سازمان حسابداری و موسسات حسابداری تشکیل می‌دهند. داده‌های پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که وجود فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابداری و هنجارهای تیم حسابداری باعث تعدیل رابطه بین ویژگی‌های فردی حسابرسان و انگیزه آنها به گزارش اشتباهات کشف شده می‌شود. به این ترتیب که با وجود فرهنگ اخلاقی قوی و هنجارهای اخلاقی در تیم حسابداری، حسابرسان با هر ویژگی شخصیتی تمایل بیشتری برای گزارش اشتباهات کشف شده دارند.

واژه‌های کلیدی: انگیزه گزارش اشتباهات، تیپ شخصیتی حسابرس، کنترل درونی و بیرونی، فرهنگ اخلاقی

در موسسه حسابداری، هنجارهای تیم حسابداری

طبقه‌بندی موضوعی: M42

* استادیار حسابداری، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، (نویسنده مسئول)،

(arezooaghaie2001@yahoo.com)

** مربی حسابداری، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دولت‌آباد، دانشجوی دکتری حسابداری،

(nou.ahmadi@gmail.com)

مقدمه

حسابرسان ملزم به برنامه‌ریزی و انجام مراحل حسابرسی به نحوی هستند که به استفاده‌کنندگان اطمینان دهند صورت‌های مالی عاری از هر گونه اشتباه بااهمیت هستند. در حقیقت گزارش اشتباهات و تقلبات کشف شده، یک رفتار اخلاقی مهم در میان حسابرسان است که به انگیزه آنها بستگی دارد. اگر حسابرسان انگیزه کافی برای گزارش اشتباهات و تقلبات کشف شده نداشته باشند، اشتباهات حتی اگر کشف شوند، گزارش نخواهند شد. نداشتن انگیزه کافی برای گزارش اشتباهات و تقلبات کشف شده توسط حسابرسان باعث کاهش کیفیت کار آنها و منجر به شکست موسسه حسابرسی می‌گردد (موریس، ۱۹۹۵). به دنبال شکست موسسات حسابرسی، قانون‌گذاران قوانین و استانداردهایی چون آئین رفتار حرفه‌ای را برای گسترش رفتار اخلاقی و حرفه‌ای میان حسابرسان وضع نمودند. در حقیقت نهادهای حرفه‌ای حسابداری، دستورالعمل‌هایی از طریق آئین رفتار حرفه‌ای برای ایجاد انگیزه در حسابرسان به منظور افزایش رفتارهای اخلاقی تدوین کرده‌اند (آلینه، ۲۰۱۰). اگر چه طبق آئین رفتار حرفه‌ای، حسابرسان ملزم به گزارش اشتباهات و تخلفات کشف شده در صورت‌های مالی هستند، رفتارهای غیراخلاقی در میان حسابرسان همچنان در حال وقوع است (منک، ۲۰۱۱؛ پاینو و همکاران، ۲۰۱۲). برای مثال، نتایج حاصل از پژوهش اخلاق حرفه‌ای ملی در سال ۲۰۰۷ نشان می‌دهد که رفتار غیراخلاقی حسابرسان هنوز به عنوان یک مشکل جدی در حرفه حسابرسی نیاز به بررسی دارد. همچنین نتایج پژوهش موهده نور (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که تعداد زیادی از حسابرسان درگیر رفتارها و تصمیمات غیراخلاقی می‌شوند که منجر به کاهش کیفیت کار حسابرسی می‌گردد. بر اساس نظریه واتس و زیمرمن (۱۹۸۶)، حتی اگر حسابرسان تجربه و دانش کافی برای کشف اشتباهات و تقلبات داشته باشند، اما انگیزه لازم را برای گزارش اشتباهات کشف شده نداشته باشند، کیفیت کار حسابرسی به دلیل گزارش نشدن اشتباهات کشف شده، زیر سوال می‌رود (والترز و دانگول، ۲۰۰۶).

به دلیل اهمیت این موضوع و به منظور افزایش کیفیت کار حسابرسان، بررسی عوامل موثر بر انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات و تقلبات کشف شده، لازم و ضروری است. طبق تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، انگیزه افراد تحت تأثیر عوامل فردی، شرکتی و تیمی قرار می‌گیرد. پژوهش‌های اخیر به مطالعه اثرات متقابل این عوامل به منظور بسط تئوری رفتار

برنامه‌ریزی شده در حوزه‌های مختلف می‌پردازند. به همین دلیل در این پژوهش، به منظور بسط تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده و کشف راه‌های افزایش کیفیت کار حساب‌برسان، به بررسی اثر متقابل ویژگی‌های شخصیتی حساب‌برسان، فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی و هنجارهای تیم حسابرسی بر انگیزه حساب‌برسان به گزارش اشتباهات کشف شده پرداخته شده است. در حقیقت در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که آیا تعامل ویژگی‌های فردی، فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی و هنجارهای تیم حسابرسی انگیزه حساب‌برسان به گزارش اشتباهات کشف شده را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش‌های اخیر نشان داده، بسیاری از حساب‌برسان درگیر رفتارهای غیراخلاقی می‌شوند که باعث کاهش کیفیت کار آن‌ها می‌گردد (پاینو و همکاران، ۲۰۱۲؛ احمر احمد، ۲۰۱۱ و موهده نور، ۲۰۱۱). به همین دلیل، تعیین عوامل موثر بر انگیزه حساب‌برسان به انجام رفتارهای اخلاقی و حرفه‌ای از اهمیت زیادی برخوردار است. بعضی از این پژوهش‌ها به بررسی ویژگی‌هایی چون جنسیت، سن، تحصیلات و دیگر خصوصیات حساب‌برسان پرداخته‌اند (چین و چیو، ۲۰۰۸؛ هاردیس و همکاران، ۲۰۱۰؛ گول و همکاران، ۲۰۱۱).

براساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده (TPB)، انگیزه حساب‌برسان به گزارش اشتباهات و تقلبات کشف شده تحت تأثیر دو گروه عوامل فردی و عوامل سازمانی قرار می‌گیرد. رفتار حساب‌برسان منعکس‌کننده ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها است (پاینو و همکاران، ۲۰۱۰). برای مثال، طبق نظر باسام (۲۰۰۹)، افرادی که از نظر ویژگی‌های شخصیتی بیشتر تمایل به رفتارهای اخلاقی و حرفه‌ای دارند، انگیزه بیشتری برای انجام این رفتارها و گرفتن تصمیمات اخلاقی دارند. بنابراین، ویژگی‌های شخصیتی حساب‌برسان تأثیر مهمی بر انگیزه رفتاری آن‌ها دارد (وانگ و همکاران، ۲۰۱۲). علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی، طبق تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، عوامل محیطی شامل عوامل شرکتی و تیمی می‌تواند انگیزه حساب‌برسان را تحت تأثیر قرار دهد.

ندسون و تان (۲۰۰۵) معتقدند که ویژگی‌های شخصیتی حساب‌برسان تأثیر بااهمیتی بر انگیزه رفتاری آن‌ها دارد. در حقیقت ویژگی‌های فردی و شخصیتی حساب‌برسان (عوامل فردی) که

می‌تواند تحت تأثیر عوامل محیطی قرار گیرد، نقش مهمی در انگیزه افراد به انجام رفتارهای حرفه‌ای دارد. این عوامل فردی شامل تیپ شخصیتی و مرکز کنترل درونی و بیرونی هستند. طبق تئوری تیپ شخصیتی، افراد یا دارای تیپ شخصیتی A و یا دارای تیپ شخصیتی B هستند. افراد با تیپ شخصیتی A دارای گرایش بیشتری به اخلاقی رفتار کردن نسبت به افراد با تیپ شخصیتی B هستند (منک، ۲۰۱۱). مرکز کنترل درونی و بیرونی که برای تشریح رفتار افراد در سازمان‌ها بکار می‌رود، نشان‌دهنده اعتقاد افراد درباره میزان کنترلشان بر رفتار آن‌ها است (چیو، ۲۰۰۳).

اگرچه تمرکز بیشتر محققان پیشین بر عوامل فردی بوده، طبق تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، عوامل محیطی که در محیط حسابرسی شامل عوامل شرکتی و تیمی هستند نیز می‌توانند انگیزه حسابرسان به انجام رفتارهای اخلاقی را تحت تأثیر قرار دهند. فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی از جمله عوامل شرکتی است که می‌تواند حسابرسان را به حرفه‌ای و اخلاقی رفتار کردن تشویق کند. شافر و سایمون (۲۰۱۰) معتقدند فرهنگ اخلاقی سازمان بر قضاوت‌های اخلاقی و انگیزه‌های رفتاری تأثیر دارد. طبق نتایج تحقیق آن‌ها، فرهنگ سازمانی که شامل قوانین قوی اخلاقی است، به طور با اهمیتی احتمال انجام رفتارهای غیر اخلاقی را کاهش می‌دهد. همچنین آئینه و همکاران (۲۰۱۳) معتقدند به دلیل اینکه حسابرسان به صورت تیمی کار می‌کنند و گاهاً تصمیمات گروهی اتخاذ می‌کنند، هنجارها و قوانین وضع شده در تیم حسابرسی نیز می‌تواند رفتارهای حسابرسان را تحت تأثیر قرار دهد.

با اینکه برخی از پژوهش‌های پیشین بر تأثیر ویژگی‌های فردی حسابرسان تأکید داشته‌اند، اخیراً پژوهش‌هایی انجام شده که سعی در یافتن ترکیب تأثیر عوامل فردی و عوامل سازمانی بر رفتارهای اخلاقی و غیر اخلاقی حسابرسان دارد (سویینی و همکاران، ۲۰۱۳). آئینه و همکاران (۲۰۱۳) تأثیر هنجارهای تیم حسابرسی را بر انگیزه افشای تقلب در میان حسابرسان مورد سنجش قرار دادند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد در موسسات حسابرسی که هنجارهای تیم حسابرسی تأکید بر رفتارهای اخلاقی دارند، حسابرسان بیشتر تمایل به افشای تقلبات کشف شده دارند. مونتنگرو و براس (۲۰۱۵) به بررسی رابطه بین جنسیت شرکای موسسه حسابرسی و کیفیت کار آن‌ها پرداختند. کیفیت حسابرسی در این پژوهش از طریق کیفیت سود صاحبکاران

اندازه‌گیری شده است. آن‌ها دریافته‌اند که رابطه معناداری بین جنسیت شرکای موسسات حسابرسی و کیفیت کار آن‌ها وجود دارد.

در داخل کشور نیز پژوهش‌هایی در زمینه ویژگی‌های شخصیتی حسابرسان انجام شده است. برای مثال، مدرس و رحمانی (۱۳۹۰) در پژوهشی به تعیین و بررسی ویژگی‌های شخصیتی حسابداران اعم از دانشجویان و افراد حرفه‌ای پرداختند. آن‌ها از پرسشنامه پنج عاملی نئو استفاده کردند و به این نتیجه رسیدند که از نظر آماری بین نوع ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان حسابداری و افراد حرفه‌ای تفاوت معناداری وجود ندارد و اکثر نمونه‌ها دارای ویژگی‌های شخصیتی بیداری وجدان هستند. همچنین، شهبازی (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر عامل جنسیت بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسان داخلی پرداخت. یافته‌ها نشان داد، جنسیت بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسان داخلی از مجرای ویژگی‌های شخصیتی بر فرایند ارزیابی ریسک تأثیر معناداری دارد. در نتیجه جنسیت را می‌توان عاملی دانست که اظهار نظر نهایی حسابرسان داخلی پیرامون ارزیابی و مدیریت ریسک سازمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اردکانی (۱۳۹۴) به بررسی رابطه حرفه‌گرایی و ویژگی‌های شخصیتی حسابرسان ایرانی پرداخت. نمونه این پژوهش شامل ۲۳۹ نفر از حسابرسان شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات خصوصی حسابرسی بودند. با استفاده از پرسشنامه و آزمون مقایسه میانگین دو جامعه، نتایج پژوهش نشان داد، حرفه‌گرایی با ویژگی‌های شخصیتی حسابرسان رابطه معناداری دارد. مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد، تأثیر تعاملی عوامل شرکتی و تیمی با ویژگی‌های شخصیتی بر انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات کشف شده به عنوان یک رفتار اخلاقی، بررسی نشده و در این پژوهش برای اولین بار مورد بررسی قرار گرفته است.

مدل پژوهش

در این پژوهش متغیر وابسته انگیزه حسابرس به گزارش اشتباهات کشف شده، متغیرهای مستقل ویژگی‌های شخصیتی شامل تیپ شخصیتی و مرکز کنترل درونی و بیرونی و متغیرهای تعدیل‌کننده فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی و هنجارهای تیم حسابرسی هستند. براساس چارچوب مفهومی پژوهش، یک مدل رگرسیون چندگانه برای بررسی فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر استفاده شده است:

$$RI = \beta_0 + \beta_1 PT + \beta_2 LOC + \beta_3 EC + \beta_4 TN + \beta_5 PT * EC + \beta_6 LOC * EC + \beta_7 PT * TN + \beta_8 LOC * TN + \varepsilon \quad (1) \text{ مدل}$$

در این مدل RI انگیزه حسابرسی به گزارش اشتباهات کشف شده، PT تیپ شخصیتی، LOC مرکز کنترل درونی و بیرونی، EC فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی و TN هنجارهای تیم حسابرسی هستند.

فرضیه‌های پژوهش

- اثر فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی بر رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و انگیزه حسابرسان

کاپلان و همکاران (۲۰۱۱) معتقدند عوامل یا متغیرهای تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، مستقل از هم نیستند. به همین دلیل پژوهش‌های سال‌های اخیر به دنبال بررسی وجود اثر تعاملی بین عوامل فردی و سازمانی هستند. بر طبق این تئوری، هر چند ویژگی‌های شخصیتی حسابرسان بر انگیزه آن‌ها به گزارش اشتباهات تأثیرگذار است، اما این رابطه ممکن است تحت تأثیر عوامل شرکتی مانند فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی قرار گیرد.

فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی به عنوان یک عامل مهم بازدارنده رفتارهای غیراخلاقی شناخته شده است (داگلاس و همکاران، ۲۰۰۱). پژوهش‌های بسیاری به این نتیجه رسیده‌اند که تصمیم‌گیری‌های حسابرسان تحت تأثیر فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی قرار می‌گیرد (پونمون، ۱۹۹۲؛ وینسور و اشکاناسی، ۱۹۹۶ و داگلاس و همکاران، ۲۰۰۱). سووینی و همکاران (۲۰۱۳) دریافتند که فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی بر انگیزه حسابرسان تأثیر داشته و از درگیر شدن به رفتارهای غیراخلاقی پیشگیری می‌کند.

در حقیقت، در موسساتی که سرپرستان و مدیران، افراد را تشویق به رفتار اخلاقی می‌کنند و رفتارهای اخلاقی مورد تشویق و رفتارهای غیراخلاقی تنبیه می‌شوند، رفتارهای اخلاقی بیشتر دیده می‌شود. بنابراین، وجود فرهنگ اخلاقی قوی در موسسه حسابرسی می‌تواند حسابرسان را تشویق به انجام رفتارهای اخلاقی کند. از این رو، حتی اگر حسابرسان دارای ویژگی‌های شخصیتی باشند که تمایل زیادی به اخلاقی رفتار کردن نداشته باشند (تیپ شخصیتی B و

مرکز کنترل بیرونی)، با وجود فرهنگ اخلاقی قوی در موسسه، انگیزه این افراد به اخلاقی رفتار کردن افزایش خواهد یافت. بنابراین، فرضیه اول و دوم این پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه اول: فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی باعث افزایش انگیزه حسابرسان (با تیپ شخصیتی A و B) به گزارش اشتباهات کشف شده می‌شود.

فرضیه دوم: فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی باعث افزایش انگیزه حسابرسان (با مرکز کنترل درونی و بیرونی) به گزارش اشتباهات کشف شده می‌شود.

- اثر هنجارهای تیم حسابرسی بر رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و انگیزه حسابرس

هنجارهای تیم حسابرسی اعتقادات گروه نسبت به رفتارهای اخلاقی است که از اعضای گروه انتظار می‌رود انجام دهند (هودیب و همکاران، ۲۰۱۲). هنجارهای تیم رفتار افراد را هدایت می‌کند و برای اعضا رهنمودی ایجاد می‌کند (دی جونگ و همکاران، ۲۰۰۵). نارایانان و همکاران (۲۰۰۶) به این نتیجه رسیدند که اگر هنجارهای تیم رفتارهای اخلاقی را حمایت کنند، افراد تمایل بیشتری به اخلاقی رفتار کردن دارند. به عبارت دیگر، هنجارهای تیم حسابرسی می‌تواند فشاری بر اعضای تیم وارد کند که طبق دستورالعمل‌ها و قوانین رفتار کنند. بنابراین، در صورت وجود هنجارهای قوی و مبتنی بر رفتارهای اخلاقی در تیم حسابرسی، حسابرسان با داشتن ویژگی‌های شخصیتی مختلف (تیپ شخصیتی A و B) (مرکز کنترل درونی و بیرونی)، انگیزه بیشتری برای اخلاقی رفتار کردن و گزارش اشتباهات کشف شده دارند. بنابراین، فرضیه سوم و چهارم این پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه سوم: هنجارهای تیم حسابرسی باعث افزایش انگیزه حسابرسان (با تیپ شخصیتی A و B) به گزارش اشتباهات کشف شده می‌شود.

فرضیه چهارم: هنجارهای تیم حسابرسی باعث افزایش انگیزه حسابرسان (با مرکز کنترل درونی و بیرونی) به گزارش اشتباهات کشف شده می‌شود.

روش پژوهش

این تحقیق در حوزه پژوهش‌های رفتاری و از لحاظ هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. همچنین بر حسب روش، جزء پژوهش‌های همبستگی می‌باشد، یعنی به دنبال تعیین رابطه بین دو یا چند متغیر است.

قلمرو پژوهش

قلمرو موضوعی این پژوهش، بررسی رابطه تعاملی بین ویژگی‌های شخصیتی حساب‌رسان، فرهنگ اخلاقی و هنجارهای تیم حسابرسی با انگیزه حساب‌رسان به گزارش اشتباهات کشف شده است. قلمرو زمانی سال ۱۳۹۳ و قلمرو مکانی شامل موسسات حسابرسی و سازمان حسابرسی می‌باشد.

جامعه آماری و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش را شرکای موسسات حسابرسی و حسابداران رسمی شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی تشکیل می‌دهند. از آنجا که آمار رسمی از تعداد حساب‌رسان در موسسه‌های حسابرسی و سازمان حسابرسی در دسترس نیست، تعداد جامعه آماری نامشخص فرض شده است. با توجه به رابطه (۲) حجم نمونه حدود ۱۷۰ نفر محاسبه شد. با در نظر گرفتن پرسشنامه‌هایی که امکان برگشت آن‌ها وجود نداشت، ۵۰۰ پرسشنامه بین اعضای جامعه آماری توزیع شد. از بین پرسشنامه‌های توزیع شده در بین اعضای نمونه، ۲۳۴ پرسشنامه جمع‌آوری شد. بنابراین، نرخ بازگشت در حدود ۴۷ درصد بود.

$$(1) \delta = \frac{\max(x_i) - \min(x_i)}{6} = \frac{5 - 1}{6} = 0.667$$

$$(2) n = \frac{\max}{\alpha^2} = \frac{1.96^2 * 00.66^2}{0.01^2} = 170$$

نحوه جمع‌آوری داده‌ها

در این پژوهش، داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده است. پرسشنامه پژوهش شامل ۵ بخش است. بخش اول سناریویی را مطرح کرده و از حساب‌رسان در مورد انگیزه او به گزارش اشتباهات کشف شده سوال می‌کند که این بخش برای اندازه‌گیری متغیر وابسته،

انگیزه حسابرس به گزارش اشتباهات کشف شده، استفاده شده است. سناریوی این پژوهش از تحقیق منک (۲۰۱۱) اقتباس شده است که میزان انگیزه حسابرسان را به گزارش اشتباهات کشف شده اندازه‌گیری می‌کند. بخش دوم تیپ شخصیتی حسابرسان و بخش سوم کنترل درونی و بیرونی آنها را اندازه‌گیری می‌کند. برای اندازه‌گیری کنترل درونی و بیرونی، پرسشنامه طراحی شده توسط اسپکتور (۱۹۸۸) استفاده شده است. بر طبق این پرسشنامه، افراد به دو گروه افراد با کنترل درونی و افراد با کنترل بیرونی تقسیم می‌شوند. این پرسشنامه شامل ۱۶ سوال است. ۸ سوال مربوط به کنترل درونی و ۸ سوال مربوط به کنترل بیرونی هستند. برای اندازه‌گیری تیپ شخصیتی، پرسشنامه طراحی شده توسط بلومتال، به دلیل استفاده متعدد از آن در پژوهش‌های سازمانی، مورد استفاده قرار گرفته است (بلومتال و همکاران، ۱۹۸۵، فیشر، ۲۰۰۱). بر طبق این پرسشنامه افراد به دو گروه افراد با تیپ شخصیتی A و افراد با تیپ شخصیتی B تقسیم می‌شوند. این پرسشنامه شامل ۳۸ ویژگی شخصیتی است. ۷ مورد مربوط به تیپ شخصیتی B و بقیه مربوط به تیپ شخصیتی A هستند.

بخش چهارم پرسشنامه، فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی و بخش پنجم، هنجارهای تیم حسابرسی را اندازه‌گیری می‌کند. برای اندازه‌گیری فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی، پرسشنامه ECQ که توسط کی (۱۹۹۹) طراحی شده است استفاده شد. ECQ نظر افراد در مورد میزان اجرای قوانین مربوط به فرهنگ اخلاقی در سازمان را مورد سنجش قرار می‌دهد. این پرسشنامه دارای ۱۸ سوال است. برای اندازه‌گیری هنجارهای تیم حسابرسی، پرسشنامه‌ای که توسط دی جونگ و همکاران (۲۰۰۵) طراحی شده است، استفاده شد. این پرسشنامه نظر افراد در مورد میزان اجرای قوانین مربوط به هنجارهای تیم حسابرسی را می‌سنجد. این پرسشنامه دارای ۴ سوال است.

روایی و پایایی پرسشنامه

در این بررسی از روایی محتوایی استفاده شده است. به این منظور، پس از طراحی پرسشنامه با کمک پرسشنامه‌های پژوهش‌های پیشین، جهت اطمینان و بررسی بیشتر، پرسشنامه طراحی شده مورد تحلیل اساتید دانشگاه با تجربه کار حسابرسی قرار گرفت و پس از اعمال نظرات و پیشنهادات آنها، توسط ۳۰ نفر از حسابرسان که به طور تصادفی انتخاب شدند، تکمیل شد.

سپس، با کمک خروجی نرم افزار SPSS، میزان آلفای کرونباخ به منظور سنجش اعتبار پرسشنامه محاسبه شد. میزان آلفای کرونباخ استخراج شده برای ۳۰ نمونه بررسی شده، ۰/۸۵ بود که نشان دهنده اعتبار بالای پرسشنامه است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج پژوهش

آمار توصیفی

در نگاره ۱، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. براساس مقدار انحراف استاندارد متغیرها، می‌توان نتیجه گرفت، در تمامی متغیرها پراکندگی متوسطی وجود دارد. همچنین ارقام این نگاره نشان می‌دهد که با توجه به میانگین متغیر فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی و همچنین متغیر هنجارهای تیم حسابرسی که بالای ۳ هستند، حسابرسان معتقدند که موسسه حسابرسی که در آن مشغول به کار هستند از سطح بالایی از فرهنگ اخلاقی برخوردار است و هنجارهای تیم حسابرسی در بین کارکنان آن اجرا می‌شود.

قسمت دوم این نگاره نشان می‌دهد که تعداد بیشتری از حسابرسان دارای تیپ شخصیتی A هستند و همچنین تعداد بیشتری از پاسخ‌دهندگان (حسابرسان) دارای مرکز کنترل درونی یا به عبارتی درونگرا هستند.

تکانه (۱): آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش

الف: آمارهای توصیفی متغیرهای طبقه بندی شده				
متغیرها	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	میانگین	انحراف معیار
انگیزه حسابرس	۵	۱	۳/۶	۱/۰۳
فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی	۵	۱/۲۵	۳/۴۳	۰/۹۸
هنجارهای تیم حسابرسی	۵	۱	۳/۴۲	۱/۱
ب: آمارهای توصیفی متغیرهای طبقه بندی نشده				
متغیرها	مقدار (تعداد)		درصد	
تیپ شخصیتی A	۹۱ ۱۴۳		۶۱	
تیپ شخصیتی B			۳۹	
جمع	۲۳۴		۱۰۰	
مرکز کنترل درونی	۱۰۵ ۱۲۹		۵۵	
مرکز کنترل بیرونی			۴۵	
جمع	۲۳۴		۱۰۰	

پیش فرض‌های مدل رگرسیون چندگانه

مدل رگرسیون چندگانه رابطه بین چند متغیر مستقل را با یک متغیر وابسته توضیح می‌دهد. مدل رگرسیون چندگانه بر مبنای چند پیش فرض تبیین می‌شود. مهمترین این پیش فرض‌ها، فرض نرمال بودن و خودهمبستگی بین متغیرهای مستقل می‌باشد.

- فرض نرمال بودن

یکی از پیش فرض‌های مهم مدل رگرسیون بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش است. با توجه به قضیه حد مرکزی زمانی که تعداد داده‌ها بیشتر از ۳۰ مورد باشد، فرض می‌شود که توزیع متغیرها به شکل نرمال است. تعداد نمونه‌ها در این پژوهش بیشتر از مقدار فوق بوده و فرض می‌شود متغیرها از توزیع نرمال برخوردار می‌باشد.

- هم خطی بین متغیرهای مستقل

نگاره ۲ همبستگی بین متغیرهای پژوهش را با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن، نشان می‌دهد. برای آزمون همبستگی بین فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی و هنجارهای تیم حسابرسی با انگیزه حسابرسی به گزارش اشتباهات، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. در صورتی که برای تیپ شخصیتی و مرکز کنترل درونی و بیرونی که متغیرهای پیوسته نیستند، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که تمام متغیرهای مستقل پژوهش با متغیر وابسته (انگیزه گزارش اشتباهات) وابستگی دارند.

نگاره (۲): نتایج همبستگی

مرکز کنترل	تیپ شخصیتی	هنجارهای تیم	فرهنگ اخلاقی	انگیزه گزارش اشتباهات	
				۱	انگیزه گزارش اشتباهات
			۱	۰/۴۹۹	فرهنگ اخلاقی
		۱	۰/۵۶۶	۰/۴۹۷	هنجارهای تیم
	۱	۰/۴۵۴	۰/۴۵۲	۰/۴۷۶	تیپ شخصیتی
۱	۰/۳۸۲	۰/۴۴۸	۰/۴۸۳	۰/۴۴۴	مرکز کنترل

با توجه به نتایج نگاره ۲، مقدار ضریب همبستگی باید برابر یا کمتر از ۰/۹ باشد. نتایج نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی بین متغیرهای مستقل حاکی از این است که مقدار ضریب برای تمام متغیرها زیر ۰/۹ است. بنابراین هم خطی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد. همچنین نتایج آزمون VIF نشان داد که مقدار آن برای تمام متغیرها کمتر از عدد ۲ می‌باشد. در نتیجه، مشکل خودهمبستگی بین متغیرهای پژوهش وجود ندارد.

نتایج مدل رگرسیون

نگاره ۳ رابطه بین تمام متغیرهای این پژوهش را نشان می‌دهد.

تکانه (۳): نتایج مدل رگرسیون

انگیزه گزارش اشتباهات			
sig	آماره t	ضریب	
۰/۰۰	۰/۵۱۹		مقدار ثابت
۰/۰۰	۳/۰۵۳	۰/۲۴۲	تیپ شخصیتی (PT)
۰/۰۱	۲/۳۳۷	۰/۱۶۳	مرکز کنترل (LOC)
۰/۰۲	۳/۲۹۴	۰/۱۹۹	فرهنگ اخلاقی (EC)
۰/۰۱	۲/۱۲۴	۰/۱۶۶	هنجارهای تیم (TN)
۰/۶۶	-۰/۴۴	-۰/۰۶	اثر تعاملی تیپ شخصیتی و فرهنگ اخلاقی (PT × EC)
۰/۰۲	-۲/۲۷	-۰/۳۲	اثر تعاملی تیپ شخصیتی و هنجارهای تیم (PT × TN)
۰/۰۲	-۲/۲۹	-۰/۳۵	اثر تعاملی مرکز کنترل و فرهنگ اخلاقی (LOC × EC)
۰/۰۰	-۲/۸۷	-۰/۴۰	اثر تعاملی مرکز کنترل و هنجارهای تیم (LOC × TN)
$۰/۳۳R^2 =$ $۲۸/۶۶F\text{-value} =$ $۰/۰۵P <$			

نتایج نگاره ۳ نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین تمام متغیرهای مستقل و متغیر وابسته وجود دارد. ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۳۳ است که نشان‌دهنده این است که ۳۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل استفاده شده در مدل قابل توضیح است. مقدار آماره F برابر با ۲۸/۶۶ برای این مدل است که در سطح ۰/۱ خطا از نظر آماری معنی‌دار است. مقدار بتا یا ضریب در نگاره حاکی از این است که رابطه مثبت و با اهمیتی بین تیپ شخصیتی، مرکز کنترل درونی و بیرونی، فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی و هنجارهای تیم حسابرسی با انگیزه گزارش اشتباهات وجود دارد. همچنین مقدار بتا نشان می‌دهد که تیپ شخصیتی بیشترین تأثیر را بر انگیزه گزارش اشتباهات دارد. همچنین طبق نتایج نگاره ۳، اثر تعاملی تیپ شخصیتی و هنجارهای تیم حسابرسی و همچنین اثر تعاملی مرکز کنترل با فرهنگ

اخلاقی در موسسه حسابرسی و هنجارهای تیم حسابرسی بر انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات کشف شده معنی دار بوده است.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

در فرضیه اول و دوم پیش بینی شده بود که فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی باعث افزایش انگیزه حسابرسان با تیپ شخصیتی A و B و همچنین حسابرسان با مرکز کنترل درونی و بیرونی می‌شود. نتایج مدل رگرسیون نشان داد ارتباط معنی داری بین تمام این متغیرها و انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات کشف شده وجود دارد. با این وجود به منظور تایید جهت اثر تعاملی از آزمون MODPROBE استفاده شد. نتایج این آزمون به شرح زیر می‌باشد:

نگاره (۴): نتایج اثر تعاملی مرکز کنترل و فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی

انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات	نتایج آزمون MODPROBE			
	B	S. E	t	p
سطوح فرهنگ اخلاقی				
مرکز کنترل درونی و بیرونی				
سطح پایین فرهنگ اخلاقی	۰/۱۸	۰/۲۱	۰/۸۵	۰/۳۹
سطح متوسط فرهنگ اخلاقی	۰/۵۳	۰/۱۵	۳/۵	۰/۰۰
سطح بالای فرهنگ اخلاقی	۰/۸۸	۰/۲۱	۴/۰۹	۰/۰۰

نتایج در نگاره ۴ نشان می‌دهد فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی بر رابطه بین مرکز کنترل درونی و بیرونی و انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات کشف شده تأثیر معنی داری دارد. نتایج نشان می‌دهد رابطه بین مرکز کنترل و انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات در سطوح بالاتر فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی قویتر است.

در فرضیه سوم و چهارم پیش‌بینی شده بود که هنجارهای تیم حسابرسی باعث افزایش انگیزه حسابرسان با تیپ شخصیتی A و B و همچنین حسابرسان با مرکز کنترل درونی و بیرونی می‌شود. نتایج مدل رگرسیون نشان داد ارتباط معنی داری بین تمام این متغیرها و انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات کشف شده وجود دارد. با این وجود به منظور تایید جهت اثر تعاملی از آزمون MODPROBE استفاده شد. نتایج این آزمون به شرح زیر می‌باشد:

نگاره (۵): نتایج اثر تعاملی تیپ شخصیتی، مرکز کنترل و هنجارهای تیم حسابرسی

سطوح هنجارهای تیم حسابرسی	انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات			
	B	S. E	T	P
تیپ شخصیتی				
سطح پایین هنجارهای تیم	۰/۲۹	۰/۲۲	۱/۲۹	۰/۱۹
سطح متوسط هنجارهای تیم	۰/۶۵	۰/۱۶	۴/۰۷	۰/۰۰
سطح بالای هنجارهای تیم	۱/۰۱	۰/۲۱	۴/۶۱	۰/۰۰
مرکز کنترل درونی و بیرونی				
سطح پایین هنجارهای تیم	۰/۱۲	۰/۲۰	۰/۶۱	۰/۵۳
سطح متوسط هنجارهای تیم	۰/۵۷	۰/۱۵	۳/۸۲	۰/۰۰
سطح بالای هنجارهای تیم	۱/۰۲	۰/۲۲	۴/۵۶	۰/۰۰

نتایج در نگاره ۵ نشان می‌دهد هنجارهای تیم حسابرسی بر رابطه بین تیپ شخصیتی و انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات کشف شده تأثیر معنی‌داری دارد. نتایج نشان می‌دهد رابطه بین تیپ شخصیتی و انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات در سطوح بالاتر هنجارهای تیم حسابرسان قویتر است. همچنین هنجارهای تیم حسابرسان بر رابطه بین مرکز کنترل درونی و بیرونی و انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات کشف شده تأثیر معنی‌داری دارد. طبق نتایج رابطه بین مرکز کنترل و انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات در سطوح بالاتر هنجارهای تیم حسابرسان قویتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت انگیزه رفتاری حسابرسان، پژوهش‌های اندکی در این زمینه در ایران انجام شده است. در این پژوهش اثر تعدیل‌کنندگی فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسان و هنجارهای تیم حسابرسان به عنوان عوامل محیطی بر رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی حسابرسان و انگیزه آنها به گزارش اشتباهات کشف شده بررسی شده است. در حقیقت هدف اصلی از انجام این پژوهش یافتن راه‌های افزایش انگیزه حسابرسان به اخلاقی رفتار کردن با استفاده از تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بود. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد، فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسان تنها رابطه بین مرکز کنترل درونی و بیرونی و انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات کشف شده را تعدیل می‌کند. نتایج نشان داد حسابرسان با هر دو ویژگی کنترل درونی و

بیرونی انگیزه بیشتری برای گزارش اشتباهات کشف شده در سطوح بالای فرهنگ اخلاقی نسبت به سطوح پایین آن دارند. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش باکر و همکاران (۲۰۰۶) هماهنگ است که به این نتیجه رسیدند که سطوح بالای فرهنگ اخلاقی به طور مثبت و بااهمیت با انگیزه رفتار اخلاقی در ارتباط است. همچنین نتایج این پژوهش با نتایج هوکلبرگ و همکاران (۲۰۱۳) و توروئنگ ماتروت و سویینی (۲۰۱۳) سازگار است. آنها دریافتند که رابطه تعاملی بین عوامل محیطی و عوامل فردی در تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده وجود دارد.

همچنین نتایج آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم نشان داد که هنجارهای تیم حسابرسی رابطه بین ویژگی‌های فردی و انگیزه حسابرس به گزارش اشتباهات کشف شده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حقیقت حسابرسان با مرکز کنترل درونی و بیرونی و همچنین تیپ شخصیتی A و B انگیزه بیشتری برای گزارش اشتباهات کشف شده در سطوح بالای هنجارهای تیم حسابرسی دارند. این نتایج با نتایج آلینه و همکاران (۲۰۱۳) هماهنگ است زیرا آنها به این نتیجه رسیدند، زمانی که هنجارهای تیم حسابرسی قوی هستند و رفتارهای اخلاقی را حمایت می‌کنند، حسابرسان با هر ویژگی شخصیتی تمایل بیشتری برای گزارش اشتباهات کشف شده دارند.

محدودیت‌هایی که در اجرای این پژوهش وجود داشته و در تعبیر و تفسیر نتایج پژوهش و قابلیت تعمیم آن باید مورد ملاحظه قرار گیرد، به شرح زیر است:

۱) این پژوهش طبق تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده از انگیزه رفتاری به جای رفتار واقعی استفاده کرده است. آجرن (۱۹۹۱) در تئوری بیان می‌کند که انگیزه رفتاری، شاخصی برای رفتار واقعی می‌باشد. در صورتی که ممکن است انگیزه رفتاری به رفتار واقعی منجر نگردد. به دلیل حساسیت موضوع گزارش اشتباهات کشف شده، در این پژوهش مانند پژوهش‌های پیشین از انگیزه رفتاری به عنوان شاخصی برای رفتار واقعی استفاده شده است.

۲) یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش استفاده از یک منبع (پرسشنامه) برای جمع‌آوری اطلاعات بوده است. این محدودیت باعث می‌شود نتایج را نتوان تعمیم داد.

۳) در این پژوهش تنها نظر حسابرسان مستقل مورد بررسی قرار گرفته است و انگیزه حسابرسان داخلی و دولتی مورد بررسی قرار نگرفته است. این محدودیت باعث می‌شود نتایج را نتوان به بخش‌های دیگر و سطوح دیگر حسابرسی تعمیم داد.

با توجه به نتایج فرضیه‌های پژوهش پیشنهادهای زیر به موسسات حسابرسی ارائه می‌گردد:

(۱) با توجه به تأثیر فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی بر کیفیت کار حسابرسان، به موسسات حسابرسی پیشنهاد می‌شود نسبت به ایجاد و یا گسترش فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی اقدام کنند.

(۲) با توجه به تأثیر هنجارهای تیم حسابرسی، به موسسات حسابرسی پیشنهاد می‌شود هنجارها و قوانین اخلاقی را برای افزایش کیفیت موسسه خود مورد توجه قرار دهند.

(۳) با توجه به اهمیت عوامل شرکته و تیمی مانند فرهنگ اخلاقی در موسسه حسابرسی و هنجارهای تیم حسابرسی، به سازمان حسابرسی پیشنهاد می‌شود نسبت به ایجاد و حمایت این قوانین تلاش کنند و نسبت به اجرای آنها تأکید داشته باشند.

به منظور انجام پژوهش‌های آتی، پیشنهاد می‌شود رابطه بین انگیزه حسابرسان به گزارش اشتباهات کشف شده و رفتار غیراخلاقی (گزارش نکردن اشتباهات) مورد بررسی قرار گرفته و عوامل موثر بر این رابطه بررسی گردند. همچنین، در پژوهش‌های آتی می‌توان از ابزار دیگری مانند مصاحبه برای گردآوری داده‌ها استفاده کرد و این پژوهش را به صورت کیفی انجام داد.

منابع

- Ahmar Ahmad, S. (2011). Internal Auditors and Internal Whistle-blowing Intentions: A Study of Organizational, Individual, Situational and Demographic Factors. *PhD Dissertation*, Edith Cowan University, Western Australia.
- Ajzen, I. (1991). The Theory of Planned Behaviour. *Organizational Behaviour and Human Decision Processes* 50: 179-211.
- Alleyne, P. A. (2010). The influence of individual, team and contextual factors on external auditors' whistle-blowing intentions in Barbados: towards the development of a conceptual model of external auditors' *whistle-blowing intentions PhD Dissertation*, University of Bradford, Barbados.
- Alleyne, P. A. , M. Hudaib, and R. Haniffa. (2013). A Model of Whistle-blowing Intentions among External Auditors. *Accounting & Finance Association of Australia and New Zealand conference*.

- Baker, R. L. , W. Bealing, D. Nelson and A. B. Staley. (2006). An institutional perspective of the Sarbanes-Oxley Act. *Managerial Auditing Journal*, Vol. 21, No. 1: 23-33.
- Baotham, S. (2009). Audit independence, quality, and credibility: effects on reputation and sustainable success of CPAs in Thailand. *International Journal of Business Research*. Vol. 9, No. 1.
- Blumenthal, J. A. , S. Herman, L. C. O'Toole, T. L. Haney, R. B. Williams and J. C. Barefoot. (1985). Development of a brief self-report measure of the Type A (coronary prone) behavior pattern, *Journal of Psychosomatic Research* 29 (3): 265-274.
- Chin, C. L. , and H. -Y. Chiu. (2008). Reducing restatements with increased industry expertise, *Contemporary Accounting Research* 26 (3): 729-766.
- De Jong, A. , K. De Ruyter and J. Lemmink. (2005). Service climate in self-managing teams: Mapping the linkage of team member perceptions and service performance outcomes in a business-to-business setting. *Journal of Management Studies* 42 (8): 1593-1620.
- Douglas, P. C. , Davidson, R. A and Schwartz, B. N. (2001). The Effect of Organizational Culture and Ethical Orientation on Accountants: Ethical Judgements. *Journal of Business Ethics* 34 (2): 101-121.
- Fisher, R. T. (2001). Role stress, the Type A behaviour pattern, and external auditor job satisfaction and performance. *Behavioural Research in Accounting* 13: 143-170.
- Gul, F. A. , D. Wu, and Z. Yang. (2011). Do Individual Auditors Affect Audit Quality? Evidence from Archival Data. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1888424>.
- Hardies, K. , D. Breesch, and J. Branson. (2010). Are female auditors still women? Analyzing the sex differences affecting audit quality. *Working paper*, available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1409964>.
- Hudaib, M. , Alleyne, P. & Pike, R. (2012). Towards a conceptual model of whistle-blowing intentions among auditors. *British Accounting Review* ISSN 0890-8389.
- Hukkelberg, S. S. , K. A. Hagtvvet, and V. B. Kovac. (2013). Latent interaction effects in the theory of planned behaviour applied to quitting smoking. *British Journal of Health Psychology*: doi: 10. 1111/bjhp. 12034.
- Kaplan, S. E. , K. R. Pope, and J. A. Samuels. (2011). An Examination of the Effect of Inquiry and Auditor Type on Reporting Intentions for Fraud. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 30, No. 4: 29-49.
- Key, S. (1999). Organizational Ethical Culture: Real or Imagined?. *Journal of Business Ethics* 20: 217-225.

- Menk, K. B. (2011). The Impact of Materiality, Personality Traits, and Ethical Position, on Whistle-Blowing Intentions PhD Dissertation, James Madison University, Harrisonburg.
- Mohd Nor, M. N. (2011). Auditor Stress: Antecedents and Relationships to Audit Quality. PhD Thesis, Edith Cowan University, Australia.
- Morris, S. A. , and R. A. McDonald. (1995). The role of moral intensity in moral judgments: An empirical investigation. *Journal of Business Ethics, Vol. 14:* 715-726.
- Narayanan, J. , S. , S. Ronson, & M. Pillutla. (2006). Groups as enablers of unethical behaviour: The role of cohesion on group members' actions. *Ethics in groups: Research on managing groups and teams 8:* 127-147.
- Nelson, M. , & H. Tan. (2005). Judgment and decision making research in auditing: A task, person and interpersonal interaction perspective. *Auditing: A Journal of Practice and Theory 24 (Supplement):* 41-71.
- Paino, H. , M. Smith, and Z. Ismail. (2012). Auditor Acceptance of Dysfunctional Behavior: An Explanatory Model using Individual Factors. *Journal of Applied Accounting Research 13 (1).*
- Ponemon, L. A. (1992). Ethical Reasoning and Selection-Socialization in Accounting. *Accounting, Organizations and Society 17 (3/4):* 239-258.
- Shafer, E. W. , and S. R. Simmons. (2010). Effects of Organizational Ethical Culture on the Ethical Decisions of Tax Practitioners in Mainland China. *Accounting, Auditing and Accountability Journal 24 (5):* 647-668.
- Spector, P. E. (1988). Development of the work locus of control scale. *Journal of Occupational Psychology 61:* 335-340.
- Sweeney, B. , Pierce, B. & Arnold Sr, D. F. (2013). The impact of perceived ethical intensity on audit-quality-threatening behaviours. *Accounting and Business Research 43 (2):* 112-137.
- Trongmateerut, P. , and J. T. Sweeney. (2013). The Influence of Subjective Norms on Whistle-Blowing: A Cross-Cultural Investigation. *Journal of Business Ethics, Vol. 112:* 437-451.
- Walters, J. E. , and R. Dangol. (2006). Ethical Implications of Independent Quality Auditing. *Asian Journal of Information Technology 5 (1):* 107-110
- Wang, Y. , L. Yu, Z. Zhang, and Y. Zhao. (2012). Engaging Audit Partner Experience and Audit Quality. Working Paper.
- Watts, R. L. , and J. L. Zimmerman. (1986). Positive Accounting Theory. *Englewood Cliffs, N. J. Prentice Hall.*

بررسی ضرورت تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی ایران و شناسایی ابعاد آن از دیدگاه خبرگان و دانشگاهیان

غریبه اسماعیلی کیا*، مهناز ملانظری**

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۸/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۰۱

چکیده

هدف این مطالعه بررسی ضرورت تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی و شناسایی ابعاد آن است. بنابراین ضمن پذیرش نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی به عنوان یک سیستم متشکل از خرده نظام‌های مختلف، به دنبال شناسایی ابعاد و تعیین برخی از ویژگی‌های این ابعاد است. بررسی مذکور از طریق اخذ دیدگاه‌های ۴۰ نفر از خبرگان در حوزه تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌ها و ۹۰ نفر از اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی بخش حسابداری دانشگاه‌های دولتی تهران صورت گرفته است. آزمون فرضیه‌ها با استفاده از آزمون دوجمله‌ای و آزمون t انجام شده است. نتایج حاصل از دیدگاه‌های هر دو گروه نشان داد که تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی ضروری بوده و از دیدگاه خبرگان به دلیل استقلال دانشگاه‌ها، ابعاد تحول متفاوت با سایر نهادهای بخش عمومی خواهد بود. تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی مستلزم تحول در سیستم حسابداری مالی آن، استقرار سیستم حسابداری مدیریت و تحول حسابداری از سطح مالی و رعایت به حسابداری عملکرد است.

واژه‌های کلیدی: نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی، دانشگاه‌های دولتی، تحول، سیستم حسابداری مدیریت.

طبقه بندی موضوعی: H83, M41, Q56

* دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهرا (س)، (نویسنده مسئول)، (ghareibeasmaeli@yahoo.com)

** استادیار دانشگاه الزهرا (س)، (mahnaznazari43@gmail.com)

مقدمه

طی دهه‌های اخیر، دانشگاه‌های کشورهای مختلف توسعه یافته و در حال توسعه با تغییرات محیطی قابل توجهی مواجه بوده‌اند. با هدف سازگاری با تغییرات و مدیریت مناسب امور دانشگاه‌ها، کشورهای مختلف تحولاتی در آموزش عالی خود ایجاد نموده‌اند. برای هدایت برنامه‌های تحولات در دانشگاه‌های دولتی، مفاهیم مدیریت عمومی نوین نظیر تمرکززدایی، اصول بازار و تکنیک‌های مدیریت به بخش آموزش عالی معرفی شده است. مدیریت مناسب دانشگاه‌ها و اطمینان از کارایی، اثربخشی و کیفیت خدمات ارائه شده توسط آنها در این شرایط، مستلزم وجود اطلاعات دقیق برای اتخاذ تصمیمات صحیح است. برای دستیابی به اطلاعات لازم جهت تصمیم‌گیری مناسب، ابزارهای کارا و اثربخش نظیر سیستم حسابداری مناسب مورد نیاز است (فتنارین و جودی، ۲۰۱۲).

هر چند که دانشگاه‌های دولتی جزئی از بخش عمومی هستند، اما ویژگی‌هایی دارند که آنها را از سایر اجزای بخش عمومی متمایز می‌نماید. از یک سو، عملیات دانشگاه‌های دولتی شبیه واحدهای تجاری است؛ زیرا که آنان برای جذب منابع موجود با هم رقابت می‌کنند، هدف آنها افزایش بهره‌وری، کارایی و افزایش خروجی‌ها است. موارد مذکور باعث می‌شود که عملیات دانشگاه‌ها مشابه با عملیات شرکت باشد. بنابراین، در رابطه با دانشگاه‌های دولتی تفاوت بین نهادهای دولتی و موسسات خصوصی کاهش یافته است. از سوی دیگر، دانشگاه‌ها اهداف متعددی در زمینه تحقیق، آموزش و خدمات دارند. چون این اهداف غیراقتصادی هستند، دانشگاه‌ها نمی‌توانند سیستم‌های حسابداری مالی و حسابداری مدیریت از نوع بخش بازرگانی را مستقیماً بر آن اعمال نمایند، اما نیاز دارند که آنها را با اهداف خود سازگار و منطبق نمایند (کوپر، ۲۰۱۳). از این رو باید نظام پاسخگویی متناسب با این ویژگی‌ها برای دانشگاه‌های دولتی طراحی و مستقر شود.

استقلال دانشگاه‌ها یکی از اصلی‌ترین محرک‌های تحول در آموزش عالی در اغلب کشورهای دنیا به شمار می‌رود. برخی از کشورهای اروپایی با بسپاری از سازمان‌های بخش عمومی به صورت شرکت رفتار می‌نمایند، با این هدف که با دادن استقلال بیشتر و در عین حال خواستن پاسخگویی بیشتر از آنها، کارایی و اثربخشی این سازمان‌ها را افزایش دهند. در حقیقت پاسخگویی روی دیگر سکه استقلال است. باباجانی (۱۳۸۹) نظام پاسخگویی در

بخش عمومی را با استفاده از نظریه سیستم‌ها به عنوان یک سیستم مورد توجه قرار داده است. در این الگو نظام پاسخگویی شامل خرده سیستم‌هایی از قبیل حسابداری و گزارشگری مالی، حسابرسی، بودجه‌بندی، گزارشگری عملکرد، دسترسی آزاد به اطلاعات، قضاوت، اقدام و برنامه‌ریزی راهبردی می‌باشد (باباجانی، ۱۳۸۹). تحول در نظام پاسخگویی می‌تواند شرایط را برای تحول در خرده سیستم‌های فعال فراهم آورد، اما بدون تحول در خرده نظام‌های نقش‌آفرین در نظام پاسخگویی، اهداف آن محقق نمی‌شود (باباجانی و همکاران، ۱۳۹۲).

جامعه رسالت‌های خطیری بر دوش دانشگاه‌های دولتی قرار داده که این رسالت‌ها منشأ تفاوت‌های اساسی این نهاد با سایر نهادهای بخش عمومی است. به همین دلیل دانشگاه‌ها طبق قانون هیئت امنا اداره می‌شوند. تصویب و ابلاغ ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران راه را برای هیئت امنا هموارتر کرد و البته تعهدات سنگینی نیز برای دانشگاه‌ها ایجاد نمود که محاسبه بهای تمام شده خدمات و استقرار سیستم بودجه‌ریزی مبتنی عملکرد از برجسته‌ترین آن‌ها است. با توجه به اهمیت و ضرورت خودمختاری و استقلال مطرح شده در قانون برنامه چهارم توسعه، همچنان این استقلال در بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به قوت خود باقی است.

ماده ۲۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران بر اجرای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد و لزوم به کارگیری آن در راستای مسئولیت پاسخگویی عمومی دولت تأکید دارد. براساس تعریف بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد مطرح شده در این قانون، سه موضوع اساسی در یک نظام بودجه‌ریزی عملیاتی مشاهده می‌شود: الف- عملکرد سازمانی، ب- بهای تمام شده وج- کارایی و اثربخشی (د ستورالعمل بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد موضوع ماده ۲۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه). بنابراین محاسبه بهای تمام شده فعالیت‌ها یکی از نیازهای اولیه اجرای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد است و این مسئله نیز خود در گرو بکارگیری مبنای حسابداری و رویکرد اندازه‌گیری مناسب است. از این رو، مجموعه‌ای از تحولات در نظام پاسخگویی دانشگاه‌ها در مواد قانونی پیش‌بینی شده است. علیرغم وجود قوانین مذکور، ماده ۲۱۹ یکی از مصادیق عدم حصول اهداف مرتبط با تحولات محسوب می‌شود.

نظام پاسخگویی بخش عمومی ایران در شرف تحولات ساختاری است. معرفی و ارائه نظام حسابداری بخش عمومی با رویکرد تعهدی هم به نوعی سرآغاز این تحولات محسوب می‌شود. به دلیل ماهیت متفاوت فعالیت دانشگاه‌های دولتی و با استناد به اینکه کشورهای پیشرفته نظیر ایالات متحده که برای انعکاس ماهیت متفاوت دانشگاه‌های دولتی بیانیه ۳۴ GASB را تعدیل نمود تا در مورد دانشگاه‌های دولتی نیز قابل اجرا باشد که منتج به انتشار بیانیه ۳۵ GASB شد و با تاکید بر استقلال دانشگاه‌ها و هیات امنایی بودن آن، هدف این نوشتار بررسی ضرورت تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی، شناسایی ابعاد و ویژگی‌های این تحول است تا بدین وسیله مسئولین و فعالان درگیر در حوزه طراحی و پیاده‌سازی تحولات از نتایج حاصل از این تحقیق جهت کمک به هدایت و پیش‌برد تحولات در دانشگاه‌های دولتی بهره‌مند گردند.

مبانی نظری

تحولات دانشگاه‌ها تحت تأثیر پارادایم مدیریت عمومی نوین صورت گرفته است. زیربنای اصلی این تحولات، اعتقاد به رویه‌ها و ساز و کارهای مورد استفاده در بخش بازرگانی و استفاده از آنها در مدیریت بخش عمومی و نیز توجه به مفاهیم کارایی و اثربخشی در عملیات می‌باشد (پسینا و هم‌پژوهان، ۲۰۰۸). در سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۶، دانشگاه‌های نیوزلند فرآیندهای مختلف تجاری‌سازی را تجربه نمودند. فرآیندهای مذکور با معرفی شیوه‌های مدیریتی نوین حسابرسی و الگوگیری، بقیه بخش‌های دولتی را متحول نموده بودند (کریس، ۲۰۰۷). آموزش عالی بریتانیا در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ دچار تحولات عمده‌ای شد. داشتن اطلاعات مالی مناسب برای انجام تصمیم‌گیری‌ها در دانشگاه‌ها ضروری شد و سیستم حسابداری و بودجه‌بندی نوین، ابزار مناسب برای تهیه این اطلاعات بود (مکینون و هم‌پژوهان، ۱۹۹۵). در ایتالیا تحولات در سیستم آموزش عالی منتج به افزایش استقلال و افزایش پاسخگویی بودجه‌ای برای مدیریت دانشگاه شد (آگاسیستی و هم‌پژوهان، ۲۰۰۸). دولت یونان به عنوان راه‌حلی برای مشکل نبود کنترل بر مخارج سازمان‌ها، وقوع تحولات حسابداری در نهادهای دولتی از جمله دانشگاه‌ها را گسترش داد (وینیرس و کوهن، ۲۰۰۴). استرالیا برای افزایش پاسخگویی، کیفیت و کارایی بیشتر از جانب ارائه‌کنندگان خدمات آموزشی، تحولات در آموزش عالی را معرفی و ایجاد نمود (آبوت و دکلیگوس، ۲۰۰۳).

تحولات آموزش عالی در دیگر کشورهای آسیایی نظیر سنگاپور، تایوان، کره جنوبی و اندونزی نیز مشاهده شده است. تحولات مذکور در آسیا در هماهنگی با مدیریت عمومی نوین و برای دستیابی به کارایی، اثربخشی و تمرکز زدایی محیط‌های مدیریت بروز پیدا کرده است (فتنارین و جودی، ۲۰۱۲).

سیستم حسابداری دانشگاه‌های دولتی ایران با سایر دستگاه‌های دولتی متفاوت است. تا پایان سال ۸۳، در اجرای آئین نامه مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی، مسئولیت اعمال کنترل‌های داخلی و مالی و هرگونه پاسخگویی مالی به عهده ذیحساب بود. اما با تصویب بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب سال ۱۳۸۳ و ماده ۱۰ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه‌ها بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی صرفاً در چارچوب مصوبات و آئین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و اداری استخدامی تشکیلاتی مصوب هیأت امناء عمل نمودند. بنابراین واحد ذیحسابی در دانشگاه‌ها برچیده و وظایف فوق به عهده مدیران مالی دانشگاه‌ها قرار گرفت. مواد و الزامات مطرح شده در بند الف ماده ۴۹ برنامه چهارم توسعه، در بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مجدداً مورد تأکید قرار گرفته است. دانشگاه‌ها علاوه بر ملزم بودن به اجرای سیاست‌های دولت مبنی بر تغییر سیستم بودجه‌بندی خود از برنامه‌ای به عملیاتی، بر اساس بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه هم ملزم به تهیه بودجه عملیاتی به منظور دستیابی به بهای تمام شده فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و تعیین هزینه سرانه دانشجو و دریافت سهم دولت از بودجه عمومی هستند. ماده ۲۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران نیز بر اجرای بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد و لزوم به کارگیری آن در راستای مسئولیت پاسخگویی عمومی دولت تأکید دارد.

به این ترتیب تحول در نظام بودجه‌ریزی دانشگاه‌ها و ایجاد تغییر در سیستم بودجه‌ریزی مورد استفاده هم تأثیر دیگر از قوانین مذکور است. عطف به تحولات گسترده مورد اشاره در نظام پاسخگویی دانشگاه‌های دولتی در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه و محرک اصلی آن یعنی استقلال دانشگاه‌ها در این کشورها و مصداق داشتن بحث استقلال دانشگاه‌های دولتی

در ایران، سوال اساسی پژوهش حاضر آن است که آیا تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی ایران نیز ضرورت دارد؟

نظام پاسخگویی دانشگاه‌های دولتی ایران

تا سال ۱۳۷۰ سیستم حسابداری و گزارشگری مالی دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی بر مبنای حسابداری، نقدی تعدیل شده بود. با تهیه آئین نامه مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی (۱۳۷۰/۱/۱۵) تغییرات زیادی در سیستم حسابداری موسسات آموزشی و تحقیقاتی بوجود آمد (ستایش، ۱۳۸۶). مواد ۵۱ تا ۵۶ فصل هفتم این آئین نامه دلیل عمده اکثر این تغییرات بوده است. ماده ۵۶ آئین نامه مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی نیز نحوه نگهداری حساب‌های مستقل و نمونه اوراق، دفاتر، اسناد و مدارک حسابداری و گزارش‌های مالی را به موجب دستورالعمل متحدالشکلی می‌داند که توسط وزارت فرهنگ و آموزش عالی تصویب و ابلاغ خواهد شد (رحمانی، حلیمه، مدیریت تدوین استانداردهای سازمان حسابرسی). در راستای تحقق همین ماده از آئین نامه مذکور، وزارت متبوع اقدام به طراحی سیستم حسابداری و گزارشگری مالی نمود که توسط معاون اداری و مالی وقت وزارتخانه جهت اجرا از تاریخ ۱۳۷۱/۱/۱ به کلیه دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ابلاغ گردید.

در سال ۱۳۸۱، وزارت اقتصاد و دارایی دستورالعملی در رابطه با سرفصل حساب‌ها و ثبت عملیات حسابداری درآمدهای عمومی، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای، واگذاری دارایی‌های مالی و درآمدهای اختصاصی، گروه حساب‌های مستقل اعتبارات هزینه، گروه حساب‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، اعتبارات تملک دارایی‌های مالی و حساب‌های سنواتی صادر نمود. دستورالعمل ابلاغی به رغم آنکه از جنبه‌های فنی و کنترلی نسبت به دستورالعمل قبلی از قابلیت‌های درخور ملاحظه‌ای برخوردار بود، لیکن مبانی نظری و قانونی حاکم بر تدوین آن در هاله‌ای از ابهام قرار داشت (باباجانی، ۱۳۸۴). نهایتاً اینکه از سال ۱۳۸۳ به بعد با وجود بند الف ماده ۴۹ برنامه چهارم توسعه و ماده ۱۰ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی صرفاً بر اساس آئین نامه و مقررات

اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی خاص مصوب هیئت امناء آنها اداره می‌شوند. با مستقل شدن دانشگاه‌ها، هیات‌های امناء آنها آئین‌نامه مالی و معاملاتی مصوب سال ۱۳۷۰ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۷۳ را اصلاح نموده و هر یک از دانشگاه‌ها به دنبال تصویب آئین‌نامه‌های جدیدی بودند. در این آئین‌نامه‌ها اغلب دانشگاه‌ها مکلف به طراحی و اجرای نظام حسابداری تعهدی شدند، اما توفیق چندانی در این رابطه حاصل نگردید. هم‌اکنون نیز با توجه به شرایط مطرح شده در رابطه با وقوع تحولات در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی بخش عمومی و ابلاغ نظام حسابداری تعهدی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی از سوی وزارت علوم، آنچه که در این مقاله مورد توجه قرار می‌گیرد این است که تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی به چه شکلی و با چه ویژگی‌ها و در چه ابعادی اتفاق خواهد افتاد. از این رو، این پژوهش در صدد بررسی آن است که آیا به دلیل استقلال و سایر ویژگی‌های خاص دانشگاه‌های دولتی ایران، ابعاد تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی آنها متفاوت با سایر نهادهای بخش عمومی است؟ آیا تدوین استانداردهای حسابداری خاص برای دانشگاه‌های دولتی ضرورت دارد؟

نظام پاسخگویی و نظریه تفکر سیستمی

همان‌طور که در بیانیه مفهومی شماره یک (GASB) تاکید شده است، مسئولیت پاسخگویی سنگ بنای گزارشگری مالی دولتی بوده و جزء لاینفک کلیه هدف‌های حسابداری و گزارشگری مالی دولتی محسوب می‌شود. حسابداری و گزارشگری مالی دولتی با مسئولیت پاسخگویی ارتباط داشته و یکی از ابزارهای اصلی ایفای این مسئولیت محسوب می‌شود (باباجانی، ۱۳۸۲). اهمیت در خور ملاحظه مسئولیت پاسخگویی بیشتر به دلیل آن است که رابطه بین فراهم‌کنندگان منابع مالی عمومی با کسانی که به عنوان مقامات منتخب مردم، مسئولیت مصرف این قبیل منابع را بر عهده دارند، یک رابطه داوطلبانه نبوده و شهروندان در مورد پرداخت یا عدم پرداخت مالیات یا عوارض، اختیاری ندارند (باباجانی، ۱۳۷۸).

سیستم‌ها مجموعه واحد متشکل از اجزای مرتبط به یکدیگر هستند. در تعریف و تشخیص سیستم نکته مهمی نهفته است. نحوه ارتباط بین اجزای سیستم، شکل، خاصیت و نتیجه کار سیستم را مشخص می‌کند. نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی بخش عمومی نیز حائز ویژگی‌های

سیستم است. نظام پاسخگویی سامانه‌ای است که از طریق سیستم‌هایی نظیر بودجه‌بندی، حسابداری، حسابرسی و گردش آزاد اطلاعات و بر اساس اصول و ضوابط معین و درجه تحقق هدف اصلی یعنی ادای مسئولیت پاسخگویی و تامین حق پاسخگویی، عمل می‌کند (باباجانی، ۱۳۹۱). بنابراین با توجه به سیستمی بودن نظام پاسخگویی، این نظام در فرآیند تحول و ارتقا به خرده نظام‌های بودجه‌بندی، حسابداری، حسابرسی و جریان آزاد اطلاعات نیازمند است و بدون تحول در این خرده نظام‌ها این فرآیند تکمیل نمی‌شود. از این رو، پژوهش حاضر در صدد بررسی آن است که آیا لازمه تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی، تحول در سیستم حسابداری مالی آن است؟ در سیستم حسابداری مالی دانشگاه‌ها، علاوه بر تعیین مبنای حسابداری، تعیین رویکرد اندازه‌گیری و تعیین صورت‌های مالی متحدالشکل ضرورت دارد؟ آیا با توجه به تنوع اهداف دانشگاه‌ها در زمینه پژوهش، آموزش و خدمات، استفاده از سیستم حسابداری مدیریت ضرورت دارد؟ آیا بودجه‌بندی بر مبنای عملکرد و استقرار سیستم بهای تمام شده و نظام ارزیابی عملکرد، اجزای اصلی سیستم حسابداری مدیریت دانشگاه‌های دولتی است؟ آیا با هدف ارزیابی کارایی، اثربخشی و صرفه اقتصادی مصرف منابع عمومی در دانشگاه‌های دولتی، سطح حسابرسی از حسابرسی مالی و رعایت به استقرار سیستم حسابرسی عملکرد ارتقا می‌یابد؟

پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی در سطح دنیا در رابطه با تحولات در دانشگاه‌های دولتی انجام شده، گری و هاسلام (۱۹۹۰)، با توجه به گزارش‌های مالی سالیانه دانشگاه‌های بریتانیا و با در نظر گرفتن دیدگاه کاربران داخلی و خارجی اطلاعات حسابداری مالی، تحولات حسابداری را مطالعه و تشریح نموده‌اند (گری و هاسلام، ۱۹۹۰).

دیکسون و همکاران (۱۹۹۱) گزارش‌های سالیانه دانشگاه نیوزلند را در طی سال‌های ۱۹۸۵ الی ۱۹۸۹ بررسی نمودند. آنها در رابطه با روش‌های حسابداری و روندهایی که در بطن این گزارش‌ها قابل مشاهده است، گزارشی ارائه دادند و بهترین شیوه‌های گزارشگری در آن دوره را آشکار نمودند. آنها جهت ساختن چارچوب پژوهش خود برای گردآوری و تحلیل داده‌ها

بر محتوای اظهارات حرفه‌ای انجمن حسابداران نیوزلند و مصوبات دولت نیوزلند اتکا کردند (دیکسون و همکاران، ۱۹۹۱).

کریستینسن و ولیمیکر (۲۰۰۳) پیاده‌سازی تحولات حسابداری در دانشگاه‌های فلاندرز را بررسی نمودند. نتایج مطالعه بر عدم موفقیت ترکیب بین سیستم بودجه‌بندی و حسابداری سنتی و سیستم حسابداری جدید تاکید می‌نماید (کریستینسن و ولیمیکر، ۲۰۰۳).

وینیرس و کوهن (۲۰۰۴) در چارچوب تحقیقات پرسشنامه‌ای، نحوه عمل حسابداری تعهدی پذیرفته شده برای پیاده‌سازی تحولات آموزش عالی در یونان را مورد کاوش قرار داده و بیان نمودند که بعد از ۶ سال از زمان پذیرش، هیچ‌گونه پیشرفتی در تحولات وجود نداشته است (وینیرس و کوهن، ۲۰۰۴).

اورموس و ویریس (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان، حسابداری دانشگاه در اقتصادهای بعد از کمونیست در مقایسه با سیستم آنگلو ساکسون: مطالعه موردی مجارستان، اصول حسابداری اعمال شده در یکی از نهاد‌های بخش عمومی تحت عنوان دانشگاه، در کشورهای آنگلو ساکسون و کشورهای پس از کمونیست را با هم مقایسه نمودند. آن‌ها نشان دادند که در حسابداری تعهدی کشورهای آنگلو ساکسون، اصل تداوم فعالیت قابل استنتاج است؛ در حالی که در اقتصادهای بعد از کمونیست بویژه در مجارستان، روش نقدی اعمال می‌شود (اورموس و ویریس، ۲۰۱۱).

فتفارین و جودی (۲۰۱۲)، تغییر سیستم‌های حسابداری ۷۸ دانشگاه دولتی تایلند از مبنای نقدی به مبنای تعهدی را بررسی نمودند. تمرکز مقاله بر عواملی بود که تغییرات حسابداری را تشویق می‌کند و بر آن تأثیر می‌گذارد. یافته‌ها نشان داد که مهمترین تغییر در سیستم حسابداری مالی رخ داده، که این تغییر از طریق پذیرش فعالیت‌های حسابداری تعهدی کامپیوتری صورت گرفته است (فتفارین و جودی، ۲۰۱۲).

کوپر (۲۰۱۳) با این استدلال که در هماهنگی با تحولات مدیریت عمومی نوین، بسیاری از دانشگاه‌های دولتی در آلمان و سایر کشورها برای مدیریت کاراتر امور مالی خود حسابداری مالی (بازرگانی) را معرفی نموده‌اند، به دنبال تحلیل این موضوع بوده که آیا اجزای این نوع اصلاحات حسابداری مالی با ماهیت و اهداف دانشگاه‌های دولتی آلمان مناسب است. بنابراین

گزارش‌های مالی دو دانشگاه معروف آلمان را تحلیل و نشان داد که صورت جریان‌های نقدی و ترازنامه همچنان با اهمیت هستند. همچنین در حسابداری مدیریت، معیارهای خروجی و شاخص‌های عملکرد، به عنوان طرف حساب هزینه‌ها باید جایگزین درآمدها شود (کوپر، ۲۰۱۳).

باباجانی و ستایش (۱۳۸۶) با هدف تعیین شاخص‌های ارزیابی عملکرد، بررسی کفایت و قابلیت شاخص‌های موجود و همچنین ارزیابی قابلیت‌های سیستم حسابداری و سایر سیستم‌های تامین‌کننده اطلاعات دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، جهت ایفای مسئولیت پاسخگویی مالی و عملیاتی، پژوهشی انجام و نشان دادند که دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ایران از شاخص‌های قابل قبول ارزیابی عملکرد، جهت ایفای مسئولیت پاسخگویی مالی و عملیاتی برخوردار نمی‌باشند؛ اما سیستم حسابداری و گزارشگری مورد عمل و همچنین سایر سیستم‌های موجود تامین‌کننده اطلاعات، از قابلیت‌های لازم برای تامین اطلاعات مالی و غیر مالی شاخص‌های مورد اجماع جامعه تخصصی کشور، جهت ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی برخوردار می‌باشد (باباجانی و ستایش، ۱۳۸۶).

باباجانی و مددی (۱۳۸۸) در پژوهش خود، به امکان‌سنجی تحول در نظام حسابداری و گزارشگری مالی دانشگاه‌های دولتی ایران پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان دهنده این واقعیت بوده است که در حال حاضر شرایط لازم و کافی برای بکارگیری مبنای تعهدی تعدیل شده و معیار جریان منابع اقتصادی برای ایجاد تحول در حسابداری نهادهای مذکور وجود دارد (باباجانی و مددی، ۱۳۸۸).

گرد و کریمی (۱۳۹۰) اثرات تغییر روش حسابداری نقدی به حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی و عملیاتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی را بررسی نمودند. نتایج نشان داد که تبدیل روش حسابداری نقدی به حسابداری تعهدی، منجر به بهبود عملکرد مالی و عملیاتی دستگاه می‌گردد، برای تعیین بهای تمام شده خدمات و فعالیت‌ها کارآتر از حسابداری نقدی است و منجر به کنترل دقیق‌تر درآمدها و هزینه‌ها می‌شود (گرد و کریمی، ۱۳۹۰).

مهدوی و نمازی (۱۳۹۱) نگرش دانشگاهیان و حسابداران دانشگاه‌ها را نسبت به وضعیت حسابداری دولتی در دانشگاه‌های ایران، بررسی نموده‌اند. یافته‌ها نشان داد که بین نگرش دانشگاهیان و حسابداران دانشگاه‌ها نسبت به ضرورت تدوین استانداردهای حسابداری دولتی و مطلوب بودن فرهنگ پاسخگویی و حسابداری در دانشگاه تفاوت معناداری وجود ندارد. بین نگرش دانشگاهیان و حسابداران دانشگاه نسبت به مناسب بودن امر گزارشگری و شفاف‌سازی اطلاعات در شرایط فعلی، بهبود مدل‌های تصمیم‌گیری در صورت استفاده از استانداردهای حسابداری دولتی و ضرورت تدوین استاندارد حسابرسی برای دانشگاه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. (مهدوی و نمازی، ۱۳۹۱).

امینی مهر و هم‌پژوهان (۱۳۹۴) سودمندی مبنای حسابداری تعهدی و تأثیر آن بر شفافیت گزارشگری و مسئولیت پاسخگویی دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم (مطالعه موردی، دانشگاه خوارزمی تهران) را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که حسابداری تعهدی باعث ارتقای پاسخگویی بخش عمومی می‌شود. لیکن حسابداری تعهدی تأثیر معناداری بر شفافیت گزارشگری ندارد و نهایتاً اینکه، حسابداری تعهدی بر تعیین بهای تمام شده خدمات در دانشگاه خوارزمی موثر است.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه بیان شده، فرضیه‌هایی به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی ایران ضرورت دارد.

فرضیه دوم: به دلیل استقلال دانشگاه‌های دولتی، ابعاد تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی آنها متفاوت با سایر نهادهای بخش عمومی است.

فرضیه سوم: تدوین استانداردهای حسابداری خاص برای دانشگاه‌های دولتی ضرورت دارد.

فرضیه چهارم: لازمه تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی، تحول در نظام حسابداری مالی آن است که در این نظام علاوه بر تعیین مبنای حسابداری، تعیین رویکرد اندازه‌گیری و تعیین صورت‌های مالی متحدالشکل ضرورت دارد.

فرضیه پنجم: با توجه به تنوع اهداف دانشگاه‌ها در زمینه پژوهش، آموزش و خدمات، استفاده از سیستم حسابداری مدیریت ضرورت دارد. بودجه‌بندی بر مبنای عملکرد، استقرار سیستم بهای تمام شده و استقرار نظام ارزیابی عملکرد اجزای اصلی این سیستم هستند.

فرضیه ششم: با هدف ارزیابی کارایی، اثربخشی و صرفه اقتصادی مصرف منابع عمومی در دانشگاه‌های دولتی، سطح حساسی از حساسی مالی و رعایت به استقرار سیستم حساسی عملکرد ارتقا می‌یابد.

روش پژوهش

هدف این مطالعه بررسی ضرورت تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی ایران و شناسایی ابعاد تحول از دیدگاه خبرگان در حوزه تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌ها و از دیدگاه دانشجویان است. روش پژوهش پیمایشی-میدانی بوده، بدین معنی که مبانی نظری و پیشینه پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اطلاعات برای آزمون فرضیه‌ها به صورت میدانی گردآوری می‌شود. پژوهش حاضر از دیدگاه دیگر تحلیلی کاربردی است. در این تحقیق، خبرگان از بین مدیران مالی و اداری دانشگاه‌های دولتی، حساب‌رسان دانشگاه و... برگزیده شدند. با توجه به محدود بودن خبرگان در این حوزه، برای شناسایی آنان از نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد. در بخش دیگر پژوهش، از طریق ارسال پرسشنامه به اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) بخش حسابداری دانشگاه‌های تهران بطور تصادفی و اخذ نظرات آنها، بقیه داده‌های لازم برای ارزیابی و بررسی فرضیات گردآوری شد. در مرحله پیش مطالعه، برای بررسی روایی محتوایی، پرسشنامه در اختیار متخصصان فنی قرار گرفت و از آنان درخواست شد، نظرهای خود را در مورد آن بیان کنند. آنگاه با بررسی نظر آنها تغییراتی در آن اعمال شد. همچنین برای آزمون روایی ساختاری از صاحب‌نظران نظرخواهی شد که به دلیل شناسایی نکردن مشکلات مفهومی از جانب آنان، نتیجه‌گیری شد که از روایی سازه لازم برخوردار است. برای تعیین پایایی نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. آماره این آزمون با استفاده از پیش‌آزمونی که در اختیار ۲۰ نفر پاسخ‌دهنده قرار گرفت، ۰/۹۲۸ محاسبه شد که بیانگر قابلیت اعتماد آن است. تعداد خبره‌های شناسایی شده ۴۰ نفر بوده و با توجه به حجم جامعه

آماري در رابطه با اساتيد و دانشجويان تحصيلات تکميلي و با استفاده از فرمول کوکران، نمونه‌ای به تعداد ۱۲۳ نفر تعيين شد. بر اساس نمونه تعیین شده، پرسشنامه الکترونيکی در اختيار ۱۲۳ نفر از اساتيد و دانشجويان دانشگاه‌های دولتي تهران قرار گرفت و تعداد ۹۰ پرسشنامه تکميل شده، دريافت گردید. ویژگی‌های جمعیت‌شناسی پاسخ‌دهندگان، شامل میزان تجربه، میزان تحصيلات، نوع فعالیت و تدریس در دانشگاه در نگاره (۱) ارائه شده است.

نگاره (۱): ویژگی‌های جمعیت‌شناسی پاسخ‌دهندگان

میزان تجربه			میزان تحصيلات			نوع فعالیت			سابقه تدریس	
تعداد	درصد		تعداد	درصد		تعداد	درصد		تعداد	درصد
۹۴	۴۹/۲	کمتر از ۵ سال	۶۱	۴۶/۹	حسابداری	۵۱/۵	۶۷	مدرس	۸۳	۹۳/۸
۴۵	۳۳/۶	بین ۵ تا ۱۰ سال	۴۹	۳۷/۷	حسابرسی	۴۷/۵	۹۳	غير مدرس	۴۷	۴۹/۲
۲۱	۱۶/۲	بیشتر از ۱۰ سال	۲۰	۱۵/۴	---	---	---	---	---	---
۱۲۰	۱۰۰/۰	جمع	۱۲۰	۱۰۰/۰		۱۲۰	۱۰۰/۰		۱۲۰	۱۰۰/۰

در کليه سوالات پرسشنامه از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود نظر خود را به صورت بلی یا خیر اعلام کنند. اگر متغیر تصادفی به صورت دو رده‌ای (بلی یا خیر) اندازه‌گیری شود، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون‌های ناپارامتری استفاده می‌شود. بنابراین آزمون فرضیات با استفاده از آزمون دو جمله‌ای انجام می‌شود. برای ارزیابی شدت موافقت پاسخ‌دهندگان از آزمون t استفاده می‌شود. با توجه به امتیازهای در نظر گرفته شده برای سنجش میزان موافقت

که در طیف ۰ الی ۹ قرار دارد، برای کسب اطمینان از شدت موافقت، امتیاز ۴/۵ به بالا (میانگین طیف) به عنوان معیار ارزیابی انتخاب شده و از آزمون t برای بررسی امتیازهای اختصاص داده شده استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

فرضیه اول: همانگونه که پیشتر بیان شد، در این فرضیه ضرورت تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی بررسی می‌شود. آزمون فرضیه با استفاده از آزمون دوجمله‌ای و آزمون t انجام شد که نتایج آن‌ها به ترتیب در نگاره‌های (۲) و (۳) ارائه شده است.

نگاره (۲): نتایج آزمون دوجمله‌ای فرضیه اول

فرضیه	نوع جواب	تعداد	نسبت	میانگین	انحراف استاندارد	سطح معناداری
خبرگان	بلی	۴۰	۱	۱/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	خیر	۰	۰			
دانشگاهیان	بلی	۸۰	۰/۸۹	۰/۸۸۹	۰/۳۱۶	۰/۰۰۰
	خیر	۱۰	۰/۱۱			

نگاره (۲) نشان می‌دهد که کلیه خبرگان وقوع تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌ها را ضروری می‌دانند و این در حالی است که در دیدگاه ۱۱ درصد (۱۰ نفر از ۹۰ نفر) از گروه دانشگاهیان وقوع تحول، ضرورت ندارد. پاسخ منفی این تعداد از دانشگاهیان به ضرورت تحول، به طور خودکار به معنی حذف آنان از آزمون فرضیات بعدی است که به بررسی ابعاد تحول می‌پردازد. بنابراین در بررسی فرضیات بعدی تعداد خبرگان ۴۰ نفر و تعداد دانشگاهیان ۸۰ نفر خواهند بود.

علاوه بر این، در آزمون دوجمله‌ای به معناداری آزمون توجه می‌شود، چنانچه سطح معناداری کمتر از مقدار خطا باشد، چنین استنباط می‌شود که فرضیه صفر رد شده است و نسبت موافقان و مخالفان برابر نیست. همانگونه که در نگاره بالا مشاهده می‌شود سطح معناداری در دو گروه خبرگان و دانشگاهیان کمتر از ۵ درصد است و این بدان معناست که هر دو گروه با تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی موافق بوده و تفاوت

دیدگاهی بین دو گروه مشاهده نشده است. در مرحله بعد باید شدت موافقت نیز آزمون شود، این کار از طریق انجام آزمون t صورت می‌پذیرد.

نگاره (۳): نتایج آزمون t برای ارزیابی شدت موافقت در فرضیه اول

شماره سوال	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	شدت موافقت
سوال ۱	۴۰	۸/۰۵۰	۱/۶۳۲	۳۱/۱۰۳	۳۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
دانشگاهیان	۹۰	۷/۰۲۲	۲/۸۶۰	۲۳/۲۹۴	۸۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید

طبق آزمون t ، اگر مقدار t محاسبه شده، بیشتر از مقدار t جدول (۱/۶۴) باشد، میزان موافقت شدید بوده و با امتیاز ۴/۵ به عنوان نقطه بی تفاوتی، تفاوت معناداری دارد. چنانچه t محاسبه شده از عدد مذکور کوچکتر باشد، میزان موافقت شدید نبوده و با امتیاز ۴/۵ تفاوت معناداری نداشته است. بر این اساس در نگاره (۳) مشاهده می‌شود که میزان موافقت خبرگان و دانشگاهیان، هر دو شدید بوده است. به این ترتیب با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که فرضیه اول تایید شده است.

فرضیه دوم: این فرضیه بر متفاوت بودن دانشگاه‌های دولتی با سایر نهادهای دولتی به دلیل استقلال آنها تاکید داشته و از این رو متفاوت بودن ابعاد تحول در این نهادها را مورد بررسی قرار می‌دهد. همانند فرضیه‌های قبلی در اینجا نیز آزمون فرضیه با استفاده از آزمون‌های دو جمله‌ای و آزمون t انجام شده است. نتایج در نگاره‌های (۴) و (۵) ارائه شده است.

نگاره (۴): نتایج آزمون دو جمله‌ای فرضیه دوم

فرضیه	نوع جواب	تعداد	نسبت	میانگین	انحراف استاندارد	سطح معناداری
خبرگان	بلی	۳۲	۰/۸۰	۰/۸۰۰	۰/۴۰۵	۰/۰۰۰
	خیر	۸	۰/۲۰			
دانشگاهیان	بلی	۴۳	۰/۵۴	۰/۵۳۸	۰/۵۰۲	۰/۰۰۰
	خیر	۳۷	۰/۴۶			

در نگاره (۴) مشاهده می‌شود که ۸۰ درصد خبرگان موافق با تفاوت در ابعاد تحول دانشگاه‌های دولتی نسبت به سایر نهادهای بخش عمومی بوده‌اند و معناداری آزمون دو جمله‌ای

برای این گروه از پاسخ‌دهنده در سطح خطای ۵ درصد هم بیانگر تایید فرضیه از دیدگاه خبرگان است. بدان مفهوم که استقلال دانشگاه‌ها عاملی برای متفاوت بودن ابعاد تحول در دانشگاه‌ها در مقایسه با سایر نهادهای دولتی است. در حالی که دیدگاه‌های دانشگاهیان در این رابطه متفاوت بوده است؛ بطوری که ۵۴ درصد موافق تأثیرگذار بودن استقلال دانشگاه بر ابعاد تحول بوده‌اند. نتایج ارزیابی شدت موافقت از طریق آزمون t هم همانگونه که در نگاره (۵) قابل مشاهده است نشان دهنده موافقت شدید خبرگان با این دیدگاه است و این در حالی است که دانشگاهیان موافقت شدیدی در رابطه با این فرضیه نداشته‌اند.

نگاره (۵): نتایج آزمون t برای ارزیابی شدت موافقت در فرضیه دوم

شماره سوال	تعداد	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	شدت موافقت
سوال ۲	۴۰	۶/۱۲۵	۳/۳۴۵	۱۱/۵۸۱	۳۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
	۸۰	۳/۸۱۳	۳/۹۶۹	۱/۵۹۳	۷۹	۰/۰۰۰	عدم موافقت شدید

فرضیه سوم: این فرضیه ضرورت تدوین استاندارد خاص دانشگاه‌های دولتی را بررسی می‌نماید. نگاره (۶) نشان می‌دهد که به ترتیب ۶۵ درصد و ۷۵ درصد از خبرگان و دانشگاهیان با تدوین استاندارد خاص برای دانشگاه‌ها موافق بوده‌اند. نتیجه آزمون دوجمله‌ای هم حاکی از معناداری آن در سطح ۵ درصد است، بنابراین هر دو گروه پاسخ‌دهنده موافق تدوین استاندارد خاص برای دانشگاه‌های دولتی هستند.

نگاره (۶): نتایج آزمون دوجمله‌ای فرضیه سوم

فرضیه	نوع جواب	تعداد	نسبت	میانگین	انحراف استاندارد	سطح معناداری
خبرگان	بلی	۲۶	۰/۶۵	۰/۶۵۰	۰/۴۸۳	۰/۰۴۰
	خیر	۱۴	۰/۳۵			
دانشگاهیان	بلی	۶۰	۰/۷۵	۰/۷۵۰	۰/۴۳۶	۰/۰۰۰
	خیر	۲۰	۰/۲۵			

نتیجه حاصل از آزمون t در نگاره (۷) ارائه شده است. این آزمون هم نشان‌دهنده موافقت شدید پاسخ‌دهنده‌ها است که موید نبود تفاوت دیدگاهی در رابطه با تدوین استاندارد خاص

دانشگاه‌ها بین خبرگان و دانشگاهیان است. بنابراین طبق این نتایج، فرضیه سوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید شد.

نگاره (۷): نتایج آزمون t برای ارزیابی شدت موافقت فرضیه سوم

شماره سوال	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	شدت موافقت
سوال ۳	خبرگان	۴/۸۷۵	۴/۰۸۴	۷/۵۵۰	۳۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
	دانشگاهیان	۵/۶۵۰	۳/۶۴۳	۱۳/۸۷۳	۷۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید

فرضیه چهارم: این فرضیه تحول در نظام حسابداری مالی دانشگاه‌های دولتی را به عنوان یکی از ابعاد اصلی تحول مورد بررسی قرار می‌دهد و شناسایی ویژگی‌های لازم برای این نظام را در دانشگاه‌های دولتی مدنظر قرار می‌دهد. پاسخ این سوالات نیز همانند فرضیه‌های قبلی به صورت دو رده‌ای است و سپس شدت موافقت آنان در طیفی از ۰ الی ۹ مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج آماری آزمون دو جمله‌ای برای ۴ سوال فرضیه چهارم در نگاره (۸) ارائه شده است.

تکانه (۸): نتایج آزمون دوجمله‌ای سوال‌های فرضیه چهارم

سطح معناداری	انحراف استاندارد	میانگین	نسبت	تعداد	نوع جواب	فرضیه چهارم																																																																									
۰/۰۰۰	۰/۲۲۱	۰/۹۵	۰/۹۵	۳۸	بلی	خبرگان	۱. برای تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی، تحول در سیستم حسابداری مالی آن ضرورت دارد.																																																																								
			۰/۰۵	۲	خیر			۰/۰۰۰	۰/۴۳۶	۰/۷۵	۰/۷۵	۶۰	بلی	دانشگاهیان	۲. علاوه بر استفاده از مبنای تعهدی، تغییر رویکرد اندازه‌گیری در نظام حسابداری دانشگاه‌ها نیز ضرورت دارد.	۰/۲۵	۲۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان	۳. استفاده از دو رویکرد اندازه‌گیری (جریان منابع مالی و جریان منابع اقتصادی) در نظام حسابداری دانشگاه‌ها ضرورت دارد.	۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۴۳۶	۰/۹۰	۰/۹۰	۷۲	بلی	دانشگاهیان	۴. برای قابلیت مقایسه گزارشگری مالی دانشگاه-های دولتی تدوین صورت‌های مالی متحد الشکل توصیه می‌شود.	۰/۱۰	۸	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان	۵. علاوه بر این، نتایج حاصل از انجام آزمون t برای ارزیابی شدت موافقت در رابطه با تحول در سیستم حسابداری مالی و ویژگی‌های آن نشان‌دهنده موافقت شدید پاسخ‌دهنده‌ها در رابطه با ضرورت	۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۲۸۴	۰/۹۱۳	۰/۹۱	۷۳	بلی	دانشگاهیان		۰/۰۹	۷	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان		۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۸۰	بلی
۰/۰۰۰	۰/۴۳۶	۰/۷۵	۰/۷۵	۶۰	بلی	دانشگاهیان	۲. علاوه بر استفاده از مبنای تعهدی، تغییر رویکرد اندازه‌گیری در نظام حسابداری دانشگاه‌ها نیز ضرورت دارد.																																																																								
			۰/۲۵	۲۰	خیر			۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان	۳. استفاده از دو رویکرد اندازه‌گیری (جریان منابع مالی و جریان منابع اقتصادی) در نظام حسابداری دانشگاه‌ها ضرورت دارد.	۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۴۳۶	۰/۹۰	۰/۹۰	۷۲	بلی	دانشگاهیان	۴. برای قابلیت مقایسه گزارشگری مالی دانشگاه-های دولتی تدوین صورت‌های مالی متحد الشکل توصیه می‌شود.	۰/۱۰	۸	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان	۵. علاوه بر این، نتایج حاصل از انجام آزمون t برای ارزیابی شدت موافقت در رابطه با تحول در سیستم حسابداری مالی و ویژگی‌های آن نشان‌دهنده موافقت شدید پاسخ‌دهنده‌ها در رابطه با ضرورت	۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۲۸۴	۰/۹۱۳	۰/۹۱	۷۳	بلی	دانشگاهیان		۰/۰۹	۷	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان		۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۸۰	بلی	دانشگاهیان		۰	۰	خیر						
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان	۳. استفاده از دو رویکرد اندازه‌گیری (جریان منابع مالی و جریان منابع اقتصادی) در نظام حسابداری دانشگاه‌ها ضرورت دارد.																																																																								
			۰	۰	خیر			۰/۰۰۰	۰/۴۳۶	۰/۹۰	۰/۹۰	۷۲	بلی	دانشگاهیان	۴. برای قابلیت مقایسه گزارشگری مالی دانشگاه-های دولتی تدوین صورت‌های مالی متحد الشکل توصیه می‌شود.	۰/۱۰	۸	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان	۵. علاوه بر این، نتایج حاصل از انجام آزمون t برای ارزیابی شدت موافقت در رابطه با تحول در سیستم حسابداری مالی و ویژگی‌های آن نشان‌دهنده موافقت شدید پاسخ‌دهنده‌ها در رابطه با ضرورت	۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۲۸۴	۰/۹۱۳	۰/۹۱	۷۳	بلی	دانشگاهیان		۰/۰۹	۷	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان		۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۸۰	بلی	دانشگاهیان		۰	۰	خیر																	
۰/۰۰۰	۰/۴۳۶	۰/۹۰	۰/۹۰	۷۲	بلی	دانشگاهیان	۴. برای قابلیت مقایسه گزارشگری مالی دانشگاه-های دولتی تدوین صورت‌های مالی متحد الشکل توصیه می‌شود.																																																																								
			۰/۱۰	۸	خیر			۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان	۵. علاوه بر این، نتایج حاصل از انجام آزمون t برای ارزیابی شدت موافقت در رابطه با تحول در سیستم حسابداری مالی و ویژگی‌های آن نشان‌دهنده موافقت شدید پاسخ‌دهنده‌ها در رابطه با ضرورت	۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۲۸۴	۰/۹۱۳	۰/۹۱	۷۳	بلی	دانشگاهیان		۰/۰۹	۷	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان		۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۸۰	بلی	دانشگاهیان		۰	۰	خیر																												
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان	۵. علاوه بر این، نتایج حاصل از انجام آزمون t برای ارزیابی شدت موافقت در رابطه با تحول در سیستم حسابداری مالی و ویژگی‌های آن نشان‌دهنده موافقت شدید پاسخ‌دهنده‌ها در رابطه با ضرورت																																																																								
			۰	۰	خیر			۰/۰۰۰	۰/۲۸۴	۰/۹۱۳	۰/۹۱	۷۳	بلی	دانشگاهیان		۰/۰۹	۷	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان		۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۸۰	بلی	دانشگاهیان		۰	۰	خیر																																							
۰/۰۰۰	۰/۲۸۴	۰/۹۱۳	۰/۹۱	۷۳	بلی	دانشگاهیان																																																																									
			۰/۰۹	۷	خیر			۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان		۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۸۰	بلی	دانشگاهیان		۰	۰	خیر																																																		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان																																																																									
			۰	۰	خیر			۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۸۰	بلی	دانشگاهیان		۰	۰	خیر																																																													
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۸۰	بلی	دانشگاهیان																																																																									
			۰	۰	خیر																																																																										

یافته‌های آزمون دوجمله‌ای نشان می‌دهد که در دیدگاه اکثریت پاسخ‌دهنده‌های هر دو گروه، تحول در سیستم حسابداری مالی دانشگاه‌ها برای تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی آن ضرورت دارد. همچنین کلیه سوالات مربوط به تعیین نوع رویکرد اندازه‌گیری و تهیه صورت‌های مالی متحدالشکل نیز در سطح خطای ۵ درصد معنادار بود. علاوه بر این، نتایج حاصل از انجام آزمون t برای ارزیابی شدت موافقت در رابطه با تحول در سیستم حسابداری مالی و ویژگی‌های آن نشان‌دهنده موافقت شدید پاسخ‌دهنده‌ها در رابطه با ضرورت

تحول در این سیستم و ویژگی‌های مطرح شده در سوالات مربوط بوده است. نتایج مربوط به آزمون t در نگاره (۹) آمده است. بنابراین می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیه چهارم تایید شد.

نگاره (۹): نتایج آزمون t سوال‌های فرضیه چهارم

شماره سوال	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	شدت موافقت شدید
سوال ۱	۴۰	۸/۵۶۷	۱/۷۱۵	۳۱/۴۵۶	۳۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
	۸۰	۶/۴۷۵	۲/۶۷۲	۲۱/۶۷۶	۷۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
سوال ۲	۴۰	۶/۱۷۵	۲/۵۷۱	۱۵/۱۹۱	۳۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
	۸۰	۶/۴۰	۲/۸۹۳	۱۹/۷۸۷	۷۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
سوال ۳	۴۰	۶/۷۷۵	۲/۴۱۲	۱۷/۷۶۲	۳۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
	۸۰	۶/۴۷۵	۲/۶۷۲	۲۱/۶۷۶	۷۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
سوال ۵	۴۰	۸/۵۰۰	۱/۸۱۲	۲۹/۶۷۴	۳۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
	۸۰	۸/۰۰۰	۱/۹۰۳	۳۷/۶۰۷	۷۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید

فرضیه پنجم: در این فرضیه لزوم استقرار سیستم حسابداری مدیریت به عنوان یک بعد اصلی تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی و اجزاء این سیستم بررسی می‌شود. نتایج بدست آمده از انجام آزمون‌های دوجمله‌ای و آزمون t برای ۴ سوال فرضیه پنجم در نگاره‌های (۱۰) و (۱۱) ارائه گردیده است.

نگاره (۱۰): نتایج آزمون دوجمله‌ای سوال‌های فرضیه پنجم

سطح معناداری	انحراف استاندارد	میانگین	نسبت	تعداد	نوع جواب	فرضیه پنجم																																																																									
۰/۰۰۰	۰/۳۰۴	۰/۹۰	۰/۹۰	۳۶	بلی	خبرگان	۱. با توجه به تنوع اهداف دانشگاه‌ها در زمینه پژوهش، آموزش و خدمات، استفاده از سیستم حسابداری مدیریت ضرورت دارد.																																																																								
			۰/۱۰	۴	خیر			۰/۰۰۰	۰/۲۶۵	۰/۹۲۵	۰/۹۲	۷۴	بلی	دانشگاهیان	۲. بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد بخشی از تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌هاست.	۰/۰۷	۶	خیر	۰/۰۰۰	۰/۲۲۱	۰/۹۵۰	۰/۹۵	۳۸	بلی	خبرگان	۳. لازمه استفاده از بودجه-ریزی مبتنی بر عملکرد، استقرار سیستم هزینه‌یابی کامل در دانشگاه‌ها است.	۰/۰۵	۲	خیر	۰/۰۰۰	۰/۱۱۲	۰/۹۸۸	۰/۹۹	۷۹	بلی	دانشگاهیان	۴. استقرار نظام ارزیابی عملکرد در دانشگاه‌های دولتی ایران ضرورت دارد.	۰/۰۱	۱	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان	۵. استقرار نظام ارزیابی عملکرد در دانشگاه‌های دولتی ایران ضرورت دارد.	۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۱۹۱	۰/۹۶۳	۰/۹۶	۷۷	بلی	دانشگاهیان		۰/۰۴	۳	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان		۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۸۰	بلی
۰/۰۰۰	۰/۲۶۵	۰/۹۲۵	۰/۹۲	۷۴	بلی	دانشگاهیان	۲. بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد بخشی از تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌هاست.																																																																								
			۰/۰۷	۶	خیر			۰/۰۰۰	۰/۲۲۱	۰/۹۵۰	۰/۹۵	۳۸	بلی	خبرگان	۳. لازمه استفاده از بودجه-ریزی مبتنی بر عملکرد، استقرار سیستم هزینه‌یابی کامل در دانشگاه‌ها است.	۰/۰۵	۲	خیر	۰/۰۰۰	۰/۱۱۲	۰/۹۸۸	۰/۹۹	۷۹	بلی	دانشگاهیان	۴. استقرار نظام ارزیابی عملکرد در دانشگاه‌های دولتی ایران ضرورت دارد.	۰/۰۱	۱	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان	۵. استقرار نظام ارزیابی عملکرد در دانشگاه‌های دولتی ایران ضرورت دارد.	۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۱۹۱	۰/۹۶۳	۰/۹۶	۷۷	بلی	دانشگاهیان		۰/۰۴	۳	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان		۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۸۰	بلی	دانشگاهیان		۰	۰	خیر						
۰/۰۰۰	۰/۲۲۱	۰/۹۵۰	۰/۹۵	۳۸	بلی	خبرگان	۳. لازمه استفاده از بودجه-ریزی مبتنی بر عملکرد، استقرار سیستم هزینه‌یابی کامل در دانشگاه‌ها است.																																																																								
			۰/۰۵	۲	خیر			۰/۰۰۰	۰/۱۱۲	۰/۹۸۸	۰/۹۹	۷۹	بلی	دانشگاهیان	۴. استقرار نظام ارزیابی عملکرد در دانشگاه‌های دولتی ایران ضرورت دارد.	۰/۰۱	۱	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان	۵. استقرار نظام ارزیابی عملکرد در دانشگاه‌های دولتی ایران ضرورت دارد.	۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۱۹۱	۰/۹۶۳	۰/۹۶	۷۷	بلی	دانشگاهیان		۰/۰۴	۳	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان		۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۸۰	بلی	دانشگاهیان		۰	۰	خیر																	
۰/۰۰۰	۰/۱۱۲	۰/۹۸۸	۰/۹۹	۷۹	بلی	دانشگاهیان	۴. استقرار نظام ارزیابی عملکرد در دانشگاه‌های دولتی ایران ضرورت دارد.																																																																								
			۰/۰۱	۱	خیر			۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان	۵. استقرار نظام ارزیابی عملکرد در دانشگاه‌های دولتی ایران ضرورت دارد.	۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۱۹۱	۰/۹۶۳	۰/۹۶	۷۷	بلی	دانشگاهیان		۰/۰۴	۳	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان		۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۸۰	بلی	دانشگاهیان		۰	۰	خیر																												
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان	۵. استقرار نظام ارزیابی عملکرد در دانشگاه‌های دولتی ایران ضرورت دارد.																																																																								
			۰	۰	خیر			۰/۰۰۰	۰/۱۹۱	۰/۹۶۳	۰/۹۶	۷۷	بلی	دانشگاهیان		۰/۰۴	۳	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان		۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۸۰	بلی	دانشگاهیان		۰	۰	خیر																																							
۰/۰۰۰	۰/۱۹۱	۰/۹۶۳	۰/۹۶	۷۷	بلی	دانشگاهیان																																																																									
			۰/۰۴	۳	خیر			۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان		۰	۰	خیر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۸۰	بلی	دانشگاهیان		۰	۰	خیر																																																		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۴۰	بلی	خبرگان																																																																									
			۰	۰	خیر			۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۸۰	بلی	دانشگاهیان		۰	۰	خیر																																																													
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱	۸۰	بلی	دانشگاهیان																																																																									
			۰	۰	خیر																																																																										

نگاره (۱۰) بیانگر آن است که ۹۰ درصد از خبرگان (۳۶ نفر از ۴۰ نفر) ضرورت استقرار سیستم حسابداری مدیریت در دانشگاه را مستند نموده‌اند و نتیجه مشابهی هم در گروه دانشگاهیان با در صد بالای (۹۲ در صد) حاصل شده است. معناداری آزمون دوجمله‌ای در رابطه با نیاز به استقرار سیستم حسابداری مدیریت در دانشگاه‌ها هم موید همین نتایج است. در سوالات مربوط به این فرضیه، علاوه بر موافقت پاسخ‌دهنده‌ها در مورد سوال اول که نشان‌دهنده ضرورت استقرار سیستم حسابداری مدیریت در دانشگاه‌های دولتی به عنوان یکی از ابعاد اصلی نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی است، دیدگاه دو گروه پاسخ‌دهنده در رابطه با اجزا و ویژگی‌های مطرح شده در این فرضیه برای سیستم حسابداری مدیریت نیز اخذ شده است. نتایج آزمون دوجمله‌ای برای سوالات مذکور حاکی از موافقت

خبرگان و دانشگاہیان در رابطه با اجزای مذکور است. شدت موافقت پاسخ‌دهنده‌ها برای استقرار این سیستم و اجزای آن در نگاره (۱۱) ارائه گردیده و همانگونه که مشاهده می‌شود موافقت شدید خبرگان و دانشگاہیان در رابطه با کلیه سوالات مستند شده است که دلالت بر همگونی دیدگاه‌های هر دو گروه در رابطه با این فرضیه است. پس می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیه پنجم تایید شده است.

نگاره (۱۱): نتایج آزمون t سوال‌های فرضیه پنجم

شماره سوال	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	شدت موافقت
سوال ۱	خبرگان	۸/۰۷۵	۱/۶۰۷	۳۱/۷۷۱	۳۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
	دانشگاہیان	۷/۵۶۳	۱/۶۸۳	۴۰/۱۹۸	۷۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
سوال ۲	خبرگان	۷/۱۰۰	۲/۸۸۹	۱۵/۵۴۱	۳۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
	دانشگاہیان	۷/۱۸۸	۲/۱۸۷	۲۹/۳۸۲	۷۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
سوال ۳	خبرگان	۶/۷۷۵	۲/۴۲۳	۱۷/۶۸۴	۳۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
	دانشگاہیان	۷/۱۱۳	۱/۹۶۸	۳۲/۳۲۴	۷۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
سوال ۴	خبرگان	۸/۰۵۰	۱/۵۸۴	۳۲/۱۳۴	۳۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
	دانشگاہیان	۷/۴۵۰	۱/۷۹۹	۳۷/۰۳۱	۷۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید

فرضیه ششم: این فرضیه، حسابر سی را به عنوان یک خرده نظام در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی و بعدی دیگر در تحول مدنظر قرار داده و تحول در آن را به صورت ارتقا از حسابر سی مالی و رعایت به حسابر سی عملکرد مطرح می‌نماید. نتایج آزمون دوجمله‌ای انجام شده برای ارزیابی موافقت یا عدم موافقت پاسخ‌دهنده‌ها در نگاره (۱۲) ارائه شده است. همانگونه که مشاهده می‌شود کلیه پاسخ‌دهنده‌ها در هر دو گروه با تحول و ارتقای حسابر سی به حسابر سی

عملکرد موافق بوده و نتیجه آزمون دوجمله‌ای هم در سطح خطای ۵ درصد معنادار بوده که موید موافقت پاسخ‌دهنده‌ها است. ارزیابی شدت موافقت نیز با استفاده از آزمون t انجام شده است. نتایج آزمون مذکور نیز بیانگر موافقت شدید خبرگان و دانشگاهیان با تحول مذکور است. نتایج در نگاره (۱۳) ارائه شده است.

نگاره (۱۲): نتایج آزمون دوجمله‌ای فرضیه ششم

فرضیه	نوع جواب	تعداد	نسبت	میانگین	انحراف استاندارد	سطح معناداری
خبرگان	بلی	۴۰	۱	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	خیر	۰	۰			
دانشگاهیان	بلی	۸۰	۱	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	خیر	۰	۰			

نگاره (۱۳): نتایج آزمون t برای ارزیابی شدت موافقت فرضیه ششم

فرضیه ششم	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	شدت موافقت
خبرگان	۴۰	۷/۵۲۵	۲/۰۳۸	۲۳/۳۵۳	۳۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید
دانشگاهیان	۸۰	۷/۶۷۵	۱/۷۳۴	۳۹/۵۸۸	۷۹	۰/۰۰۰	موافقت شدید

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این پژوهش، بررسی ضرورت تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی ایران و شناسایی ابعاد آن است. یافته‌ها نشان داد که هر دو گروه خبرگان و دانشگاهیان تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی را ضروری تشخیص داده‌اند. این نتیجه، با توجه به روند بین‌المللی تلاش برای ارتقای کیفیت ارائه خدمات توسط دانشگاه‌های دولتی و افزایش کارایی و اثربخشی این نهادها و از سوی دیگر تحولات عظیم در کل بخش عمومی قابل درک است. در رابطه با نوع تحولات در دانشگاه‌ها و تأثیر شرایط خاص دانشگاه‌های دولتی و بطور خاص ویژگی متمایز دانشگاه در مقایسه با سایر نهادهای بخش عمومی یعنی استقلال آن، یافته‌های فرضیه دوم از دیدگاه خبرگان و دانشگاهیان بیانگر تأثیر

این ویژگی‌ها بر نوع تحولات در دانشگاه است. خبرگان موافقت شدید خود را در رابطه با این فرضیه اعلام نموده‌اند. در مورد این یافته توجه به این نکته ضروری است که به علت وجه تمایزی که بین برخی از سازمان‌های دولتی از نظر عملکرد و وظیفه وجود دارد، تفاوت در سیستم حسابداری و هدف آن‌ها امری بدیهی است (مهدوی، ۱۳۷۹).

نتیجه حاصل از فرضیه سوم، نیاز به تدوین استاندارد خاص برای دانشگاه‌های دولتی را مستند نمود. در رابطه با این فرضیه خبرگان و دانشگاهیان دیدگاه یکسانی داشته و این یافته هم به نوعی مهر تاییدی بر متفاوت بودن ماهیت و نوع فعالیت دانشگاه‌های دولتی در مقایسه با سایر نهادهای دولتی است که نیازمند وضع استانداردهای مرتبط و همخوان با این نهاد است. این نتیجه مشابه با یافته‌های مهدوی و نمازی (۱۳۹۱) است که در آن دانشگاهیان و حسابداران، به دلیل نیازهای خاص دانشگاه به عنوان یک نهاد دولتی مهم، خواستار تدوین استانداردهای حسابداری خاص، برای دانشگاه‌ها هستند. یافته مذکور با اتفاقات رخ داده در سایر کشورها نظیر ایالات متحده همخوانی دارد، به گونه‌ای که نیاز به تدوین استاندارد خاص دانشگاه‌ها به عرصه عمل رسیده و بطور جداگانه برای آن بیانیه ۳۵، که تعدیل شده بیانیه ۳۴ است، تهیه و مورد استفاده دانشگاه‌ها است.

در فرضیه‌های چهارم تا ششم یافته‌های مربوط به شناسایی ابعاد تحول و اجزای آن مستند شده است. فرضیه چهارم نشان داد که حسابداری مالی دانشگاه‌ها نیازمند تحول است و تحول در این سیستم یکی از ابعاد اصلی تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌ها است. با توجه به نقش و اهمیت گزارشگری مالی به عنوان ابزار ایفای مسئولیت پاسخگویی، اعمال روش صحیح و منطبق با استانداردهای پذیرفته شده حسابداری، نقش درخور ملاحظه‌ای در ارائه صحیح اطلاعات در صورت‌های مالی جامع دولت و واحدهای تابعه و به تبع آن ایفای هر چه بهتر مسئولیت پاسخگویی خواهد داشت. ویژگی‌های مورد موافقت این سیستم به این شرح است: الف- تعیین رویکرد اندازه‌گیری برای تحول ضروری است. رویکرد جریان منابع مالی کافی نبوده و استفاده از رویکرد جریان منابع اقتصادی لازم است. بدین ترتیب همراه با تعیین مبنای حسابداری، مشخص نمودن رویکرد اندازه‌گیری هم ضرورت دارد. این یافته به نوعی با نتیجه پژوهش باباجانی و مددی (۱۳۸۸) هماهنگ است که بر اساس آن تحول در سیستم حسابداری و گزارشگری مالی دانشگاه‌های دولتی ایران مستلزم بکارگیری مبنای

تعهدی تعدیل شده و معیار جریان منابع اقتصادی است. ب- یافته‌ها در هر دو گروه پاسخ‌دهنده نشان داد که برای امکان‌پذیری قابلیت مقایسه گزارشگری مالی دانشگاه‌های دولتی، صورت‌های مالی متحدالشکل تهیه شود.

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه پنجم، منجر به اطلاعاتی در رابطه با سیستم حسابداری مدیریت اجزای آن و برخی از ویژگی‌های این اجزا شد. نتایج حاکی از آن است که خبرگان و دانشگاهیان، استقرار سیستم حسابداری مدیریت در دانشگاه‌های دولتی را به عنوان یکی دیگر از ابعاد تحول، ضروری می‌دانند. دانشگاه‌های دولتی اهداف متنوعی در زمینه تحقیق، آموزش و خدمات دارند. اغلب این اهداف غیر اقتصادی هستند، بنابراین در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی باید سیستم حسابداری مدیریت مستقر شود که با اهداف آن سازگار و منطبق است (کوپر، ۲۰۱۳). به دلیل اینکه یکی از اهداف این سیستم حسابداری تجهیز گروه‌های مختلف ذینفعان با اطلاعات مرتبط با اهداف مختلف است که به نوبه خود مستلزم ایجاد شیوه حسابداری طراحی شده نوین است، یافته‌ها هم موید این دیدگاه است. بنابراین، این سیستم دارای اجزای بودجه‌بندی بر مبنای عملکرد، سیستم بهای تمام شده و سیستم ارزیابی عملکرد، می‌باشد. مشابه با یافته باباجانی و ستایش (۱۳۸۶) مبنی بر این که دانشگاه‌های ایران از شاخص‌های قابل قبول ارزیابی عملکرد، جهت ایفای مسئولیت پاسخگویی مالی و عملیاتی برخوردار نمی‌باشند، بنابراین تحول در سیستم ارزیابی عملکرد ضرورت دارد. نهایتاً فرضیه ششم، بحث تحول در سیستم حسابرسی را به عنوان بعدی دیگر از نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی و ارتقای آن را به حسابرسی عملکرد مطرح می‌نماید و در این مورد هر دو گروه خبرگان و دانشگاهیان موافقت شدید خود را با این بعد از تحول بیان نموده‌اند. یافته‌های مربوط به سه فرضیه اخیر به نوعی تاییدکننده نظریه سیستمی بودن نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌ها است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود:

۱- یکی از یافته‌های کلیدی پژوهش حاضر، تایید نیاز به تدوین استاندارد خاص دانشگاه‌های دولتی است. لذا به سازمان حسابرسی و سایر متولیان تدوین استانداردهای حسابداری در ایران پیشنهاد می‌شود که تهیه این استاندارد را در دستور کار خود قرار دهند.

۲- با توجه به یافته‌های این پژوهش، لازمه تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی دانشگاه‌های دولتی، تحول در خرده نظام‌های تشکیل‌دهنده آن است که در این پژوهش سه

بعد اصلی آن یعنی حسابداری مالی، حسابداری مدیریت و حسابرسی مورد شناسایی قرار گرفت. از این رو، دست‌اندرکاران اجرای تحولات در دانشگاه‌های دولتی اعم از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و روسای دانشگاه‌ها و... باید این مقوله را در نظر گرفته و در اجرای این تحولات بدان توجه لازم را مبذول دارند.

منابع

- امینی مهر، اکبر، حجازی، رضوان، شهیم پرمهر، ضیاءالدین. (۱۳۹۴). بررسی سودمندی مبنای حسابداری تعهدی بر شفافیت گزارشگری و مسئولیت پاسخگویی در دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مطالعه موردی: دانشگاه خوارزمی). *دو فصلنامه حسابداری دولتی*، سال اول، شماره ۲، ۵۵-۶۶.
- باباجانی، جعفر. (۱۳۷۸). ارزیابی مسئولیت پاسخگویی نظام حسابداری و گزارشگری مالی دولت جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات حسابداری*، شماره ۶، ۵۴-۲۷.
- باباجانی، جعفر. (۱۳۸۲). مسئولیت پاسخگویی و تحولات حسابداری دولتی موضوع بیانیه ۳۴ (GASB)، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، سال سوم، شماره ۸، ۳۴-۶۱.
- باباجانی، جعفر. (۱۳۸۴). تحلیل مبانی نظری و قانونی حاکم بر سیستم حسابداری دستگاه‌های اجرایی کشور. *حسابدار رسمی*، شماره ویژه، ۲۸-۱.
- باباجانی، جعفر. (۱۳۹۱). نقش تفکر سیستمی در تحلیل نظام پاسخگویی و خرده نظام‌های تشکیل دهنده. *مجموعه مقالات کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبایی - جلد اول*.
- باباجانی، جعفر، آذر، عادل، معیری، مرتضی. (۱۳۹۲). عوامل و محرک‌های تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی بخش عمومی ایران. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، سال یازدهم، شماره ۳۷-ص ۳۷-۱.
- باباجانی جعفر، ستایش محمد حسین. (۱۳۸۶). تعیین شاخصهای ارزیابی عملکرد و بررسی قابلیت‌های سیستم حسابداری دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به منظور تحقق پاسخ گویی مالی و عملیاتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، سال چهاردهم، شماره ۴۹، ۶۶-۴۵.
- باباجانی، جعفر، مددی، آرزو. (۱۳۸۸). امکان سنجی تحول در نظام حسابداری و گزارشگری مالی دانشگاه های دولتی ایران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۱۶، شماره ۵۶، ۲۰-۳.
- رحمانی، حلیمه، سیر تاریخی نظام حسابداری و گزارشگری مالی دانشگاه‌ها، مدیریت تدوین استانداردهای سازمان حسابرسی.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. دستورالعمل بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد موضوع ماده ۲۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه.

ستایش، محمد حسین. (۱۳۸۶). تعیین شاخص‌های ارزیابی عملکرد و بررسی قابلیت‌های سیستم حسابداری دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی به منظور تحقق پاسخگویی مالی و عملیاتی، رساله دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی.

گرد، عزیز، کریمی، عباس. (۱۳۹۰). بررسی اثرات تغییر روش حسابداری نقدی به حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی و عملیاتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. دانش حسابداری، دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۴. ۶-۲۱.

مهدوی، غلامحسین، نویدرضا نمازی. (۱۳۹۱). بررسی نگرش دانشگاهیان و حسابداران دانشگاهها نسبت به وضعیت حسابداری دولتی در دانشگاههای ایران (مطالعه‌ی موردی: دانشگاه‌های شیراز). مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز (مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی پیشین)، دوره چهارم، شماره اول، پیاپی ۶۲/۳، ۱۳۷-۱۶۶.

مهدوی، غلامحسین. (۱۳۷۹). نظام پاسخگویی و حسابداری دولتی در ایران. مجله حسابرس، شماره ۷، ۳۸-۴۳.

Abbott, M. and Doucouliagos, C. (2003). The efficiency of Australian universities: a data development analysis. *Economics of Education Review*, Vol. 22 No. 1, pp. 89-97

Agasisti, T., Arnaboldi, M. and Azzone, G. (2008). Strategic management accounting in universities: the Italian experience. *Higher Education*, Vol. 55, pp. 1-15.

Christiens Johan, Wielemaker els de. (2003). financial accounting reform in flemish universities: an empirical study of the implementation. *Financial Accountability & Management*, 19 (2), 185-204.

Cris Shore. (2007). After Neoliberalism? The reform of New Zealand's university system, department of educational anthropology. Working Paper no. 6.

Dixon Keith, Coy David, Ower Gregt. (1991). External reporting by Newzealand accountability universities 1985-1989: improving. *Financial AccountabiliQ @ Management*, 7 (3), Autumn 1991, 0267-4424 82. 50

Gary, Rob, Haslam, Jim. (1990). External reporting by UK universities: an expolatory study of accounting change. *Financial Accountability d Manngmunf*, 6 (1).

Kelsey, J. (1997). *The New Zealand Experiment: A World Model for Structural Adjustment?*, Auckland: Auckland University Press.

- Ku'pper, Hans-Ulrich. (2013). A specific accounting approach for public universities, *J Bus Econ* (2013) 83: 805–829, DOI 10. 1007/s11573-013-0682-4
- Mackinnon, D. , Statham, J. and Hales, M. (1995). *Education in the UK: Facts and Figures*, Hodder & Stoughton, London.
- Morshidi Bin Sirat. (2009). Strategic planning directions of Malaysia's higher education: university autonomy in the midst of political uncertainties, *High Educ* (2010) 59: 461–473 DOI 10. 1007/s10734-009-9259-0.
- Ormos Mihály, Veress Attila. (2011). University accounting in post-communist economies contrast to the anglo-saxon system: the case of hungary, *Business and Management Review* Vol. 1 (6) pp. 62 – 67.
- Pessina, E. A. , Nassi, G. & Steccolini, A.) 2008 (. Accounting reforms: Determinants of local government's choices. *Financial accountability & management*.
- Phetphairin Upping, Judy Oliver. (2012). Thai public universities: modernisation of accounting practices. *Journal of Accounting & Organizational Change*, Vol. 8 No. 3, 2012, pp. 403-430.
- Venieris G. and S. Cohen. (2004). Accounting Reform in Greek Universities: a Slow Moving Process, *Financial Accountability & Management*, Vol. 20, No. 2, p. 183-204.

بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری

ناصر ایزدی نیا^{*}، مسعود طاهری^{**}

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۱۸

چکیده

اعتبار تجاری یکی از مهمترین منابع تامین مالی کوتاه مدت می‌باشد. عوامل گوناگونی بر میزان اعتبار تجاری تأثیرگذار است که از جمله مهمترین آنها کیفیت اطلاعات حسابداری می‌باشد. از این رو، بررسی در مورد رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری ضروری به نظر می‌رسد. لذا در این پژوهش رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری مورد بررسی قرار گرفته است. متغیرهای مستقل این پژوهش عبارتند از: همواربودن سود، محافظه کاری و مدیریت سود. از تغییرپذیری سود نسبت به جریان‌های نقد عملیاتی به عنوان معیاری برای همواربودن سود و از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیاری برای مدیریت سود استفاده گردیده است. اقلام تعهدی اختیاری با استفاده از مدل جونز تعدیل شده (۱۹۹۵) و محافظه کاری با استفاده از مدل خان و واتس (۲۰۰۹) محاسبه گردید. متغیر وابسته پژوهش نیز اعتبار تجاری می‌باشد که برای اندازه‌گیری آن با توجه به پژوهش پیترسن و راجان (۱۹۹۷) و جیانتی و همکاران (۲۰۱۱) از نسبت حساب‌های پرداختی به کل دارایی‌ها استفاده شده است. نمونه پژوهش شامل ۱۲۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی استفاده گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین همواربودن سود و محافظه کاری با اعتبار تجاری رابطه معناداری وجود ندارد، اما بین مدیریت سود و اعتبار تجاری رابطه منفی و معنادار مشاهده شد.

واژه‌های کلیدی: اعتبار تجاری، همواربودن سود، محافظه کاری، مدیریت سود.

طبقه بندی موضوعی: M41، E44

^{*} دانشیار حسابداری، دانشگاه اصفهان، (naser.izadnia@gmail.com)

^{**} دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه اصفهان، (نویسنده مسئول) (masoudtaheri99@yahoo.com)

مقدمه

اعتبار تجاری^۱ زمانی به وجود می‌آید که یک شرکت کالا و خدمات را از عرضه‌کنندگان دریافت می‌کند، بدون اینکه در زمان معامله پول آن را پرداخت نماید. به عبارتی دیگر، اعتبار تجاری توافقی است بین خریدار و فروشنده که به موجب آن فروشنده به خریدار اجازه می‌دهد که وجه کالاهای خریداری شده را با تاخیر پرداخت نماید (مین و اسمیت، ۱۹۹۲).

زمانی که فروشندگان قصد دارند کالاهای خود را به صورت اعتباری بفروشند، وضعیت مشتریان خود را بررسی می‌کنند تا تعیین کنند که آیا مشتریان قادر به پرداخت بدهی‌های خود در موعد مقرر می‌باشند یا خیر. یک راه برای انجام چنین کاری، تعیین کیفیت اطلاعات حسابداری ارائه شده از سوی مشتریان می‌باشد. شواهدی در خصوص نقش و تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری وجود دارد. برای مثال براس و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که کیفیت اطلاعات حسابداری بالا، باعث آسان‌تر شدن تامین مالی می‌شود، و فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند که اطلاعات حسابداری با کیفیت بالا، هزینه سرمایه را کاهش می‌دهد. این طور استدلال می‌شود که کیفیت حسابداری بالا منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود (باتاچاریا و همکاران، ۲۰۱۱) و خرید به صورت اعتباری را آسان می‌کند. گالیر و بیایس (۱۹۹۷) مدلی را در مورد تصمیمات مربوط به اعتبار تجاری طراحی کردند که در آن سه گروه وجود دارند: یک بانک، یک خریدار و یک فروشنده. برای خریدار دو وضعیت وجود دارد: وضعیت خوب و وضعیت بد. به دلیل وجود عدم تقارن اطلاعاتی، فروشنده به طور کامل از وضعیت خریدار آگاهی ندارد. با این وجود مجموعه‌ای از علامت‌ها^۲ (سیگنال) وجود دارند که فروشنده می‌تواند از آن‌ها استفاده کرده و وضعیت خریدار را تعیین نماید تا بتواند تصمیم صحیحی در مورد اعتبار بخشیدن به خریدار اتخاذ نماید. اگر احتمال زیادی وجود داشته باشد که وضعیت خریدار خوب است، فروشنده راحت‌تر به وی کالا به صورت اعتباری می‌فروشد. مدل گالیر و بیایس را می‌توان در جهت حمایت از بحث حاضر دانست، مبنی بر اینکه عرضه‌کنندگان از کیفیت اطلاعات حسابداری به عنوان یک علامت استفاده می‌کنند تا به تعیین وضعیت خریدار (خوب یا بد) بپردازند.

کیفیت اطلاعات حسابداری مشتریان نقش مهمی در تصمیمات عرضه‌کنندگان مبنی بر فروش اعتباری به آن‌ها دارد (یون، ۲۰۱۳). پیترسن و راجان (۱۹۹۷) بیان می‌دارند که

عرضه کنندگان می‌توانند با توجه به اطلاعات حسابداری مشتریان، وضعیت و شرایط آن‌ها را مورد ارزیابی قرار دهند. شرکت‌هایی که با مشکل نقدینگی مواجه هستند، می‌توانند از اعتبار تجاری استفاده کرده و به فعالیت خود ادامه دهند و به این صورت مانع از ایجاد وقفه در عملیات خود شوند (فرناندو و مولیر، ۲۰۱۲). سوالی که در چنین شرایطی مطرح می‌گردد این است که آیا کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت‌ها می‌تواند در میزان اعتبار تجاری آن‌ها تأثیرگذار باشد یا خیر. پژوهش‌های گوناگونی در ارتباط با کیفیت اطلاعات حسابداری در داخل کشور صورت گرفته است که از جمله آن‌ها می‌توان به بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری با متغیرهایی همچون نقدشوندگی سهام، بازده و هزینه سرمایه اشاره نمود. اما تاکنون پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری نپرداخته است. لذا بررسی رابطه مذکور ضروری به نظر می‌رسد. از این رو، این پژوهش به بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری می‌پردازد.

مبانی نظری

اعتبار تجاری مهمترین منبع تامین مالی کوتاه مدت می‌باشد (گرتر و برنانک، ۱۹۹۵). عرضه کنندگان به عنوان فراهم کنندگان منابع مالی کوتاه مدت، زمانی که می‌خواهند به مشتریان خود اعتبار تجاری بدهند، چندین جنبه مهم از جمله حاشیه سود حاصل از فروش اضافی به صورت نسبه، توانایی شرکت مشتری برای پرداخت به موقع تعهدات تجاری خود و وضعیت مالی بلند مدت شرکت مشتری را در نظر می‌گیرند.

وقتی که عرضه کنندگان به صورت اعتباری به مشتریان خود کالا می‌فروشند، حاشیه سود موثر می‌تواند کمتر از حاشیه سود اسمی باشد. زیرا در چنین حالتی به دلیل ارزش زمانی پول، قیمت فروش موثر محصولات کاهش می‌یابد. علاوه بر این، دادن اعتبار به مشتریان از سوی عرضه کنندگان، در واقع همانند دادن وام به مشتریان می‌باشد، اما بدون اینکه بهره‌ای دریافت گردد. وضعیت مالی بلندمدت مشتریان نیز، هنگامی که عرضه کنندگان قصد دارند ارتباط بلندمدتی با آن‌ها داشته باشند، اهمیت بسیار زیادی دارد. برای مثال، فرض کنید که یک عرضه کننده قرارداد بلندمدتی را با فروشنده‌ای امضا می‌کند و برای اینکه بتواند کالای مورد معامله را تولید کرده و به مشتری تحویل دهد، اقدام به خرید تجهیزات خاصی می‌کند. در

چنین مواردی، عرضه کننده نه تنها در مورد توانایی مشتری خود در تعهدات اعتباری کوتاه مدت نگرانی‌هایی دارد، بلکه حتی باید نگران وضعیت مالی بلندمدت آن مشتری نیز باشد. زیرا عرضه کننده با خرید تجهیزات خاص برای این قرارداد، در واقع به نوعی سرمایه گذاری انجام داده و اگر مشتری وضعیت مالی بلندمدت مناسبی نداشته باشد، عرضه کننده مورد نظر در سرمایه گذاری خود شکست خواهد خورد. با این وجود، اگر مشتریان بتوانند تعهدات خود را به موقع پرداخت نمایند، موارد مذکور مشکلی را به وجود نخواهد آورد.

اما در عمل پرداخت به موقع تعهدات از سوی مشتریان، نگرانی‌هایی را برای عرضه کنندگان به دنبال دارد. زیرا اغلب مشتریان تعهدات خود را با تاخیر پرداخت می کنند. آلتوناک (۲۰۱۲) بیان می کند که حدود ۴۰ تا ۶۰ درصد از شرکت‌ها، حساب‌های پرداختی خود را با تاخیر به عرضه کنندگان پرداخت می کنند. این مسئله پرداخت با تاخیر، محدود به شرکت‌های کوچک نمی شود و شرکت‌های بزرگ نیز ممکن است در پرداخت تعهدات تجاری خود تاخیر داشته باشند. مرفین و انجورج (۲۰۱۳) با بررسی نمونه ای از شرکت‌ها که مشتریان بزرگی داشتند، نشان دادند که تاخیر در پرداخت به وسیله مشتریان بزرگ، محدودیت‌هایی را برای عرضه کنندگان از نظر سرمایه گذاری در اموال و تجهیزات به وجود آورده و موجب کاهش مخارج سرمایه‌ای می شود. بنابراین، عرضه کنندگان هنگام دادن اعتبار تجاری به مشتریان خود، باید احتمال پرداخت با تاخیر و حتی در بعضی از موارد احتمال نکول را در نظر بگیرند.

در چنین شرایطی، عرضه کنندگان باید به دنبال اطلاعاتی باشند که بتوانند با استفاده از آن‌ها به ارزیابی وضعیت مشتریان خود بپردازند. یکی از مهمترین منابع اطلاعاتی که عرضه کنندگان از آن استفاده می کنند، صورت‌های مالی یا همان اطلاعات حسابداری می باشد. تحقیقات گذشته در مورد کیفیت اطلاعات حسابداری نشان داده‌اند که اطلاعات حسابداری با کیفیت بالاتر، برای سهامداران و سایر ذینفعان سودمند می باشد (دیچو و همکاران، ۲۰۱۰).

نتایج پژوهش اندرو (۲۰۱۱) حاکی از آن است که شرکت‌هایی که سود هموارتری دارند، کیفیت اطلاعات حسابداری بالاتری دارند و در نتیجه ذینفعان (سرمایه گذاران و اعتباردهندگان) از گزارش‌های منتشر شده آن‌ها می توانند اطلاعات سودمندتری جهت اتخاذ تصمیم به دست آورند. هاشمی و همکاران (۱۳۹۳) از همواربودن سود جهت سنجش کیفیت

اطلاعات حسابداری استفاده کردند. محافظه کاری، می‌تواند کیفیت اطلاعات حسابداری را تحت تأثیر قرار دهد. در این راستا، فان و ژانگ (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که محافظه کاری باعث بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری می‌شود. راج و تیلور (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که محافظه کاری موجب بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری می‌شود. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که محافظه کاری حسابداری می‌تواند به عنوان یک مکانیزم قراردادی کارآمد برای جلوگیری از ایجاد تضاد منافع بین شرکت و اعتباردهندگان بکار آید. پنمن (۲۰۰۳) کیفیت اطلاعات حسابداری را متأثر از مدیریت سود می‌داند و بیان می‌کند که انجام مدیریت سود کیفیت اطلاعات حسابداری را کاهش می‌دهد. در این راستا، بنی مهد (۱۳۹۱) نیز به این نتیجه رسید که بین مدیریت سود با کیفیت اطلاعات حسابداری رابطه منفی وجود دارد و کاهش مدیریت سود، ابزاری برای بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری می‌باشد. بارث و همکاران (۲۰۰۸) از محافظه کاری و مدیریت سود به عنوان معیارهایی برای کیفیت اطلاعات حسابداری استفاده کردند. آن‌ها همچنین بیان می‌دارند که سود هموارتر کیفیت اطلاعات حسابداری را بالا می‌برد. همچنین گارسا و همکاران (۲۰۱۴) از همواربودن سود و یون (۲۰۱۳) از همواربودن سود و محافظه کاری به عنوان معیاری برای کیفیت اطلاعات حسابداری استفاده کردند. لذا در این پژوهش از همواربودن سود، محافظه کاری و مدیریت سود به عنوان معیارهایی برای کیفیت اطلاعات حسابداری استفاده می‌شود. در ادامه به این موضوع پرداخته می‌شود که جنبه‌های مختلف کیفیت اطلاعات حسابداری چگونه تصمیمات عرضه‌کنندگان در دادن اعتبار تجاری به مشتریان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

همواربودن سود

همواربودن سود یکی از ویژگی‌های مهم برای کیفیت سود می‌باشد. انتظار می‌رود شرکت‌هایی که سود هموارتر دارند به دو دلیل بتوانند اعتبار تجاری بیشتری از عرضه‌کننده‌های خود کسب نمایند. اول اینکه باور بر این است که چنین شرکت‌هایی ریسک کمتری دارند. عرضه‌کنندگان ترجیح می‌دهند مشتریانی داشته باشند که عملکرد با ثبات‌تری داشته باشند. گراهام و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که مدیران شرکت‌ها ترجیح می‌دهند سود هموار داشته باشند تا از این طریق به عرضه‌کنندگان اطمینان دهند که عملکرد با ثباتی دارند.

دوم اینکه سود هموار می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد. تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که مدیران از هموارسازی سود استفاده می‌کنند تا اطلاعات درون سازمانی در مورد سود آتی را به بازار مخابره کنند و به این صورت عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهند (سانکار و سابرامانیا، ۲۰۰۱). تاکر و زاروین (۲۰۰۶) در تحقیق خود نشان دادند که تغییر در قیمت جاری سهام شرکت‌هایی که سود هموارتری دارند، از آگاهی‌دهندگی بیشتری برخوردار است و اطلاعات بیشتری در مورد سودهای آتی فراهم می‌کند. بر این اساس، انتظار می‌رود که شرکت‌هایی که سود هموارتری دارند، از اعتبار تجاری بیشتری برخوردار باشند.

به موقع بودن عدم تقارن سود (محافظه کاری شرطی)

تئوری حسابداری اثباتی بیان می‌کند که محافظه کاری، هزینه‌های قراردادهای بدهی را کاهش می‌دهد و بنابراین گزارشگری محافظه کارانه مزایایی را برای شرکت‌ها در پی دارد (واتس، ۲۰۰۳؛ آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۰). شواهدی نیز مبنی بر چگونگی تأثیر محافظه کاری بر قراردادها وجود دارد. برای مثال گاا (۲۰۱۳) نشان داد که محافظه کاری با کاهش فرصت مدیران برای دستکاری سود، کارایی قراردادهای بدهی را افزایش و هزینه‌های قراردادهای را کاهش می‌دهد. بیدل و همکاران (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیدند که محافظه کاری ریسک ورشکستگی را کاهش می‌دهد که خود موجب کاهش در هزینه‌های قراردادهای بدهی می‌شود. لافوند و واتس (۲۰۰۸) نیز در تحقیق خود شواهدی تجربی مبنی بر اینکه محافظه کاری بیشتر موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود، ارائه کردند. بر این اساس، انتظار می‌رود که محافظه کاری حسابداری، اعتبار تجاری شرکت‌ها را افزایش دهد.

مدیریت سود

عرضه کنندگان خواستار تعیین این موضوع هستند که آیا عملکرد مشتریان آن‌ها با ثبات می‌باشد یا خیر. شواهد نشان می‌دهد که مدیران اعتقاد دارند که سود با کیفیت سودی است که با ثبات، تکرارپذیر و همراه با جریان نقد باشد (دیچو و همکاران، ۲۰۱۳). با توجه به این تعریف از کیفیت سود، مدیریت سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری، کیفیت سود را کاهش می‌دهد.

عرضه کنندگان در هنگام معامله، احتمال رفتار فرصت طلبانه مشتریان خود را در نظر می‌گیرند. رامان و شهرور (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند، اگرچه مدیران از مدیریت سود فرصت طلبانه استفاده می‌کنند تا به عرضه کنندگان خود نشان دهند که از وضعیت مالی مناسبی برخوردار هستند، اما این اقدام از سوی آن‌ها تأثیر معکوس می‌گذارد. بر این اساس، انتظار می‌رود که مدیریت سود موجب کاهش اعتبار تجاری شرکت‌ها شود.

پیشینه تحقیق

دای و یانگ (۲۰۱۵) رابطه بین محافظه کاری حسابداری با اعتبار تجاری را در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس چین مورد بررسی قرار دادند. بازه زمانی پژوهش از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ بوده است. آن‌ها شواهدی مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنادار بین محافظه کاری و میزان اعتبار تجاری یافتند و بیان داشتند که با افزایش محافظه کاری، اعتبار تجاری افزایش می‌یابد.

آنتونی و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری با اعتبار تجاری در کشور فرانسه پرداختند. در این پژوهش از کیفیت اقلام تعهدی به عنوان معیاری برای کیفیت اطلاعات حسابداری استفاده شده است. دوره زمانی پژوهش آن‌ها از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ بوده است. شواهد حاکی از آن است که بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری رابطه مثبت وجود دارد و اعتباردهندگان به مشتریانی که کیفیت اقلام تعهدی آن‌ها پایین می‌باشد، اعتبار کمتری می‌دهند.

گارسیا و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین کیفیت سود و اعتبار تجاری پرداختند. آن‌ها در پژوهش خود از نوسان پذیری سود، هموار بودن سود، قابلیت پیش‌بینی سود و کیفیت اقلام تعهدی به عنوان معیارهایی برای کیفیت سود استفاده کردند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر چه سود نوسان‌پذیری کمتری داشته و هموارتر باشد، قابلیت پیش‌بینی بیشتری داشته باشد و همچنین کیفیت اقلام تعهدی بیشتر باشد، میزان اعتبار تجاری افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، با افزایش کیفیت سود، اعتبار تجاری افزایش می‌یابد.

یون (۲۰۱۳) در پژوهشی رابطه بین مدیریت سود (اقلام تعهدی اختیاری) و اعتبار تجاری را مورد بررسی قرار داد. وی پژوهش خود را در بین شرکت‌های آمریکایی و در بازه زمانی ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۰ انجام داد. نتایج پژوهش نشان داد که بین اقلام تعهدی اختیاری با اعتبار تجاری

رابطه منفی وجود دارد. به عبارتی دیگر، با افزایش مدیریت سود، میزان اعتبار تجاری کاهش می‌یابد.

فراندو و مولیر (۲۰۱۲) در پژوهشی با استفاده داده‌های شرکت‌های مربوط به هشت کشور اروپایی طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۹ به شواهدی دست پیدا کردند مبنی بر اینکه شرکت‌ها از اعتبار تجاری به عنوان راهی برای مدیریت رشد فعالیت‌های خود استفاده می‌کنند. همچنین شواهد نشان می‌دهد که میزان استفاده از اعتبار تجاری در کشورهایی که بازارهای مالی کمتر توسعه یافته، بیشتر می‌باشد.

هیو و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر رابطه بین عرضه‌کنندگان و مشتریان پرداختند. آن‌ها پژوهش خود را در بازه زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۷ و با استفاده از ۷۰۶۴ سال-شرکت انجام دادند. برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از مدل باسو استفاده شد. یافته‌ها حاکی از آن است که عرضه‌کنندگان ترجیح می‌دهند تا مشتریان گزارش‌های خود را محافظه‌کارانه تر تهیه و ارائه کنند.

در ایران تاکنون پژوهشی در مورد اعتبار تجاری صورت نگرفته است. با این وجود می‌توان تحقیقات زیر را از منظر کیفیت اطلاعات حسابداری مرتبط با پژوهش حاضر دانست.

یگانه و امیدی (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان «رابطه کیفیت اطلاعات حسابداری، تأخیر واکنش قیمت و بازدهی آتی سهام» با استفاده از اطلاعات ۶۶ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ انجام دادند. کیفیت اطلاعات حسابداری شامل سه شاخص کیفیت اقلام تعهدی، مربوط بودن و پایداری سود بوده است. یافته‌های این تحقیق نشان داد که کیفیت اقلام تعهدی با تأخیر واکنش قیمت سهام رابطه مستقیم و مربوط بودن با تأخیر واکنش سهام رابطه معکوس دارند. در این تحقیق بین پایداری سود و تأخیر واکنش سهام رابطه معناداری مشاهده نگردیده است.

بلالی و نورشاهی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «کیفیت اطلاعات حسابداری و مخارج سرمایه‌ای شرکت‌ها: دیدگاهی مبتنی بر نظریه نمایندگی» به بررسی چگونگی رابطه بین کیفیت حسابداری با کارایی مخارج سرمایه‌ای شرکت‌ها پرداختند. بازه زمانی پژوهش آن‌ها از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ بوده است. شواهد نشان داد که کیفیت بالاتر اطلاعات حسابداری، از طریق کاهش مسائل نمایندگی، کارایی مخارج سرمایه‌ای شرکت‌ها را افزایش می‌دهد.

فروغی و قجاوند (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «تأثیر کیفیت اطلاعات بر نقد شوندگی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» را انجام دادند. در این پژوهش، تعداد ۱۰۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ مورد بررسی قرار گرفت. برای تعیین کیفیت اطلاعات حسابداری از دو متغیر کیفیت اقلام تعهدی و دقت پیش‌بینی درآمد هر سهم استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین کیفیت اطلاعات و نقدشوندگی سهام رابطه معناداری وجود دارد.

بنی مهد (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «کیفیت اطلاعات حسابداری، نوع حسابرس و مدیریت سود» تأثیر مدیریت سود بر کیفیت اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داد. دوره زمانی پژوهش وی ۷ سال و از سال ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۶ بوده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مدیریت سود با کیفیت اطلاعات حسابداری، رابطه منفی دارد.

ثقفی و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «کیفیت اطلاعات حسابداری، سرمایه‌گذاری بیش از حد و جریان نقد آزاد» را با استفاده از اطلاعات ۶۴ شرکت بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ انجام دادند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که هر چه کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت‌ها بالاتر باشد، مساله سرمایه‌گذاری بیش از حد، کم‌تر به وجود می‌آید و این رابطه در شرکت‌هایی با جریان‌های نقد آزاد بالا بیش‌تر رخ می‌دهد و تأثیر کاهش سرمایه‌گذاری بیش از حد از طریق کیفیت اطلاعات حسابداری در این شرکت‌ها به مراتب بیش‌تر است.

نیکومرام و امینی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «کیفیت سود و هزینه سرمایه» به بررسی رابطه بین کیفیت سود به عنوان معیاری برای کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه حقوق صاحبان سهام پرداختند. نمونه آنها شامل ۳۰۳ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸ بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت سود دارای یک رابطه منفی معنی‌دار با هزینه حقوق صاحبان سهام می‌باشد.

مجته‌زاده و احمدی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «کیفیت سود، اطلاعات حسابداری و مخارج سرمایه‌ای» به بررسی این موضوع پرداختند که آیا کیفیت اطلاعات حسابداری بر تصمیم‌گیری‌های مدیران اثر می‌گذارد یا خیر. نمونه پژوهش آنها شامل ۶۳ شرکت در بازه

زمانی ۱۳۹۷ تا ۱۳۸۳ بوده است. معیار در نظر گرفته شده برای کیفیت اطلاعات حسابداری، کیفیت سود بود. به این منظور، تأثیر کیفیت سود بر حساسیت مخارج سرمایه‌ای آتی نسبت به سود سال جاری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل بیانگر آن است که با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری، حساسیت مخارج سرمایه‌ای آتی به سود حسابداری جاری افزایش می‌یابد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مطالب مطرح شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

فرضیه اول: بین همواربودن سود و میزان اعتبار تجاری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

فرضیه دوم: بین محافظه‌کاری و میزان اعتبار تجاری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

فرضیه سوم: بین مدیریت سود و میزان اعتبار تجاری رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش رابطه بین همواربودن سود، محافظه‌کاری و مدیریت سود با اعتبار تجاری مورد بررسی قرار گرفت. به این منظور، از مدل‌ها و متغیرهای مورد نیاز استفاده شد که در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود.

همواربودن سود^۳ (ES): دیچو و همکاران (۲۰۱۰) از تغییرپذیری سود نسبت به جریان‌های نقد عملیاتی به عنوان معیاری برای همواربودن سود استفاده کردند. با توجه به تعریف، هر چه نسبت حاصل کوچکتر باشد، سود هموارتر می‌باشد. در این پژوهش از داده‌های سود و جریان‌های نقد عملیاتی ۵ سال گذشته یک شرکت برای محاسبه همواربودن سود استفاده شده است (تا کر و زاروین، ۲۰۰۶):

$$(1) \quad \text{Earnings smoothness}_{it} = \sigma_{it}(\text{earnings}) / \sigma_{it}(\text{CFO})$$

σ : انحراف استاندارد

earnings: سود قبل از اقلام غیر مترقبه

CFO: جریان‌های نقد عملیاتی

به موقع بودن عدم تقارن سود (محافظه کاری شرطی) $(CO)^4$: در این پژوهش از C-score به عنوان معیاری برای به موقع بودن عدم تقارن سود استفاده شده است (خان و واتس، ۲۰۰۹). خان و واتس معیار محافظه کاری را بر اساس بسط مدل باسو ارائه دادند. مدل مقطعی آن‌ها به صورت زیر ارائه گردید:

$$X_i = \beta_1 + \beta_2 D_i + R_i (\mu_1 + \mu_2 \text{Size}_i + \mu_3 M/B_i + \mu_4 \text{Lev}_i) + D_i R_i (\lambda_1 + \lambda_2 \text{Size}_i + \lambda_3 M/B_i + \lambda_4 \text{Lev}_i) + (\delta_1 \text{Size}_i + \delta_2 M/B_i + \delta_3 \text{Lev}_i + \delta_4 D_i \text{Size}_i + \delta_5 D_i M/B_i + \delta_6 D_i \text{Lev}_i) + \varepsilon_i \quad (2)$$

X_i : نسبت سود قبل از اقلام غیرمترقبه به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام ابتدای سال شرکت i در سال t

Size_i : اندازه شرکت i در سال t

M/B_i : ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت i در سال t

Lev_i : اهرم شرکت i در سال t

D_i : متغیر مجازی که در صورت منفی بودن بازده برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر است.

در این مدل به موقع بودن عدم تقارن شناخت اخبار بد، تابعی خطی از ویژگی‌های خاص شرکت (اندازه، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و اهرم) می‌باشد. در این مدل، شناخت محافظه کاری مشروط با عبارت C-score و با استفاده از رابطه (۳) اندازه‌گیری می‌شود.

$$C_Score = \lambda_1 + \lambda_2 \text{Size}_i + \lambda_3 M/B_i + \lambda_4 \text{Lev}_i \quad (3)$$

به منظور محاسبه ضرایب، ابتدا مدل شماره (۲) به صورت مقطعی مطابق با خان و واتس (۲۰۰۹) برای هر سال برازش شده و پس از استخراج ضرایب مدل در هر سال، معیار محافظه کاری در سطح هر شرکت و تابعی از ویژگی‌های خاص شرکت، محاسبه می‌گردد. از آنجا که مدل فوق‌الذکر به صورت مقطعی برازش می‌گردد، برآوردهای λ_i ($i=1, \dots, 4$) در میان شرکت‌ها ثابت و در طی زمان متغیر است.

مدیریت سود^۵ (EM): با توجه به ادبیات تحقیق، از اقلام تعهدی اختیاری^۶ به عنوان معیاری برای مدیریت سود استفاده می‌شود. در این پژوهش برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) استفاده می‌شود. در این مدل ابتدا از رابطه زیر ضرایب برآورد می‌شوند:

$$(۴) \frac{TA_{it}}{Assets_{it-1}} = \alpha_0 \frac{1}{Assets_{it-1}} + \alpha_1 \frac{\Delta Sales_{it}}{Assets_{it-1}} + \alpha_2 \frac{PPE_{it}}{Assets_{it-1}} + \varepsilon_{it}$$

پس از برآورد ضرایب، با استفاده از رابطه زیر اقلام تعهدی غیر اختیاری محاسبه می‌گردد:

$$(۵) \frac{NDA_{it}}{Assets_{it-1}} = \alpha_0 \frac{1}{Assets_{it-1}} + \alpha_1 \left(\frac{\Delta Sales_{it} - \Delta AR_{it}}{Assets_{it-1}} \right) + \alpha_2 \frac{PPE_{it}}{Assets_{it-1}} + \varepsilon_{it}$$

و در نهایت برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری خواهیم داشت:

$$(۶) \frac{DA_{it}}{Assets_{it-1}} = \frac{TA_{it}}{Assets_{it-1}} - \frac{NDA_{it}}{Assets_{it-1}}$$

TA: اقلام تعهدی

Assets: جمع دارایی‌ها

Sales: درآمد

AR: حساب‌های دریافتی

PPE: ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات

NDA: اقلام تعهدی غیر اختیاری

DA: اقلام تعهدی اختیاری

در این پژوهش در راستای محاسبه اقلام تعهدی از فرمول زیر بهره گرفته شده است که به عنوان مدل سود و زیانی شناخته می‌شود:

جریان نقد عملیاتی - سود قبل از اقلام غیرمترقبه = اقلام تعهدی

آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیونی زیر استفاده می‌شود:

$$AP_{it} = \beta_0 + \beta_1 ES_{it} + \beta_2 CO_{it} + \beta_3 EM_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 Sales\ growth_{it} + \varepsilon_{it} \quad (7)$$

متغیر وابسته در این پژوهش اعتبار تجاری (AP) می‌باشد که از طریق تقسیم حساب‌های پرداختی تجاری شرکت t در سال t بر کل دارایی‌های آن محاسبه می‌گردد (پیترسن و راجان، ۱۹۹۷؛ جیانتی و همکاران، ۲۰۱۱). متغیرهای مستقل نیز مدیریت سود (EM)، یکنواختی سود (ES) و محافظه‌کاری (CO) می‌باشند که نحوه محاسبه آن‌ها تشریح شد. در این پژوهش و بر اساس ادبیات تحقیق از متغیرهای اندازه شرکت (size) و رشد فروش (sales growth) به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شده است (پیترسن و راجان، ۱۹۹۷). شرکت‌های بزرگتر توانایی بیشتری در تامین مالی خارجی دارند، به گونه‌ای که کمتر به اعتبار تجاری متکی هستند. لذا انتظار بر این است که علامت متغیر اندازه شرکت منفی باشد. همچنین انتظار می‌رود که رشد فروش رابطه مثبتی با اعتبار تجاری داشته باشد، زیرا شرکت‌های با رشد بالا به اعتبار تجاری نیاز دارند تا بتوانند رشد خود را ادامه دهند.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای قلمرو زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ بوده است. نمونه آماری پژوهش نیز با توجه به معیارهای زیر انتخاب گردید:

- سال مالی شرکت مورد بررسی منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- شرکت سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد.
- طی دوره مورد بررسی سال مالی خود را تغییر نداده باشد.
- اطلاعات مورد نیاز شرکت مورد بررسی در دسترس باشد.

بر این اساس و با توجه به نگاره (۱) تعداد ۱۲۷ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید و از داده‌های مربوط به آن‌ها به منظور انجام پژوهش استفاده گردید.

تکانه (۱): انتخاب نمونه

۴۶۱	کل
۱۰۲	شرکت‌هایی که دوره مالی آن‌ها ۲۹ اسفند نیست.
۱۰۷	شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، بانک‌ها، نهادهای پولی و بیمه
۲۹	شرکت‌هایی که سال مالی خود را تغییر داده اند.
۹۶	شرکت‌هایی که داده‌های مورد نیاز آن‌ها در دسترس نبوده است.
۱۲۷	شرکت‌های باقیمانده

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی پژوهش حاضر که شامل حداقل، حداکثر، میانگین و انحراف معیار متغیرها است، به شرح نگاره (۲) می‌باشد.

تکانه (۲): آمار توصیفی متغیرها

نام متغیر	تعداد مشاهدات	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
اعتبار تجاری	۶۰۴	۰/۰۰۰۰۱۵	۰/۴۵۹۴۳۱	۰/۰۸۹۰۱۸	۰/۰۸۸۴۷۵
همواربودن سود	۶۰۴	۰/۰۳۴۴۹۵	۱۰/۹۲۲۰۲	۰/۹۲۵۲۳۳	۱/۰۱۱۳۱۳
محافظه کاری	۶۰۴	-۰/۰۶۲۷۰۱	۰/۰۶۶۰۰۷	۰/۰۰۶۶۸۱	۰/۰۰۸۸۶۳
مدیریت سود	۶۰۴	-۰/۴۷۷۲۹۹	۱/۰۳۵۶۹۳	۰/۰۲۷۳۱۸	۰/۱۵۷۳۵۲
اندازه شرکت	۶۰۴	۱۰/۵۳۲۹۵	۱۸/۷۱۸۱۹	۱۳/۸۰۶۷۹	۱/۳۲۵۵۰۵
رشد فروش	۶۰۴	-۱	۲/۷۳۲۸۲۵	۰/۲۱۰۷۰۶	۰/۳۷۳۰۹۶

ضریب همبستگی متغیرهای پژوهش نیز در نگاره (۳) ارائه گردیده است.

تکانه (۳): ضریب همبستگی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	AP	ES	CO	EM	SIZE	Sales growth
اعتبار تجاری	AP	۱					
همواربودن سود	ES	-۰/۱۴**	۱				
محافظه کاری	CO	۰/۷۱	۰/۰۳	۱			
مدیریت سود	EM	-۰/۱۷۵**	۰/۱۹**	۰/۰۱۸	۱		
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۷۶	-۰/۰۳۷	-۰/۱۸**	۰/۰۲۳	۱	
رشد فروش	Sales growth	۰/۰۳	۰/۰۹۲*	۰/۰۵۴	۰/۰۶۵	۰/۰۸۳*	۱
** معناداری در سطح ۰/۰۱، * معناداری در سطح ۰/۰۵							

برای تعیین برآورد صحیح مدل ابتدا آزمون چاو انجام گرفت. آماره و سطح معناداری آزمون مذکور به ترتیب ۹/۴۲۴۲ و ۰/۰۰۰۰ به دست آمد. با توجه به نتایج آزمون چاو، برای تعیین اینکه مدل باید به صورت اثرات ثابت یا تصادفی برآورد شود، آزمون هاسمن صورت گرفت. آماره و سطح معناداری آزمون هاسمن نیز به ترتیب ۱۱/۲۶۲۹ و ۰/۰۴۶۴ به دست آمد. با توجه به سطح معناداری این آزمون، فرض صفر آن مبنی بر برآورد مدل به صورت اثرات تصادفی رد شده و لذا برآورد مدل به صورت اثرات ثابت به عنوان مدل مناسب انتخاب گردید.

نگاره (۴): نتایج رگرسیون

متغیر	ضریب رگرسیون	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	۰/۲۹۴۰۲۶	۳/۱۶۷۵۱۸	۰/۰۰۱۶
همواربودن سود	۰/۰۰۰۹۲۷	۰/۳۲۱۰۳۵	۰/۷۴۸۳
محافظه کاری	۰/۲۱۳۳۱	۰/۶۰۶۴۵۳	۰/۵۴۴۵
مدیریت سود	-۰/۰۵۲۸۷۵	-۳/۰۵۸۵۲۹	۰/۰۰۲۴
اندازه شرکت	-۰/۰۱۵۱۱	-۲/۲۳۹۴۰۹	۰/۰۲۵۶
رشد فروش	۰/۰۱۳۱۷۲	۱/۹۷۹۳۶۱	۰/۰۴۸۴
آماره F	۹/۸۰۳۴۸۹	R ²	۰/۷۳
سطح معناداری	۰/۰۰۰۰	R ² تعدیل شده	۰/۶۵
آماره دوربین - واتسون	۱/۶۶۹۳۱۲		

در فرضیه اول بیان شد که بین همواربودن سود و میزان اعتبار تجاری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همان‌گونه که در نگاره (۴) قابل مشاهده است، سطح معناداری ضریب متغیر مستقل، همواربودن سود، ۰/۷۴۸۳ است که معنادار نمی‌باشد. لذا شواهدی برای تایید فرضیه اول یافت نمی‌شود. به عبارت دیگر، همواربودن سود تأثیر معناداری بر میزان اعتبار تجاری ندارد. در فرضیه دوم، رابطه بین محافظه کاری و میزان اعتبار تجاری مورد بررسی قرار گرفت. نگاره (۴) نشان می‌دهد که شواهدی برای تایید فرضیه دوم یافت نمی‌شود، زیرا سطح معناداری ضریب متغیر محافظه کاری ۰/۵۴۴۵ به دست آمده است که بیانگر معنادار نبودن این ضریب می‌باشد. فرضیه سوم به بررسی وجود رابطه معنادار بین مدیریت سود و میزان اعتبار تجاری پرداخت. همان‌گونه که در نگاره (۴) مشخص است، ضریب متغیر مستقل مدیریت سود و سطح معناداری آن به ترتیب -۰/۰۵۲۸۷۵ و ۰/۰۰۲۴ می‌باشد که حاکی از وجود رابطه منفی و

معنادار بین مدیریت سود و میزان اعتبار تجاری می‌باشد. به عبارت دیگر، هرچه مدیریت سود بیشتر شود، میزان اعتبار تجاری کاهش می‌یابد. لذا شواهدی برای رد فرضیه سوم یافت نمی‌شود.

نتایج دیگری را نیز می‌توان با توجه به نگاره (۴) دریافت نمود. اندازه شرکت با میزان اعتبار تجاری رابطه منفی و معنادار دارد، که این نتیجه را می‌توان مشابه با پژوهش یون (۲۰۱۳) دانست. رشد شرکت نیز دارای رابطه مثبت و معنادار با میزان اعتبار تجاری می‌باشد. وجود چنین رابطه‌ای را نیز می‌توان با نتیجه تحقیق پیترسن و راجان (۱۹۹۷) هم راستا دانست، چرا که آن‌ها بیان می‌کنند که شرکت‌های با رشد بالا از اعتبار تجاری استفاده می‌کنند تا بتوانند رشد خود را ادامه دهند.

نتیجه‌گیری

بحث در مورد نحوه چگونگی تامین مالی یکی از مهمترین موضوعاتی است که شرکت‌ها در جهت پیش بردن عملیات و فعالیت‌های خود باید به آن توجه داشته باشند. تامین مالی به دو شکل کوتاه‌مدت و بلندمدت انجام می‌شود. تامین مالی کوتاه‌مدت از طریق اعتبار تجاری یکی از مهمترین منابع تامین مالی شرکت‌ها می‌باشد (پیترسن و راجان، ۱۹۹۵؛ ون هورن، ۲۰۰۷). عوامل مختلفی اعتبار تجاری را تحت تأثیر قرار می‌دهند که می‌توان کیفیت اطلاعات حسابداری افشا شده را از مهمترین آن‌ها دانست. لذا در این پژوهش به بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری پرداخته شد. همواربودن سود، محافظه‌کاری و مدیریت سود متغیرهایی بودند که تأثیر آن‌ها بر میزان اعتبار تجاری مورد بررسی قرار گرفت. برای اندازه‌گیری همواربودن سود از مدل دیچو و همکاران (۲۰۱۰)، برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از مدل (خان و واتس، ۲۰۰۹) و برای اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیاری برای مدیریت سود از مدل جونز تعدیل شده (۱۹۹۵) استفاده گردید. اعتبار تجاری نیز از طریق تقسیم حساب‌های پرداختی تجاری بر کل دارایی‌ها محاسبه گردید (پیترسن و راجان، ۱۹۹۷؛ جیانتی و همکاران، ۲۰۱۱). برای آزمون فرضیه‌ها نیز از روش رگرسیون چند متغیره استفاده گردید. یافته‌ها حاکی از آن است که بین همواربودن سود و محافظه‌کاری با میزان اعتبار تجاری رابطه معناداری وجود ندارد. در مقایسه با پژوهش‌های مشابه، عدم وجود رابطه

معنادار بین همواربودن سود و محافظه کاری با اعتبار تجاری را می‌توان در تضاد با پژوهش‌های گارسیا (۲۰۱۴) و دای و یانگ (۲۰۱۵) دانست. زیرا گارسیا نشان داد که بین همواربودن سود و اعتبار تجاری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین دای و یانگ نیز به شواهدی مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنادار بین محافظه کاری و اعتبار تجاری دست یافتند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که بین مدیریت سود و میزان اعتبار تجاری رابطه منفی و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش مدیریت سود، میزان اعتبار تجاری کاهش می‌یابد. این نتیجه را می‌توان هم جهت با نتیجه پژوهش یون (۲۰۱۳) دانست؛ زیرا او نیز نشان داد که با افزایش مدیریت سود میزان اعتبار تجاری کاهش می‌یابد.

در ایران پژوهش‌های انجام گرفته در بورس اوراق بهادار تهران درباره مدیریت سود، از سوءآثار آن حکایت دارد. به طور مثال، مدیریت سود کیفیت افشا را کاهش می‌دهد (نوروش و حسینی، ۱۳۸۸)، کارایی سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد (نمازی و غلامی، ۱۳۹۳) و منجر به افزایش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد (ثقفی و همکاران، ۱۳۹۳). در این پژوهش نیز اثر منفی مدیریت سود بر اعتبار تجاری مشخص گردید. لذا شرکت‌هایی که به دنبال اعتبار تجاری بیشتر هستند باید آثار منفی مدیریت سود را مدنظر قرار داشته باشند.

پی‌نوشت

- | | |
|-----------------------|--------------------------|
| ۱ Trade Credit | ۴ Conservatism |
| ۲ Signals | ۵ Earning Management |
| ۳ Earnings Smoothness | ۶ Discretionary Accruals |

منابع

- بلالی، حسن و کبری، نورشاهی. (۱۳۹۲). کیفیت اطلاعات حسابداری و مخارج سرمایه ای شرکت ها: دیدگاهی مبتنی بر نظریه نمایندگی. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، شماره ۵، ۸۶-۱۰۰.
- بنی مهد، بهمن. (۱۳۹۱). کیفیت اطلاعات حسابداری، نوع حسابرس و مدیریت سود. *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، شماره ۱۷، ۱۲۵-۱۳۹.
- ثقفی، علی؛ مرادی جز، محسن و سهرابی، حسینعلی. (۱۳۹۳). رابطه بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرایط نااطمینانی محیطی. *دانش حسابداری*، شماره ۱۷، ۷-۲۷.
- ثقفی، علی؛ بولو، قاسم و محمد، محمدیان. (۱۳۹۰). کیفیت اطلاعات حسابداری، سرمایه گذاری بیش از حد و جریان نقد آزاد. *پیشرفت های حسابداری*، شماره ۲، ۳۷-۶۳.
- حساس یگانه، یحیی و الهام، امیدی. (۱۳۹۳). رابطه کیفیت اطلاعات حسابداری، تاخیر واکنش قیمت و بازدهی آتی سهام. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، شماره ۴۲، ۳۱-۵۸.
- فروغی، داریوش و سحر، قجاوند. (۱۳۹۱). تأثیر کیفیت اطلاعات بر نقدشوندگی سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، شماره ۳.
- مجتهدزاده، ویدا و فاطمه، احمدی. (۱۳۸۸). کیفیت سود، اطلاعات حسابداری و مخارج سرمایه ای. *پیشرفت های حسابداری*، شماره اول، ۱۴۷-۱۷۰.
- نمازی، محمد و غلامی، رضا. (۱۳۹۳). تأثیر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی بر کارآیی سرمایه گذاری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، شماره ۱۷، ۲۹-۴۸.
- نوروش، ایرج و حسینی، سید علی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین کیفیت افشاء (قابلیت اتکاء و به موقع بودن) و مدیریت سود. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۵۵، ۱۱۷-۱۳۴.
- نیکومرام، هاشم و پیمان، امینی. (۱۳۹۰). کیفیت سود و هزینه سرمایه. *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، شماره ۱۰، ۱۸۳-۲۱۵.
- هاشمی، عباس؛ دستگیر، محسن و شریفی، داود. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری بر انعکاس به موقع اطلاعات در قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی*، سال ششم، شماره ۲۴، ۱۲۱-۱۴۲.
- Altunok, F.) 2012. Three Essays on Trade Credit. Dissertation. North Carolina State University .
- Andrew. B. Jackson. (2011). Does Accounting Quality Enhance the Timeliness of Price Discovery?. *American Accounting Association, Annual meeting. Research Interaction Forum I, Denver, Colorado* .

- Anthony, D; Eric, Severin and VigneronT, Ludovic (2015). Does Accounting Information Quality Matter For SMES' Use of Trade Credit?. University of Valenciennes.
- Armstrong, C. , W. Guay, and J. Weber. (2010). the Role of Information and Financial Reporting in Corporate Governance and Debt Contracting. *Journal of Accounting and Economics*, 50, 179- 234 .
- Barth, M. ; Wayne, L. ; Lang, Mc. (2008). International Accounting Standards and Accounting Quality. *Journal of Accounting Research*, 46 (3).
- Bharath, S. T. , J. Sunder, and S. V. Sunder. (2008). Accounting Quality and Debt Contracting *Accounting Review*, 83, 1-28 .
- Bhattacharya. N. , Ecker, F. , Per. M. Olsson and K. Schipper. (2011). Direct and Mediated Associations Among Earnings Quality, Information Asymmetry, and the Cost of Equity. *Accounting Review*, 87 (2) , 449-482 .
- Biddle, G. C. , M. L. Ma, and F. M. Song. (2012). Accounting Conservatism and Bankruptcy Risk .Working Paper. University of Hong Kong .
- Dai, Bingbin and Yang, Fan. (2015). Monetary policy, accounting conservatism and trade credit. *China Journal of Accounting Research*, 8 (4) , 295-313 .
- Dechow, M; Sloan, R and Sweeney, A. (1995). Detecting Earnings Management. *Accounting Review*, 70,193-225 .
- Dechow, P. , W. Ge, and C. Schrand. (2010). Understanding Earnings Quality: a Review of the Proxies, Their Determinants, and Their Consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 50, 344-401 .
- Dichev, I. , J. Graham, C. R. Harvey, and S. Rajgopal. (2013). Earnings Quality: Evidence from the Field. *Journal of Accounting and Economics*, Forthcoming .
- Fan, Q. and Xiao-Jun Zhang. (2012). Accounting Conservatism, Aggregation, and Information Quality. *Contemporary Accounting Research*, 29 (1): 38-56 .
- Ferrando, A and Mulier, K. (2012). Do Firms Use the Trade Credit Channel to Manage Growth? Working Paper .

- Francis, J. , R. LaFond, P. Olsson, and K. Schipper. (2005). The Market Pricing of Accruals Quality *Journal of Accounting and Economics*, 39, 295–327 .
- Gao, P. (2013). A Measurement Approach to Conservatism and Earnings Management. *Journal of Accounting and Economics*, Forthcoming .
- Garcia-Teruel, Pedro J; Pedro Martinez-Solano and Juan P. Sanchez-Ballesta. (2014). Supplier Financing and Earnings Quality. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41 (9) & (10) , 1193–1211 .
- Gertler. M and B. Bernanke. (1995). Inside the Black Box: the Credit Channel of Monetary Policy Transmission. *Journal of Economic Perspectives*, 9, 27-48 .
- Giannetti, M. , M. Burkart, and T. Ellingsen. (2011). What You Sell Is What You Lend? Explaining Trade Credit Contracts. *Review of Financial Studies*, 24, 1261–1298 .
- Gollier. C and Biais, B. (1997). Trade Credit and Credit Rationing. *Review of Financial Studies*, 10,903-937 .
- Graham, J. R. , C. R. Harvey, and S. Rajgopal. (2005). the Economic Implications of Corporate Financial Reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 40, 3-73 .
- Hui, K. W. , S. Klasa, and P. E. Yeung. (2012). Corporate Suppliers and Customers and Accounting Conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 53, 115-135 .
- Khan, M. , and R. L. Watts. (2009). Estimation and Empirical Properties of a Firm-Year Measure of Accounting Conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 48, 132-150 .
- LaFond, R. , and R. L. Watts. (2008). The Information Role of Conservatism. *Accounting Review*, 83, 447-478 .
- Mian S, Smith C. (1992). Accounts Receivable Management Policy: Theory and Evidence *Journal of Finance*, 47, 167–200 .
- Murfin, J. , and K. Njoroge. (2013). The Implicit Costs of Trade Credit Borrowing by Large Firms .Working Paper. Yale University .
- Penman, Stephen, H. (2003). Financial statement Analysis and Security Valuation, MC Graw Hill, 5th Edition .
- Petersen, M. A. , and R. G. Rajan. (1997). Trade Credit: Theories and Evidence. *Review of Financial Studies*, 10, 661–691 .

- Petersen, M. A. , and Rajan, R. G. (1995). The Effect of Credit Market Competition on Lending Relationship .*Quarterly Journal of Economics*, 110 (2) , 407-443 .
- Raman, K. , and H. Shahrur. (2008). Relationship-Specific Investments and Earnings Management :Evidence on Corporate Suppliers and Customers. *Accounting Review*, 83, 1041-1081 .
- Ruch,G. and G ,Taylor. (2014). Accounting Conservatism and its Effects on Financial Reporting Quality: A Review of the Literature. Working paper .
- Sankar, M. R. , and K. R. Subramanyam. (2001). Reporting Discretion and Private Information Communication Through Earnings. *Journal of Accounting Research*, 39, 365–386 .
- Tucker, J. , and P. Zarowin. (2006). Does Income Smoothing Improve Earnings Informativeness? *Accounting Review*, 81, 251–270 .
- Van Horen, N. (2007). Customer Market Power and the Provision of Trade Credit: Evidence from Eastern Europe and Central Asia. World Bank Policy Research Working Paper .
- Yun Ke (2013). Does Accounting Quality Matter for Short-term Financing? Evidence from Firms' Amount of Trade Credit. Dissertation, University of British Columbia.

بررسی عوامل مؤثر بر رفتار ناکارآمد و تأثیر آن بر تغییر شغل حسابرسان

محسن اکبری*، غلامرضا محفوظی**، رضوان هوشمند***

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۲/۱۳

چکیده

نیروی انسانی عامل اصلی موفقیت بسیاری از شرکت‌های خدماتی از جمله مؤسسات حسابرسی است. بدون نیروی انسانی خبره، عملکرد و کارآمدی این مؤسسات نیز ضربه اساسی خواهد خورد، چراکه اکثر دارایی‌ها و سرمایه این مؤسسات را نیروی خبره آنها تشکیل می‌دهد. لذا، این مؤسسات به رفتار کارآمد حسابرسان خود و همچنین ماندگاری آنها در مؤسسه اهمیت زیادی می‌دهند. از طرف دیگر رفتار ناکارآمد و تغییر شغل نیروی انسانی در این مؤسسات، ضربه بزرگی به آنها خواهد زد. این پژوهش سعی بر این دارد که با بررسی عوامل مؤثر بر رفتار ناکارآمد در سطوح گوناگون (شامل پیچیدگی کار، استقلال حسابرس، فشار بودجه زمانی و اهمیت مشتری) به این سؤال پاسخ دهد که آیا رفتار ناکارآمد می‌تواند بر تغییر شغل حسابرسان در مؤسسات حسابرسی تأثیرگذار باشد یا خیر. برای این منظور نظرات ۱۶۰ نفر (شامل مدیر فنی، سرپرست ارشد و سرپرست) طی فرآیند اجرای پژوهش، با استفاده از ابزار پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در پایان، نتایج حاصل از تحلیل با استفاده از تکنیک معادلات ساختاری و نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس حاکی از آن بود که پیچیدگی کار، استقلال حسابرس و فشار بودجه زمانی بر رفتار ناکارآمد و این رفتار بر تغییر شغل در مؤسسات حسابرسی تأثیر دارد. ضمن اینکه نقش اهمیت مشتری بر رفتار ناکارآمد در این مؤسسات مورد تأیید قرار نگرفته است.

واژه‌های کلیدی: رفتار ناکارآمد، تغییر شغل، استقلال حسابرس، فشار بودجه زمانی، پیچیدگی کار

طبقه بندی موضوعی: M42

* عضو هیات علمی دانشگاه گیلان، (نویسنده مسئول)، (akbarimohsen@gmail.com)

** عضو هیات علمی دانشگاه گیلان، (gholamrezamahfoozi@yahoo.com)

*** کارشناس ارشد دانشگاه آزاد واحد رشت، (rezvanhooshmand@gmail.com)

مقدمه

رشد سریع مؤسسات حسابرسی در چند دهه اخیر و در نتیجه افزایش قابل توجه حساب‌رسان و کارکنان مؤسسات حسابرسی، موجب افزایش اهمیت مدیریت منابع انسانی در این مؤسسات شده است. بلکویی (۱۹۸۹) منابع انسانی مؤسسات حسابرسی را مهم‌ترین و اساسی‌ترین دارایی‌های آن‌ها می‌داند و این‌گونه اظهار می‌کند که "موفقیت مؤسسات حسابرسی به میزان توانایی مدیران در ایجاد انگیزه برای کارمندان، راضی نگه داشتن و حفظ آنها بستگی دارد". از طرفی دیگر، وضع ضوابط جدید حاکم بر واحدهای حسابرسی، تغییر قوانین و مقررات اقتصادی و تدوین اصول و ضوابط حسابداری جدید، حسابرسی را به حرفه‌ای پیچیده و پویا تبدیل کرده است که دامنه آن به سرعت گسترده می‌شود و پیامدهای آتی آن می‌تواند آثار رفتاری و شغلی فراوانی را در بر بگیرد. حال آنکه برخی رویدادهای گذشته نشان می‌دهد که حسابداران و حساب‌رسان، در ایفای مسئولیت خود در حفاظت از منافع سرمایه‌گذاران و سایر گروه‌های ذی‌نفع، شکست خورده و موجب رسوایی‌ها و نشانه‌گیری انگشت اتهام به سوی خود شده‌اند (بزرگ اصل، ۱۳۸۲). این وضعیت برای مؤسسات حسابرسی ایجاد هزینه مضاعف می‌نماید، لذا انجام تحقیقات لازم در زمینه نیروی انسانی و شناسایی رفتار حساب‌رسان، ضروری است؛ چراکه می‌تواند به یک فضای کاری مناسب و ایده آل برای ایشان و افزایش کارایی و اثربخشی فعالیت‌های آن‌ها منجر شود.

کیفیت خدمات ارائه شده در مؤسسات حسابرسی به میزان چشمگیری متکی بر رفتار افرادی است که کار میدانی حسابرسی را انجام می‌دهند. مطالعات قبلی در حوزه رفتاری به این نتیجه رسیده‌اند که رفتار ناکارآمد حساب‌رسان به طور فزاینده‌ای بر کیفیت حسابرسی اثر می‌گذارد (چان و همکاران، ۲۰۰۹؛ دانلی و همکاران، ۲۰۰۶). مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رفتار در یک فرد، قصد رفتاری اوست، یعنی احتمال آن که شخص تصمیم بگیرد که رفتار مشخصی را انجام دهد. از دیدگاه فیش‌بین و آجزن (۱۹۸۰) میزان این احتمال، به دو عامل اصلی نگرش فرد به رفتار و هنجارهای ذهنی او بستگی دارد. نظریه عمل منطقی^۱ فرض را وجود رابطه علی بین نگرش و هنجارهای ذهنی فرد می‌داند. از این‌رو از میان مدل‌هایی که هدف آن‌ها فهم و پیش‌بینی رفتارهای افراد است، نظریه عمل منطقی موفق بوده است (کارن و همکاران، ۲۰۰۸). نظریه عمل منطقی توسط فیش‌بین و آجزن برای پیش‌بینی و توضیح رفتار با این استدلال‌ها

طرح ریزی شد: الف) افراد تصمیمات رفتاری خود را بر پایه بررسی معقول و منطقی اطلاعات در دسترس انتخاب می‌کنند و ب) افراد نتایج عملکرد خود را قبل از اتخاذ تصمیم مورد توجه قرار می‌دهند (مظلومی و همکاران، ۲۰۰۷). بر طبق این نظریه، بهترین پیش‌بینی‌کننده رفتار، قصد فرد برای درگیر شدن در رفتار است. قصد به وسیله دو متغیر نگرش مرتبط با رفتار (ارزش کلی مثبت یا منفی از رفتار) و هنجارهای انتزاعی (درک کلی فشار اجتماعی برای انجام دادن یا انجام ندادن رفتار) پیش‌بینی می‌شود (مونتانو و کاسپریک، ۲۰۰۸؛ آرمیتاج و کانر، ۱۹۹۹). موفقیت‌های این نظریه در توضیح رفتار بستگی به درجه‌ای دارد که رفتار تحت کنترل ارادی است (آرمیتاج و کانر، ۱۹۹۹).

بر اساس نتایج مطالعات قبلی، عواملی همچون پیچیدگی کار (چان و همکاران، ۲۰۰۹؛ دانلی و همکاران، ۲۰۰۶)، استقلال حسابرس (دانلی و همکاران، ۲۰۰۶)، فشار بودجه زمانی (اتلی و پیرس، ۱۹۹۵؛ رود، ۱۹۷۸) و اهمیت مشتری (ین و همکاران، ۲۰۱۰) از جمله عواملی هستند که بر نگرش و هنجارهای ذهنی حسابرسان و در نتیجه رفتار نا کارآمد ایشان تأثیر دارند. حسابرسی که در کارهای پیچیده درگیر هستند، ممکن است احساس کنند که تحت فشار هستند. از این رو، اگر نتوانند این فشار را تحمل کنند، با مبادرت به رفتار نا کارآمد جهت خلاصی از این فشار، از مسئولیت خود شانه خالی می‌کنند (زورایدا و تاکیا، ۲۰۰۷). مستقل نبودن حسابرسان هم می‌تواند باعث بروز رفتار نا کارآمد در آنها شود. به گونه‌ای که اگر حسابرس مستقل از کار کردن بر طبق دستورالعمل‌های صادره توسط مدیران ارشد برای تولید گزارش‌های مطلوب برای مشتریان سرباز زند، چنین سرباززندی ممکن است باعث تغییر شغل گردد (ین و همکاران، ۲۰۱۰). از طرف دیگر، حسابرسان مجبور هستند تا کارهای حسابرسی خود را در یک چارچوب زمانی بسیار محدود تکمیل کنند. یک بررسی در کیفیت مدارک حسابرسی نشان می‌دهد که این امر می‌تواند فشار نامحسوسی را در محیط کاری اعمال کند (لوورس و همکاران، ۲۰۰۵؛ لورد و دیزورت، ۲۰۰۱). حسابرسان وقتی با فشار زمانی روبرو می‌شوند، ممکن است از انجام مراحل حسابرسی بدون تکمیل فرآیندهای کامل حسابرسی با حذف برخی گام‌های خاص، شانه خالی کنند. آن‌ها همچنین ممکن است که زمان حسابرسی را برای تکمیل کارهای مشخص شده خود در زمان معین شده کمتر از حد معمول گزارش کنند (اتلی و پیرس، ۱۹۹۵؛ رود، ۱۹۷۸). عجله برای تکمیل گزارش‌ها بدون گردآوری مطالب

مستند کافی، ممکن است باعث تهیه گزارش‌های نادرست شود (اسمیت، ۱۹۹۵؛ لایتنر و همکاران، ۱۹۸۲). اگرچه این کار ممکن است باعث کاهش هزینه‌های کاری شود ولی دارای خطر افزایش کارهای ناتمام حسابرسی در آینده است. بررسی‌های صورت گرفته نشان داده است که نگرش‌های فردی در رفتارهای شغلی تأثیرگذار هستند (پورتر و همکاران، ۱۹۷۴).

نظریه اخلاقی^۸ نیز توانایی توضیح اینکه چرا این گونه رفتارها رخ می‌دهد و انگیزه بروز این رفتارها را دارد. به عقیده لنین، اخلاق عبارت است از شکل عمومی و همگانی درک واقعیت. به هر اندازه که شخص بیشتر به اخلاق دست یابد، بیشتر می‌تواند ضرورت‌های حیاتی جامعه را درک کند (مهرانی و نعیمی، ۱۳۸۲). حرفه حسابرسی به دلیل نوع و ماهیت خدماتی که ارائه می‌کند، از اعتبار و اعتماد خاصی برخوردار است که تداوم این اعتبار و اعتماد و تقویت آن به پایبندی فکری و عملی اعضای حرفه به ضوابط رفتاری و اخلاقی آن بستگی دارد. در حسابرسی، بروز رفتارهای غیراخلاقی که به عنوان رفتارهای ناکارآمد شناخته شده است، به طور مستقیم یا غیرمستقیم به کاهش کیفیت حسابرسی منجر می‌گردد و عمدتاً شامل موارد زیر است (مهرانی و نعیمی، ۱۳۸۲):

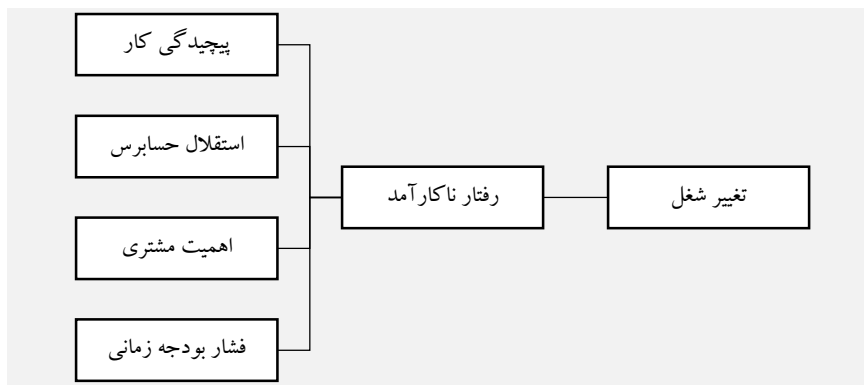
- ۱- انجام ندادن برخی از مراحل حسابرسی بدون کسب مجوز.
 - ۲- میان‌برزدن‌های غیرمنطقی برخی دستورالعمل‌ها.
 - ۳- قصور در پیگیری‌های لازم.
 - ۴- انجام کار در زمان شخصی و بدون گزارش زمان صرف شده.
- بر اساس نظریه اخلاقی رفتارهای غیراخلاقی متأثر از دو علت می‌تواند باشد: ۱- استناداردهای اخلاقی فرد متفاوت از استناداردهای جامعه است. ۲- آن فرد به رأی خود ترجیح می‌دهد که خودخواهانه رفتار کند.

البته رفتارهای ناکارآمد را می‌توان از دیدگاه نظریات نارضایتی کارکنان نیز توجیه کرد؛ بدین ترتیب که نارضایتی کارکنان موجب شکل‌گیری و گسترش رفتارهای ناکارآمد در ایشان می‌شود. تئوری دو عاملی هرزبرگ عوامل مؤثر بر نارضایتی از شغل را عواملی همچون حقوق و مزایا، سیاست‌های شرکت، روابط با همکاران و نحوه تعامل با سرپرستان می‌داند (لودنبرگ

و همکاران، ۲۰۰۹). از آنجا که این تحقیق به بررسی عواملی که به صورت مستقیم بر رفتار ناکارآمد تأثیر گذارند می‌پردازد، به بررسی عوامل مؤثر بر نارضایتی شغلی و تأثیر نارضایتی شغلی بر رفتارهای ناکارآمد نخواهد پرداخت.

با توجه با آنچه مطرح شد، هدف این پژوهش، شناسایی برخی عوامل مؤثر بر این گونه رفتارها تحت عنوان رفتارهای ناکارآمد، می‌باشد و درصدد آن است که نقش این رفتارها را در تغییر شغل حساب‌رسان مؤسسات حسابداری مورد بررسی و مطالعه قرار دهد.

از این رو، پژوهش حاضر با استفاده از نظریه‌های عمل منطقی و اخلاقی، از مدل مفهومی که در شکل (۱) نشان داده شده است، پیروی می‌کند که در آن عواملی همچون پیچیدگی کار^۱، استقلال حساب‌رس^۲، اهمیت مشتری^۳ و فشار بودجه زمانی^۴ بر رفتار ناکارآمد^۵ و رفتار ناکارآمد نیز به نوبه خود بر تغییر شغل^۶ تأثیر می‌گذارد.



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی آزمون عواملی است که باعث بروز رفتارهای ناکارآمد و نهایتاً خروج حساب‌رسان از شغل خود در مؤسسات حسابداری می‌گردند. از این رو، این پژوهش به تأثیر این عوامل و بروز رفتارهای ناکارآمد در مؤسسات، تحت نظریه عمل منطقی و اخلاقی می‌پردازد. مطالعه حاضر مبتنی بر این فرض است که عواملی همچون فشار بودجه زمانی، استقلال حساب‌رس، اهمیت مشتری و پیچیدگی کار می‌تواند به عنوان عوامل تعیین کننده بر تغییر شغل که به وسیله رفتار ناکارآمد بیان می‌شود، عمل کند. هر چند تحقیقات و مطالعات تجربی گذشته وجود این رفتارهای ناکارآمد حسابداری را مورد تأیید قرار می‌دهند، اما بیشتر آن‌ها

شامل عوامل محیطی نظیر تأثیر رهبری، محیط سازمانی، حقوق پرداختی و آشنایی با مشتری و... بودند. از این رو تحقیقات گذشته کمتر به تأثیر چنین ترکیبی از عوامل رفتار ناکارآمد بر تغییر شغل نگاهی کرده‌اند. انگیزه این پژوهش داشتن درک بالاتر از این مسئله است و بنابراین راه‌هایی جهت ایجاد انگیزه در حساب‌برسان و ماندگار کردن ایشان در مؤسسات حساب‌برسی را بیان می‌کند. نتایج تحقیق می‌تواند به حساب‌برسان کمک کند تا کیفیت کار خود را با آگاهی از چنین رفتارهایی بهبود ببخشند.

پیشینه پژوهش

در این قسمت پیشینه، پژوهش‌های مرتبط و یا تا حدودی مرتبط با متغیرها و موضوع پژوهش حاضر ارائه شده است.

پورتر و همکاران (۱۹۷۴) به بررسی تعهد سازمانی، رضایت شغلی و تغییر شغل کارکنان پرداختند. در این پژوهش انتظارات کارمندان در مورد شغل آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد، افرادی که یک سازمان را ترک می‌کنند، نگرش‌های مطلوب کمتری نسبت به آن‌هایی که در سازمان می‌مانند، دارند.

عبدالحمیدی و رایت (۱۹۸۷) به بررسی تأثیر تجربه و پیچیدگی کار بر قضاوت حساب‌برس پرداختند. در این پژوهش، قضاوت حساب‌برسان با تجربه و کم تجربه در سطوح مختلف پیچیدگی کار حساب‌برسی آزموده شد و نتایج نشان داد که در کارهای پیچیده‌ی حساب‌برسی، قضاوت حساب‌برسان با تجربه و حساب‌برسان کم تجربه با یکدیگر متفاوت است و در کارهای پیچیده‌تر، اثر تجربه نمایان است.

پیزاروس و سیمر (۲۰۰۴) به بررسی اثر فعالیت‌ها و استقلال کمیته حساب‌برسی بر تقلب شرکت‌های بزرگ پرداختند. بررسی‌ها نشان داد، شرکت‌هایی که در آن‌ها تقلب صورت گرفته، درصد پائینی از مدیران مستقل را در ساختار هیئت‌مدیره خود در اختیار داشته‌اند.

ابراهیم (۲۰۰۱) به بررسی کیفیت حساب‌برسی، صداقت حساب‌برس، اهمیت مشتری و مدیریت سود پرداخت. نتایج حاصل بیانگر این بود که اهمیت مشتری نمی‌تواند بر صداقت حساب‌برسان و کارایی نقش نظارت بر روند حساب‌برسی اثر گذار باشد.

گاندری (۲۰۰۷) به بررسی فشار بودجه زمانی، نوع شخصیت حسابرسان و ترویج اعمال کاهنده کیفیت حسابرسی پرداختند. یافته‌های حاصل از تحقیق بیانگر این است که رابطه معنی‌داری بین فشار بودجه زمانی و اتمام قبل از موقع یک گام حسابرسی وجود دارد. همچنین رابطه معنی‌داری بین نوع شخصیت حسابرسان و وقوع اعمال کاهنده کیفیت حسابرسی وجود دارد.

شان (۲۰۰۹) به بررسی تأثیر اهمیت مشتری بر استقلال حسابرسان در پست‌های سازمانی پرداخت. در این پژوهش، اهمیت مشتری به‌عنوان نسبتی از کل درآمدهای دریافتی از یک مشتری، تحت حق‌الزحمه‌های حسابرسی و غیر حسابرسی و هزینه‌های کل بررسی گردید. نتایج این بررسی نشان داد که بین اهمیت مشتری و استقلال حسابرسان رابطه معناداری وجود ندارد.

بامبر و لایر (۲۰۰۹) به بررسی تأثیر موقعیت مؤسسات حسابرسی بر استقلال حرفه حسابرسی، تضاد حرفه - سازمانی و رضایت شغلی پرداختند. در این تحقیق نشان داده شد که فشار صریح برای به وجود آمدن رفتار ناکارآمد باعث می‌شود که تضاد و تعارضی برای کارکنان حرفه‌ای که مسئولیت سازگار کردن خود با معیارهای اخلاقی را دارند، به وجود آید.

ین و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی رفتار غیرحرفه‌ای حسابرسان در مؤسسات حسابرسی پرداختند. در این بررسی نشان داده شد که رفتار غیرحرفه‌ای حسابرسان می‌تواند بر تغییر شغل حسابرسان تحت تأثیر عواملی چون اهمیت مشتری و پیچیدگی کار اثرگذار باشد.

مهرانی (۱۳۷۹) تأثیر فشار بودجه زمانی را بر رفتار حسابرسان مستقل، تحت تئوری عدالت نسبی، آزمون کرده است. نتایج تحقیق نشان داد که بروز رفتارهای غیرحرفه‌ای در ایران نیز وجود داشته که مهم‌ترین دلایل آن فشار بودجه زمانی، فشار مدیر پروژه، عدم نظارت کافی و کم‌اهمیت بودن برخی مراحل است.

مهرانی و نعیمی (۱۳۸۲) به بررسی تئوری اخلاقی و تأثیر فشار بودجه زمانی بر رفتار حسابرسان مستقل پرداختند. نتایج نشان داد که هرچند حسابرسان خود را معتقد و مقید به رعایت اخلاق حرفه‌ای می‌دانند اما در برابر فشار بودجه زمانی اقدام به اعمال رفتارهای

غیر حرفه‌ای می‌نمایند. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که متناسب با افزایش فشار بودجه زمانی، احتمال بروز رفتارهای غیر حرفه‌ای نیز بیشتر می‌گردد.

برزیده و خیراللهی (۱۳۹۰) به بررسی تأثیر فشارهای شغلی موجود در حرفه حسابرسی بر رفتار فرصت‌طلبانه فردی حسابرسان پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که در صورت مواجه شدن حسابرسان با شواهد متناقض با یافته‌های اولیه در فرآیند حسابرسی، مسئولیت پاسخگویی برای کار حسابرسی انجام شده و وجود فشار زمانی، منجر به ایجاد نگرانی مربوط به از دست دادن شهرت گردیده و احتمال کتمان شواهد حسابرسی را افزایش می‌دهد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیات این تحقیق بر مبنای نظریه عمل منطقی و نظریه اخلاقی، تهیه و تنظیم شده است. فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر است:

فرضیه اول: پیچیدگی کار به‌طور مثبتی بر رفتار ناکارآمد حسابرسان اثر می‌گذارد.

فرضیه دوم: استقلال حسابرسان به‌طور منفی بر رفتار ناکارآمد حسابرسان اثر می‌گذارد.

فرضیه سوم: اهمیت مشتری به‌طور مثبتی بر رفتار ناکارآمد حسابرسان اثر می‌گذارد.

فرضیه چهارم: فشار بودجه زمانی به‌طور مثبتی بر رفتار ناکارآمد حسابرسان اثر می‌گذارد.

فرضیه پنجم: رفتار ناکارآمد حسابرسان به‌طور مثبتی بر تغییر شغل حسابرسان اثر می‌گذارد.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ جهت‌گیری تحقیق، یک پژوهش کاربردی، از لحاظ هدف پژوهش، توصیفی، از لحاظ استراتژی‌های پژوهش، پیمایشی، از لحاظ ماهیت، علی و از لحاظ شیوه‌های گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای است.

جامعه آماری پژوهش حاضر، مدیران فنی، سرپرستان ارشد و سرپرستان کلیه مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی واقع در شهر تهران است. کلیه مؤسسات فعال همسو با هدف پژوهش در حدود ۱۲۷ مؤسسه بوده‌اند که از سایت جامعه حسابداران رسمی ایران انتخاب شده‌اند.

با توجه به مطالب بیان شده و محدود بودن جامعه مورد بررسی، در پژوهش حاضر از فرمول کوکران برای تعیین تعداد نمونه‌های مورد نیاز استفاده شده است (حافظ نیا، ۱۳۸۴). مطابق با این فرمول در سطح اطمینان ۹۵ درصد (سطح خطای ۵ درصد) و با توجه به تعداد ۶۰۰ تایی جامعه مورد بررسی، تعداد ۲۳۴ نمونه محاسبه شده است. با توجه به تعیین سطحی از خطا به منظور عدم دریافت پرسشنامه‌های سالم و کامل (در اثر مفقود شدن پرسشنامه، عدم پاسخگویی به پرسشنامه، پرسشنامه‌های ناقص و مخدوش)، تعداد ۲۳۴ پرسشنامه در بین تمامی مؤسسات حسابرسی قابل دسترس توزیع گردید؛ که در نهایت ۱۶۰ پرسشنامه مناسب و بدون نقص جمع‌آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بدین ترتیب، نرخ بازگشت پرسشنامه‌ها در حدود ۷۰ درصد است.

متغیرها و شیوه محاسبه آنها

همان‌طور که پیشتر بیان شد، ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه است. پرسشنامه تحقیق متشکل از ۲ سؤال «پیچیدگی کار» (ین و همکاران، ۲۰۱۰)، ۴ سؤال «استقلال حسابرس» (نانلی، ۱۹۶۷)، ۲ سؤال «اهمیت مشتری» (ین و همکاران، ۲۰۱۰)، ۱ سؤال «فشار بودجه زمانی» (کلی و ماریم، ۱۹۹۰)، ۶ سؤال «رفتار ناکارآمد» (الیور، ۲۰۰۱) و ۴ سؤال «تغییر شغل» (نانلی، ۱۹۶۷) است. مطابق با نگاره ۱، متغیرهای پیچیدگی کار، استقلال حسابرس، اهمیت مشتری، فشار بودجه زمانی و رفتار ناکارآمد، متغیرهای مستقل و تغییر شغل متغیر وابسته این پژوهش می‌باشند.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

به منظور شناخت بهتر ماهیت جامعه‌ای که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است و آشنایی بیشتر با متغیرهای پژوهش، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، لازم است که این داده‌ها توصیف شوند. لذا در نگاره (۱) ویژگی‌های جمعیت شناختی داده‌ها نشان داده شده است.

نگاره (۱): ویژگی‌های جمعیت شناختی

جنسیت	سن	تحصیلات
مرد: ۸۰/۶ درصد	۲۵ تا ۳۵ سال: ۵۱/۳ درصد	فوق دیپلم: ۹/۱ درصد
زن: ۱۹/۴ درصد	۳۵ تا ۴۵ سال: ۱۸/۱ درصد	لیسانس: ۶۰ درصد
	۴۵ تا ۵۵ سال: ۱۷/۵ درصد	فوق لیسانس: ۳۸/۱ درصد
	۵۵ به بالا: ۱۳/۱ درصد	

تجزیه و تحلیل

همان‌طور که در نگاره (۲) ملاحظه می‌گردد، این میزان حجم نمونه از کفایت خوبی برخوردار است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته اگر میزان کفایت نمونه از ۰/۷ بیشتر باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی از کفایت مناسب و خوبی برخوردار خواهد بود. (زارع، ۱۳۸۹).

نگاره (۲): نتایج آزمون کفایت حجم نمونه (KMO) و بارتلت

اندازه کفایت نمونه کایزر - مایر - الکین	۰/۷۴۵	
آزمون کرویت بارتلت	کای دو	۳۱۲۴/۲۶۵
	درجه آزادی	۸۱
	سطح معنی‌داری آماره کای دو	۰/۰۰۰

در این پژوهش از میان انواع مختلف روش‌های تعیین اعتبار اندازه‌گیری روایی پرسشنامه از روایی محتوا، صوری و سازه استفاده شده است. از آنجاکه سؤالات پرسشنامه استاندارد می‌باشند، در نتیجه پرسشنامه از روایی محتوا برخوردار است. به‌منظور روایی صوری نیز، پرسشنامه با استفاده از نظرات اساتید، خبرگان و محققین مورد تأیید و اصلاح قرار گرفت. همچنین روایی سازه نیز توسط نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس مورد تأیید قرار گرفت. برای اندازه‌گیری روایی و پایایی پرسشنامه، ابتدا تعداد ۳۰ پرسشنامه توزیع شد که هر ۳۰ پرسشنامه به‌صورت کامل جمع‌آوری گردید. در این مرحله بعد از انجام آزمون آلفای کرونباخ، سؤالات به‌منظور فهم بیشتر اصلاح شده و سپس تعداد ۲۵۰ پرسشنامه به‌صورت مراجعه حضوری و پرسشنامه آنلاین بین مؤسسات توزیع گردید. پایایی هر کدام از متغیرها در نگاره (۴) مشخص شده است. از آنجاکه مقدار مناسب برای این معیار بزرگ‌تر و مساوی ۰/۷ است

(کرونباخ، ۱۹۵۱)، لذا همان‌طور که در نگاره (۳) ملاحظه می‌شود، اکثر سازه‌های پژوهش از پایایی مناسبی برخوردار می‌باشند.

نگاره (۳): روایی و پایایی پرسشنامه

منبع	آلفای کرونباخ	تعداد سنجها	سازه	متغیر
(Yuen et al. , 2010)	۰/۸۴	۲	TC	پیچیدگی کار
(Nunnally, 1967)	۰/۷۲	۴	IN	استقلال
(Kelley & Margheim, 1990)	۱	۱	TBP	فشار بودجه زمانی
(Yuen et al. , 2010)	۰/۷۱	۳	CI	اهمیت مشتری
(Olivier, 2001)	۰/۷۲	۶	DB	رفتار ناکارآمد
(Nunnally, 1967)	۰/۶۷	۵	TI	تغییر شغل

به‌منظور محاسبه پایایی، معیار دیگری نیز وجود دارد که برتری‌هایی را نسبت به روش سنتی (محا سبه آن به وسیله آلفا کرونباخ) به همراه دارد و به آن پایایی ترکیبی گفته می‌شود. برتری پایایی ترکیبی نسبت به روش سنتی در این است که پایایی سازه‌ها نه به صورت مطلق، بلکه با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌گردد. همچنین برای محاسبه آن، شاخص‌های بار عاملی بیشتر، اهمیت بیشتری دارند. در نتیجه، برای سنجش بهتر پایایی، هردوی این معیارها استفاده می‌شوند. برای پایایی ترکیبی میزان مساوی و بالای ۰/۷ مناسب ذکر شده است (نونالی، ۱۹۷۸). این معیار نیز در نگاره (۴) نمایش داده شده است.

نگاره (۴): گزارش معیارهای آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی

ضریب پایایی ترکیبی (CR ≥ 0/7)	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha ≥ 0/7)	عنوان در مدل	متغیرهای پنهان
۰/۸۶	۰/۷۱	CI	اهمیت مشتری
۰/۸۱	۰/۷۲	DB	رفتار ناکارآمد
۰/۸۱	۰/۷۲	IN	استقلال
۱	۱	TBP	فشار بودجه زمانی
۰/۹۳	۰/۸۴	TC	پیچیدگی کار
۰/۷۹	۰/۶۷	TI	تغییر شغل

جهت سنجش برازش مدل اندازه‌گیری از پایایی شاخص، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده گردید. پایایی شاخص برای سنجش پایایی درونی، شامل سه معیار ضرایب بارهای

عاملی، آلفای کرونیباخ و پایایی ترکیبی است. روایی همگرا میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود را نشان داده و روایی واگرا نیز میزان رابطه یک سازه با شاخص‌هایش در مقایسه با رابطه آن سازه با سایر سازه‌ها است. بارهای عاملی حاصل از اجرای مدل در نگاره (۵) نشان داده شده است. ضمن اینکه در پژوهش بارهای عاملی به همراه آزمون کراس لودینگ^۹ گزارش شده است.

نگاره (۵): بارهای عاملی سنجه‌های پژوهش (آزمون کراس لودینگ)

سازه	فشار بودجه زمانی	استقلال	رفتار ناکارآمد	اهمیت مشتری	تغییر شغل	پیچیدگی کار
	TBP	IN	DB	CI	TI	TC
TC1	۰/۲	-۰/۰۷	۰/۲۴	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۹۴
TC2	۰/۱۶	-۰/۰۳	۰/۲۲	۰/۰۶	۰/۱	۰/۹۲
TI1	۰/۰۲	-۰/۰۹	۰/۱۲	-۰/۰۳	۰/۷	۰/۰۷
TI3	۰/۰۶	-۰/۱۲	۰/۰۷	۰/۰۲	۰/۴۹	۰/۰۵
TI4	۰/۰۶	-۰/۰۸	۰/۰۳	-۰/۰۴	۰/۷	۰/۰۱
TI5	۰/۰۶	-۰/۰۵	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۸۷	۰/۱۲
CI1	-۰/۱۶	-۰/۱	۰/۰۸	۰/۹۵	-۰/۰۱	۰/۰۵
CI2	-۰/۰۹	-۰/۱۵	۰/۰۴	۰/۷۸	۰/۰۴	۰/۰۷
DAB1	۰/۲۱	۰/۰۲	۰/۴۶	۰/۰۷	-۰/۰۵	۰/۰۸
DAB2	۰/۱۲	-۰/۱۱	۰/۷۱	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۱۶
DAB3	۰/۰۲	-۰/۰۸	۰/۷	۰/۰۳	۰/۱۳	۰/۲۸
DAB4	۰/۱۸	-۰/۱۶	۰/۸۳	۰/۰۵	۰/۱۴	۰/۱۷
DAB5	۰/۱۳	-۰/۱	۰/۴۷	۰/۰۸	۰/۰۲	۰/۱۲
DAB6	۰/۱۴	-۰/۰۹	۰/۶۹	-۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۱۳
I1	-۰/۰۱	۰/۷۶	-۰/۰۸	-۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۰۷
I2	-۰/۰۱	۰/۸۵	-۰/۱۷	-۰/۱۶	-۰/۱۹	-۰/۰۹
I3	-۰/۰۶	۰/۶۳	-۰/۰۷	۰/۰۱	-۰/۰۲	-۰/۰۸
I4	-۰/۰۳	۰/۶۲	-۰/۰۷	-۰/۱۱	-۰/۰۲	-۰/۰۲
TBP	۱	-۰/۰۳	۰/۱۹	-۰/۱۵	۰/۰۶	۰/۲

همان‌طور که در نگاره (۵) ملاحظه می‌گردد، تمامی بارهای عاملی سنجه‌ها در سازه مربوط به خود بالاتر از ۰/۴ است (لازم به ذکر است با توجه به بار عاملی ضعیف دو سنجه TI2 و

CI3، این دو سنججه از مدل حذف گردیدند). از طرف دیگر جدول فوق با استفاده از آزمون کراس لودینگ به نحوی روایی و اگرای مدل را به اثبات می‌رساند. چراکه بارهای عاملی هر سنججه، در سازه مربوط به خود دارای بیشترین حد همبستگی به نسبت سایر سازه‌ها است.

روایی همگرا معیار دیگری است که برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری در روش مدل‌سازی معادلات ساختاری^{۱۱} بکار برده می‌شود. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) استفاده از متوسط واریانس استخراج شده^{۱۱} را به عنوان معیاری برای اعتبار همگرا پیشنهاد کرده‌اند. معیاری که برای مطلوب بودن متوسط واریانس استخراج شده نمایش داده می‌شود، مساوی و بالاتر از ۰/۵ است. در نگاره (۶) نتایج خروجی از مدل برای AVE نمایش داده شده و بیانگر مناسب بودن معیار روایی همگرا است.

نگاره (۶): گزارش معیار روایی همگرا (AVE)

متغیرهای پنهان	عنوان در مدل	میانگین واریانس استخراجی (AVE ≥ 0/5)
اهمیت مشتری	CI	۰/۷۶
رفتار ناکارآمد	DB	۰/۵۳
استقلال	IN	۰/۵۲
فشار بودجه زمانی	TBP	۱
پیچیدگی کار	TC	۰/۸۷
تغییر شغل	TI	۰/۵

جهت بررسی روایی و اگرای مدل اندازه‌گیری، از معیار فورنل - لارکر استفاده گردیده است. بر اساس این معیار، روایی و اگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک سازه در مدل، نسبت به سازه‌های دیگر تعامل بیشتری با شاخص‌هایش دارد. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) بیان می‌کنند؛ روایی و اگرا وقتی در سطح قابل قبولی است که میزان متوسط واریانس استخراج شده برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های دیگر در مدل باشد. در اسمارت پی‌ال‌اس بررسی این امر به وسیله ماتریسی حاصل می‌شود که خانه‌های این ماتریس، حاوی مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه‌ها و جذر مقادیر متوسط واریانس استخراج شده مربوط به هر سازه است.

تکانه (۷): همبستگی‌های میان متغیرهای مکنون و مقادیر AVE

تغییر شغل	پیچیدگی کار	فشار بودجه زمانی	استقلال	رفتار ناکارآمد	اهمیت مشتری	سازه
					۰/۸۷	اهمیت مشتری
				۰/۷۳	۰/۰۷	رفتار ناکارآمد
			۰/۷۲	-۰/۱۵	-۰/۱۳	استقلال
		۱	-۰/۳۲	۰/۱۹	-۰/۱۵	فشار بودجه زمانی
	۰/۹۳	۰/۲	-۰/۰۶	۰/۲۵	۰/۰۷	پیچیدگی کار
۰/۷۱	۰/۱	۰/۰۶	-۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۰۱	تغییر شغل

پس از سنجش روایی و پایایی مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری از طریق روابط بین متغیرهای مکنون مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پژوهش حاضر از پرکاربردترین معیارها برای برازش مدل ساختاری استفاده شده است. این معیارها شامل ضریب تعیین (R^2) و ضریب قدرت پیش‌بینی (Q^2) و ضریب معناداری است. R^2 معیاری برای متغیرهای درون‌زای پژوهش است. نتایج نشان می‌دهد که برازش مدل ساختاری به‌طور کلی متوسط بوده است. ضمن آنکه به‌منظور بررسی قدرت پیش‌بینی مدل از تحلیل معیاری تحت عنوان Q^2 استفاده گردیده است. بدین منظور، بر اساس پژوهش‌های هنسلر و همکاران (۲۰۰۹) و با ملاحظه نتایج این معیار در نگاره (۸) می‌توان نتیجه گرفت که مدل از قدرت پیش‌بینی خوبی برخوردار است.

تکانه (۹): مقادیر R^2 (R Squares) و Q^2 (Stone-Geisser criterion)

تغییر شغل	رفتار ناکارآمد	
۰/۲۲	۰/۳۰	R^2
۰/۱۹	۰/۲۲	Q^2

در اسمارت پی‌ال‌اس، معیار کلی به‌منظور برازش مدل کلی (مدل کلی شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود) وجود ندارد. به همین منظور، تنهاوس و همکاران (۲۰۰۴) معیاری کلی تحت عنوان GoF را برای حل این مشکل پیشنهاد دادند که می‌تواند به‌عنوان شاخصی مطمئن برای برازش کل مدل محسوب شود. با توجه به بررسی‌های آن‌ها GoF از طریق معادله (۱) قابل محاسبه است. مقادیر به‌دست آمده توسط این فرمول با توجه به

مطالعات ورتزلز و همکاران (۲۰۰۹) با سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ در سه سطح ضعیف، متوسط و قوی تقسیم‌بندی شوند.

$$\text{معادله (۱): } \text{GOF} = \sqrt{\text{Communalities}} \times R^2$$

به منظور توضیح در رابطه با اجزای فرمول فوق، باید اذعان کرد که؛ Communalities نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه است که برای بررسی برازش بخش مدل اندازه‌گیری مدل به کار گرفته می‌شود و برای ارزیابی کیفیت مدل‌های اندازه‌گیری از این معیار استفاده می‌شود. این معیار نشان می‌دهد که چه مقدار از تغییرپذیری شاخص‌ها (سؤالات) توسط سازه مرتبط با خود تبیین می‌شود. R^2 نیز مقدار میانگین مقادیر R^2 سازه‌های درون‌زای مدل است که برای بررسی برازش بخش ساختاری مدل بکار گرفته می‌شود و نشان از میزان قوت سازه‌های درون‌زا با دیگر سازه‌ها دارد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲). بدین ترتیب Gof برای مدل پژوهش به صورت زیر محاسبه گردید.

$$\text{GOF} = \sqrt{\text{Communalities}} \times R^2 = \sqrt{0/40 \times 0/26} = 0/32$$

با توجه به آنکه معیار نام‌برده برابر ۰/۳۲ است، بنا بر پژوهش‌های ورتزلز و همکاران (۲۰۰۹) برازش کلی مدل در حد قوی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل ساختاری و داشتن برازش مناسب مدل‌ها، فرضیه‌های پژوهش آزمون شد که نتایج حاصل از ضرایب معناداری برای هر یک از فرضیه‌ها، ضرایب استاندارد شده مسیرهای مربوط به هر یک از فرضیه‌ها و نتایج بررسی فرضیه، در نگاره (۹) ارائه شده است. لازم به ذکر است که نتایج به صورت کامل در یک جدول خلاصه شده تا قابلیت مقایسه خروجی‌های پژوهش به سهولت امکان‌پذیر باشد.

تکانه (۹): نتایج آزمون فرضیات پژوهش و یافته‌های فرضیه‌ها

نتیجه	آماره t	تخمین	متغیر وابسته	اثر	متغیر مستقل	
***	۴/۵۰	۰/۲۱	رفتار ناکارآمد	←	پیچیدگی کار	H1
**	۳/۱۹	-۰/۱۳	رفتار ناکارآمد	←	استقلال حسابرس	H2
ns	۱/۱۲	۰/۱۲	رفتار ناکارآمد	←	اهمیت مشتری	H3
***	۳/۷۰	۰/۱۶	رفتار ناکارآمد	←	فشار بودجه زمانی	H4
*	۲/۱۷	۰/۳۰	تغییر شغل	←	رفتار ناکارآمد	H5
(ns = no significant, *p < .05, **p < .01, ***p < .001)						
					پیچیدگی کار به میزان ۲۱ درصد از تغییرات رفتار ناکارآمد را تبیین می‌نماید؛ که این تأثیر در سطح ۹۹/۹ درصد معنادار است.	H1
					استقلال حسابرس به میزان ۱۳ درصد از تغییرات رفتار ناکارآمد را تبیین می‌نماید؛ که این تأثیر در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است.	H2
					این تأثیر معنادار نیست.	H3
					فشار بودجه زمانی به میزان ۱۶ درصد از تغییرات رفتار ناکارآمد را تبیین می‌نماید؛ که این تأثیر در سطح ۹۹/۹ درصد معنادار است.	H4
					رفتار ناکارآمد به میزان ۳۰ درصد از تغییرات تغییر شغل را تبیین می‌نماید؛ که این تأثیر در سطح ۹۵ درصد معنادار است.	H5

نتایج آزمون فرضیه‌ها و ضرایب معناداری با توجه به نگاره (۹) نشان می‌دهد که فرضیه‌های اول، دوم، چهارم و پنجم همگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرند و همچنین فرضیه‌های سوم رد شده و معنادار نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

اساساً این پژوهش تلاش کرد تا نگاه جدیدی را در زمینه رفتارهای ناکارآمد حسابرسی بر اساس نظریه‌های عمل منطقی و اخلاقی بگشاید. نظریه‌های مطرح شده از مزایای بسیاری برای محققین حسابرسی برخوردارند که سعی می‌کنند نیت حسابرسان به منظور درگیری در انواع مختلف رفتارهای حسابرسی ناکارآمد را درک و بررسی کنند. علاوه بر این، این نظریه‌ها در عین حال به فرد محقق اجازه می‌دهند تا دلایل وجود چنین رفتارهایی در حرفه حسابرسی را پیش‌بینی کنند. با توجه به یافته‌های پژوهش، متغیرهای پیچیدگی کار، فشار بودجه زمانی و

استقلال، به ترتیب بیشترین تأثیر را بر رفتار ناکارآمد حسابرسان دارد و متغیر رفتار ناکارآمد نیز بر تغییر شغل حسابرسان به میزان قابل توجهی اثرگذار می‌باشد.

از آنجا که تشخیص رفتاری، بیشتر به قصد بستگی دارد تا خود عمل، مطالعه در خصوص باورهای حسابرسان (رفتاری و اخلاقی) که عمیقاً در ادراکات فرد ریشه دارند، کمک می‌کند تا چگونگی هدایت قصد رفتاری حسابرسان در پذیرش رفتار ناکارآمد که نهایتاً می‌تواند بر تغییر شغل حسابرسان تأثیرگذار باشد را شرح دهیم. توجه به این نکته حائز اهمیت است که حسابرسان می‌توانند باورهای مثبت خود را در رابطه با رفتار ناکارآمد حسابرسان اصلاح نموده یا تنظیم کنند و آن‌ها را منفی نمایند.

فرضیه اول: نتیجه به‌دست آمده نشان‌دهنده این موضوع است که سازمان‌ها و مؤسسات حسابرسان در دورانی به سر می‌برند که پیچیدگی جزء جدائی‌ناپذیر آن است. برای رویارویی با تغییرات و تحولات امروز، باید پیچیدگی را بشناسیم و راه‌های مواجهه با آن به‌منظور جلوگیری از رفتار ناکارآمد را بدانیم. از این‌رو، پیشنهاد می‌گردد حسابرسان تجربه حسابرسان خود را محدود به یک صنعت نمایند و تجارب خود را به صنایع گوناگون ارتقا بخشند. پیشنهاد می‌شود که حسابرسان به صورت تخصصی در یک صنعت متمرکز شوند تا رفتارهای ناکارآمد ایشان کاهش یابد. همچنین سازمان‌ها و مؤسسات حسابرسان می‌توانند از طریق ایجاد تعامل مؤثر و مستمر با فرآیندهای شرکت‌های مورد بررسی حسابرسان و هدفمند نمودن آموزش به‌ویژه تعیین آموزش‌های مرتبط با صنعتی که حسابرسان در آن مشغول است، به حسابرسان کمک کنند که مهارت‌هایی کسب کنند که مناسب محیط‌های پیچیده و متغیر امروزی است و مانع از رفتار ناکارآمد می‌گردد. نتایج به‌دست آمده در واقع با پژوهش‌های پیشین همچون عبدالمحمدی و رایت (۱۹۸۷)، بونر (۱۹۹۴) و تنگ‌تان و تاو (۱۹۹۹) هم‌راستا است.

فرضیه دوم: نتیجه به‌دست آمده نشان می‌دهد اگر حسابرسان از نظر جامعه مستقل نباشند، به گزارش‌های حسابرسان اتکا نمی‌شود و در این صورت کسی جز حسابرسان متضرر نخواهد شد. از این‌رو، پیشنهاد می‌گردد که مؤسسات حسابرسان ارائه خدمات غیرحسابرسی را محدود به مشتریان غیرحسابرسی کرده و یا در صورت ارائه خدمات غیرحسابرسی به مشتریان حسابرسی، اطلاعات کاملی از میزان حق‌الزحمه و نوع خدمات غیرحسابرسی ارائه شده را افشا نمایند.

همچنین پیشنهاد می شود که میان کارکنانی که خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی را انجام می دهند، تفکیک وظایف صورت بگیرد؛ به گونه ای که این تفکیک وظایف مبتنی بر تأسیس ادارات یا قسمت های متمایزی باشد که گروه های مختلف کارکنان در آن ها به ارائه نوع خدمت مورد نظر می پردازند. در پایان، با توجه به اینکه هرچه نفع اقتصادی شرکت حسابرسی از یک مشتری بیشتر باشد وابستگی به آن مشتری بیشتر می شود، پیشنهاد می گردد منع قانونی برای پذیرش مشتریانی که موجب وابستگی اقتصادی شدید حسابرس به مشتری می شود، تدوین گردد. نتایج به دست آمده در واقع با پژوهش های پیشین همچون؛ فالک و همکاران (۲۰۰۰)، ویلیامز و سیمر (۲۰۰۴)، مور و همکاران (۲۰۰۶) و ین و همکاران (۲۰۱۰) هم راستا می باشند.

فرضیه سوم: با توجه به نتیجه این فرضیه رابطه معناداری بین اهمیت مشتری و رفتار ناکارآمد وجود ندارد. اهمیت متصور برای مشتری از ادراکات حسابرس است که بر هنجارهای ذهنی وی و همچنین ادراک او از اخلاقی بودن رفتارهایش تأثیرگذار است، در بین عوامل مؤثر بر رفتارهای ناکارآمد حسابرسان، اهمیت مشتری تنها عامل محیطی است که با رد شدن تأثیر آن، می توان نتیجه گرفت که رفتارهای ناکارآمد حسابرسان عمدتاً از عوامل داخلی سازمان ناشی می شوند. نتایج به دست آمده در واقع با پژوهش های پیشین همچون؛ گلدنبرگ و همکاران (۲۰۰۶) و شان (۲۰۰۹) هم راستا و با پژوهش ین و همکاران (۲۰۱۰) هم راستا نمی باشد.

فرضیه چهارم: نتیجه به دست آمده نشان دهنده این است که وجود فشارها در حرفه حسابرسی، درک هزینه های شهرت فردی توسط حسابرسان را افزایش داده و انگیزه انجام فعالیت هایی را در آن ها ایجاد می کند که ممکن است اثربخشی فرآیند جمع آوری و ارزیابی بی طرفانه شواهد حسابرسی و در نتیجه رفتار کارآمد را در معرض خطر قرار دهند. بنا بر نتایج پژوهش، فشار بودجه زمانی در مؤسسات حسابرسی در سطح بالایی است که این امر می تواند منجر به مشکلات متعددی گردد. لذا به این مؤسسات توصیه می گردد تا از فشار بودجه زمانی بر کارکنان موسسه بکاهند. فشار زمانی می تواند احتمال کتمان شواهد متناقض بعدی را افزایش دهد، لذا پیشنهاد می شود که حسابرسی ضمنی به منظور کاهش حجم عملیات حسابرسی برای حسابرسی نهائی در طی دوره مالی صورت گیرد. پیشنهاد دیگری که می توان مطرح نمود این است که پایان سال مالی شرکت ها با در نظر گرفتن ویژگی های خاص هر شرکت و صنعتی که

در آن فعالیت می‌کنند با یکدیگر تفاوت داشته باشد. نتایج به دست آمده از آزمون این فرضیه در واقع با پژوهش‌های پیشین همچون آلدومن و همکاران (۱۹۸۲)، کلی و همکاران (۱۹۹۰)، گاندری (۲۰۰۷) و مکنامارا و همکاران (۲۰۰۸) هم‌راستا است.

فرضیه پنجم: نتیجه به دست آمده نشان‌دهنده این است که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، جایگاه حرفه حسابرسی به‌طور قراردادی به این موضوع بستگی دارد که تا چه اندازه توانسته است خود را به‌عنوان حافظ منافع جامعه، در نزد عموم معرفی کند. از این رو، استفاده از رویکرد رفتار کارآمد در انجام کار حسابرسی، موجب ایجاد تغییراتی چشمگیر و منظم و تعدیلات مهمی در وظایف و تعهدات اشخاص مختلف فعال در حوزه‌های کسب و کار (مانند مدیران، حسابداران، حسابرسان و غیره)، خواهد شد. لذا پیشنهاد می‌گردد سازمان حسابرسی به‌عنوان یک مرجع قانونی استاندارد‌گذار و جامعه حسابداران رسمی ایران به‌عنوان یک نهاد حرفه‌ای برای بالا بردن کیفیت حسابرسی و نیز جلب اعتماد جامعه نسبت به حرفه حسابرسی در ارائه خدمات حسابرسی مقرراتی را برای جلوگیری از وقوع رفتارهای ناکارآمد تدوین کنند. نتایج به دست آمده در واقع با پژوهش پیشین همچون پورتر و همکاران (۱۹۷۴) هم‌راستا است.

پی‌نوشت

- | | |
|---------------------------|-------------------------------------|
| ۱ Task Complexity | ۷ Theory of Reasoned Action |
| ۲ Independence | ۸ Ethical Theory |
| ۳ Client's Importance | ۹ Cross Loading |
| ۴ Time Budget Pressure | ۱۰ Structural Equation Model |
| ۵ Dysfunctional Behaviour | ۱۱ Average Variance Extracted (AVE) |
| ۶ Turnover Intention | ۱۲ Goodness of Fit |

منابع

- برزیده، فرخ و خیراللهی، مرشید. (۱۳۹۰). مسئولیت پاسخگویی، فشار زمانی، و کتمان شواهد حسابرسی، ۱۱ (۴۵)، ۴-۲۷.
- بزرگ‌اصل، موسی. (۱۳۸۲). پشت پرده سقوط انرو و پیامدهای آن بر حرفه حسابداری، حسابرس، دوره دهم، شماره ۲۰، ص ۴۶-۵۳.

- حساس یگانه، یحیی و تالانه، عبدالرضا. پژوهش‌های رفتاری در حسابداری، دوره بیستم، شماره ۱۵۷، ص ۱۳-۱۵.
- حساس یگانه، یحیی و مقصودی، امید. (۱۳۹۰). ارزش‌های اخلاقی در قضاوت حرفه‌ای حسابرسان، اخلاق در علوم و فناوری، دوره ششم، شماره ۱، ص ۶۲-۷۳.
- داوری، علی و رضازاده، آرش. (۱۳۹۲). مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- زارع چاهوکی، محمدعلی. (۱۳۸۹). روش‌های تحلیل چند متغیره در نرم‌افزار SPSS، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران.
- مهرانی، ساسان و نعیمی، مهدیس. (۱۳۸۲). تئوری اخلاقی و تأثیر فشار بودجه زمانی بر رفتار حسابرسان مستقل، بررسی‌های حسابداری و حسابداری، سال دهم، شماره ۳۲، ص ۴۳-۶۱.
- مهرانی، ساسان. (۱۳۷۹). تأثیر فشار بودجه زمانی بر رفتار حسابرسان مستقل تحت تئوری عدالت نسبی، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- نیکبخت، محمدرضا و مهربانی، حسین. (۱۳۸۵). بررسی اثر خدمات و میزان حق‌الزحمه‌های غیر حسابداری مؤسسات حسابداری بر استقلال حسابرسان، بررسی‌های حسابداری و حسابداری، دوره ۱۳، شماره ۲، ص ۱۲۹-۱۳۷.
- هادی‌زاده مقدم، اکرم؛ نکویی‌زاده، مریم و میرزاده، لیلا. (۱۳۸۹). نقش تئوری پیچیدگی در تحول سازمان‌ها، تدبیر، شماره ۲۱۶، ص ۳۰-۳۵.
- Abdolmohammadi, M. , & Wright, A. (1987). An examination of the effects of experience and task complexity on audit judgments. *Accounting Review*, 1-13.
- Alderman, C. W. , & Deitrick, J. W. (1982). Auditors' perceptions of time budget pressures and premature sign-offs: A replication and extension. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 1 (2) , 54-68.
- Armitage, C. J. , & Conner, M. (1999). Distinguishing Perceptions of Control From Self-Efficacy: Predicting Consumption of a Low-Fat Diet Using the Theory of Planned Behavior¹. *Journal of applied social psychology*, 29 (1) , 72-90.
- Bamber, E. M. , & Iyer, V. (2009). The effect of auditing firms' tone at the top on auditors' job autonomy, organizational-professional conflict, and job satisfaction. *International Journal of Accounting & Information Management*, 17 (2) , 136-150.
- Bonner, S. E. (1994). A model of the effects of audit task complexity. *Accounting, Organizations and Society*, 19 (3) , 213-234.

- Chan, K. , Kleinman, G. , & Lee, P. (2009). The impact of Sarbanes-Oxley on internal control remediation. *International Journal of Accounting & Information Management*, 17 (1) , 53-65.
- Chan, K. , Kleinman, G. , & Lee, P. (2009). The impact of Sarbanes-Oxley on internal control remediation. *International Journal of Accounting and Information Management*, 17 (1) , 53-65.
- Cronbach, L. (1951). Coefficient Alpha and the Internal Structure of Tests. *Psychometrical*, 16, 297-334.
- Donnelly, P. D. , Quirin, J. J. , & O'Brian, D. (2006). Attitudes towards dysfunctional auditing behaviour: the effect of locus of control, organizational commitment and position. *Journal of Applied Business Research*, 19 (1) , 95-108.
- Ebrahim, A. (2001). Auditing quality, auditor tenure, client importance, and earnings management: An additional evidence. Unpublished, Rutgers University.
- Falk, H. , Lynn, B. , Mestelman, S. , & Shehata, M. (2000). Auditor independence, self-interested behavior and ethics: some experimental evidence. *Journal of Accounting and Public Policy*, 18 (4) , 395-428.
- Fishbein, M. , & Ajzen, I. (1980). Understanding attitudes and predicting social behaviour.
- Fornell, C. , & Larcker, D. (1981). Structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 18 (1) , 39-50.
- Glanz, K. , Rimer, B. K. , & Viswanath, K. (Eds.). (2008). Health behavior and health education: theory, research, and practice. John Wiley & Sons.
- Gold, A. , Hunton, J. E. , & Gomaa, M. I. (2009). The impact of client and auditor gender on auditors' judgments. *Accounting Horizons*, 23 (1) , 1-18.
- Gundry, C. L. (2006) , “Dysfunctional behaviour in modern audit environment: the effect of time budget pressure and auditors' personality type on reduced audit quality practices”, Bachelor of Commerce dissertation, University of Otago, Dunedin.
- Henseles, J. , Ringle, C. , & Sinkovics, R. (2009). the use of partial least squares path modeling in international marketing. *New Challenges to International Marketing*, 20, 277-320.
- Kelley, T. and Margheim, L. (1990) , “The impact of time budget pressure, personality, and leadership variables on dysfunctional auditor behaviour”, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 9 (2) , 21-42.
- Lightner, S. M. , Adams, S. J. , & Lightner, K. M. (1982). The influence of situational, ethical, and expectancy theory variables on accountants'

- underreporting behavior. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 2 (1), 1-12.
- Lightner, S. M., Leisenring, J. J., & Winters, A. J. (1983). Underreporting chargeable time. *Journal of Accountancy*, 155 (1), 52-57.
- Liou, F. M., & Yang, C. H. (2008). Predicting business failure under the existence of fraudulent financial reporting. *International Journal of Accounting and Information Management*, 16 (1), 74-86.
- Lord, A. T., & Todd DeZoort, F. (2001). The impact of commitment and moral reasoning on auditors' responses to social influence pressure. *Accounting, Organizations and Society*, 26 (3), 215-235.
- Louwers, T., Ramsay, R., Sinason, D. and Strawser, J. (2005), *Auditing and Assurance Services*, McGraw-Hill, New York, NY.
- Lundberg, C., Gudmundson, A., & Andersson, T. D. (2009). Herzberg's Two-Factor Theory of work motivation tested empirically on seasonal workers in hospitality and tourism. *Tourism Management*, 30 (6), 890-899.
- Mazloumi Mahmoodabad S, Mehri A, Morovati Sharifabadi MA, Falah Zadeh H. Using models developed to predict the behavior of the planned use of helmets on motorcycles staff Yazd. *Birjand University of Medical Sciences* 2007; 14 (4): 33-9.
- McNamara, S. M. and Liyannarachchi, G. A. (2008), "Time budget pressure and auditor dysfunctional behaviour within and occupational stress model", *Accountancy Business and Public Interest*, Vol. 7 No. 1, pp. 237-268.
- Mohd-Sanusi, Z., & Mohd-Iskandar, T. (2006). Audit judgment performance: assessing the effect of performance incentives, effort and task complexity. *Managerial Auditing Journal*, 22 (1), 34-52.
- Montano, D. E., Kasprzyk, D., Glanz, K., Rimer, B. K., & Viswanath, K. (2008). Theory of reasoned action, theory of planned behavior, and the integrated behavioral model.
- Moore, D. A., Tetlock, P. E., Tanlu, L., & Bazerman, M. H. (2006). Conflicts of interest and the case of auditor independence: Moral seduction and strategic issue cycling. *Academy of Management Review*, 31 (1), 10-29.
- Nunnally, J. (1978). *Psychometric theory*. New York, NY: McGraw-Hill.
- Otley, D. T., & Pierce, B. J. (1995). The control problem in public accounting firms: An empirical study of the impact of leadership style. *Accounting, Organizations and Society*, 20 (5), 405-420.
- Porter, L. W., Steers, R. M., Mowday, R. T., & Boulian, P. V. (1974). Organizational commitment, job satisfaction, and turnover among psychiatric technicians. *Journal of applied psychology*, 59 (5), 603.

- Psaros, J. and Seamer, M. 2004. Australian audit committees – Do they meet best practice guidelines? *Australian Accounting Review*, 14: 77–85.
- Rhode, J. G. (1978). Survey on the influence of selected aspects of the auditor's work environment on professional performance of certified public accountants. Issued as the Independent Auditor's Work Environment: A Survey. New York, NY: AICPA.
- Riahi-Belkaoui, A. (1989). Behavioral accounting: the research and practical issues. Quorum Books.
- Smith, R. (1995) , “Underreporting time: an analysis of current tax practice”, *Journal of Applied Business Research*, Vol. 11, pp. 39-45.
- Tan, H. T. , & Kao, A. (1999). Accountability effects on auditors' performance: The influence of knowledge, problem-solving ability, and task complexity. *Journal of Accounting Research*, 209-223.
- Tenenhaus, M. ; Amato, S. & Esposito Vinzi, V. (2004). a global Goodness-of-Fit index for PLS structural equation modeling. In *Proceedings of the XLII SIS Scientific Meeting*, 739-742.
- Wetzels, M. , Odekerken-Schroder, G. , & Van Oppen, C. (2009). using PLS path modeling for assessing hierarchical construct models: Guidelines and empirical illustration. *MIS Quarterly*, 33 (1) , 177.
- Williams, S. V. (2003). An empirical investigation of turnover intentions of internal auditors (Doctoral dissertation, Virginia Commonwealth University Richmond, VA).
- Yuen, D. C. , Law, P. K. , Lu, C. , & Guan, J. Q. (2010). Dysfunctional auditing behaviour: empirical evidence on auditors' behaviour in Macau. *International Journal of Accounting and Information Management*, 21 (3) , 209-226.

بررسی تأثیر شفافیت گزارشگری مالی بر مربوط بودن ارزش سود حسابداری^۱

شهناز مشایخ*، سپیده سادات نصیری**

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۷/۱۸

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه میان شفافیت گزارشگری مالی و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری است. برای اندازه‌گیری شفافیت گزارشگری مالی در تحقیق حاضر از سه مورد از ویژگی‌های مهم اطلاعات حسابداری و به ویژه سود که براساس مطالعات پیشین سبب بهبود شفافیت گزارشگری مالی می‌گردد، استفاده شده است. این ویژگی‌ها شامل عدم هموارسازی، قابلیت پیش‌بینی سود و کیفیت اقلام تعهدی می‌باشد. به منظور اطمینان از نتایج هر یک از معیارها و ارائه نتیجه کلی در مورد شفافیت گزارشگری، شاخصی ترکیبی ایجاد شده است. برای اندازه‌گیری مربوط بودن ارزش سود حسابداری از الگوی کالینز و همکاران (۱۹۹۵) استفاده گردید. نمونه آماری این پژوهش ۷۸ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ می‌باشد. نتایج نشان داد که شفافیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معناداری بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری دارد. این نتیجه می‌تواند مدیران و تهیه‌کنندگان اطلاعات حسابداری را که علاقمند به جذب سرمایه بیشتر با هزینه کمتر هستند، به افزایش شفافیت گزارشگری ترغیب نموده و از این طریق به حفظ اعتماد سرمایه‌گذاران و افزایش تعداد سرمایه‌گذاران خرد در بازار کمک کند و نهایتاً رشد و رونق اقتصادی برای جامعه را به همراه آورد.

واژه‌های کلیدی: مربوط بودن ارزش، شفافیت گزارشگری مالی، قابلیت پیش‌بینی سود، کیفیت اقلام

تعهدی، هموارسازی سود

طبقه بندی موضوعی: G32

۱ این مقاله از حمایت مالی دانشگاه الزهرا (س) در قالب طرح پژوهشی برخوردار بوده است.
* دانشیار حسابداری دانشگاه الزهرا (س)، (نویسنده مسئول)، (shahnaz_mashayekh@yahoo.com)
** دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهرا (س)، (sepideh.nasiry@yahoo.com)

مقدمه

به دلیل نقش مهمی که در سال‌های اخیر بورس اوراق بهادار تهران در زندگی اقشار مختلف مردم ایران پیدا کرده، امروزه توجه به موضوعات حول گزار شگری مالی صادق، مربوط، قابل اتکا و شفاف از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. پس از رسوایی‌های اوایل هزاره سوم و بروز بحران‌های مالی در بورس‌های جهان، موضوع شفافیت اطلاعات در فرآیند گزارشگری مالی مورد توجه گسترده قرار گرفت. چرا که به اعتقاد بسیاری، محیط اطلاعاتی شرکت‌ها از شفافیت کمی برخوردار بوده و این موضوع در کنار نامتقارن بودن محیط اطلاعاتی، شرایط تجزیه و تحلیل صحیح عملکرد شرکت‌ها را با دشواری رو به رو کرده بود. طبیعتاً در بازاری که اطلاعات از سطح شفافیت مناسبی برخوردار نیست، نه تنها تصمیم‌گیری صحیح و مناسب برای سرمایه‌گذاران بالفعل دشوار شده و زمینه خروج آنها از بازار را مهیا می‌کند، بلکه مانع ورود سرمایه‌گذاران بالقوه به بازارهای مالی می‌شود. این پیامد اقتصادی محیط اطلاعاتی نامتقارن و غیرشفاف شرکت‌ها است که علاوه بر کوچک کردن بازارهای مالی، مخاطراتی مثل افزایش هزینه سرمایه آنها را به دنبال دارد. شاید به سبب همین پیامدهای منفی احتمالی باشد که اغلب کشورهای دنیا در جهت از بین بردن عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها گام برداشته و اقداماتی انجام داده‌اند. از جمله این اقدامات می‌توان به تدوین استاندارد، صدور آیین‌نامه، و تشکیل نهادها و انجمن‌های ناظر بر عملکرد شرکت‌ها اشاره کرد.

به بیان ساده، شفافیت گزارشگری مالی درجه‌ای است که اطلاعات به طور گسترده در دسترس، مربوط، قابل اتکا، با کیفیت، و به موقع باشد. شفافیت گزارشگری مالی می‌تواند شرایط مطمئنی ایجاد نموده و اعتماد سرمایه‌گذاران را به ویژه تحت شرایط عدم تقارن اطلاعاتی افزایش دهد. عدم تقارن اطلاعاتی در صورتی وجود دارد که مدیران و بازار، اطلاعات یکسانی درباره شرکت نداشته و به نوعی مدیران به دلیل دارا بودن اطلاعات محرمانه درباره شرکت، اطلاعات بیشتر و بهتری نسبت به بازار در اختیار داشته و قبل از بازار به اطلاعات شرکت دسترسی دارند. به همین دلیل در محیط اطلاعاتی نامتقارن، تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران دشوارتر بوده و ممکن است مربوط بودن ارزش گزارش‌های مالی و اطلاعات حسابداری کمتر از انتظار باشد. در چنین شرایطی شفافیت اطلاعات مالی از اهمیت زیادی

برخوردار خواهد بود. در واقع، شفافیت یکی از عوامل اثرگذار بر عدم تقارن اطلاعاتی و عامل پیشرفت و تعالی بازارهای مالی است که سطح آن بسته به خواست مدیریت شرکت، می‌تواند در طیف وسیعی از زیاد به کم تغییر کند. اهمیت شفافیت گزارشگری مالی و به ویژه سود حسابداری در مطالعات متعدد به طور مستند مورد تایید قرار گرفته است. یکی از این مطالعات با بررسی تأثیر شفافیت سود حسابداری بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری نشان داد که شفافیت سود حسابداری تأثیر مثبت بر مربوط بودن ارزش سود حسابداری به عنوان یکی از مهمترین متغیرهای موثر در تعیین قیمت سهام دارد (پروان و باتولویچ، ۲۰۱۲).

شفافیت گزار شگری مالی می‌تواند در راستای اهداف کلیدی حسابداری مالی، در برآورد نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه نقش موثری داشته باشد. در این شرایط، مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری یکی از معیارهای سودمندی است که جهت سنجش سودمندی اطلاعات حسابداری که هدف اولیه گزارشگری مالی است، به کار می‌رود. مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، حالت عملیاتی شده دو ویژگی مهم و اولیه اطلاعات گزارشگری مالی یعنی مربوط بودن و قابلیت اتکا است؛ زیرا ارقام حسابداری تنها زمانی دارای ارزشی مربوط هستند که سرمایه‌گذاران، آن‌ها را در ارزیابی‌های خود از شرکت مربوط دانسته و در قیمت سهام منعکس نمایند. بر اساس نتیجه تحقیق بیور (۲۰۰۲)، ارزش اطلاعات حسابداری در صورتی مربوط است که با ارزش بازار سهام شرکت همبستگی داشته باشد. در چنین محیطی شناسایی عوامل موثر بر افزایش میزان مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری در بازار از اهمیت زیادی برخوردار است. از این رو، نوآوری پژوهش حاضر این است که به دلیل اهمیت موضوع مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، نگاه ویژه‌ای به شفافیت گزارشگری مالی داشته و با رویکردی بنیادی-کاربردی به بررسی تأثیر این متغیر مهم گزارشگری مالی یعنی شفافیت اطلاعاتی بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری می‌پردازد.

مروری بر پیشینه تحقیق

الف) شفافیت گزارشگری مالی

مشابه بسیاری مفاهیم حسابداری نظیر محافظه کاری، کیفیت سود، مربوط بودن و... برای شفافیت سود حسابداری نیز تاکنون تعریف جامع و پذیرفته شده‌ای یافت نشده و برای آن تعاریف متعددی وجود دارد. اگرچه تعریف لغوی کلمه شفافیت، آشکار بودن موسسات، قابلیت درک آسان، روشن بودن، یا صریح بودن می‌باشد ولی تعریف رایج‌تر را می‌توان از بو شمن و همکاران (۲۰۰۴) اقتباس نمود که شفافیت اطلاعات حسابداری را وضعیت تعریف می‌کند که اطلاعات به طور گسترده در دسترس، مربوط، قابل اتکا، با کیفیت، و به موقع باشد. بارث و همکاران (۲۰۱۳) شفافیت سود را تغییر هم‌زمان سود و تغییر در سودآوری با بازده سهام تعریف کرده‌اند. نیلسون و همکاران (۲۰۰۸) شفافیت را وضعیتی تعریف می‌کنند که در آن استفاده‌کننده اطلاعات بر همه چیز واقف بوده و بر اساس اطلاعات شفاف بتواند هر موضوعی را مورد بررسی قرار دهد.

یو (۲۰۱۳) با مطالعه این مسئله که آیا شناسایی در مقابل افشا بر مربوط بودن ارزش تأثیر دارد یا خیر، شواهدی از حسابداری بازنشستگی شرکت‌های آمریکایی ارائه نمود. وی نشان داد که در مورد اطلاعات بازنشستگی، افشای اطلاعات نیز بر مربوط بودن ارزش به طور معناداری موثر است. به ویژه هنگامی که مالکان نهادی و یا تحلیلگران وجود داشته باشند. بر اساس تحقیق وردی (۲۰۰۶)، در شرکت‌هایی که با محدودیت در تامین مالی روبه رو هستند، نقش شفافیت جهت علامت‌دهی هر چه بیشتر به تامین‌کنندگان منابع جهت تامین مالی آسان‌تر، بااهمیت‌تر است. برخی نیز بر این باورند که شفافیت بیشتر، اطلاعات کاملتری را نسبت به وضعیت نامناسب چنین شرکت‌هایی فراهم می‌آورد و وضعیت بد آنان را مشخص‌تر می‌سازد. از این‌رو، این شرکت‌ها تمایل کمتری به شفافیت و شفاف بودن دارند.

الیوت و همکاران (۲۰۱۰) با مطالعه تأثیر شفافیت حسابداری بر انتظار قیمت‌گذاری نادرست تحلیلگران نشان دادند که ویژگی‌های سرمایه‌گذاران نهادی شرکت می‌تواند منجر به افزایش شفافیت حسابداری شده و انتظارات سرمایه‌گذاران حرفه‌ای را برآورده کند. بر این اساس، انتظارات تحلیلگران متأثر از شفافیت سود حسابداری است. همچنین شفافیت بیشتر

صورت‌های مالی انتظار قیمت‌گذاری نادرست را کاهش می‌دهد. بیدل و همکاران (۲۰۰۶) نیز بیان نمودند که در کشورهایی که تامین مالی عمدتاً از طریق معاملات در شرایط عادی بازار سرمایه انجام می‌شود، در مقایسه با آنهایی که تامین مالی بیشتر از طریق اعتباردهندگان مانند بانک‌های دولتی صورت می‌گیرد، ارتباط بین شفافیت حسابداری و کارایی سرمایه‌گذاری بیشتر خواهد بود.

ترسیا و همکاران (۲۰۱۴) بررسی کردند که آیا گزارشگری شرکت‌های چندملیتی به صورت کشور به کشور برای انتقال اطلاعات سود مناسب است. آنها برای این کار برنامه‌ریزی‌ها و قوانین مالیاتی هر کشور را مورد نظر قرار دادند. یکی از نتایج مهم تحقیق آنها لزوم افشای اطلاعات بیشتر در گزارشگری به ویژه در سطح بین‌المللی بود. هانتون و همکاران (۲۰۰۶) با بررسی تأثیر شفافیت گزارشگری مالی بر افزایش سود جاری و کاهش اقدامات مدیریت سود متوجه شدند که شفافیت گزارشگری مالی به صورت معناداری باعث تعدیل و نه حذف کامل مدیریت سود می‌شود. یافته‌های آنان مطابق با باورهای مدیران است، مبنی بر این که وقتی رویه‌های افشا با شفافیت کمتری صورت گیرد، مدیریت سود می‌تواند منجر به بهبود قیمت سهم شده و به اعتبار گزارشگری مالی خدشه‌ای وارد نمی‌کند. اما هنگامی که صورت‌های مالی شفافیت بیشتری داشته باشد، مدیریت سود به صحت، درستی و اعتبار گزارشگری مالی صدمه وارد می‌کند. یو (۲۰۰۵) نشان داد شفافیت پایین موجب می‌شود اطلاعات کافی برای ارتباط برقرار کردن با سرمایه‌گذاران وجود نداشته باشد و عدم تقارن اطلاعاتی شکل گیرد که در نهایت منجر به افزایش صرف ریسک اطلاعات می‌شود.

کردستانی و علوی (۱۳۹۰) با بررسی شفافیت سود حسابداری بر هزینه سرمایه سهام عادی نشان دادند شرکت‌هایی که شفافیت سود بالاتری دارند هزینه سرمایه سهام عادی کمتری را تجربه می‌کنند. نوروش و حصارزاده (۱۳۸۹) با مطالعه ابعاد شفافیت سود حسابداری، به بررسی رابطه آن با ویژگی‌های شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که شرکت‌های دارای محدودیت در تامین مالی و شرکت‌های زیان ده نسبت به سایر شرکت‌ها شفافیت سود کمتری داشته و ارتباط معنی‌داری بین شفافیت سود حسابداری و ارزش شرکت وجود دارد. همچنین رابطه معنی‌داری بین شفافیت سود حسابداری و نوسانات جریان نقدی عملیاتی یک دوره بعد، وجود ندارد. حجازی و همکاران (۱۳۸۹) با بررسی تأثیر عوامل

اقتصادی بر کیفیت حسابداری نشان دادند که عدم شفافیت سود با رشد اقتصادی رابطه مستقیم دارد؛ اما بین عدم شفافیت سود و آزادی اقتصادی رابطه معناداری وجود ندارد.

ب) مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری

بر اساس چارچوب نظری هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، هدف اولیه گزارشگری مالی یعنی سودمندی در تصمیم‌گیری، به وسیله رعایت متوازن دو ویژگی کیفی مربوط بودن و قابل اتکا بودن اطلاعات حسابداری، حاصل می‌شود. مربوط بودن ارزش^۱ اطلاعات حسابداری، حالت عملیاتی شده هر دو ویژگی فوق است؛ زیرا ارقام حسابداری تنها زمانی دارای ارزشی مربوط هستند که سرمایه‌گذاران آنها را در ارزیابی‌های خود از شرکت مربوط بدانند و همچنین آنها را جهت انعکاس در قیمت سهام قابل اتکا تشخیص دهند. بر اساس بارث و همکاران (۲۰۰۱)، مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری عبارت است از رابطه معنادار ارقام حسابداری با ارزش بازار سهام که از طریق قیمت سهام اندازه‌گیری می‌شود. بررسی ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که مطالعه اولسون (۱۹۹۵) و فلتام و اولسون (۱۹۹۵) زیربنایی را برای تعریف مجدد رابطه میان صورت‌های مالی و ارزش شرکت ارائه کرد و ساختاری را برای الگوسازی در این زمینه فراهم آورد.

اندریانتومو و یودیانتی (۲۰۱۳) با مطالعه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری در بازار اندونزی نشان دادند که سود حسابداری و ارزش دفتری هر یک قادر به توضیح بخشی از تغییرات قیمت سهام بوده و دارای ارزشی مربوط هستند. خان آقا و همکاران (۲۰۱۱) با مطالعه تأثیر اصلاحات استانداردهای حسابداری در سال ۱۳۸۰ بر مربوط بودن ارزش اطلاعات در بورس اوراق بهادار تهران، نشان دادند که اطلاعات حسابداری مربوط بوده و حتی مربوط بودن بودن ارزش سود حسابداری بیش از ارزش دفتری است. علاوه بر این، مقایسه مربوط بودن ارزش اطلاعات در دوره قبل و پس از اصلاحات، حاکی از کاهش مربوط بودن ارزش اطلاعات پس از اصلاح استانداردهای حسابداری است.

شمکی (۲۰۱۳) با مطالعه تأثیر عوامل اقتصادی بر مربوط بودن ارزش سود، ارزش دفتری، و جریان نقد نسبت به قیمت بازار سهام، دریافت که مربوط بودن ارزش سود حسابداری و ارزش دفتری شرکت‌های دارای حجم معاملاتی بیشتر در بازار بیش از سایر شرکت‌ها بوده و

سرمایه‌گذاران در حال تغییر مبنای ارزش‌گذاری‌های خود به جای سود حسابداری به ارزش دفتری هستند. بالاچاندران و موهانرام (۲۰۱۱) ارتباط کاهش میزان مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری به ارزش سهام را با افزایش سطح محافظه‌کاری بررسی کرده و نشان دادند که درجه محافظه‌کاری در زمان مورد بررسی افزایش داشته ولی میزان مربوط بودن ارزش اطلاعاتی متغیرهای حسابداری کاهش یافته است. ولی لزوماً کاهش مربوط بودن ناشی از افزایش محافظه‌کاری نبوده است.

وجیها و نیمالاتاسون (۲۰۱۴) با انجام مطالعه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری و قیمت سهام درخصوص اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس سری لانکا نشان دادند که اطلاعات حسابداری تأثیر با اهمیت و معناداری بر قیمت سهام داشته و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری با شواهد کافی و قابل اطمینان قابل تایید است. فرانسیس و همکاران (۲۰۰۴) با انجام پژوهشی رابطه‌ای ضعیف ولی مثبت بین مربوط بودن ارزش و پیش‌بینی‌پذیری سود، نشان دادند.

بیسلند و هامبرگ (۲۰۱۳)، با مطالعه پایداری سود، شرایط اقتصادی و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری نشان دادند که مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری تحت تأثیر توانایی سرمایه‌ای کردن سرمایه‌گذاری در منابع ارزش‌شمنند می‌باشد. آن‌ها با بررسی اطلاعاتی از بازار سوئد و با کنترل ویژگی‌های مختلف پایداری و ناپایداری سود، نشان دادند شرکت‌های فعال در صنایعی که سرمایه‌گذاری‌های بیشتری را بلادرنگ هزینه می‌کنند، در طول زمان نوسان بیشتری در مربوط بودن ارزش اطلاعات دارند. شرایط اقتصادی بر حسب سطح سرمایه‌گذاری و انتظارات رشد چنین نوسانی را توضیح می‌دهد. بنابراین، مربوط بودن ارزش به طور قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر شرایط اقتصادی عمومی است.

اسکیمین و گندر (۲۰۱۳)، با انجام مطالعه در خصوص پیش‌بینی‌پذیری سود، مربوط بودن ارزش و هزینه کارکنان در آلمان استدلال کردند که کارکنان به عنوان یک دارایی مهم در شرکت و همچنین یک منبع سرمایه فکری و انسانی می‌توانند بر عملکرد شرکت تأثیر بگذارد. در واقع، مطالعه آنان با تحلیل اطلاعات ۹۳۸ شرکت در طول دوره ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۰ اهمیت هزینه کارکنان از دیدگاه حسابداری را تایید نموده و نشان داد که هر چه هزینه پایدار کارکنان بیشتر باشد، پیش‌بینی‌پذیری و مربوط بودن ارزش نیز افزایش می‌یابد.

از میان مطالعات داخلی در حوزه مربوط بودن ارزش، کردستانی و ایرانشاهی (۱۳۸۹) به بررسی تأثیر محافظه کاری بر مربوط بودن ارزش اطلاعات به ارزش سهام پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام در شرکت های با درجه محافظه کاری بالا و پایین، تفاوت معناداری وجود نداشته و درجه محافظه کاری تأثیری بر مربوط بودن ندارد. آزمون های اضافی آنها، نتایج را تعدیل نموده و شواهدی فراهم نمود مبنی بر اینکه در شرکت های محافظه کارتر اطلاعات حسابداری نسبتاً مربوط تر است.

مهرانی و همکاران (۱۳۹۱) رابطه بین مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت نهادی با مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نمودند. نتایج نشان داد که افزایش مالکیت نهادی، مربوط بودن ارزش اطلاعات صورت سود و زیان را افزایش می دهد؛ ولی مربوط بودن ارزش اطلاعات ترازنامه ای را کاهش می دهد. این در حالی است که افزایش تمرکز و مالکیت نهادی، کیفیت اطلاعات حسابداری مندرج در صورت سود و زیان و به تبع آن مربوط بودن ارزش اطلاعات صورت سود و زیان را کاهش داده است؛ ولی مربوط بودن ارزش اطلاعات مندرج در ترازنامه را افزایش می دهد. پورزمانی و همکاران (۱۳۸۷) مربوط بودن سود و ارزش دفتری تحت تأثیر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری کوتاه مدت، بلندمدت و کل را مورد آزمون قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که مدیریت سود بر مربوط بودن سود و ارزش دفتری اثرگذار است. همچنین مربوط بودن سود در شرکت هایی که اقلام تعهدی اختیاری دلالت بر مدیریت سود دارد، نسبت به شرکت هایی که در آنها مدیریت سود صورت نگرفته است، پایین تر بوده و مدیریت سود بر مربوط بودن ارزش دفتری نیز تنها در حالت مدیریت سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری تأثیر دارد.

فرضیه پژوهش

به طور کلی، شفافیت را می توان دستیابی گسترده به اطلاعات مربوط و قابل اتکا در مورد عملکرد، موقعیت و وضعیت فعلی و گذشته شرکت تعریف نمود. با توجه به این تعریف و همچنین این موضوع که مربوط بودن ارزش حالت عملیاتی شده دو ویژگی مزبور است، می توان انتظار داشت با افزایش شفافیت گزارشگری مالی، مربوط بودن ارزش اطلاعات

حسابداری نیز افزایش می‌یابد. در واقع، ارقام حسابداری در صورتی دارای ارزشی مربوط هستند که رابطه معناداری با ارزش بازار سهام داشته باشند (بارث و لندزمن، ۲۰۰۱). در این راستا، شفافیت گزارشگری مالی و به ویژه سود حسابداری نیز می‌تواند سطح مربوط بودن ارزش سود حسابداری را بهبود بخشد. این رابطه یکی از موضوعات مورد مطالعه حسن و آناندراجان (۲۰۰۳) بود که با انجام تحقیقی از رابطه میان شفافیت گزارشگری مالی و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری به این نتیجه رسیدند که شفافیت از طریق بهبود افشای اطلاعات به شدت بر مربوط بودن ارزش سود حسابداری تأثیر می‌گذارد. این نتیجه مطابق با انتظارات بود. بنابراین، فرضیه این پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه: میان شفافیت گزارشگری مالی و مربوط بودن ارزش آن رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع استقرایی و پس رویدادی (بر اساس اطلاعات گذشته) بوده و روش آماری آن همبستگی مقطعی و ترکیبی، یعنی بررسی وجود رابطه بین متغیرها از طریق رگرسیون به صورت مقطعی و همچنین ترکیبی از داده‌های سری زمانی و مقطعی است. هدف کلی مدل‌های ارزشگذاری ارزیابی کلی تأثیر شفافیت گزارشگری مالی بر مربوط بودن ارزش اطلاعات است. مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری با استفاده از مدل‌های ارزشگذاری مقطعی قدمت طولانی در ادبیات حسابداری دارد. مدل مورد استفاده در این مطالعه برگرفته از مدل اولسون (۱۹۹۵) است که در زمره مدل‌های قیمتی در ارزشگذاری سهام می‌باشد. در این راستا، سود و ارزش دفتری به عنوان شاخص‌هایی از ارزش شرکت محسوب می‌شوند (اولسون، ۱۹۹۵).

به منظور انجام پژوهش حاضر درخصوص شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری از ابتدای سال ۱۳۸۵ بوده و نمونه پژوهش از میان شرکت‌های پذیرفته شده طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ با لحاظ کردن شرایط زیر و به روش حذفی انتخاب گردید. بدین صورت که نمونه شامل کلیه شرکت‌هایی است که واجد شرایط زیر باشند:

۱. سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد؛

۲. در دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشند؛
۳. شرکت‌های تحت بررسی جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد؛
۴. اطلاعات آن‌ها در دسترس باشد.

در نهایت پس از اعمال شرایط فوق، تعداد ۷۸ شرکت به عنوان نمونه، مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌های مالی مورد نیاز بر حسب مورد از نرم‌افزارهای ره‌آوردنویس، پایگاه‌های اینترنتی و نیز اطلاعات بورس اوراق بهادار تهران استخراج گردید. برای انجام آزمون‌های آماری از رگرسیون داده‌های پانل برای تعیین روابط میان شفافیت گزارشگری مالی و مربوط بودن ارزش استفاده شده است. رگرسیون داده‌های تلفیقی امکان کنترل متغیرهای حذف شده (که ممکن است از حذف متغیرهای غیر قابل مشاهده به وجود آید) را فراهم می‌کند.

نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

الف) شفافیت سود حسابداری

شیوه اندازه‌گیری و کمی کردن شفافیت حائز اهمیت است. ویش و کافمن (۱۹۹۹) به این نتیجه رسیدند که شفافیت را می‌توان اولاً از طریق بهبود قوانین و مقررات مرتبط با افشای بهتر و بیشتر رویه‌های حسابداری به نحوی که کیفیت و قابلیت اتکای اطلاعات را تقویت نمایند و ثانیاً طراحی تدابیر لازم نظیر افشا برای کاهش خطر اخلاقی و ثالثاً ایجاد نهادهای قانونی برای بررسی مسائل اجتناب‌ناپذیر اطلاعاتی در بازارهای مالی، افزایش داد. جلب و زاروین (۲۰۰۲) رابطه میان افشای داوطلبانه و محتوای اطلاعاتی قیمت سهام را با استفاده از رتبه‌بندی افشای سالانه شرکت بررسی نموده و نشان دادند افشای بیشتر با قیمت سهام رابطه داشته و قیمت در مورد سودهای آتی بیشتر آگاهی‌دهنده است. استفاده از افشای داوطلبانه به منظور معیار شفافیت در بسیاری تحقیقات دیگر نظیر بنز و مناهاان (۲۰۰۴)، بوتوسان (۱۹۹۷)، و کوک (۱۹۹۱) نیز تکرار شده است.

بر اساس بررسی ادبیات حسابداری، در مطالعه حاضر از سه معیار برای اندازه‌گیری شفافیت گزارشگری مالی بهره گرفته شده است. به وضوح می‌توان جهت بررسی تأثیر مزبور، صرفاً از یکی از ابعاد شفافیت اطلاعات حسابداری استفاده نمود. ولی با توجه به ویژگی ذاتی تحقیقات

تجربی و بروز خطا در این تحقیقات، توصیه می‌شود که جهت کاهش نگرانی نسبت به صحت نتایج، بهتر است از چندین معیار مورد تایید ادبیات علمی حسابداری استفاده نمود. بنابراین سه معیار مورد نظر پژوهش حاضر جهت سنجش شفافیت گزارشگری مالی شامل عدم هموارسازی سود، قابلیت پیش‌بینی سود و کیفیت ارقام تعهدی می‌باشد.

الف-۲) اندازه‌گیری عدم هموارسازی سود

بر اساس ادبیات حسابداری، هموارسازی سود پیامد استقرار و استفاده از مبنای حسابداری تعهدی است که می‌تواند سودمندی اطلاعات حسابداری را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از معتبرترین مقالات علمی منتشر شده در حسابداری از اسلوان (۱۹۹۶) به تعریف ارقام تعهدی پرداخته و با اقتباس از کار هیلی (۱۹۸۵) و نزدیک به مفهوم ارقام تعهدی در بیانیه شماره ۹۵ هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا با عنوان صورت جریان وجوه نقد، ارقام تعهدی را تغییر در سرمایه در گردش غیر نقدی منهای هزینه استهلاک تعریف می‌کند. این الگو در بسیاری مطالعات بعدی مورد استفاده قرار گرفت. در نتیجه، در پژوهش حاضر به منظور اندازه‌گیری هموارسازی ارقام تعهدی به پیروی از اسلوان (۱۹۹۶)، بر اساس همین تعریف ارقام تعهدی تعیین می‌گردد.

یکی از اشکال مدیریت سود، هموارسازی سود است که پیشنهاد می‌کند مدیریت به منظور کاهش نوسان‌های سود حول سطحی که برای شرکت نرمال به نظر می‌رسد، به طور آگاهانه ارقام و به ویژه سود را دستکاری می‌کند. بر اساس ادبیات علمی این اقدام مدیریت منجر به کاهش سطح شفافیت گزارشگری مالی می‌شود (پروان و بارتولویچ، ۲۰۱۲). بنابراین، عدم هموارسازی سود منجر به شفافیت بیشتر گزارشگری مالی می‌شود. در پژوهش حاضر، نخست طبق رابطه ۱ به تعیین ارقام تعهدی پرداخته و سپس بر اساس رابطه ۲ مبنی بر رابطه میان تغییر در ارقام تعهدی و تغییر در جریان‌های نقدی، عدم هموارسازی برای هر شرکت در هر سال از بازه مورد بررسی مورد سنجش قرار می‌گیرد. به این ترتیب هر چه هموارسازی سود حسابداری بیشتر باشد، انتظار می‌رود که سودمندی اطلاعات حسابداری و همچنین شفافیت گزارشگری مالی به ویژه سود حسابداری کاهش یابد (مشایخی و همکاران، ۱۳۸۴).

$$Acc_{it} = (\Delta CA_{it} - \Delta cash_{it}) - (\Delta CL_{it} - \Delta STD_{it}) - Dep_{it} \quad \text{رابطه (۱)}$$

در رابطه ۱ Acc بیانگر اقلام تعهدی، ΔCA تغییرات دارایی های جاری، $\Delta cash$ تغییرات موجودی نقد شرکت، ΔCL تغییرات بدهی جاری، ΔSTD تغییرات تسهیلات مالی کوتاه مدت دریافتی، و Dep هزینه استهلاک دارایی های ثابت می باشد. لازم به ذکر است که اندیس it هر یک از عبارات نشان می دهد که اطلاعات مزبور برای شرکت i در زمان t است.

$$\Delta Acc_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \Delta CFO_{it} + \xi \quad \text{رابطه (۲)}$$

در این رابطه ΔAcc نشان دهنده تغییرات اقلام تعهدی، ΔCFO بیانگر تغییرات جریان نقد عملیاتی و ضریب α_1 معیاری از عدم هموارسازی سود حسابداری می باشد.

الف-۲) قابلیت پیش بینی سود

مربوط بودن اقلام تعهدی فعلی با جریان های نقدی آتی می تواند نشان دهنده این باشد که مدیریت تا چه حد می خواهد ارزش اقتصادی شرکت را با صداقت نشان دهد و این که احتمال تبدیل دارایی های آتی به جریان های نقدی تحقق یافته به چه میزان است؛ هر چه توانایی پیش بینی قوی تر باشد، تحقق بخشی بیشتر خواهد بود. به علاوه، رابطه بین اقلام تعهدی فعلی و اقلام تعهدی آتی ممکن است بتواند توانایی اقلام تعهدی را در درک اطلاعات به شکلی به هنگام و توانایی وقوع مجدد آن را در دوره های آتی نشان دهد. در نهایت سودهای حسابداری که توانایی بیشتری در پیش بینی اجزای سودها دارند، احتمالاً باید دارای پایداری بیشتر و رابطه قوی تر با بازده سهام باشد. یکی از اهداف گزارشگری مالی کمک به سرمایه گذاران و اعتباردهندگان برای پیش بینی جریان های نقدی آتی است. همچنین کمیته تدوین استانداردهای حسابداری ایران در بخش مفاهیم نظری گزارشگری مالی بیان نموده است که: «اتخاذ تصمیمات اقتصادی توسط استفاده کنندگان صورت های مالی، مستلزم ارزیابی واحد تجاری جهت ایجاد وجه نقد و قطعیت ایجاد آن است...، ارزیابی توان ایجاد وجه نقد از طریق تمرکز بر وضعیت مالی، عملکرد مالی و جریان های نقدی واحد تجاری و استفاده از آنها در پیش بینی جریان های نقدی مورد انتظار و سنجش انعطاف پذیری مالی، تسهیل می گردد. شفافیت گزارشگری مالی با ارائه اطلاعات شفاف این قابلیت یعنی پیش بینی جریان های نقدی و سودهای آتی را بهبود می بخشد.

به منظور اندازه‌گیری قابلیت پیش‌بینی سود حسابداری از مدل خود رگرسیون^۲ استفاده می‌گردد. به این ترتیب از رابطه^۳ استفاده می‌شود که در آن سود تجدید ارائه شده در مدل خود رگرسیونی قرار گرفته و انحراف معیار خطاهای باقی مانده مدل بیانگر قابلیت پیش‌بینی سود شرکت می‌باشد. بر این اساس، هر چه انحراف معیار خطاهای باقی مانده کمتر باشد، قابلیت پیش‌بینی سود حسابداری بیشتر است.

$$E_t = \alpha_0 + \alpha_1 E_{t-1} + \xi_t$$

رابطه (۳)

در رابطه^۳، E_t نشان‌دهنده سود خالص شرکت در زمان t ، E_{t-1} سود خالص شرکت در زمان $t-1$ و ξ_t خطای باقی مانده می‌باشد.

الف-۳) کیفیت اقلام تعهدی

بر مبنای حسابداری تعهدی، سود گزارش شده از دو بخش نقدی و تعهدی تشکیل می‌شود که هر یک محتوای اطلاعاتی خاص خود را داشته و باید مورد توجه قرار گیرد ولی بخش دوم سود که محصول به کارگیری سیستم حسابداری تعهدی است، به کانون توجه محققان حوزه حسابداری مالی و بازار سرمایه تبدیل شده است. در واقع، اقلام تعهدی برای تشخیص کیفیت سود شاخص مهمی است و در ارزشیابی سهام کاربرد دارد. نقش اقلام تعهدی در تغییر یا اصلاح شناسایی جریان‌های نقد انکارناپذیر بوده و مطابق بیانیه مفاهیم حسابداری شماره ۱، جهت اندازه‌گیری عملکرد شرکت، معیار برتری به شمار می‌آید. اگرچه، اقلام تعهدی اغلب بر مبنای فرض‌ها و برآوردهایی است که اگر اشتباه باشد باید در اقلام تعهدی و سود آینده اصلاح شود، ولی مبنای اصلی در بسیاری تحلیل‌ها و مدل‌های حسابداری است.

در پژوهش حاضر به منظور اندازه‌گیری کیفیت اقلام تعهدی از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) استفاده شده است که اقلام تعهدی سرمایه در گردش را به جریان‌های نقدی ناشی از عملیات دوره گذشته، جاری و آینده مرتبط می‌کند. این مدل در رابطه ۴ قابل مشاهده است.

$$Acc_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{t-1} + \alpha_2 CFO_t + \alpha_3 CFO_{t+1} + \alpha_4 \Delta Rev_t + \alpha_5 PPE_t + \xi_t$$

رابطه (۴)

در رابطه Acc ۴ بیانگر اقلام تعهدی، CFO جریان نقد عملیاتی، ΔRev تغییرات درآمد، PPE اموال و تجهیزات شرکت می‌باشد. خطای مدل در برازش اقلام تعهدی بر جریان‌های نقدی، به مفهوم عدم ارتباط بخشی از اقلام تعهدی به جریان‌های نقدی می‌باشد. بنابراین انحراف معیار این خطاها به عنوان معیاری جهت اندازه‌گیری میزان شفافیت سود اقلام تعهدی در نظر گرفته می‌شود.

ب) مربوط بودن ارزش سود حسابداری

به منظور دستیابی به هدف اولیه گزارشگری مالی یعنی سودمندی در تصمیم‌گیری، دو ویژگی کیفی مربوط بودن و قابل اتکا بودن اطلاعات حسابداری، باید به طور متوازن در گزارشگری رعایت شوند. مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، حالت عملیاتی شده هر دو ویژگی فوق است؛ زیرا ارقام حسابداری تنها زمانی دارای ارزشی مربوط هستند که سرمایه‌گذاران آن‌ها را در ارزیابی‌های خود از شرکت مربوط بدانند و همچنین آن‌ها را جهت انعکاس در قیمت سهام قابل اتکا تشخیص دهند. بر اساس بارث و همکاران (۲۰۰۱) مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری عبارتند از رابطه معنادار ارقام حسابداری با ارزش بازار سهام که از طریق قیمت سهام اندازه‌گیری می‌شود. بررسی ادبیات نشان می‌دهد که مطالعه اولسون (۱۹۹۵) و فلتام و اولسون (۱۹۹۵) زیربنایی را برای تعریف مجدد رابطه میان صورت‌های مالی و ارزش شرکت ارائه کرد و ساختاری را برای الگوسازی در این زمینه فراهم آورد.

$$P_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 EPS_{it} + \alpha_2 BV_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۵)}$$

ج) متغیرهای کنترلی

بر اساس ادبیات حسابداری عوامل زیادی وجود دارد که در هنگام بررسی روابط و همبستگی میان دو متغیر، می‌تواند موجب استنباط غلط آماری و به تبع آن اشتباه از روابط میان متغیرها شود. در نظر گرفتن این عوامل که اغلب با نام متغیرهای کنترلی یا کنترل کننده از آن‌ها یاد می‌شود، یکی از مهمترین اقدامات در پژوهش‌هایی است که به دنبال یافتن همبستگی و یا روابط میان دو یا چند متغیر هستند.

بر اساس مطالعات صورت گرفته، شرکت‌های بزرگتر به دلیل تقاضای بیشتر برای اطلاعات، تمایل بیشتری به افشای اطلاعات خود دارند، زیرا میانگین هزینه افشای آن‌ها با اندازه و وسعت شرکت رابطه عکس دارد. لذا مدیران شرکت‌هایی با عملکرد خوب نسبت به مدیران شرکت‌هایی با عملکرد ضعیف، تمایل بیشتری برای انتشار اطلاعات دارند (لوبو و زوو، ۲۰۰۱). به این ترتیب عامل اندازه یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر شفافیت اطلاعاتی شرکت بوده و می‌تواند نتایج بررسی‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین به منظور افزایش قابلیت اتکای نتایج، باید اثر آن را در هنگام بررسی سایر روابط در نظر گرفت. به همین ترتیب، بر اساس برخی مطالعات تجربی نظیر ولکر (۱۹۹۵)، کالینز و همکاران (۱۹۹۷) و... ویژگی‌هایی نظیر شفافیت اطلاعات حسابداری صرفاً متغیری برونزا نبوده و برخی ویژگی‌های خاص هر شرکت می‌تواند بر آن تأثیرگذار باشد. بنابراین، برای تعیین رابطه متغیرهای مورد نظر این پژوهش، در نظر گرفتن این ویژگی‌ها ضروری است. بر این اساس، عواملی مثل توانایی سودآوری شرکت، اندازه شرکت، اهرم شرکت و فرصت‌های رشد بر روابط مورد بررسی تأثیر با اهمیت داشته و باید اثر آن‌ها در نظر گرفته شود.

د) شاخص ترکیبی شفافیت سود حسابداری

شفافیت گزارشگری مالی و به طور خاص شفافیت سود حسابداری مفهومی چند بعدی است که به طور مستقیم و یکپارچه قابل اندازه‌گیری نیست. ادبیات حسابداری تعاریف، معیارها و ابعاد مختلفی را برای شفافیت گزارشگری مالی معرفی می‌کند که توافقی در مورد برتری یا ارجحیت یکی نسبت به دیگری میان اندیشمندان حسابداری وجود ندارد. به طور کلی، ساده‌ترین و مورد توافق‌ترین تعریف شفافیت گزارشگری مالی این است که اطلاعات مالی لازم برای ذینفعان شرکت، به ویژه مواردی که منافع آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در دسترس آن‌ها باشد. به دلیل گستردگی و اهمیت ابعاد مختلف شفافیت، و همچنین نبود تعریفی جامع از آن، در هنگام مطالعه این مفهوم مهم گزارشگری مالی، در نظر گرفتن چند معیار معرف یا نماینده بر اساس ادبیات علمی نتایج قابل اتکاتری را حاصل می‌کند. به منظور جلوگیری از ابهام در نتیجه‌نهایی در خصوص تأثیر شفافیت بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، بر اساس مطالعاتی نظیر باتاچاریا و همکاران (۲۰۰۴)، رضوی و سلیمی فر (۱۳۹۲)،

نوروش و حصارزاده (۱۳۸۹) و... پس از محاسبه هر یک از معیارهای معرفی شده برای شفافیت گزارشگری مالی، این معیارها در یک شاخص ترکیبی با هم ترکیب خواهند شد.

به منظور انجام این کار از روش کدگذاری استفاده می شود. به عبارت دیگر نخست مقادیر به دست آمده از معیارهای شفافیت را به چهار دسته تقسیم نموده و از کدهای ۱ تا ۴ برای هر چارک استفاده می شود. برای معیارهای قابلیت پیش بینی و کیفیت اقلام تعهدی به چارک اول، عدد ۴ و چارک دوم عدد ۳، چارک سوم عدد ۲، و چارک چهارم عدد ۱ اختصاص می یابد. با توجه به این که مقادیر کوچکتر معیار عدم هموارسازی سود نشان دهنده شفافیت کمتر است، به چارک اول معیار عدم هموارسازی عدد ۱، چارک دوم عدد ۲، چارک سوم عدد ۳ و چارک چهارم عدد ۴ داده می شود. در نهایت مجموع کدهای هر شرکت بیانگر میزان شفافیت گزارشگری مالی آن می باشد.

۵) مدل آماری

پس از اندازه گیری متغیرهای مورد نظر پژوهش بر اساس روش های مورد اشاره، به بررسی فرضیه اصلی پژوهش یعنی رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری با استفاده از الگوی اولسون (۱۹۹۵) پرداخته می شود. رابطه ۶ بیانگر الگوی مورد نظر پژوهش حاضر در بررسی فرضیه می باشد.

رابطه (۶)

$$P_{jt} = a_0 + a_1 EPS_{jt} + a_2 BV_{jt} + a_3 trans1_{jt} + a_4 trans2_{jt} + a_5 trans3_{jt} + a_6 Size_{jt} + \zeta_{jt} + a_7 LEV_{jt} + a_8 ROA_{jt} + a_9 Growth_{jt}$$

در رابطه (۶) منظور از P قیمت سهام در پایان دوره، EPS سود هر سهم شرکت BV، ارزش دفتری هر سهم که به آن ارزش خالص دارایی های هر سهم نیز می گویند، Trans1 معیار اول شفافیت در این پژوهش که عدم هموارسازی سود می باشد، Trans2 معیار دوم شفافیت در این پژوهش که قابلیت پیش بینی سود است، Trans3 معیار سوم شفافیت در این پژوهش که کیفیت اقلام تعهدی است، Size اندازه شرکت برابر با لگاریتم طبیعی دارایی های شرکت در پایان دوره، LEV اهرم مالی شرکت است که حاصل تقسیم کل بدهی های پایان دوره بر کل دارایی های پایان دوره می باشد، ROA بازده دارایی ها که یکی از مهمترین معیارهای

سودآوری مورد استفاده در بازار سرمایه است، و Growth رشد برابر نسبت تغییر اندازه گیری می‌شود، LEV اهرم مالی شرکت است که حاصل تقسیم کل بدهی‌های پایان دوره بر کل دارایی‌های پایان دوره می‌باشد، ROA بازده دارایی‌ها که یکی از مهمترین معیارهای سودآوری مورد استفاده در بازار سرمایه است، و Growth رشد برابر نسبت تغییر درآمد سال جاری به سال قبل شرکت می‌باشد. همچنین منظور از اندیس it در هر یک از عبارات، اطلاعات شرکت i ام در زمان t می‌باشد.

همانگونه که پیشتر نیز مطرح شد، به دلیل نبود معیار جامع برای اندازه گیری مستقیم شفافیت، ناگزیر به استفاده از چند معیار بر اساس ادبیات علمی روی آورده شد. ولی جهت بررسی تأثیر کلی شفافیت بر مربوط بودن ارزش اطلاعات، یک شاخص ترکیبی ایجاد و مجدداً در رابطه رگرسیونی مشابه قرار داده شد تا نتایجی قابلیت اتکاتر و سودمندتر به دست آید. به منظور رسیدن به این مقصود، بر اساس رابطه ۷ عمل خواهد شد.

$$P_{jt} = a_0 + a_1 EPS_{jt} + a_2 BV_{jt} + a_3 Trans_{jt} + a_4 Size_{jt} + a_5 LEV_{jt} + a_6 ROA_{jt} + a_7 Growth_{jt} \quad \text{رابطه (۷)}$$

لازم به ذکر است که در رابطه ۷ منظور P از قیمت سهام در پایان دوره، EPS سود هر سهم در هر سال، BV ارزش دفتری هر سهم، Trans معیار شفافیت بر اساس شاخص ترکیبی ایجاد شده، Size اندازه شرکت که با استفاده از لگاریتم طبیعی دارایی‌های پایان دوره اندازه گیری می‌شود، LEV اهرم مالی شرکت است که حاصل تقسیم کل بدهی‌های پایان دوره بر کل دارایی‌های پایان دوره می‌باشد، ROA بازده دارایی‌ها که یکی از مهمترین معیارهای سودآوری مورد استفاده در بازار سرمایه است، و Growth رشد برابر نسبت تغییر درآمد سال جاری به سال قبل شرکت می‌باشد. همچنین منظور از اندیس it در هر یک از عبارات، اطلاعات شرکت i ام در زمان t می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره ۱ قابل مشاهده است.

نگاره (۱): نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص	متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف استاندارد	چولگی	کفیدگی
قیمت	۴۶۶۵/۸۵	۴۶۱۶	۴۵۸۹۲	۵۷۵	۶۱۱۱/۳۸	۱/۲۷	۱۶/۸۳	
سود هر سهم	۶۴۴/۰۹	۳۵۹/۳۳	۷۲۱۱/۱۷	-۲۲۲۱/۲۷	۱۲۳۸/۸	۷/۵۶	۱۳/۲۷	
ارزش دفتری	۲۱۳۸/۵۲	۱۶۴۱/۱۲	۱۸۳۱۴/۰۴	-۴۶۷۴/۱۳	۲۴۲۴/۱۹	۳/۰۶	۱۶/۹۷	
معیار ترکیبی	۷/۵۱	۸	۱۲	۳	۷/۱۲	-۰/۷۸	۲/۳۱	
عدم هموار سازی	۷۹۳۳/۴۲	-۰/۰۵	۱۲۲۸۵۲	-۲۲۲/۳۳	۲۴۲۳/۱۹	۱۲/۳	۱۶۰/۲۸	
قابلیت پیش بینی	۱۹۵۹۷۸/۷	۶۹۸۲۷/۲۳	۳۴۸۴۰۹۷	۵۵۵/۷۹	۴۴۶۱۶۰/۴	۴/۶۷	۱۷/۲۸	
کیفیت اقلام تعهدی	۲۳۱۱۱۶	۱۷۸۰۷۳/۶۲	۲۵۱۳۵۵۵/۵۸	۳۱۱۱/۴۱	۳۰۹۹۰۳/۴۴	۳/۸۹	۲۴/۴۷	
اندازه سود آوری	۱۳/۵۷	۱۳/۳۰	۱۹/۶۲	۱۰/۰۹	۱/۵۴	۰/۷۸	۴/۳۵	
رشد	۱۰/۵۵	۸/۹۱	۹/۸۲	-۱۴۱/۳۶	۱۹/۱۷	-۱/۱۹	۲۳/۰۷	
اهرم	۱/۴۱	۰/۱۲	۲۵۱/۶۷	-۰/۹۸	۱۹/۵۹	۱۴/۸	۲۲۳/۶۷	
	۰/۶۷	۰/۶۵	۷/۵۴	۰/۰۶	۰/۳۱	۲/۲۳	۱۴/۱۳	

چنانچه در نگاره ۱ ملاحظه می شود، متوسط معیار ترکیبی شفافیت سود حسابداری در شرکت های مورد بررسی به ترتیب برابر ۷/۵۱ می باشد که مقایسه این ارقام با مقادیر میانه نشان می دهد گزارشگری مالی شرکت های مورد بررسی از درجه شفافیت نسبتاً پایینی برخوردار هستند. میانگین متغیرهای سود آوری، رشد و اهرم به ترتیب برابر ۱۰/۵۵، ۱/۴۱ و ۰/۶۷ است. مقایسه این مقادیر با مقدار میانه محاسبه شده نشان می دهد شرکت های مورد بررسی که به طور متوسط دارای ۱/۴۱ رشد بوده اند و بیش از نیمی از ساختار سرمایه آنها (حدود ۰/۶۷) را

بدهی تشکیل می‌دهد. مقادیر چولگی متغیر وابسته یعنی قیمت سهام برابر ۱/۲۷ است که تقریباً کوچک بوده و نشان می‌دهد که این متغیر توزیعی نزدیک به نرمال دارد.

مقادیر حداقل و حداکثری اندازه شرکت‌ها به ترتیب ۱۰/۰۹ و ۱۹/۶۲ است که با توجه به این موضوع که متغیر اندازه شرکت لگاریتم جمع دارایی‌های پایان دوره شرکت‌ها می‌باشد، بنابراین، تغییرات این متغیر در بازه مورد اشاره بیانگر این است که شرکت‌های نمونه مورد بررسی از تنوع زیادی برخوردار بوده و در دامنه وسیعی از شرکت‌های بزرگ و کوچک است. در ادامه به منظور مشخص شدن اندازه و نوع رابطه میان متغیرهای توضیحی و وابسته، با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، ضرایب همبستگی آنها به شرح نگاره ۲ ارائه می‌شود؛

جهت انجام آزمون‌های پنبلی یا تلفیقی بایستی ابتدا تعیین گردد که اثرات مشاهده نشده^۳ از نوع اثرات ثابت یا اثرات تصادفی است. برای تفاوت قائل شدن میان این دو در مدل، جری هاسمن، آزمونی را به نام آزمون هاسمن ارائه نمود که بتوان از آن طریق معناداری یک تخمین زنده را در مقابل دیگری ارزیابی نمود. پس از انجام این آزمون با استفاده از معیار کای مربع بر روی داده‌های پژوهش حاضر، آماره هاسمن معادل ۱۲/۸۶ و احتمال آماره مزبور ۰/۰۲۴۷ به دست آمد که شواهدی مبنی بر رد فرض تصادفی بودن اثرات، فراهم می‌کند. شایان ذکر است که به دلیل عدم نیاز به ارائه جزئیات، نگاره نتایج این آزمون ارائه نشده است. در نتیجه با استناد به نتیجه آزمون هاسمن، مدل رگرسیون حداقل مربعات پنبلی با تأثیرات ثابت، برآورد می‌شود. به منظور بررسی فرضیه پژوهش، نتایج آزمون‌ها بر اساس رابطه ۶ در نگاره ۳ ارائه شده و یافته‌های آماری آزمون فرضیه بر اساس رابطه ۷ به شرح نگاره ۴ ارائه می‌گردد.

نگاره (۲): ماتریس همبستگی

شفافیت	ارزش دفتری	سود هر سهم	قیمت	شفافیت			سودآوری	اهم	رشد
				علم هموار	قابلیت پیش بینی	کیفیت ارقام تعهدی			
سود هر سهم	۰/۵۹۱ ^{۰۰}	۱	۱						
ارزش دفتری	۰/۶۹۵ ^{۰۰}	۰/۴۳ ^{۰۰}	۰/۶۹۵ ^{۰۰}	۱					
علم هموار	-۰/۰۴	-۰/۰۱ ^۰	-۰/۰۳	۱					
ساز	۰/۰۶ ^{۰۰}	۰/۰۳	۰/۰۹	-۰/۰۰	۱				
قابلیت پیش بینی	۰/۰۳ ^{۰۰}	۰/۰۳	۰/۰۷	۰/۰۸ ^{۰۰}	۰/۲۱ ^{۰۰}	۱			
کیفیت ارقام تعهدی	۰/۰۳ ^{۰۰}	-۰/۰۳	-۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۴۵ ^{۰۰}	۱			
اندازه	۰/۰۳	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۳	۰/۴۵ ^{۰۰}	۱			
سودآوری	۰/۲۵ ^{۰۰}	۰/۳۳ ^{۰۰}	۰/۲۸ ^{۰۰}	۰/۰۳	۰/۰۶ ^{۰۰}	۰/۰۶ ^{۰۰}	۱		
اهم	-۰/۱۲ ^۰	۰/۲۴ ^{۰۰}	-۰/۲۰ ^{۰۰}	۰/۰۰	-۰/۰۴	۰/۰۲	-۰/۲۸ ^{۰۰}	۱	
رشد	۰/۰۹	۰/۰۲ ^۰	-۰/۰۵	-۰/۰۰	-۰/۰۳	۰/۰۰	-۰/۲۲ ^{۰۰}	۰/۰۴	

*معناداری در سطح ۱۰ درصد، **معناداری در سطح ۱ درصد

نگاره (۳): نتایج رگرسیون پانلی هر یک از معیارهای شفافیت به تفکیک

رگرسیون بر اساس رابطه ۶			شاخص متغیر
معناداری (sig)	آماره t	ضریب	
۰/۰۵	-۰/۶۷	-۴۹۰/۰۳	مقدار ثابت
۰/۰۰	-۲/۷۹	-۰/۳۲	سود هر سهم
۰/۰۰	۸/۰۳	۰/۶۵	ارزش دفتری
۰/۳۴	۰/۹۶	۰/۰۰	معیار اول شفافیت
۰/۰۱	۲/۵۷	۰/۰۲	معیار دوم شفافیت
۰/۰۵	-۱/۵۴	۰/۰۱	معیار سوم شفافیت
۰/۰۰	۴/۹۷	۲۵۶/۵۷	اندازه
۰/۰۹	۱/۶۸	۲/۱۶	سودآوری
۰/۰۰	۴/۳۴	۵۴۴/۸۳	اهرم
۰/۰۰	۹۰/۱۲	۳۹/۳۱	رشد
۰/۸۹			R ² تعدیل شده
۳۷۰/۶۵			آماره F
۲/۸۱			دوربین-واتسون

نتایج رگرسیون هر یک از معیارهای شفافیت سود و مربوط بودن ارزش اطلاعات که در نگاره ۳ نشان می‌دهد که از میان معیارهای شفافیت در پژوهش حاضر، معیار عدم قابلیت پیش‌بینی و همچنین کیفیت اقلام تعهدی تأثیر مثبت و معناداری بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری دارد. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده از این مدل، ۸۹ درصد تغییرات بازده را می‌توان بر اساس الگوهای مزبور توضیح داد.

تکانه (۴): رگرسیون پانلی متغیرهای پژوهش بر اساس رابطه ۷

شاخص ترکیبی			متغیر
معناداری (sig)	آماره t	ضریب	
۰/۲۲	۱/۲۴	۱۲۱۰/۱۲۳	مقدار ثابت
۰/۰۰	-۲/۶۹	-۰/۳۳	سود هر سهم
۰/۰۰	۸/۸۳	۰/۶۵	ارزش دفتری
۰/۰۲	۲/۳۱	۵۳/۲۸	شفافیت
۰/۰۶	۱/۸۷	۱۲۲/۸۹	اندازه
۰/۶۵	-۰/۴۵	-۰/۴۱	سودآوری
۰/۰۰	۳/۸۴	۵۰۷/۰۸	اهرم
۰/۰۰	۶۱/۲۲	۳۸/۱۴	رشد
۰/۹۱			R ² تعدیل شده
۲۲۴/۳			آماره F
۲/۴۶			دوربین-واتسون

یکی از مفروضه‌هایی که در رگرسیون مدنظر قرار می‌گیرد، استقلال خطاها از یکدیگر است. در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. در نگاه ۴ نتایج رگرسیون پانلی شاخص ترکیبی شفافیت سود حسابداری و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری ارائه گردید. همان گونه که مشاهده می‌شود، مقدار آماره دوربین واتسون در این مدل برابر ۲/۴۶ است که نشان می‌دهد عدم همبستگی بین خطاها پذیرفته می‌شود. به علاوه، نتایج حاصل از شاخص ترکیبی ایجاد شده نیز با قابلیت اطمینان ۹۹ درصد فرضیه مبتنی بر رابطه‌ی معنادار و مثبت میان شفافیت گزارشگری مالی و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری را تایید می‌کند. به عبارت دیگر فرضیه اصلی پژوهش حاضر یعنی بررسی تأثیر شفافیت گزارشگری مالی بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران قابل تایید بوده و می‌تواند نشان دهد که سرمایه‌گذاران به وضوح به این ویژگی صورت‌های مالی و گزارشگری توجه نموده و در ارزیابی‌ها و تصمیم‌گیری خود آن را مورد نظر قرار می‌دهند.

نتیجه‌گیری

بر اساس ادبیات تحقیق، برخی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری مثل شفافیت گزارشگری مالی می‌تواند مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری را به طور معناداری افزایش دهد. به نظر برخی اندیشمندان نظیر اشکنبرگ، شفافیت اطلاعات شرکت همچون مدل نظریه بازی^۴ است که در آن عملکرد طرفین بر یکدیگر موثر است. به عبارت دیگر از یک سو، سطح شفافیت اطلاعات حسابداری شرکت می‌تواند بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، افزایش محتوای اطلاعاتی سود حسابداری تأثیر بگذارد و از سوی دیگر، هر چه میزان مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری بیشتر باشد، با وجود این تفکر، با بررسی ادبیات علمی و مطالعات تجربی، می‌توان انتظار داشت که شفافیت تأثیر مثبت و مستقیمی بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری داشته باشد. تایید فرض مربوط به تأثیر شفافیت گزارشگری مالی بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری بر اهمیت شفافیت اطلاعات حسابداری می‌افزاید. شفافیت گزارشگری مالی با ارائه اطلاعات مالی شفاف به استفاده کنندگان، می‌تواند میزان مربوط بودن ارزش سود حسابداری را از طریق افزایش دو ویژگی اصلی اطلاعات حسابداری افزایش داده و تخصیص بهینه منابع توسط سرمایه‌گذاران و تلاش شرکت‌ها در جهت حفظ منافع سهامداران را در پی داشته باشد. بنابر اهمیت شفافیت و نقش آن در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، هدف پژوهش حاضر بررسی این فرضیه و گردآوری شواهد لازم در راستای بررسی این ادعا بود.

به دلیل نبود معیاری جامع و تعریف شده برای شفافیت و عدم توافق اندیشمندان در مورد شیوه اندازه‌گیری متغیر مزبور، با مطالعه و بررسی ادبیات علمی این حوزه، از سه معیار عدم هموارسازی سود، قابلیت پیش بینی سود حسابداری و نیز کیفیت اقلام تعهدی جهت اندازه‌گیری شفافیت استفاده شد. سپس با استفاده از روش‌های علمی و به منظور نتیجه‌گیری نهایی از سه معیار مذکور، شاخصی ترکیبی برای شفافیت ایجاد و در الگوی کالینز و همکاران مورد استفاده قرار گرفت. شواهد به دست آمده از آزمون فرضیه نشان داد ضریب شفافیت سود در مدل رگرسیون مبنی بر شاخص ترکیبی و همچنین در مدل اصلی تک تک معیارها مثبت و معنی‌دار است، ولی در خصوص معیار عدم هموارسازی لزوماً این رابطه معنادار نیست. به عبارت دیگر از میان معیارهای مورد استفاده برای شفافیت، عدم هموارسازی سود در مدل

تأثیر معناداری بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری نداشته و این نشان می‌دهد که توجه به دو معیار دیگر از شفافیت در میان سرمایه‌گذاران بیشتر است. در مجموع، رابطه اصلی مورد نظر پژوهش حاضر با استفاده از شاخص ترکیبی بیانگر تایید فرضیه تحقیق یعنی تأثیر معنادار و مثبت شفافیت گزار شگری مالی بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری است. بنابراین به وضوح اهمیت شفافیت گزارشگری مالی و به ویژه سود حسابداری در بازار قابل درک است.

نتایج پژوهش حاضر منطبق با نتایج تحقیق موریس و همکاران (۲۰۱۱) است که نشان دادند بین شفافیت سود و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری رابطه معنی‌داری وجود دارد. این نتیجه که بر اساس ادبیات نظری حسابداری اثبات شده است، در مطالعات تجربی زیادی در کشورهای مختلف به تایید رسیده است. لین و همکاران (۲۰۰۷) با مطالعه شفافیت حسابداری و آگاهی‌دهندگی سود حسابداری در میان شرکت‌های تایوانی به نتایج مشابه دست یافته و نشان دادند که با افزایش شفافیت، سطح آگاهی‌دهندگی سود حسابداری بیشتر می‌شود. این نتیجه که مطابق انتظارات قبلی بوده و با ادبیات علمی منطبق است، نشان می‌دهد که شرکت‌ها با افزایش شفافیت گزارشگری مالی می‌توانند با ارائه اطلاعات شفاف، اطمینان بازار سرمایه را افزایش داده و از این راه منافع بیشتری از جمله جذب سرمایه با هزینه کمتر کسب کنند. به طور کلی افزایش شفافیت گزارشگری مالی، مطلوب کلیه طرف‌های بازی در بازار سهام است.

پیشنهادات

با توجه به نقش مهم بازارهای مالی و همچنین اهمیت شفافیت گزارشگری مالی در این بازارها توصیه می‌گردد در پژوهش‌های بعدی محققان به عوامل انگیزشی و موانع افزایش شفافیت گزارشگری مالی در حسابداری بپردازند. چنین مطالعه‌ای برای سرمایه‌گذاران و استاندارداردگذاران قطعاً از ارزش و اهمیت والایی برخوردار خواهد بود. یکی از مطالعات مشابه پژوهش حاضر متعلق به پروان و بارتولویچ (۲۰۱۲) است که با انجام مطالعه در خصوص تأثیر سطح شفافیت بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری در میان شرکت‌های بورس اوراق بهادار کرواسی نشان دادند که شرکت‌هایی که مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری بالاتری دارند، سطح شفافیت گزارشگری مالی شان بیشتر است. این تحقیق می‌تواند موضوع مناسبی در اختیار محققان علاقمند به هر دو حوزه شفافیت گزارشگری و یا مربوط بودن ارزش

اطلاعات حسابداری قرار دهد که سطوح مختلف شفافیت در میان شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نمایند. بنابراین پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی محققان به موضوعات زیر توجه نمایند:

- بررسی تأثیر عوامل موثر بر انگیزه مدیران در تعیین میزان شفافیت گزارشگری مالی
- بررسی تأثیر نوع صنعت بر سطح شفافیت گزارشگری شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران
- بررسی تأثیر شفافیت گزارشگری مالی بر مربوط بودن ارزش با سایر معیارهای موجود در ادبیات حسابداری

پی‌نوشت

- | | |
|---------------------|-------------------------|
| ۱ Value relevance | ۲ Auto Regression model |
| ۳ unobserved effect | ۴ Game theory |

منابع

- بهار مقدم، مهدی، و مهدیه دولت آبادی. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای کیفیت سود گزارش شده با سود تجدید ارائه شده. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، شماره ۱۴، صص ۱-۱۹.
- حجازی، رضوان، سید احمد خلیفه سلطانی و زرافشان رحمانی. (۱۳۸۹). تأثیر متغیرهای رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی بر عدم شفافیت سود. *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال دوم، شماره سوم، شماره پیاپی، صص ۱-۱۶.
- علوی طبری، سید حسین، و شهناز مشایخ. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و ثبات سود با هزینه سرمایه سهام عادی. *مجله توسعه و سرمایه*، سال سوم شماره ۶، صص ۵۷-۷۶.
- فروغی، داریوش، هادی امیری، و هادی شیخی. (۱۳۹۲). تأثیر کیفیت اقلام تعهدی بر صرف ریسک سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۳-۲۸.
- کردستانی، غلامرضا و حمید رودنشین. (۱۳۸۵). بررسی میزان مربوط بودن اجزای نقدی و تعهدی سود حسابداری به ارزش بازار شرکت. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۴۵ پاییز ۱۳۸۵، صص ۶۸-۴۵.

مشایخی، بیتا، ساسان مهرانی، کاوه مهرانی، و غلامرضا کرمی. (۱۳۸۴). نقش اقلام تعهدی در مدیریت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۴۲، صص ۶۱-۷۴.

مهرانی، ساسان، علی فعال قیومی و محمد مرادی. (۱۳۹۱). رابطه‌ی بین مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت نهادی و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری. *مجله دانش حسابداری*، سال سوم، پاییز ۱۳۹۱، صص ۵۵-۳۱.

نوروش، ایرج، و رضا حصارزاده. (۱۳۸۹). بررسی ابعاد شفافیت سود حسابداری و رابطه آن با ویژگیهای شرکت در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه بورس اوراق بهادار شماره ۱۲*، سال سوم، صص ۵-۲۴.

Akbar, Saeed, Syed Zulfiqar Ali Shah, and Andrew W Stark. (2011). the value relevance of Cash flow current accruals, and non-current accruals in the UK. Electronic copy available at: <http://srn.com/abstract=1805004>.

Al-Hares, Osama, M. , Naser M. AbuGhazaleh, and Ayman E. Haddad. (2012). Value relevance of earnings, book value and dividends in an emerging capital market: Kuwait evidence. *Global Finance Journal*, 23 (2012) 221-234 .

Andriantomo, and Fr. Ninik Yudianti. (2013). The Value Relevance of Accounting Information at Indonesia Stock Exchange. *International Conference on Business, Economics, and Accounting* .

Barth, Mary E. , William H. Beaver, and Wayne R. Landsman. (2001). The relevance of the value relevance literature for financial accounting standard setting: Another view. *Journal of Accounting and Economics*, 31: pp77-104 .

Barth, Mary E. , YanivKonchitchki, WayneR. Landsman. (2013). Cost of capital and earnings transparency. *Journal of Accounting and Economics*, pp 206-224 .

Beisland, Leif Atle, and Mattias Hamberg. (2013). Earnings sustainability, economic conditions and the value relevance of accounting information. *Scandinavian Journal of Management*, pp1- 11 .

Dechow, P. and Dichev, I. , (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review*, pp 35-59 .

Dobija, Dorota, and Karol Marek Klimczak. (2010). Development of accounting in Poland: Market efficiency and the value relevance of

- reported earnings. *The International Journal of Accounting* 45 356–374 .
- Ebaid, Ibrahim El-Sayed. (2012). value-relevance of accounting-based measures in emerging economies”, *Management Research Review*, Vol. 35, No. 1 .
- Fiador, Vera Ogeh. (2011). Corporate governance and value relevance of financial information: evidence from the Ghana Stock Exchange. *Emerald Group Publishing Limited, ISSN 1472-0701, VOL. 13 NO. 2* 2013, pp. 208-21 .
- Francis, J. , R. LaFond, P. M. Olsson, and K. Schipper. (2005). The market pricing of accruals quality, *Journal of Accounting and Economics*, pp 967-1010 .
- Gelb, D. S. and P. Zarowin. (2002). Corporate Disclosure Policy and Informativeness of Stock Prices. *Review of Accounting Studies*, Vol. 7, No. 1, pp 33-52 .
- Halonen, Elisa, Jelena Pavlovic, and Rickard Persson. (2013). Value relevance of accounting information and its impact on stock prices: Evidence from Sweden. *Econometrics*, pp1-5 .
- Jiang, Wei and Andrew W. Stark. (2013). Dividends, research and development expenditures, and the value relevance of book value for UK loss-making firms. *The British Accounting Review*, pp 1-13 .
- Lin, Yu-Chi, Shaio Yan Huang, Ya-Fen Chang, Chien-Hao Tseng. (2007). The Relationship between Information Transparency and the Informativeness of Accounting Earnings. *Journal of Applied Business Research (JABR)* , Vol 23, No 3 .
- Mohamadreza Abdoli, Mahboobeh Jalali, and Bahram Sattari. (2013). The relation between conservativeness and transparency in financial reporting (Divided with Respect to Profit Smoothing and Non-Smoothing Companies). *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*, Vol, 6 (5) , pp 556-562.
- Morris, Rrichard D. , Tam Pham and Sidney J. Gray. (2011). The Value Relevance of Transparency and Corporate Governance in Malaysia Before and After the Asian Financial Crisis. *ABACUS, Vol. 47, No. 2, pp205-235* .
- Naimah, Zohreh, “bias in accounting and value relevance of accounting Information. (2012). *Procedia Economics and Finance* 2, pp 145 – 156 .
- Pervan and M. Bartulović. (2012). Impact of transparency level on the value relevance of accounting information: empirical analysis for SEE countries. *International Journal of mathematical models and methods in Applied Sciences*, Issue 8, Volume 6 .

- Roghayeh Piri 1, Mohammadreza Abdoli 2, Ali Homayoon. (2013). A Study of the Effects of Financial Reporting Transparency on the Quality of Earnings in Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Educational and Management Studies, J. Educ. Manage. Stud.* , pp 299-303 .
- Schiemann, Frank, and Thomas Guenther. (2013). Earnings Predictability, Value Relevance, and Employee Expenses. *the International Journal of Accounting*, pp 149–172 .
- Shamki, Dhiaa and Azhar Abdul Rahman. (2013). Does financial disclosure influence the value relevance of accounting information?. *Education, Business and Society: Contemporary Middle Eastern Issue*, pp 216-232 .
- Shamki, Dhiaa. (2013). The Influence of Economic Factors on the Value Relevance of Accounting Information in Jordan. *International Journal of Business and Management*; Vol. 8, No. 6 .
- Sloan, R. (1996). Do stock prices fully reflect information in accruals and cash flows about future earnings?. *The Accounting Review*, 71, 289-315 .
- Theresia Evers, Maria, Ina Meier, and Christoph Spengel. (2014). Transparency in Financial Reporting: Is Country-by-Country Reporting suitable to combat international profit shifting?”, available on <http://ftp.zew.de/pub/zew-docs/dp/dp14015.pdf> .
- Vijitha P. and Nimalathan B. (2014). Value relevance of accounting information and share price: A study of listed manufacturing companies in Sri Lanka. *Merit Research Journal of Business and Management* Vol. 2 (1) pp. 001-006 .
- Yu, Kun. (2013). Does Recognition versus Disclosure Affect Value Relevance? Evidence from Pension Accounting. *THE ACCOUNTING REVIEW*, Vol. 88, No. 3, pp 1095–1127..

حفاظت‌های موثر بر استقلال حسابرس در برابر تهدید صاحبکار به جایگزینی وی

احمد مدرس*، حسین ابراهیمی**، محسن عزیزخانی***

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۱/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۴/۰۸

چکیده

هدف از این تحقیق شناسایی عواملی در جهت تقویت استقلال حسابرس در برابر تهدید صاحبکار به جایگزینی وی است. بدین منظور ابتدا با مطالعه ادبیات موضوع و تحقیقات پیشین فهرستی از عوامل موثر بر استقلال حسابرس استخراج و به منظور دستیابی به یک توافق نظر از طریق پرسش‌نامه، نظر صاحب‌نظران جمع‌آوری شد. نتایج تحقیق نشان داد، کلیه عوامل استخراج شده از ادبیات موضوع و تحقیقات پیشین شامل شهرت، اندازه موسسات حسابداری، تخصیص کارهای موجود در بازار حسابداری از طریق مراجع قانونی (حرفه‌ای)، برقراری نظام‌های تنبیهی مناسب در ازای تخلفات حسابسان، بررسی همپیشگان، افزایش سطح دانش استفاده‌کنندگان از خدمات حسابداری نسبت به گزارش‌های مالی، شفافیت حوزه مسؤولیت حسابسان مستقل از دید استفاده‌کنندگان خدمات حسابداری، الزام به برقراری ارتباط با حسابسان پیشین، مسؤولیت تضامنی شرکا با مؤسسه حسابداری، محدود کردن نسبت حق‌الزحمه دریافتی از یک صاحبکار، الزام به افشای دلایل تغییر حسابسان توسط صاحبکاران و تغییر ادواری حسابسان، بر استقلال حسابرس در برابر تهدید صاحبکار به جایگزینی وی موثر است. اما این عوامل در وضعیت کنونی حرفه حسابداری در ایران به نحو مناسبی به کار گرفته نشده است.

واژه‌های کلیدی: استقلال حسابرس، حفاظت‌های استقلال حسابرس، عوامل خطرزای استقلال.

طبقه بندی موضوعی: M42

* استادیار حسابداری و عضو هیئت‌علمی بازنشسته دانشگاه تهران. (modarres@ut.ac.ir)
** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه تهران (hossein.ebrahimi.he@gmail.com)
*** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه تهران (Mohsen.azizkhani@yahoo.com)

مقدمه

به دلیل پیامدهای اقتصادی با اهمیت گزارش‌های مالی برای استفاده‌کنندگان این گزارش‌ها، وجود اطلاعات با کیفیت از اهمیت بسزایی برخوردار است. با توجه به وجود تضاد منافع احتمالی بین تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان از این اطلاعات، پیچیدگی فرآیندهای اقتصادی و تبدیل آن‌ها به اطلاعات و عدم دسترسی مستقیم استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی گزارش‌های مالی به منابع اطلاعاتی، حساب‌برسان به عنوان اشخاصی با صلاحیت حرفه‌ای و به دور از هرگونه تضاد منافع احتمالی جهت اعتباربخشی به اطلاعات مالی تهیه شده وارد صحنه می‌شوند. استانداردهای حرفه‌ای و آیین رفتار حرفه‌ای تاکید ویژه‌ای به استقلال حساب‌برسان دارند. هنگامی که حسابداران رسمی شاغل مسئولیت انجام کاری را به عهده می‌گیرند که مستلزم گزارشگری حرفه‌ای است، باید فاقد هرگونه نفع و علاقه‌ای صرفنظر از آثار واقعی آن باشند که ممکن است بر درستکاری، بی‌طرفی و استقلال ایشان تأثیر گذارد، یا به نظر رسد که تأثیر می‌گذارد (آیین رفتار حرفه‌ای جامعه حسابداران رسمی ایران، ۱۳۸۲).

حساب‌برسان از یکسو با اعتباربخشی به گزارش‌های مالی، منافع عموم مردم را حفظ می‌کنند و از سویی دیگر، در یک واحد انتفاعی شرکت دارند که برای کسب درآمد نیاز به ارائه خدمات به صاحبکاران دارند. یکی از نگرانی‌های اصلی حرفه، قانون‌گذاران و عموم مربوط به زمانی است که این دو نقش با هم در تضاد باشند. نمونه این موضوع زمانی است که صاحبکاری که دارای قدرت اقتصادی قابل توجهی است، برای پذیرش رویه‌های حسابداری متقلبانه و بحث برانگیز خود، حسابرس مستقل را تحت فشار قرار می‌دهد (وینسیگورا ۲۰۰۱).

قانون‌گذاران و سایرین عنوان می‌کنند که وجود روابط، منافع و فعالیت‌های خاص بین حساب‌رسان و صاحبکاران تهدیدی برای استقلال آنها است. به عنوان مثال، همیشه این بحث مطرح بوده است که با توجه به انتخاب و پرداخت حق‌الزحمه حساب‌رس توسط صاحبکاران، استقلال آن‌ها در معرض خطر قرار دارد و مدیریت صاحبکار از این طریق می‌تواند بر حساب‌رس اعمال فشار کرده و قضاوت آنها را تحت تأثیر قرار دهد (وینسیگورا، ۲۰۰۱).

حفاظت‌های^۱ استقلال حساب‌رسان اقلامی هستند که در صورت وجود عوامل خطرزای استقلال^۲ حساب‌رسان (عوامل تهدیدکننده استقلال) با کاهش یا از بین بردن آثار این عوامل، ریسک استقلال را به سطحی قابل قبولی کاهش می‌دهند. این تحقیق به دنبال شناسایی آن دسته از حفاظت‌ها است که بتواند استقلال حساب‌رسان را در برابر تهدید صاحبکاران به جایگزینی آنها تقویت نماید.

عوامل خطرزای استقلال حساب‌رس شرایط و عواملی هستند که استقلال حساب‌رس را از بین می‌برد یا انتظار می‌رود که باعث تخریب استقلال حساب‌رس شود. از این‌رو، شناسایی و ارزیابی اثر آن‌ها بر استقلال حساب‌رس، بسیار ضروری است. در آیین رفتار حرفه‌ای هیات بین‌المللی استانداردهای رفتار حرفه‌ای آیفک، به پنج دسته از این عوامل شامل خود بررسی^۳، منفعت شخصی^۴، جانبداری^۵، قرابت^۶ (آشنایی)، ارباب^۷ (تهدید) اشاره شده است.

خطر خود بررسی، زمانی ایجاد می‌شود که کارهای انجام شده در خدمات اطمینان‌بخشی به وسیله خود یا سایر کارکنان موسسه در زمان ارائه خدمات غیراطمینان بخش تهیه شده باشد.

خطر منفعت شخصی، از اقدام حساب‌رسان جهت افزایش منافع شخصی خود و یا سایر خویشاوندان نزدیک ناشی می‌شود که شامل منافع مالی و غیرمالی است.

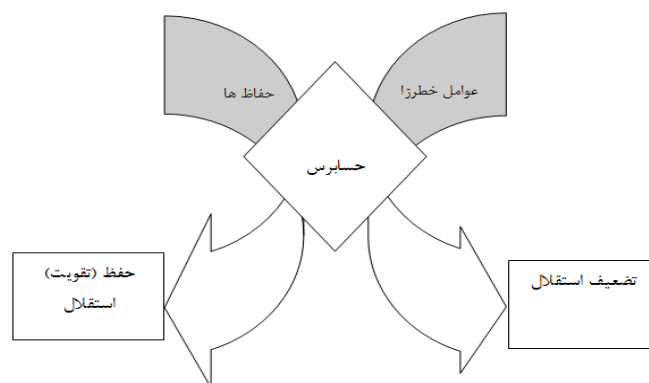
خطر جانبداری به معنای نادیده گرفتن واقعیت‌ها توسط حساب‌رس به طرفداری یا مخالفت از شخصی دیگر ایجاد می‌شود.

خطر قرابت، زمانی ایجاد می‌شود که حساب‌رس به واسطه آشنایی با صاحبکار و وابستگی به او، درباره ادعاهای حساب‌رس تردید حرفه‌ای را به کار نگیرد یا واقعیت‌های موجود را نادیده انگارد.

خطر ارباب، زمانی بروز می‌کند که حسابدار حرفه‌ای به دلیل تهدید یا ترس از اشخاص دیگر، واقعیت‌ها را نادیده می‌گیرد و نمونه‌ای از آن عبارت از تهدید صاحبکار به برکناری یا جایگزینی حسابرس و تهدید به اقامه دعوا علیه حسابرس، است.

حفاظت‌های استقلال حسابرس، کنترل‌هایی در جهت حذف عوامل خطرزای استقلال حسابرس یا کاهش اثر آن‌ها است. حفاظت‌ها به حصول اطمینان از تصمیم‌گیری بدون سوگیری در صورت وجود عوامل خطرزای استقلال حسابرس کمک می‌کند، لذا شناسایی حفاظت‌های مناسب جهت جلوگیری از پیامدهای نامطلوب عوامل خطرزای استقلال حسابرس از اهمیت خاصی برخوردار است.

همان‌طور که در شکل ۱ نشان داده شده است، از سویی عوامل خطرزای استقلال با وارد آوردن فشار بر حسابرس مستقل باعث تضعیف استقلال حسابرس گشته و از سویی حفاظت‌ها، استقلال وی را تقویت می‌کند. نتیجه برآیند این نیروها خطر استقلال را تشکیل می‌دهند. خطر استقلال عبارت است از خطر وجود عوامل خطرزای استقلال حسابرس که حفاظت‌ها توان تضعیف و یا حذف آن را ندارد. این عوامل خطرزا توان حسابرس برای تصمیم‌گیری بی‌غرضانه را می‌فرساید یا انتظار می‌رود که آن را کاهش دهد. هر چه خطر استقلال بالاتر باشد، احتمال آسیب‌پذیری بی‌طرفی حسابرس و اخذ تصمیمات نادرست افزایش می‌یابد. بنابراین در حضور عوامل خطرزای استقلال، شناسایی و ایجاد حفاظت‌ها برای کاهش خطر استقلال به سطحی قابل قبول، اهمیت بالایی دارد.



شکل (۱): عوامل خطرزا و حفاظت‌های استقلال حسابرس

بر اساس تئوری‌های اقتصادی، هر شخص در پی حداکثر کردن مطلوبیت شخصی خویش است. این فرض از مفروضات پایه تئوری‌های اثباتی حسابداری است که در این تئوری، حداکثر مطلوبیت افراد در حداکثر سازی ثروت آنها دیده شده است. بر این اساس، حسابرس نیز سعی در حفظ و گسترش صاحبکاران خود دارد. گلدمن و بارلو (۱۹۷۴) بیان می‌کنند با توجه به نصب و عزل حسابرسان و تعیین حق‌الزحمه و شرایط کار توسط صاحبکاران، مطلوبیت حسابرسان با تصمیم صاحبکاران تغییر می‌کند و این عامل فشاری برای نقض استقلال حسابرس از سوی آن‌ها است. بنابراین در این بخش با بررسی تأثیر عوامل مختلف بر مطلوبیت حسابرس مطابق با تئوری مذکور، علت شناسایی عواملی چون شهرت، اندازه، تخصیص قانونی کارها و سایر موارد ارائه شده به عنوان عوامل موثر بر استقلال حسابرسان توجیه می‌شود. به عبارت دیگر، در این تحقیق به دنبال شناسایی آن دسته از عوامل هستیم که در صورت ایستادگی حسابرس در برابر خواسته صاحبکار، مطلوبیت مورد انتظار حسابرس بیش از زمانی شود که حسابرس به خواسته صاحبکار تن در دهد (گلدمن و بارلو، ۱۹۷۴).

البته باید توجه داشت که وجود عوامل اخلاقی همچون وجدان کاری و حرفه‌ای اشخاص و پایبندی به مسائل اخلاقی نیز از عواملی است که باعث می‌شود حسابرسان در برابر خواست صاحبکاران مقاومت کنند؛ اما با توجه به اینکه این عوامل محدود به حسابرس و حرفه حسابرسی نمی‌شود، در این تحقیق مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و باید توجه داشت که این موارد در خصوص صاحبکاران نیز صدق می‌کند و به صورت عاملی بازدارنده برای انجام گزارشگری متقلبانه، می‌باشد.

شهرت

شهرت برای موسسات حسابرسی انگیزه ایجاد می‌کند که استقلال خود را حفظ کنند. موسسات حسابرسی هزینه زیادی را باید تحمل کنند تا به چنان شهرتی دست یابند که نقض قراردادها را کشف و گزارش کنند (واتز، زیمرمن، ۱۳۸۷). و زمانی که به چنین شهرتی دست پیدا کنند ارزش کار آنها بالاتر رفته و حق‌الزحمه بیشتری دریافت خواهند کرد؛ چرا که واحدهای مورد حسابرسی تمایل دارند که حسابرسی آنها توسط موسسه‌ای انجام شود که دارای شهرت و اعتبار بیشتری باشد تا از این طریق بتوانند اعتبار گزارش‌های خود را افزایش

دهند. بنابراین شهرت برای موسسات حسابرسی ارزشمند است و آنها به دنبال حفظ شهرت هستند. به این ترتیب، شهرت به عنوان عاملی برای ایستادگی موسسات حسابرسی در برابر درخواست‌های صاحبکاران محسوب می‌شود. برای روشن شدن موضوع، شرایطی را در نظر بگیرید که بین صاحبکار و حسابرس در موضوعی خاص اتفاق نظر وجود ندارد و صاحبکار به ارائه گزارش دلخواه خود بدون اینکه این امر منجر به تعدیل نظر حسابرس شود، اصرار دارد. در این شرایط دو راه برای حسابرس وجود دارد که هر کدام از آنها می‌تواند منجر به آثاری متفاوت بر تابع مطلوبیت او شود. در صورتی که حسابرس نظر صاحبکار را بپذیرد، احتمال انتخاب مجدد او برای انجام خدمات حسابرسی آن واحد افزایش می‌یابد. در حالی که ارائه اظهار نظر نامناسب، موجب لطمه زدن به شهرت موسسه و از دست دادن بخشی از کارها و کاهش پیشنهادهای کاری، می‌شود. اما در صورت ایستادگی در مقابل خواسته صاحبکار، شرایط معکوس گشته و احتمال از دست دادن آن صاحبکار افزایش می‌یابد؛ اما به شهرت حسابرس لطمه‌ای وارد نمی‌شود. بنابراین، حسابرس با آورد آثار هر یک از این شرایط بر مطلوبیت خویش اقدام به پذیرش یا رد درخواست صاحبکار می‌کند. اما واضح است که شهرت، عاملی بازدارنده در برابر پذیرش خواسته صاحبکار است و هر چه موسسه از شهرت بالاتری برخوردار باشد این بازدارندگی بیشتر خواهد بود.

تخصیص کار توسط مراجع قانونی

در حال حاضر، حسابرسان عموماً توسط مدیرانی که منتخب سهامداران عمده و تحت نظارت مستقیم آنها هستند، انتخاب می‌شوند. در مواردی که تمرکز مالکیت کمتر است و جدایی بیشتری بین مالکیت و مدیریت وجود دارد، انتخاب حسابرس به پیشنهاد مدیران تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام، صورت می‌پذیرد و در این شرکت‌ها نیز به نوعی مدیران در انتخاب حسابرسان نقش دارند. در چنین شرایطی حسابرس وابستگی درآمدی شدیدی به صاحبکاران دارد. تخصیص کارهای حسابرسی توسط مراجع حرفه‌ای عاملی برای قطع این ارتباط می‌شود و حسابرس می‌تواند بدون ترس از جایگزینی، نظر حرفه‌ای خود را بیان کند. البته این موضوع باید به نحوی مدیریت شود که حق قانونی سهامداران جهت انتخاب حسابرس نیز در نظر گرفته شود.

بر قراری نظام‌های تنبیهی مناسب

در صورت وجود مجازات‌هایی در برابر اظهار نظر نامناسب، حسابرسان زمانی که از سوی صاحبکار تحت فشار قرار می‌گیرند، آثار پذیرش و یا عدم پذیرش خواست صاحبکاران را مورد بررسی قرار می‌دهند. در چنین شرایطی اگر زیان ناشی از پذیرش خواست صاحبکاران در نتیجه اعمال جرایم نهادهای نظارتی بیش از حق‌الزحمه‌ای برآورد شود که حسابرسان از دست خواهد داد، حسابرسان در برابر خواسته صاحبکاران ایستادگی خواهد نمود.

الزام به افشای دلایل تغییر حسابرسان توسط صاحبکار

در صورت الزام به افشای دلایل تغییر حسابرسان، صاحبکار در برخورد با عدم پذیرش خواسته‌های نابه‌جای خود توسط حسابرسان و برکناری وی، توجیه قابل قبولی برای تغییر حسابرسان ندارد و این امر باعث کاهش احتمال برکناری حسابرسان خواهد شد.

شفافیت حوزه مسئولیت حسابرسان مستقل از دیدگاه استفاده‌کنندگان خدمات

حسابرسی

وظیفه حسابرسان، اطمینان بخشی به گزارش‌های مالی برای استفاده‌کنندگان آنها است. بنابراین حسابرسان نسبت به استفاده‌کنندگان این گزارش‌ها مسئول است. با توجه به گسترده بودن استفاده‌کنندگان از خدمات حسابرسان نسبت به سایر حرفه‌ها همچون پزشکی، آثار نامطلوب ناشی از عملکرد نادرست آنها به طیف وسیع‌تری از افراد زیان وارد می‌کند. طرح دعاوی حقوقی علیه حسابرسان حتی در شرایطی که دادگاه آنها را تبرئه کند، هزینه‌های سنگینی برای آنها به بار خواهد آورد. دعاوی حقوقی می‌تواند علاوه بر تحمیل هزینه‌های ناشی از دفاع و یا جبران زیان وارده به استفاده‌کنندگان، شهرت حسابرسان را نیز خدشه‌دار کند (میگز و سایرین، ۱۳۷۱). هرچه میزان مسئولیت حسابرسان برای استفاده‌کنندگان از این خدمات روشن‌تر باشد، احتمال طرح دعاوی حقوقی بر علیه حسابرسان افزایش یافته و احتمال پذیرش خواسته‌های نابجای صاحبکاران توسط حسابرسان کاهش می‌یابد.

الزام به برقراری ارتباط با حسابرس پیشین توسط حسابرس جدید

بر اساس محتوای بخش ۲۰ آیین رفتار حرفه‌ای جامعه حسابداران رسمی ایران، دلیل اصلی ارتباط با حسابرسان قبلی، عدم پذیرش کارهایی است که صاحبکار به دلایل غیرموجه اقدام به جایگزینی حسابرس می‌کند. بنابراین، با پایبندی حسابرسان به انجام صحیح این بخش و عدم پذیرش کارهایی که صاحبکاران سعی در تحمیل نظر خود بر حسابرسان دارند، احتمال کمتری وجود دارد که صاحبکار اقدام به جایگزینی حسابرس خود نماید؛ چراکه در صورت برکناری حسابرس، در یافتن حسابرس جدید برای خدمات اطمینان‌بخشی خود با مشکل مواجه می‌شود. بنابراین، این موضوع باعث افزایش قدرت حسابرسان در برابر صاحبکاران خواهد شد.

اندازه

موسسات بزرگ حسابرسی تعداد صاحبکاران بیشتری دارند و اگر صاحبکاری حسابرس جدیدی را جایگزین حسابرس پیشین نماید، ارزش شبهه حق‌الزحمه‌ای^۸ (تفاوت حق‌الزحمه دریافتی حسابرس با نرخ حق‌الزحمه بازار که به علت دریافت حق‌الزحمه کمتر در سال نخست حسابرسی از صاحبکار، در سال‌های آتی دریافت می‌شود) که بابت آن صاحبکار از دست می‌دهد، با احتمال بیشتری از گزارش نکردن موارد خلاف و اثری که بر شهرت و از دست دادن شبهه حق‌الزحمه سایر کارها می‌گذارد، کمتر است. لذا موسسات بزرگ حسابرسی انگیزه قوی‌تری برای حفظ استقلال خود دارند (دی آنجلو، ۱۹۸۱).

رابطه قوی‌تر بین شرکای موسسه و مسئولیت بالقوه افراد در موسسات بزرگتر، باعث می‌شود که اعضا بر کار یکدیگر بیشتر نظارت کنند. هر شریک در برابر بدهی‌های موسسه مسئول و سرمایه انسانی وی در گروه شهرت سایر اعضا است. از این رو، هر شریک دارای انگیزه بیشتری است تا بر عملکرد سایر شرکا نظارت نماید و برای این نوع نظارت‌ها سازوکارهایی در نظر بگیرد.

بررسی همپیشگان

در صورت بررسی کارهای حسابرسی توسط سایر حسابرسان، احتمال کشف خلاف‌های صاحبکاران که توسط حسابرس گزارش نشده افزایش می‌یابد و در نتیجه احتمال وارد آمدن

خسارت‌هایی چون از دست دادن شهرت، جرایم مراجع حرفه‌ای و دعاوی حقوقی افزایش یافته و به تبع آن، انگیزه حسابرس برای حفظ استقلال خود شدت خواهد یافت.

افزایش سطح دانش استفاده‌کنندگان از خدمات حسابرسی نسبت به گزارش‌های مالی

با ارتقای سطح دانش استفاده‌کنندگان از خدمات حسابرسی نسبت به گزارش‌های مالی، استفاده از گزارش‌های مزبور افزایش می‌یابد و در نتیجه ذینفعان گزارش‌ها، متعدد خواهند شد. با افزایش دانش ذینفعان گزارش‌های مالی، احتمال طرح دعاوی حقوقی و هزینه‌های ناشی از آن نیز بالا خواهد گرفت. در چنین شرایطی احتمال فزونی هزینه‌های ناشی از طرح دعاوی حقوقی و زیان از دست دادن شهرت نسبت به از دست دادن حق الزحمه صاحبکاران خاص افزایش یافته و به صورت عاملی بازدارنده در پذیرش خواست صاحبکاران عمل می‌کند.

مسئولیت تضامنی شرکا و موسسه

واتز و زیمرمن (۱۳۸۷) دو عامل را در افزایش استقلال و شایستگی حسابرسان در شرکت‌های تضامنی موثر می‌دانند. اول اینکه مسئولیت حسابرس در چنین ساختاری نامحدود است و این بدان معنا است که دارایی‌های بیشتری وثیقه کار حسابرسان است و در نتیجه احتمال زیان ناشی از عدم گزارش موارد خلاف افزایش می‌یابد. دوم اینکه با توجه به مسئولیت هر شریک نسبت به کار سایر شرکا در این ساختار، انگیزه نظارت متقابل افزایش می‌یابد (واتز و زیمرمن، ۱۳۸۷).

محدود کردن نسبت حق الزحمه دریافتی از یک صاحبکار به کل درآمد حسابرس

محدود کردن نسبت حق الزحمه دریافتی از یک صاحبکار یا گروه صاحبکاران خاص نسبت به کل درآمدهای موسسه، موجب کاهش اهمیت حفظ آن صاحبکار می‌شود و حسابرس در هنگام تصمیم‌گیری برای حفظ یک صاحبکار یا پذیرش خواسته‌های صاحبکاران با استقلال بیشتری تصمیم‌گیری می‌نماید؛ چرا که در این شرایط، احتمال فزونی ضررهایی مانند از دست

دادن شهرت و یا دعاوی حقوقی علیه حسابرس نسبت به حق‌الزحمه‌ای که در نتیجه مقاومت در برابر صاحبکاران از دست خواهد داد، بیشتر می‌شود.

تغییر ادواری حسابرس و عدم امکان تغییر حسابرس طی آن دوره توسط صاحبکار

همانطور که پیشتر عنوان شد، یکی از منابع قدرت صاحبکاران در برابر حسابرس، حق انتخاب و عزل وی می‌باشد. در چنین شرایطی امکان انتخاب مجدد حسابرس در هنگام ایستادگی در برابر خواسته‌های آنها با تردید مواجه است. در صورتی که امکان تغییر حسابرس برای صاحبکاران تحت چنین شرایطی محدود شود، قدرت حسابرس افزایش خواهد یافت. از طرفی، به منظور جلوگیری از سایر عوامل تهدیدکننده استقلال حسابرس همچون ایجاد روابط عاطفی یا وابستگی اقتصادی به صاحبکاران، تغییر حسابرسان به صورت ادواری صورت می‌پذیرد.

باید توجه داشت که حفاظت‌های مطرح شده در این بخش مکمل یکدیگر هستند و هر یک از آنها به تنهایی نمی‌تواند اثر قابل توجهی در بهبود استقلال حسابرس داشته باشد. به عنوان مثال، مسئولیت تضامنی شرکای حسابرسی و موسسه حسابرسی که در اساس نامه جامعه حسابداران رسمی ایران نیز پیش‌بینی شده است، در شرایطی اثربخش خواهد بود که احتمال طرح دعاوی حقوقی علیه حسابرس وجود داشته باشد. بنابراین، زمانی اثربخشی حفاظت‌های مطرح شده به بهترین نحو عملی خواهد شد که این عوامل در کنار یکدیگر به کار گرفته شده و تکمیل کننده هم باشند.

پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی در ارتباط با استقلال حسابرسان در کشور و خارج از کشور صورت گرفته است. بخش عمده‌ای از تحقیقات به بررسی اثر حق‌الزحمه خدمات غیر حسابرسی بر استقلال پرداخته‌اند، تحقیقات عمده‌ای نیز در ارتباط با عوامل کاهنده و افزایشده استقلال حسابرس انجام شده است که در موارد اندکی، صرفاً عوامل افزایشده استقلال حسابرس در برابر تهدید صاحبکار به جایگزینی وی مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه آن دسته از تحقیقات

حسابرسی انجام شده در خصوص استقلال حسابرسان که ارتباط بیشتری با موضوع این تحقیق دارند، ذکر می‌شود.

جعفری (۱۳۸۴) عوامل موثر بر شایستگی و استقلال حسابرسان را از دید مدیران شرکت‌های سرمایه‌گذاری، مدیران مالی شرکت‌های بزرگ بورسی، شرکای موسسات عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و مدیران سازمان حسابرسی بررسی کرده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، تصویب قوانین و مقررات متناسب با نیازهای حرفه می‌تواند در بهبود کیفیت حسابرسی از جنبه حفظ استقلال و بی‌طرفی در گزار شگری تحریفات بااهمیت کشف شده، مفید واقع شود. علاوه بر این، پرهیز از تضاد منافع در حسابرسی صورت‌های مالی و وجود سازوکارهای مناسب بازار و افزایش اندازه موسسات حسابرسی باعث افزایش استقلال حسابرسان و در نتیجه کیفیت حسابرسی خواهند شد.

نیکبخت و مهربانی (۱۳۸۵) به بررسی اثر خدمات و میزان حق‌الزحمه‌های غیر حسابرسی بر استقلال حسابرسان از دیدگاه حسابرسان، حسابداران، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان (بانک‌ها) پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که خدمات غیر حسابرسی در مجموع استقلال حسابرسان را نقض نمی‌کند؛ اما عدم افشای نسبت حق‌الزحمه‌های حسابرسی در صورت‌های مالی صاحبکار و بالا بودن درصد حق‌الزحمه‌های غیر حسابرسی نسبت به حق‌الزحمه حسابرسی، استقلال حسابرسان را نقض می‌کند.

سلیمی (۱۳۸۶) رابطه بین خدمات غیر حسابرسی و استقلال حسابرسان را از دید اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران بررسی کرده است که نتایج تحقیق نشان می‌دهد، ارائه همزمان خدمات دفترداری، خدمات طراحی و اجرای سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری بر استقلال حسابرسان تأثیر منفی دارد.

سجادی و ابراهیمی‌مند (۱۳۸۸) عوامل کاهنده استقلال حسابرسان مستقل را از دیدگاه حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی ایران مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد از نظر حسابرسان مزبور، حق‌الزحمه معوق حسابرسی، تأثیرگذاری مدیریت بر انتخاب یا تعویض حسابرس و تعیین حق‌الزحمه حسابرسی، پذیرش هدایای صاحبکار و تداوم تصدی حسابرس برای مدت طولانی از عوامل کاهنده استقلال حسابرس هستند.

نوروش و رمضانی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی عوامل موثر بر استقلال حسابرسان از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان خدمات حسابرسان پرداختند. نتایج نشان می‌دهد وجود کمیته حسابرسان صاحبکار، وابستگی اقتصادی حسابرسان، ارائه خدمات غیرحسابرسی و نقش مدیران در انتصاب حسابرسان و تعیین حق الزحمه حسابرسان بر استقلال حسابرسان تأثیر دارد.

عباس‌زاده و محمدی (۱۳۹۳) به بررسی عوامل موثر بر افزایش استقلال حسابرسان دیوان محاسبات کشور پرداختند. براساس یافته‌های این پژوهش، نداشتن هیچگونه ارتباط خویشاوندی، کاری و مالی با مدیران واحد مورد رسیدگی، قانون‌گرا بودن حسابرسان، رعایت کامل آیین رفتار حرفه‌ای از سوی ایشان، مناعت طبع و عدم استفاده از امکانات واحد مورد رسیدگی برای منافع شخصی از جمله عوامل افزایش استقلال حسابرسان دیوان محاسبات کشور می‌باشد.

فردیناند (۱۹۹۱) اثر میزان حق‌الزحمه حسابرسان، ارائه خدمات غیرحسابرسی، رقابت در حسابرسی و اندازه موسسات حسابرسی را بر استقلال حسابرسان از دیدگاه مدیران بانک‌ها مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان داد که از دید مدیران بانک‌ها، افزایش میزان حق‌الزحمه حسابرسان و رقابت در حسابرسی و همچنین ارائه خدمات غیرحسابرسی باعث کاهش استقلال حسابرسان می‌شود و برعکس هر چه اندازه موسسات حسابرسی بزرگتر باشد، استقلال آن‌ها افزایش می‌یابد. نسبت حق‌الزحمه حسابرسان به کل درآمد حسابرسان صرف‌نظر از سایر عوامل مهمترین عامل اثرگذار بر استقلال حسابرسان بوده و احتمال حل اختلافات پیش آمده بین حسابرسان و صاحبکاران به نفع صاحبکاران در شرایطی که این نسبت با اهمیت باشد بیش از زمانی است که این نسبت کم اهمیت است.

وینسیگورا (۲۰۰۱) در بررسی اثر نگرانی از دست دادن صاحبکار و الزام بررسی همپیشگان نتیجه گرفته است که در شرایطی که نگرانی از دست دادن مشتری زیاد است و الزامی به بررسی کار حسابرسان توسط همپیشگان وجود ندارد، حسابرسان با احتمال بیشتری روش‌های حسابداری خوشبینانه صاحبکار را می‌پذیرد.

کیم و همکاران (۲۰۰۳) نشان داده‌اند که تفاوت اثربخشی موسسات حسابرسی بزرگ با موسسات حسابرسی کوچک از تضاد بین انگیزه مدیران شرکت‌ها و حساب‌رسان در گزارشگری نشأت می‌گیرد. هنگامی که مدیران انگیزه کافی برای افزایش میزان سود از طریق روش‌های حسابداری افزایش سود دارند، حفظ بی‌طرفی حساب‌رسان، منجر به بروز تضاد بین مدیران و حساب‌رسان می‌شود. آنها دریافتند که موسسات حسابرسی بزرگ در پیشگیری از دستکاری سود، اثربخشی بیشتری نسبت به موسسات کوچک (با فرض وجود تضاد بین مدیریت و حساب‌رسان) دارند.

مایهو و پایک (۲۰۰۴) تأثیر نحوه انتخاب حساب‌رسان را بر استقلال آنها بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که انتقال قدرت انتخاب و عزل حساب‌رسان از مدیران به سرمایه‌گذاران موارد نقض استقلال را به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد.

هویتاش و همکاران (۲۰۰۷) به بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه حساب‌رسان پرداخته‌اند. از یک دیدگاه، حق‌الزحمه‌های بالا از طریق افزایش تلاش‌های حساب‌رسان منجر به افزایش کیفیت حسابرسی و از دیدگاهی دیگر باعث افزایش وابستگی مالی به صاحبکاران و در نتیجه کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که ارتباط معنی‌دار و معکوسی بین جمع حق‌الزحمه‌های دریافتی از صاحبکاران و کیفیت حسابرسی وجود دارد.

کیم و یی (۲۰۰۹) به مقایسه کیفیت حسابرسی شرکت‌های کره‌ای که حساب‌رسان‌ها از طریق مراجع قانونی تعیین شده‌اند، نسبت به آن گروه از شرکت‌ها که انتخاب حساب‌رسان در اختیار خودشان بوده است، پرداخته‌اند (در کشور کره، حساب‌رسان آن گروه از شرکت‌ها که انگیزه زیادی برای مدیریت سود دارند، برای دوره‌ای معین توسط مراجع قانونی تعیین می‌شود و شرکت‌ها مجاز به تغییر این حساب‌رسان برای آن دوره نیستند). بنا بر دیدگاه این محققان، تخصیص قانونی کارها باعث حذف فشارهای مدیریتی بر حساب‌رسان در انتخاب مجدد آنها گشته و باعث افزایش استقلال حساب‌رسان و در نتیجه افزایش کیفیت حسابرسی و در نتیجه اعتبار گزارش‌های مالی می‌شود.

هوپ و لانگلی (۲۰۱۰) به بررسی ارتباط بین میزان حق‌الزحمه حسابرسی و غیرحساب‌رسی با استقلال حساب‌رسان پرداخته‌اند. با توجه به بحث‌های مطرح شده در تحقیقات پیشین، اگر چه

حق‌الزحمه عاملی برای فشار بر حسابرس و تضعیف استقلال مطرح شده اما عواملی چون زیان از دست دادن شهرت و ریسک دعاوی حقوقی به عنوان عواملی بازدارنده مطرح شده‌اند و لذا نتایج تحقیقاتی که به بررسی ارتباط بین حق‌الزحمه و استقلال حسابرس پرداخته‌اند، متفاوت است. برخی وجود رابطه‌ای مستقیم بین این دو را مورد تأکید قرار داده و برخی ارتباطی بین این دو متغیر مشاهده نکرده‌اند. با توجه به طرح این موضوع که در موسسات خصوصی ریسک دعاوی حقوقی و از دست دادن شهرت کمتر از موسسات عمومی است، در این تحقیق سعی شده تا با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های خصوصی نیروی، ارتباط بین حق‌الزحمه و استقلال حسابرس در شرایطی با ریسک دعاوی حقوقی و از دست دادن شهرت کمتر بررسی شود. در این تحقیق، برای بررسی استقلال حسابرس از میزان گزارش‌های مشروط حسابرسان استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که میزان وابستگی حسابرس به حق‌الزحمه، تمایل حسابرسان به ارائه گزارش مشروط را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و آنها نتیجه‌گیری می‌کنند که علت حفظ استقلال حسابرسان به عواملی فراتر از ریسک دعاوی حقوقی و زیان از دست دادن شهرت بستگی دارد و نتایج را با وفاداری حسابرسان به آیین رفتار حرفه‌ای و واقع‌بینی در ارائه خدمات حسابرسی سازگار می‌دانند.

دیانا و مقدا (۲۰۱۳) آثار تغییر اجباری حسابرسان بر استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی و لزوم اجرایی نمودن تغییر اجباری حسابرسان را در مصر بررسی نموده‌اند. بر اساس یافته‌های این تحقیق ۱- افزایش دوره تصدی حسابرسان به دلیل شناخت بیشتر حسابرس نسبت به صاحبکار، منجر به افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود. ۲- مشکل اصلی کاهش استقلال حسابرسان در مصر مربوط به شرکت‌های سهامی خاصی است که سهامداران مدیریت شرکت را نیز بر عهده دارند. ۳- چرخش اجباری کارکنان حسابرس، در فرآیند حسابرسی سودمند نبوده و کیفیت حسابرسی را کاهش می‌دهد؛ اما چرخش اجباری موسسات حسابرسی به دو دلیل توصیه می‌شود: نخست آن که موسسات حسابرسی معتبر فراوانی در مصر وجود دارد و دوم به کارگیری نیروهای حسابرسی آشنا به صنعت در موسسات حسابرسی موجب پابرجا ماندن استقلال حسابرس و افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود.

فرضیه‌های پژوهش

الف) فرضیات مربوط به حفاظت‌های استقلال حسابرسان

فرضیه ۱: انگیزه کسب و حفظ شهرت توسط حسابرسان، حفاظتی در برابر تهدید صاحبکار به جایگزین کردن وی است.

فرضیه ۲: تخصیص کارها توسط مراجع قانونی (حرفه‌ای)، حفاظتی در برابر تهدید صاحبکار به جایگزین کردن حسابرسان است.

فرضیه ۳: بزرگ شدن موسسات حسابرسان، حفاظتی در برابر تهدید صاحبکار به جایگزین کردن حسابرسان است.

فرضیه ۴: برقراری نظام‌های تنبیهی مناسب در ازای تخلفات حسابرسان، حفاظتی در برابر تهدید صاحبکار به جایگزین کردن حسابرسان است.

فرضیه ۵: بررسی همپیشگان، حفاظتی در برابر تهدید صاحبکار به جایگزین کردن حسابرسان است.

فرضیه ۶: الزام به افشای دلایل تغییر حسابرسان توسط صاحبکار، حفاظتی برای حسابرسان در برابر تهدید صاحبکار به جایگزینی وی است.

فرضیه ۷: ارتقای سطح دانش استفاده‌کنندگان گزارش‌های حسابرسانی، حفاظتی در برابر تهدید صاحبکار به جایگزین کردن حسابرسان است.

فرضیه ۸: شفاف شدن میزان مسئولیت حسابرسان حفاظتی در برابر تهدید صاحبکار به جایگزین کردن حسابرسان است.

فرضیه ۹: الزام به برقراری ارتباط با حسابرسان قبلی، حفاظتی در برابر تهدید صاحبکار به جایگزین کردن حسابرسان است.

فرضیه ۱۰: مسئولیت تضامنی شرکا با موسسه حسابرسانی، حفاظتی در برابر تهدید صاحبکار به جایگزین کردن حسابرسان است.

فرضیه ۱۱: محدود کردن نسبت حق‌الزحمه دریافتی از یک صاحبکار یا گروه صاحبکاران خاص به کل درآمد حسابرس، حفاظتی در برابر تهدید صاحبکار به جایگزین کردن حسابرس است.

فرضیه ۱۲: تغییر ادواری حسابرس و عدم امکان تغییر حسابرس در طی آن دوره توسط صاحبکار، حفاظتی در برابر تهدید صاحبکار به جایگزین کردن حسابرس است.

ب) فرضیات مربوط به میزان به کارگیری حفاظت‌های استقلال حسابرس:

در صورتی که هر یک از عوامل مطرح شده در بخش الف به عنوان حفاظتی برای استقلال حسابرس مطرح شود، میزان به کارگیری آن‌ها در وضعیت موجود بررسی خواهد شد. بر این اساس، فرضیات گروه ب به این شرح مطرح می‌شود که هر یک از حفاظت‌های مطرح شده در بخش الف به نحو مناسبی در جامعه حرفه‌ای به کار گرفته نشده است.

روش پژوهش

ابزار گردآوری داده‌ها

در این تحقیق برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شده است. اهداف مورد انتظار از پرسش‌نامه این تحقیق به شرح زیر است:

- تعیین حفاظت‌های موثر بر استقلال حسابرس در برابر تهدید صاحبکار به جایگزینی وی
- تعیین میزان اثر هر یک از حفاظت‌ها بر استقلال حسابرس
- کسب نظر متخصصین در زمینه ارزیابی آن‌ها از وضعیت موجود عوامل یاد شده در ایران
مقیاس‌های اندازه‌گیری در پرسش‌نامه

در این تحقیق از دو مقیاس اسمی و فاصله‌ای استفاده شده است. برای تعیین حفاظت‌های موثر بر استقلال حسابرس از مقیاس اسمی و برای تعیین میزان اثرگذاری و ارزیابی وضع موجود حفاظت‌ها از مقیاس فاصله‌ای استفاده شد. نمونه سوالات مطرح شده در پرسش‌نامه به شرح زیر است:

میزان اثرگذاری در وضعیت (موجود (آنچه هست)					میزان اثرگذاری (آنچه باید باشد)				
تعداد زیاد	زیاد	کم	ع	تعداد کم	حفاظت‌های موثر بر استقلال حسابرسان در برابر تهدید صاحبکاران به جایگزینی آنها				
					تعداد زیاد	زیاد	کم	ع	تعداد کم
					انگیزه حفظ و افزایش اعتبار (شهرت) بلی <input type="radio"/> خیر <input type="radio"/>				

روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری

برای بررسی روایی ابزار اندازه‌گیری از نظر متخصصان استفاده شده است. بدین منظور ابتدا تعدادی پرسش‌نامه اولیه توزیع شد و پس از کسب نظر متخصصان اصلاحات مورد نیاز در پرسش‌نامه انجام و برای توزیع نهایی آماده شد.

یکی از آزمون‌های معروف برای بررسی پایایی، بررسی سازگاری منطقی بین سؤال‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ است که برای سنجش سازگاری بین سؤالات پرسش‌نامه از این آزمون استفاده شده است. مقدار آلفا برای پرسش‌نامه تحقیق برابر ۰.۷۱ به دست آمده که نشان دهنده سازگاری درونی بالای پرسش‌ها است

نحوه آزمون فرضیه‌ها

با توجه به اینکه تعداد مشاهدات در این تحقیق بیش از ۳۰ مشاهده است، برای آزمون فرضیات گروه الف از تقریب نرمال در توزیع دوجمله‌ای استفاده شده است. نسبت p در این تحقیق نسبت موافقین یا کسانی است که عامل مورد نظر را به عنوان حفاظی در برابر تهدید صاحبکار به جایگزینی حسابرسان پذیرفته‌اند. بنابراین فرض صفر و مقابل به شرح زیر بیان شده است:

$$\begin{cases} H_0: p = 0/5 \\ H_1: p \neq 0/5 \end{cases}$$

برای فرضیات گروه ب از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه استفاده شده است. بدین منظور، میانگین اثرگذاری در وضع موجود (آنچه هست) با میزان اثرگذاری آنچه باید باشد مقایسه شده است. از این‌رو، فرض صفر و مقابل آن به شرح زیر است:

$$\begin{cases} H_0: \mu_1 = \mu_2 \\ H_1: \mu_1 \neq \mu_2 \end{cases}$$

جامعه آماری، نمونه و حجم نمونه

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کارکنان موسسات عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و سازمان حسابرسان است که رده شغلی آن‌ها سرپرست و یا بالاتر می‌باشد. علت انتخاب این جامعه نیز آشنایی بیشتر آن‌ها با مفهوم استقلال حسابرسان و درک فشارهای وارده از سوی صاحبکاران به حسابرسان مستقل است. تعداد اعضای جامعه آماری حدوداً ۵۰۰۰ نفر بوده و برای تعیین تعداد نمونه از رابطه زیر استفاده شده است:

$$n = \frac{NZ_{\frac{\alpha}{2}}^2 p(1-p)}{\varepsilon^2(N-1) + Z_{\frac{\alpha}{2}}^2 p(1-p)}$$

که در آن:

N = تعداد اعضای جامعه

n = اندازه نمونه

P = نسبت تأیید فرضیه‌ها

$$Z_{\frac{\alpha}{2}} = 1.96$$

ε = خطای برآورد نمونه

با فرض این که جامعه آماری مورد آزمون یک جامعه آماری با توزیع نرمال است و خطای برآورد ۱۰ درصد و p برابر ۵۰ درصد، تعداد نمونه مورد نیاز برای آزمون ۹۴ خواهد بود. برای دستیابی به تعداد نمونه مورد نیاز، تعداد ۱۲۰ پرسش‌نامه برای آزمودنی‌ها ارسال شد که تعداد

۹۶ پاسخ برگشت داده شد. بر اساس این تعداد نمونه، خطای نمونه‌گیری کمتر از ۱۰ درصد می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیات گروه الف

همانطور که در نگاره ۱ نشان داده شده است، سطح معنی‌داری آزمون دوجمله‌ای برای کلیه پرسش‌ها کمتر از ۵ درصد است و با توجه به اینکه نسبت موافقین در کلیه عوامل بیش از مخالفین است، بنابراین کلیه عوامل به عنوان حفاظی برای استقلال حسابرس در برابر تهدید صاحبکار به جایگزینی وی پذیرفته می‌شود. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات جعفری (۱۳۸۴)، فردیناند (۱۹۹۱) و کیم و همکاران (۲۰۰۳) در خصوص اندازه موسسات حسابرسی، وینسیگورا (۲۰۰۱) در خصوص بررسی همپیشگان، کیم و یی (۲۰۰۹) در خصوص تخصیص کارها توسط مراجع قانونی و هوپ و لانگلی (۲۰۱۰) در خصوص شهرت، مطابقت دارد و کلیه این عوامل باعث افزایش استقلال حسابرسان می‌شوند.

نگاره (۱): نتایج آزمون فرضیات گروه الف

ردیف	فرضیه	موافقین	مخالفین	جمع	نسبت موافقین	سطح
۱	شهرت	۹۱	۵	۹۶	۰/۹۵	۰/۰۰۰
۲	تخصیص قانونی کارها	۶۲	۳۳	۹۵	۰/۶۵	۰/۰۰۴
۳	اندازه موسسه حسابرسی	۸۰	۱۶	۹۶	۰/۸۳	۰/۰۰۰
۴	نظام‌های تنبیهی	۹۴	۲	۹۶	۰/۹۸	۰/۰۰۰
۵	بررسی همپیشگان	۸۱	۱۴	۹۵	۰/۸۵	۰/۰۰۰
۶	افشای دلایل تغییر حسابرس	۸۵	۱۱	۹۶	۰/۸۹	۰/۰۰۰
۷	ارتقای سطح دانش استفاده‌کنندگان گزارش حسابرسی	۸۴	۱۲	۹۶	۰/۸۸	۰/۰۰۰
۸	شفاف شدن مسئولیت حسابرس	۹۰	۵	۹۵	۰/۹۵	۰/۰۰۰
۹	برقراری ارتباط با حسابرس پیشین	۸۱	۱۵	۹۶	۰/۸۴	۰/۰۰۰
۱۰	مسئولیت تضامنی شرکای حسابرسی با موسسه حسابرسی	۸۵	۱۱	۹۶	۰/۸۹	۰/۰۰۰
۱۱	محدود کردن نسبت حق الزحمه دریافتی از یک صاحبکار	۶۶	۲۹	۹۵	۰/۶۹	۰/۰۰۰
۱۲	تغییر ادواری حسابرس و عدم امکان تغییر در آن دوره	۸۱	۱۵	۹۶	۰/۸۴	۰/۰۰۰

تک‌گانه (۳): نتایج آزمون فرضیات گروه ب

ردیف	نوع حفاظ	آزمون برابری واریانس‌ها		آزمون مقایسه میانگین‌ها
		سطح معنی‌داری	با فرض برابری	
۱	شهرت	۰/۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
۲	تخصیص قانونی کارها	۰/۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
۳	اندازه موسسه حسابرسی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
۴	نظام‌های تنبیهی	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
۵	بررسی همپیشگان	۰/۲۶۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
۶	افشای دلایل تغییر حسابرس	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
۷	ارتقای سطح دانش استفاده‌کنندگان گزارش حسابرسی	۰/۰۷۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
۸	شفاف‌شدن مسئولیت حسابرس	۰/۳۶۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
۹	برقراری ارتباط با حسابرس پیشین	۰/۲۸۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
۱۰	مسئولیت تضامنی شرکای حسابرسی با موسسه حسابرسی	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
۱۱	محدود کردن نسبت حق الزحمه دریافتی از یک صاحبکار	۰/۱۰۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
۱۲	تغییر ادواری حسابرس و عدم امکان تغییر در آن دوره	۰/۰۳۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

تکانه (۴): آمار توصیفی آزمون فرضیات گروه ب

سوال	اثر گذاری	تعداد پاسخ دهنده	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
۱	آنچه باید باشد	۸۹	۴/۱۳	۰/۸۳	۰/۰۹
	آنچه هست	۸۹	۲/۸۴	۰/۸۵	۰/۰۹
۲	آنچه باید باشد	۶۱	۴/۰۰	۰/۹۳	۰/۱۲
	آنچه هست	۶۰	۲/۱۵	۱/۲۳	۰/۱۶
۳	آنچه باید باشد	۷۷	۳/۹۷	۰/۷۳	۰/۰۸
	آنچه هست	۷۷	۲/۶۴	۱/۰۰	۰/۱۱
۴	آنچه باید باشد	۹۳	۴/۲۰	۰/۷۹	۰/۰۸
	آنچه هست	۹۲	۲/۳۵	۱/۰۴	۰/۱۱
۵	آنچه باید باشد	۸۰	۳/۶۸	۰/۹۲	۰/۱۰
	آنچه هست	۷۹	۲/۰۸	۰/۹۰	۰/۱۰
۶	آنچه باید باشد	۸۲	۳/۹۸	۰/۸۶	۰/۱۰
	آنچه هست	۸۲	۱/۸۵	۱/۰۳	۰/۱۱
۷	آنچه باید باشد	۸۳	۳/۷۸	۰/۸۰	۰/۰۹
	آنچه هست	۸۲	۲/۱۸	۰/۹۷	۰/۱۱
۸	آنچه باید باشد	۸۹	۳/۸۲	۰/۸۱	۰/۰۹
	آنچه هست	۸۸	۲/۲۴	۰/۹۰	۰/۱۰
۹	آنچه باید باشد	۷۹	۳/۵۹	۰/۸۲	۰/۰۹
	آنچه هست	۷۸	۱/۹۶	۰/۹۵	۰/۱۱
۱۰	آنچه باید باشد	۸۵	۳/۹۲	۰/۹۲	۰/۱۰
	آنچه هست	۸۲	۲/۷۹	۱/۱۶	۰/۱۳
۱۱	آنچه باید باشد	۶۶	۳/۶۲	۰/۸۶	۰/۱۱
	آنچه هست	۶۶	۲/۴۷	۱/۰۳	۰/۱۳
۱۲	آنچه باید باشد	۸۰	۳/۷۸	۰/۸۷	۰/۱۰
	آنچه هست	۸۰	۲/۲۸	۱/۰۲	۰/۱۱

نتایج آزمون فرضیات گروه ب

همان‌طور که در نگاره‌های ۳ و ۴ نشان داده شده است، نتایج آزمون مقایسه میانگین دو جامعه نشان می‌دهد با اطمینان بیش از ۹۵ درصد میانگین اثرگذاری هر یک از عوامل در وضعیت موجود کمتر از اثرگذاری در وضعیت ایده‌آل (آنچه باید باشد) است.

پیشنهاد‌های کاربردی پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از انجام این پژوهش، کلیه عوامل مورد بررسی می‌تواند به عنوان حفاظی برای استقلال حساب‌رسان به کار گرفته شود؛ اما در شرایط فعلی به شکل مناسبی از این حفاظ‌ها استفاده نمی‌شود. در حال حاضر حفاظ‌هایی همچون برقراری نظام‌های تنبیهی در برابر تخلفات حساب‌رسان، وجود مسئولیت تضامنی شرکا و مؤسسه حسابرسی، الزام به افشای دلایل تغییر حسابرس، ارتباط با حسابرس قبلی و محدود کردن نسبت حق‌الزحمه دریافتی از یک صاحبکار یا گروه صاحبکاران خاص به کل درآمد حسابرس در مقررات جامعه حسابداران رسمی ایران پیش‌بینی شده است؛ اما از نظر اعضای جامعه این عوامل اثربخشی لازم را ندارند که از جمله علل آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- مکمل بودن حفاظ‌های استقلال حساب‌رسان
- ۲- اجرای ناقص یا عدم اجرای موارد پیش‌بینی شده در عمل
- ۳- عدم نظارت کافی بر حسن اجرای این عوامل توسط نهادهای حرفه‌ای

همان‌طور که مشاهده می‌شود، هرچند عاملی چون برقراری نظام‌های تنبیهی، بالاترین میانگین اثرگذاری را به خود اختصاص داده است و در ضوابط جامعه حسابداران رسمی ایران و همچنین سازمان بورس و اوراق بهادار برای تخلفات حساب‌رسان جرایمی پیش‌بینی شده است، اما با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌های گروه ب از اثربخشی لازم برخوردار نیست.

براین اساس، پیشنهاد می‌شود، جامعه حسابداران رسمی ایران به عنوان اصلی‌ترین نهاد موجود در حرفه با به‌کارگیری عواملی که در این تحقیق به عنوان حفاظ‌های استقلال حساب‌رسان مطرح شد و نیز بازنگری در مواردی که در مقررات فعلی وجود دارد، موجبات اعتلای هر چه بیشتر حرفه را فراهم نماید.

به عنوان مثال، در ارتباط با برقراری نظام‌های تنبیهی با افزایش نظارت بر اعضای جامعه و تشدید مجازات‌های مقرر، شاید بتوان کمبودهای فعلی را جبران نمود.

هرچند در این تحقیق کلیه عوامل مورد بررسی، اثربخش تشخیص داده شد اما نحوه به کارگیری این عوامل نیز از اهمیت به سزایی برخوردار است و در صورت کاربرد نادرست از آن‌ها امکان تأثیر معکوس و یا بروز مشکلات دیگر امکان‌پذیر است. به طور مثال، اگرچه تخصیص کارهای حسابرسی توسط مراجع حرفه‌ای به عنوان عاملی اثرگذار تشخیص داده شد و از نظر میانگین اثرگذاری نیز رتبه سوم را به خود اختصاص داده است، اما از بین ۱۲ سؤال، بیشترین تعداد مخالف را به خود اختصاص داده است که این موضوع در نگاره ۲ نشان داده شده است و برخی از پاسخ‌دهندگان بیان کرده‌اند که هرچند این عامل به عنوان حفاظی در برابر تهدید صاحبکاران به جایگزینی حسابرسان اثرگذار است اما مشکلات دیگری را به دنبال خواهد داشت. بنابراین برای به کارگیری این عوامل نیاز به تحقیقات بیشتر احساس می‌شود.

محدودیت‌های پژوهش

محدودیت اصلی این تحقیق مربوط به محدودیت‌های ذاتی پرسش‌نامه است.

پی‌نوشت

- | | |
|------------------------|-----------------------|
| ۱ Safeguard | ۵ Advocacy threat |
| ۲ Threat | ۶ Familiarity threat |
| ۳ Self-review threat | ۷ Intimidation threat |
| ۴ Self-interest threat | ۸ Quasi rent |

منابع

- بستانیان، جواد. (۱۳۸۷). قضاوت حرفه‌ای در حسابرسی. رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- جامعه حسابداران رسمی ایران. (۱۳۸۲). آیین رفتار حرفه‌ای، جامعه حسابداران رسمی ایران.
- جعفری، علی. (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بر استقلال و شایستگی اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران در ارائه خدمات گواهی. رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- زیممن، جerald ال؛ واتز، راس ال. (۱۳۸۷). *تئوری اثباتی حسابداری*. ترجمه علی پارسائیان، تهران: ترمه.

- سجادی، سید حسین؛ ابراهیمی‌مند، مهدی. (۱۳۸۸). عوامل کاهشده استقلال حسابرس مستقل. *پیشرفت‌های حسابداری*، شماره ۱: ۹۵-۱۱۲.
- سجادی، سید حسین؛ ابراهیمی‌مند، مهدی. (۱۳۸۴). عوامل افزایش استقلال حسابرس مستقل. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۴۰: ۶۱-۸۰.
- سلیمی، مریم. (۱۳۸۶). رابطه بین خدمات غیر حسابرسی و استقلال حسابرس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- عباس زاده، محمدرضا؛ جمال، محمدی. (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر افزایش استقلال حسابرسان دیوان محاسبات کشور. *فصلنامه علمی و پژوهشی حسابداری مالی*، شماره ۲۱: ۲۸-۱.
- کمیته فنی سازمان حسابرسی. (۱۳۸۱). *استانداردهای حسابداری*، تهران: سازمان حسابرسی.
- میگز و سایرین. (۱۳۷۱). *اصول حسابرسی*. ترجمه عباس ارباب سلیمانی و محمود نفری، تهران: سازمان حسابرسی.
- نوروش، ایرج؛ رضانی، مسعود. (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر استقلال حسابرسان از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده کنندگان خدمات حسابرسی. *فصلنامه علمی و پژوهشی حسابداری مالی*، شماره ۷: ۱-۲۲.
- نیکبخت، محمدرضا؛ مهربانی، حسین. (۱۳۸۵). بررسی اثر خدمات و میزان حق الزحمه‌های غیر حسابرسی موسسات حسابرسی بر استقلال. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۴۴: ۱۴۷-۱۲۹.
- هیأت استانداردهای استقلال. (۲۰۰۰). *بیانیه مفاهیم استقلال*، چارچوب نظری استقلال حسابرس. ترجمه موسی بزرگ اصل، *فصلنامه حسابرس*، شماره ۱۳: ۷۸-۷۲.
- AICPA. (2008). code of professional conduct an bylaws", New York.
- Deangelo, L. E. (1981). auditor Independence, Low Balling, and Disclosure Regulation. *journal of accounting and economics*, VOL. 3, No. 2: 13-127 (b).
- Diana, M. M; Magda, H. H. (2013). auditor Independence, audit quality and the mandatory auditor rotation in Egypt. *education, business and society: contemporary middle eastern issues*, VOL. 6, No. 2: 116-144.
- Ferdinand, A Gul. (1991). Size of Audit Fees and Perceptions of Auditors' Ability to Resist Management Pressure in Audit Conflict Situations. *ABACUS*, VOL. 27, NO. 2: 162-172.
- Goldman, A; Barlev, B. (1974). The Auditor-Firm Conflict of Interests; Its Implications for Independence. *The Accounting Review*, VOL. 50, No. 4: 884-847.
- Hoitash, R; Markelevich, A; Barragato, C. A. (2007). Auditor fees and audit quality. *Managerial Auditing Journal*, VOL. 22, NO. 8: 761-788.

- Hope, O. K; Langli, J. Ch. (2010). Auditor Independence in a Private Firm and Low Litigation Risk. *The Accounting Review*, VOL. 85, NO. 2: 573-605.
- IFAC. (2009). code of ethics for professional accountants". International Ethics Standards Board for Accountants.
- Kim, J. B. Yi, C. H. (2009). Does auditor designation by the regulatory authority improve audit quality? Evidence from Korea. *J. Account. Public Policy*, VOL. 28: 207-230.
- Kim, j; Chung, R; Firth, M. (2003). auditor conservatism asymmetric monitoring and earning management. *Contemporary accounting research*, VOL. 20, NO. 2: 323-359.
- Mayhew, B. W. Pike, J. E. (2004). Does Investor Selection of Auditors Enhance Auditor Independence?. *The Accounting Review*, VOL. 79, NO. 3: 797-822.
- Mayhew, B. W; Schatzberg, J. W; Sevcik, G. R. (2001). The Effect of Accounting Uncertainty and Auditor Reputation on Auditor Objectivity". working paper.
- Vinciguerra, Barbara. M. (2001). Auditor independence an examination of the effect of self-interest threats and organizational safeguards on auditor judgment. a thesis for the degree of PhD, Drexel University

تعیین شرکت‌های برتر با استفاده از الگوی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران (شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)

حمید محمودآبادی*، نویدرضا نمازی**

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۲۲

چکیده

هدف این پژوهش تعیین شرکت‌های برتر با استفاده از الگوی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران است. در این پژوهش با توجه به متون، مجموعاً ۶ معیار اصلی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران شامل تعداد ۳ معیار نقدی (سود تقسیمی، جریان نقد عملیاتی و جریان نقدی آزاد) و ۳ معیار تعهدی (سود عملیاتی، سود هر سهم و سود انباشته) به کار گرفته شد. داده‌های مربوط به نمونه پژوهش شامل ۱۰۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، با استفاده از نرم‌افزار رهاورد نوین برای دوره ۱۳ ساله پژوهش طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ استخراج گردید. سپس، شرکت‌های مورد مطالعه با استفاده از عوامل نقدی، تعهدی، و کل عوامل، با تکنیک TOPSIS و نرم‌افزار اکسل، رتبه‌بندی شدند. معنادار بودن اختلاف شاخص نزدیکی نسبی با استفاده از آزمون فریدمن و نرم‌افزار SPSS بررسی شد. همچنین با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن و رگرسیون مرکب، وجود رابطه بین معیارهای نقدی و تعهدی مورد واکاوی قرار گرفت. نتایج نشان داد بین شاخص نزدیکی نسبی شرکت‌های مورد مطالعه، اختلاف معنادار وجود ندارد. همچنین، برای امر تصمیم‌گیری و تعیین شرکت‌های برتر، باید هم از معیارهای نقدی و هم از معیارهای تعهدی استفاده نمود. افزون بر این، نتایج نشان داد که در عمل سرمایه‌گذاران از الگوهای علمی و تکنیک‌های تصمیم‌گیری، به نحو احسن بهره نمی‌برند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌گذاری، مبنای نقدی، مبنای تعهدی، تصمیم‌گیری، TOPSIS.

طبقه بندی موضوعی: G11

* استادیار حسابداری دانشگاه شیراز، (نویسنده مسئول). (hamid_mahmoodabadi@yahoo.com)

** دانشجوی دکترای حسابداری دانشگاه شیراز، (navidnamazi2003@yahoo.com)

مقدمه

سرمایه‌گذاری امری حساس است که موارد مختلف از جمله قوانین و مقررات نیز بر آن اثرگذار است (سعیدی و کلامی، ۱۳۸۸). همچنین، تصمیم‌گیری یکی از موضوعات مطرح در حسابداری است. سرمایه‌گذاران با امر تصمیم‌گیری مواجهند زیرا آن‌ها تمایل دارند در شرکتی سرمایه‌گذاری نمایند که بیشترین بازدهی را برای آنان داشته باشد. لذا جهت اتخاذ تصمیمات اقتصادی و سرمایه‌گذاری، به بازدهی سهام و سودآوری شرکت‌ها توجه می‌کنند (وکیلی فرد و افتخارنژاد، ۱۳۸۸؛ ودیعی و شکوهی‌زاده، ۱۳۹۱).

برای سرمایه‌گذاری، افراد می‌توانند به موارد مختلفی مانند جریان‌های نقدی، سود عملیاتی، سود هر سهم^۱ (EPS) و سود تقسیمی^۲ (DPS)، توجه داشته باشند (انواری رستمی و همکاران، ۱۳۸۹). در اندازه‌گیری سود حسابداری تعهدی، ممکن است مدیریت اعمال نظر کند، به همین دلیل بسیاری از تحلیل‌گران مالی «جریان وجوه نقد» را برای تصمیم‌گیری، مورد توجه قرار می‌دهند (کردستانی و علیپوراصل، ۱۳۸۹). در واقع سود قابل تقسیم، معیاری برای راهنمایی سرمایه‌گذارانی است که قصد دارند از سرمایه‌گذاری خود، سود سالانه بالاتری دریافت کنند.

علاوه بر موارد فوق، عوامل سود انباشته، وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی و جریان نقدی آزاد^۳ (FCF) نیز می‌تواند برای سرمایه‌گذاران حائز اهمیت باشد (وکیلی فرد و افتخارنژاد، ۱۳۸۸؛ کردستانی و علیپوراصل، ۱۳۸۹).

از معیارهای ذکر شده در بالا، برخی از این عوامل نقدی (سود تقسیمی، وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی و جریان نقدی آزاد) بوده و برخی دیگر، تعهدی (سود عملیاتی، سود هر سهم و سود انباشته) هستند. سوال اساسی این است که با توجه به کلیه این عوامل، کدام شرکت‌ها مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرند؟ برترین شرکت‌ها با استفاده از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره^۴ TOPSIS کدامند؟ آیا بین شاخص‌های نزدیکی نسبی حاصل شده، اختلاف معنادار وجود دارد؟ همچنین، آیا بین معیارهای نقدی و غیرنقدی رابطه معنادار وجود دارد؟ از آنجا که تاکنون رتبه‌بندی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و بررسی الگوی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، با استفاده از تکنیک TOPSIS انجام نشده است، این مقاله به بررسی الگوی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران با استفاده از تکنیک مذکور می‌پردازد.

ابعاد قضاوت و تصمیم‌گیری مواردی هستند که همیشه در حسابداری مطرح بوده‌اند. همواره تصمیم‌گیرندگان و سرمایه‌گذاران به دنبال این بودند که کدام شرکت برای سرمایه‌گذاری بهتر است؟ بر چه اساس و مبنایی، تصمیم بگیرند و شرکت برتر را انتخاب نمایند؟ یک دیدگاه حاکی از اهمیت معیارهای جریان‌های نقدی و سود تقسیمی، برای اولویت‌بندی شرکت‌ها است، زیرا که شرکت برتر، قادر به پرداخت سود نقدی بیشتر هستند. (انوار رستمی و همکاران، ۱۳۸۹؛ مردانی و همکاران، ۲۰۱۵). دیدگاه دیگر علاوه بر سود تقسیمی، بر سود هر سهم نیز تأکید دارد (بهرام‌فر و مهرانی، ۱۳۸۳؛ دلن و همکاران، ۲۰۱۳). از طرفی تأکید برخی محققین، بر جریان نقدی آزاد می‌باشد (مرادزاده فرد و همکاران، ۱۳۸۹؛ پارک و ژنگ، ۲۰۱۳؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۱۳). مطلب مهم دیگری که در ارتباط با سود باید مدنظر قرار داد، اهمیت سود مستمر می‌باشد. سودی که آنی بوده ولی آتی نباشد مفید نیست. بنابراین در این تحقیق سودی مورد توجه قرار گرفت که حاصل از فعالیت اصلی شرکت باشد. طبق این مهم، سود عملیاتی نیز به جرگه ملاک سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری اضافه گردید. پس از قرار گرفتن سود عملیاتی در بین معیارهای تصمیم‌گیری، اهمیت عامل سود انباشته نیز، مورد توجه قرار گرفت. شرکت‌ها بخشی از سود خالص خود در پایان سال مالی را به عنوان سود نقدی به سهامداران پرداخت می‌کنند و بخش دیگری را تحت عنوان سود انباشته در شرکت نگاه می‌دارند که در حساب سود انباشته در قسمت حقوق صاحبان سهام قرار می‌گیرد و صرف سرمایه‌گذاری‌های شرکت می‌گردد. بنابراین سود انباشته بخشی از سود خالص شرکت است که به سهامداران پرداخت نمی‌شود و این مبالغ برای هر سال با مبالغ انباشته سال‌های قبل جمع شده و می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران قرار گیرد (وکیلی فرد و افتخارنژاد، ۱۳۸۸).

با توجه به مطالب ذکر شده، در این پژوهش سه معیار نقدی (سود تقسیمی، وجه نقد عملیاتی و جریان نقدی آزاد) و سه معیار تعهدی (سود عملیاتی، سود هر سهم و سود انباشته) به عنوان سنج‌های الگوی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، جهت تعیین شرکت‌های برتر پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب گردیدند. به دلیل برتری تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه (یالسن و همکاران، ۲۰۱۲) و امکان استفاده هم‌زمان این تکنیک‌ها با معیارهای مالی (سسسه و همکاران، ۲۰۰۹)، در این تحقیق از تکنیک TOPSIS جهت رتبه‌بندی شرکت‌ها استفاده شده است.

تکنیک TOPSIS

مدل‌های تصمیم‌گیری می‌توانند ویژگی‌های کمی و کیفی را به طور هم‌زمان برای مدل تصمیم، در نظر بگیرند (فو و یانگ، ۲۰۱۲: ۳۷۱۷). روش TOPSIS جزء مدل‌های جبرانی^۵ MADM است. در مدل‌های جبرانی، بین شاخص‌ها تبادل صورت می‌گیرد. در این روش m گزینه به وسیله n شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. هر مسأله را می‌توان به عنوان یک سیستم هندسی شامل m نقطه در یک فضای n بعدی در نظر گرفت (آذر و رجب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۲۶). در این تکنیک فاصله یک گزینه از نقطه ایده‌آل مثبت به صورت (A_i^+) و فاصله آن از نقطه ایده‌آل منفی به صورت (A_i^-) در نظر گرفته می‌شود. گزینه انتخابی باید کم‌ترین فاصله را از ایده‌آل مثبت و بیشترین فاصله را از ایده‌آل منفی داشته باشد. مفروضات این روش به قرار زیر است (اصغرپور، ۱۳۸۷).

به دلیل وجود همبستگی و برهم‌کنش سنج‌های پژوهش، از مدل جبرانی تکنیک‌های تصمیم‌گیری باید استفاده شود. تکنیک TOPSIS یک فن جبرانی است که تعامل و اثر عوامل را در نظر می‌گیرد (نمازی، ۱۳۹۰؛ مهدوی و نمازی، ۱۳۹۰).

پیشینه پژوهش

سسمه و همکاران (۲۰۰۹) رتبه‌بندی بانک‌های ترکیه را بر اساس عملکرد، و با استفاده از تکنیک‌های FAHP و TOPSIS انجام دادند. نتایج نشان داد که برای رتبه‌بندی بهتر و جامع‌تر، علاوه بر معیارهای مالی، باید به معیارهای غیر مالی و تکنیک‌های علمی تصمیم‌گیری نظیر TOPSIS نیز توجه نمود.

یالسن و همکاران (۲۰۱۲) رتبه‌بندی صنایع تولیدی ترکیه را به وسیله تکنیک‌های AHP، TOPSIS، VIKOR و با استفاده از نسبت‌های مالی سنتی انجام دادند. آنان دریافتند که نتایج رتبه‌بندی هر یک از تکنیک‌ها، مشابه است و اختلاف معناداری بین آن‌ها وجود ندارد.

پارک و ژنگ (۲۰۱۳) ساختار سرمایه، جریان نقدی آزاد و عملکرد شرکت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد جریان نقدی آزاد تأثیر مثبتی بر عملکرد و کارایی دارد. بنابراین می‌تواند مورد توجه سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری باشد.

فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳) حاکمیت شرکتی، سرمایه‌گذاری و جریان نقدی آزاد را مورد مطالعه قرار دادند. آنان دریافتند شرکت‌هایی که تمرکز بر جریان نقد آزاد دارند، موفق‌تر و ارزش بالاتری دارند.

دلن و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی عملکرد با استفاده از رویکرد درخت تصمیم و نسبت‌های مالی پرداختند. نتایج نشان داد که سود عملیاتی قبل از مالیات و حاشیه سود خالص مهمترین عوامل برای ارزیابی عملکرد می‌باشند.

مردانی و همکاران (۲۰۱۵) با مطالعه پژوهش‌های مختلف در خصوص تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، دریافتند که معیارهای نقدی و غیرنقدی با کمک تکنیک‌های چندمعیاره، راهی مناسب برای ذی‌نفعان است.

بهرام‌فر و مهرانی (۱۳۸۳) رابطه سود هر سهم، سود تقسیمی و سرمایه‌گذاری در بورس را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که بین این عوامل رابطه معنادار وجود دارد.

وکیلی‌فرد و افتخارنژاد (۱۳۸۸) به بررسی تأثیر سود انباشته و توزیع شده بر سودآوری آتی و بازدهی سهام، در تعداد ۵۰ شرکت بورسی طی دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ پرداختند. نتایج حاکی از آن است که سود انباشته و توزیع شده توأم بر سودآوری آتی تأثیرگذار می‌باشد. اما دو متغیر مستقل فوق‌الذکر فاقد تأثیر بر بازدهی سهام است. همچنین، اجزای سود انباشته رابطه مستقیم با سودآوری آتی دارد.

انواری‌رستمی و همکاران (۱۳۸۹)، به بررسی سودمندی اطلاعات جریان‌های نقدی، سودآوری و سود تقسیمی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد برای سرمایه‌گذاران، سود هر سهم اهمیت زیادی دارد. همچنین، سود تقسیمی و جریان نقد عملیاتی نیز در دوره‌های بلندمدت، می‌تواند دارای محتوای افزاینده اطلاعاتی باشد.

هاشمی و کمالی (۱۳۸۹) تأثیر افزایش تدریجی اهرم مالی، میزان جریان نقدی آزاد، و رشد شرکت بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نمودند. آن‌ها دریافتند که جریان نقدی آزاد و رشد شرکت عواملی تأثیرگذار در میزان رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران است که در میزان مدیریت سود تأثیرگذار می‌باشد.

کردستانی و علیپوراصل (۱۳۸۹) نحوه قیمت‌گذاری فروش، بهای تمام شده کالای فروش رفته و جریان نقدی آزاد را در ۹۱ شرکت بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ بررسی نمودند. نتایج نشان داد جریان نقدی آزاد و جریان نقدی حاصل از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری رابطه معکوس با قیمت سهام دارد.

پورحیدری و قاسمیان‌سقی (۱۳۸۹) رابطه بین تغییرات جریان‌های نقدی عملیاتی و تغییرات سود تقسیمی با توجه به ویژگی خاص شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. با در نظر گرفتن سود عملیاتی، نتایج حاکی از رابطه معنادار، بین تغییرات جریان نقدی عملیاتی و تغییرات سود تقسیمی بود.

مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۸۹) نیز ارتباط جریان نقد آزاد شرکت و جریان نقد آزاد سهامدار با ارزش بازار سهام را بررسی کردند. آنان دریافتند که بین جریان نقد آزاد شرکت و ارزش بازار ارتباط معنادار وجود ندارد.

سینایی و همکاران (۱۳۹۰) تأثیر فرصت‌های رشد بر رابطه بین ساختار سرمایه، سود تقسیمی و ساختار مالکیت با ارزش شرکت، طی دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار بین ساختار سرمایه و سود تقسیمی با ارزش شرکت بود.

خواجهی و همکاران (۱۳۹۱) با بکارگیری مدل‌های پیش‌بینی برای جریان نقد آزاد شرکت، به این نتیجه رسیدند که مدل‌های پیش‌بینی خاکستری برای این امر مناسب هستند.

حیدرپور و زارع‌رفیع (۱۳۹۳) با بررسی تأثیر متغیرهای سود تقسیمی در کیفیت گزارش‌گری مالی در تعداد ۸۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۸۵ به این نتیجه رسیدند که سیاست‌های تقسیم سود، اثر مستقیمی بر رابطه بین کیفیت گزارش‌گری مالی و نوسان‌پذیری بازده سهام دارد.

سوال‌ها و فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش برای بررسی عوامل نقدی و تعهدی تصمیم‌های سرمایه‌گذاران، عوامل جریان‌های نقدی عملیاتی، سود عملیاتی، سود هر سهم (EPS) و سود تقسیمی (DPS) (دلن و همکاران، ۲۰۱۳؛ بهرام‌فر و مهرانی، ۱۳۸۳؛ انواری‌رستمی و همکاران، ۱۳۸۹؛ پورحیدری و

قاسمیان سقی، ۱۳۸۹؛ سینایی و همکاران، ۱۳۹۰؛ و حیدرپور و زارع رفیع، ۱۳۹۳)، عامل جریان نقدی آزاد (پارک و ژنگ، ۲۰۱۳؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۱۳؛ هاشمی و کمالی، ۱۳۸۹؛ کردستانی و علیپوراصل، ۱۳۸۹) و عامل سود انباشته (وکیلی فرد و افتخارنژاد، ۱۳۸۸) استفاده شد. بر این اساس، سوال‌ها و فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

سوال اصلی پژوهش: بهترین شرکت‌ها با توجه به معیارهای نقدی و تعهدی تصمیم‌گیری، کدام هستند؟

سوال‌های فرعی:

۱- بهترین شرکت‌ها با توجه به معیارهای نقدی تصمیم‌گیری، کدام هستند؟

۲- بهترین شرکت‌ها با توجه به معیارهای تعهدی تصمیم‌گیری، کدام هستند؟

فرضیه اصلی ۱: بین شاخص‌های نزدیکی نسبی حاصل از معیارهای نقدی و تعهدی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اختلاف معنادار وجود دارد.

فرضیه اصلی ۲: بین معیارهای نقدی و تعهدی، برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، رابطه معنادار وجود دارد.

روش پژوهش

این تحقیق کاربردی است و به رتبه‌بندی و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران در خصوص شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با توجه به معیارهای مختلف می‌پردازد. در این مطالعه، معیارهای نقدی (سود تقسیمی، وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی و جریان نقدی آزاد) و معیارهای تعهدی (سود عملیاتی، سود هر سهم و سود انباشته) به عنوان معیار تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، برای شرکت‌های مورد مطالعه طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ با استفاده از نرم‌افزار رهاوردنوین و EXCEL محاسبه شدند. سپس، طبق هر یک از معیارهای نقدی و تعهدی و با استفاده از تکنیک TOPSIS، شرکت‌ها مورد رتبه‌بندی قرار گرفتند. افزون بر این، شرکت‌ها، طبق کلیه سنج‌ها نیز رتبه‌بندی شدند. به دنبال آن، با استفاده از نرم‌افزار

SPSS آزمون فریدمن برای تعیین وجود اختلاف معنادار بین شاخص‌های نزدیکی نسبی شرکت‌های مورد مطالعه انجام شد و با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن و رگرسیون مرکب وجود رابطه بین معیارهای پژوهش بررسی گردید.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره زمانی این پژوهش ۱۳ سال، بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ است. برای انتخاب شرکت‌های مناسب از روش سیستماتیک با در نظر گرفتن معیارهای زیر استفاده شده است:

۱. به منظور ایجاد قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکت‌ها باید منتهی به پایان اسفندماه باشد.
۲. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا واسطه‌گری مالی، هلدینگ، بانک‌ها و لیزینگ نباشند.
۳. اطلاعات مالی شرکت‌ها در دوره زمانی مورد مطالعه در دسترس باشد.
۴. معاملات سهام شرکت‌ها به طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از یک ماه نداشته باشند.

با توجه به شرایط بالا ۱۰۹ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ شرایط مذکور را دارا بوده و به عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند.

معیارهای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران

متغیرهای استفاده شده جهت رتبه‌بندی در این پژوهش به شرح زیر است:

۱. معیارهای نقدی

۱-۱. **جریان‌های نقدی عملیاتی:** طبق بند ۱۱ استاندارد حسابداری شماره ۲ ایران، جریان‌های نقدی عملیاتی، شامل جریان‌های نقدی ورودی و خروجی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی است. منظور از فعالیت‌های عملیاتی، فعالیت‌های اصلی و مستمر مولد درآمد عملیاتی واحد تجاری است (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری ایران، ۱۳۸۹).

۲-۱. **سود تقسیمی (DPS):** بیانگر درصد سود تقسیم شده از سود خالص هر سهم است (انواری رستمی و همکاران، ۱۳۸۹).

۳-۱. **جریان نقدی آزاد (FCF):** باقی مانده جریان وجه نقد عملیاتی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی از مخارج سرمایه‌ای نقدی تعریف می‌شود (کردستانی و علیپوراصل، ۱۳۸۹).

۲. معیارهای تعهدی

۱-۲. **سود هر سهم (EPS):** از تقسیم سود خالص بر تعداد سهام منتشر شده در دست سهامداران به دست می‌آید (افشاری، ۱۳۷۸).

۲-۲. **سود عملیاتی:** تغییر در حقوق صاحبان سهام یا تغییر در خالص دارایی‌های یک واحد تجاری طی یک دوره مالی که ناشی از رویدادهای عملیاتی مستمر باشد (ستایش، ۱۳۸۲).

۳-۲. **سود انباشته:** شرکت‌ها بخشی از سود خالص خود در پایان سال مالی را به عنوان سود نقدی به سهامداران پرداخت می‌کنند و بخش دیگری را تحت عنوان سود انباشته در شرکت نگه می‌دارند که در حساب سود انباشته در قسمت حقوق صاحبان سهام قرار می‌گیرد که این مبلغ صرف سرمایه‌گذاری‌های شرکت می‌شود. بنابراین سود انباشته بخشی از سود خالص شرکت است که به سهامداران پرداخت نمی‌شود و در هر سال با مبالغ انباشته سال‌های قبل جمع می‌شود.

اجرای تکنیک TOPSIS

حل مسأله به روش TOPSIS شامل ۶ گام اساسی است که در زیر بیان شده است:

(۱) ماتریس تصمیم (D) به کمک نرم اقلدیدی به یک ماتریس بی‌مقیاس شده تبدیل می‌شود (آذر و رجب‌زاده، ۱۳۸۷؛ اصغرپور، ۱۳۸۷).

(۲) ماتریس بی‌مقیاس موزون طبق فرمول زیر محاسبه می‌شود، در این پژوهش بر اساس روش آنتروپی شانون اقدام به محاسبه وزن عوامل شد.

$$n_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m r_{ij}^2}}$$

$$\begin{aligned}
 E &\approx S\{p_1, p_2, \dots, p_n = -k \sum_{i=1}^n [p_{ij} \times Ln p_{ij}]\} \\
 &= -k \left\{ \frac{1}{n} Ln \frac{1}{n} + \frac{1}{n} Ln \frac{1}{n} + \dots + \frac{1}{n} Ln \frac{1}{n} \right\} \\
 &= k \left\{ \left(Ln \frac{1}{n} \right) \left(\frac{n}{n} \right) \right\} = -k Ln \frac{1}{n}
 \end{aligned}$$

یک ماتریس تصمیم‌گیری از یک مدل MADM حاوی اطلاعاتی است که آنتروپی می‌تواند به عنوان معیاری برای ارزیابی آن به کار رود.

محتوای اطلاعاتی موجود از ماتریس بالا، ابتدا به صورت (P_{ij}) می‌شود.

$$P_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sum_{i=1}^m r_{ij}}$$

برای E_j از مجموعه P_{ij} ها به ازای هر مشخصه خواهیم داشت:

$$E_j = -k \sum_{i=1}^n [p_{ij} \times Ln p_{ij}] ; \forall j$$

به طوری که k یک ثابت مثبت است و از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$E_j \leq 1 \quad k = \frac{1}{Ln m}$$

عدم اطمینان یا درجه انحراف (d_j) از اطلاعات ایجاد شده به ازای شاخص j به قرار زیر خواهد بود:

$$d_j = 1 - E_j ; \forall j$$

در نهایت وزن هر عامل (w_j) از فرمول زیر به دست خواهد آمد:

$$w_j = \frac{d_j}{\sum_{j=1}^n d_j}$$

پس از محاسبه وزن، ماتریس موزون با توجه به رابطه زیر محاسبه می‌گردد:

$$v_{ij} = n_{ij} \times w_j$$

۳) مشخص کردن راه حل ایده‌آل مثبت (A_i^+) و راه حل ایده‌آل منفی (A_i^-): این راه‌حل‌ها

به صورت زیر تعریف و محاسبه می‌شود:

$$A^+ = \{MaxV_{ij} | (J \& J^+), (MinV_{ij} | J \& J^-)\} = (V_1^+, V_2^+, \dots, V_a^+)$$

$$A^- = \{MinV_{ij} | (J \& J^+), (MaxV_{ij} | J \& J^-)\} = (V_1^-, V_2^-, \dots, V_a^-)$$

۴) اندازه فاصله بر اساس نرم اقلدیدی به ازاء راه حل ایده آل، منفی و مثبت به

$$d_i^+ = [\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^+)^2]^{\frac{1}{2}} \quad \text{قرار زیر است (مهرگان و دهقان‌نیری، ۱۳۸۸):}$$

$$d_i^- = [\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^-)^2]^{\frac{1}{2}}$$

۵) نزدیکی نسبی به راه حل ایده آل به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$C_i^+ = \frac{d_i^-}{d_i^- + d_i^+}$$

۶) رتبه‌بندی گزینه‌ها، به ترتیب ارجحیت، و بر اساس نزدیکی نسبی به راه حل ایده آل صورت می‌گیرد. گزینه مطلوب گزینه‌ای است که نزدیکی نسبی بیشتری به راه حل ایده آل (Ci) دارد. بنابراین، هر گزینه که Ci آن به عدد یک نزدیک‌تر باشد به راه حل ایده آل نزدیک‌تر بوده و گزینه برتر خواهد بود و عوامل دیگر به ترتیب، در جایگاه‌های بعدی قرار خواهند گرفت.

پس از به دست آوردن داده‌های مورد نیاز، ماتریس تصمیم (D) تشکیل داده شد. به کمک نرم اقلدیدی و فرمول ذکر شده در گام اول روش TOPSIS ماتریس بی‌مقیاس محاسبه گردید. با استفاده از روش آنتروپی شانون، وزن عوامل محاسبه و ماتریس موزون به دست آمد. راه حل ایده آل مثبت و منفی با توجه به فرمول‌های ذکر شده در گام سوم روش TOPSIS تعیین شدند. سپس نزدیکی نسبی به راه حل ایده آل محاسبه و شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد مطالعه، رتبه‌بندی گردیدند.

یافته‌های پژوهش

سوال اصلی: سوال اصلی این بود که بهترین شرکت‌ها بر اساس معیارهای نقدی و تعهدی کدام هستند. در این نوشتار، صرفاً ۲۰ شرکت اول در هر یک از معیارها نشان داده شده است. نگاره ۱ رتبه‌بندی نهایی شرکت‌های مورد مطالعه با استفاده از معیارهای نقدی و تعهدی را نشان می‌دهد.

نگاره (۱): رتبه‌بندی شرکت‌های مورد مطالعه با استفاده از معیارهای نقدی و تعهدی

رتبه	شرکت	C_i	رتبه	شرکت	C_i
۱	دارو لقمان	۰/۸۱۵	۱۱	شهد	۰/۶۸۹
۲	آبسال	۰/۸۱۴	۱۲	فرآورده تزریقی	۰/۶۸۶
۳	دارو اسوه	۰/۷۶۲	۱۳	کاشی پارس	۰/۶۷۴
۴	قند مرودشت	۰/۷۵۷	۱۴	پاکسان	۰/۶۶۳
۵	شیمیایی فارس	۰/۷۳۵	۱۵	قند پیرانشهر	۰/۶۶۲
۶	دارو ابوریحان	۰/۷۲۳	۱۶	ریخته‌گری تراکتور	۰/۶۶۰
۷	کارتن ایران	۰/۷۱۹	۱۷	شیشه همدان	۰/۶۵۴
۸	دارو اکسیر	۰/۷۱۰	۱۸	فروسیلیس ایران	۰/۶۴۹
۹	دارو داملمران رازک	۰/۷۰۸	۱۹	کاشی حافظ	۰/۶۴۰
۱۰	سایپا آذین	۰/۶۹۸	۲۰	دارو امین	۰/۶۳۸

هر شرکتی که دارای بیشترین شاخص نزدیکی نسبی باشد به عنوان برترین شرکت شناخته می‌شود. بنابراین، طبق نگاره ۱، شرکت دارو لقمان با شاخص نزدیکی نسبی ۰/۸۱۵ رتبه اول و شرکت آبسال با شاخص نزدیکی نسبی ۰/۸۱۴، رتبه دوم را از نظر این نسبت مالی دارا هستند. بقیه شرکت‌ها در جایگاه‌های بعدی قرار دارند.

نگاره (۲): رتبه‌بندی شرکت‌های مورد مطالعه با استفاده از معیارهای نقدی

رتبه	شرکت	C_i	رتبه	شرکت	C_i
۱	دارو لقمان	۰/۹۰۶	۱۱	خاک چینی ایران	۰/۷۱۶
۲	سایپا آذین	۰/۹۰۰	۱۲	دارو ابوریحان	۰/۷۱۱
۳	دارو اسوه	۰/۸۵۵	۱۳	کارتن ایران	۰/۷۰۴
۴	چینی ایران	۰/۸۳۶	۱۴	صنایع ریخته‌گری ایران	۰/۷۰۱
۵	لامپ پارس شهاب	۰/۷۷۸	۱۵	کاشی پارس	۰/۶۷۲
۶	قند مرودشت	۰/۷۷۸	۱۶	شیمیایی فارس	۰/۶۷۰
۷	دارو داملمران رازک	۰/۷۶۲	۱۷	لامیران	۰/۶۶۴
۸	فرآورده تزریقی	۰/۷۵۸	۱۸	دارو فارابی	۰/۶۶۱
۹	ریخته‌گری تراکتور	۰/۷۳۹	۱۹	ایران خودرو دیزل	۰/۶۵۸
۱۰	دارو اکسیر	۰/۷۳۷	۲۰	قند پیرانشهر	۰/۶۵۶

سوال فرعی ۱: سوال فرعی اول این بود که بهترین شرکت‌ها بر اساس معیارهای نقدی کدام هستند. نگاره ۲، نتایج نهایی رتبه‌بندی شرکت‌ها را بر اساس معیار نقدی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، با استفاده از تکنیک TOPSIS نشان می‌دهد.

طبق نگاره ۲، شرکت دارو لقمان با شاخص نزدیکی نسبی ۰/۹۰۶ رتبه اول و شرکت سایپا آذینبا شاخص نزدیکی نسبی ۰/۹۰۰، رتبه دوم را از نظر این نسبت مالی دارا هستند. بقیه شرکت‌ها در جایگاه‌های بعدی قرار دارند.

سوال فرعی ۲: سوال فرعی دوم این بود که بهترین شرکت‌ها از نظر معیارهای تعهدی کدام هستند. نگاره ۳، نتایج نهایی رتبه‌بندی شرکت‌ها را بر اساس معیار تعهدی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، با استفاده از تکنیک TOPSIS نشان می‌دهد.

نگاره (۳): رتبه‌بندی شرکت‌های مورد مطالعه با استفاده از معیارهای تعهدی

رتبه	شرکت	C_i	رتبه	شرکت	C_i
۱	سیمان خزر	۰/۸۲۹	۱۱	شهد	۰/۷۲۰
۲	کاشی حافظ	۰/۸۲۱	۱۲	سیمان غرب	۰/۷۰۰
۳	شیمیایی فارس	۰/۷۸۹	۱۳	دشت مرغاب	۰/۶۹۸
۴	پاکسان	۰/۷۴۹	۱۴	دارو اکسیر	۰/۶۹۶
۵	قند مرو دشت	۰/۷۴۸	۱۵	سالمین	۰/۶۹۶
۶	دارو ابوریحان	۰/۷۴۳	۱۶	دارو امین	۰/۶۹۰
۷	شیشه همدان	۰/۷۴۲	۱۷	دارو عبیدی	۰/۶۸۹
۸	کارتن ایران	۰/۷۴۰	۱۸	دارو داملمران رازک	۰/۶۸۶
۹	دارو اسوه	۰/۷۳۷	۱۹	کاشی پارس	۰/۶۷۴
۱۰	دارو لقمان	۰/۷۳۴	۲۰	قند پیرانشهر	۰/۶۷۲

طبق نگاره ۳، شرکت سیمان خزر با شاخص نزدیکی نسبی ۰/۸۲۹ رتبه اول و شرکت کاشی حافظ با شاخص نزدیکی نسبی ۰/۸۲۱، رتبه دوم را از نظر این نسبت مالی دارا هستند. بقیه شرکت‌ها در جایگاه‌های بعدی قرار دارند.

آزمون فرضیه اول

در خصوص آزمون فرضیه اول پژوهش، معنی‌داری اختلاف شاخص‌های نزدیکی نسبی، بین معیارهای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران مورد بررسی قرار گرفت. آزمون فریدمن یک آزمون ناپارامتریک است که برای مقایسه میانگین رتبه‌ها در بین گروه استفاده می‌کنیم. به دلیل استفاده از شاخص‌های نزدیکی نسبی در تکنیک TOPSIS، از این آزمون استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون در نگاره شماره ۴ نشان داده شده است.

نگاره (۴): نتایج حاصل از معنی‌دار بودن اختلاف شاخص نزدیکی نسبی با استفاده از آزمون

فریدمن

نتیجه H_0	Sig	درجه آزادی	آزمون
عدم رد	۰/۹۱۲	۲	آزمون فریدمن

نتیجه حاصل از آزمون فریدمن نشان می‌دهد که اختلاف در شاخص نزدیکی نسبی شرکت‌های مورد مطالعه معنادار نیست.

آزمون فرضیه دوم

برای آزمون رگرسیون مرکب، بررسی پیش‌فرض همبستگی آماری انجام شد. به دلیل ناپارامتریک بودن داده‌های شاخص‌های نزدیکی نسبی، از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده گردید. رابطه معیارهای نقدی و تعهدی با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن، در نگاره ۵ نشان داده شده است.

نگاره (۵): نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن جهت تعیین بهترین معیار

معیار تصمیم‌گیری	معیارهای نقدی	معیارهای تعهدی	کل معیارهای تحقیق
معیارهای نقدی	۱	۰/۷۰۱ (۰/۰۰۰)	۰/۸۶۴ (۰/۰۰۰)
معیارهای تعهدی	۰/۷۰۱ (۰/۰۰۰)	۱	۰/۸۷۶ (۰/۰۰۰)
کل معیارهای تحقیق	۰/۸۶۴ (۰/۰۰۰)	۰/۸۷۶ (۰/۰۰۰)	۱

اعداد داخل پرانتز مقادیر بحرانی (p-value) را نشان می‌دهد.

نگاره ۵ نشان می‌دهد که معیارهای نقدی و با یکدیگر همبستگی دارند. افزون بر این، هر دو معیار نقدی و تعهدی، با رتبه‌بندی کل همبستگی معنی‌دار دارند. بنابراین، برای تصمیم‌گیری باید از هر دو این معیارها استفاده نمود.

نگاره‌های ۶ تا ۸ نتایج حاصل از رگرسیون معیارهای نقدی و تعهدی را با رتبه‌بندی کل، نشان می‌دهد.

نگاره (۶): خلاصه مدل رگرسیون با شاخص‌های نزدیکی نسبی معیارهای نقدی و تعهدی

مدل	R	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R ²)
۱	۰/۹۷۳	۰/۹۴۶	۰/۹۴۵

نگاره (۷): تحلیل واریانس رگرسیون (ANOVA) با شاخص‌های نزدیکی نسبی معیارهای

نقدی و تعهدی

مدل	درجه آزادی (df)	میانگین مجذور (Mean Square)	آماره آزمون (f)	سطح معنی‌داری (Sig)
رگرسیون (Regression)	۲	۱/۴۲۹	۹۳۴/۳۱۰	۰/۰۰۰
باقی‌مانده (Residual)	۱۰۶	۰/۰۰۲		
جمع (total)	۱۰۸			

نگاره (۸): ضرایب رگرسیون (Coefficients) با شاخص‌های نزدیکی نسبی معیارهای نقدی و

تعهدی

مدل	ضرایب استاندارد نشده (B)	انحراف معیار (Std. Error)	ضرایب استاندارد شده (Beta)	آماره آزمون (t)	سطح معناداری (Sig)
ثابت (Constant)	۰/۰۲۱	۰/۰۱۲		۱/۷۱۳	۰/۰۹۰
شاخص‌های نزدیکی نسبی معیار نقدی	۰/۴۴۸	۰/۰۳۵	۰/۵۰۹	۱۲/۷۹۵	۰/۰۰۰
شاخص‌های نزدیکی نسبی معیار تعهدی	۰/۴۹۴	۰/۰۳۹	۰/۵۰۹	۱۲/۸۰۷	۰/۰۰۰

نگاره ۶ نشان می‌دهد که قدرت مدل ۰/۹۴۶ است. بنابراین، معیارهای نقدی و تعهدی، ۹۴/۶٪ از معیار کل را تبیین می‌نمایند. همچنین، سطح معنی‌داری صفر در نگاره شماره ۷، که کمتر از ۵ درصد است بیانگر خطی بودن متغیرهای وابسته (شاخص‌های نزدیکی نسبی کل معیارها) و مستقل (شاخص‌های نزدیکی نسبی معیارهای نقدی و تعهدی) آزمون است. افزون بر این، با توجه به سطح معنی‌داری ضرایب رگرسیون در نگاره شماره ۸، فرض برابری صفر ضریب شاخص‌های نزدیکی نسبی معیارهای نقدی و تعهدی رد می‌شود. بنابراین این دو معیار با رتبه‌بندی کل رابطه معنادار دارند.

رتبه‌بندی شرکت‌های مورد مطالعه با استفاده از مبانی نظری و معیارهای تئوریک که با استفاده از متون تعیین شدند، انجام گرفت. نگاره ۹ میزان حجم معاملات نمونه را در سال ۱۳۹۲ بین ۲۰ شرکت اول نمونه این پژوهش نشان می‌دهد.

نگاره (۹): رتبه‌بندی ۲۰ شرکت اول نمونه از نظر حجم معاملات

رتبه	شرکت	حجم معامله	رتبه	شرکت	حجم معامله
۱	ایران خودرو	۵۵۳۲۴۴۹۳۱۸	۱۱	سیمان شرق	۶۹۱۳۴۶۶۶۵
۲	سایپا	۳۵۳۳۰۷۰۶۳۵	۱۲	سیمان سپاهان	۶۴۱۶۰۰۸۹۶
۳	گروه بهمن	۳۳۰۰۰۹۲۹۴۲	۱۳	کالسیمین	۵۷۱۳۳۲۹۲۳
۴	زامیاد	۲۷۳۲۶۹۹۷۲۷	۱۴	کرین ایران	۵۱۷۰۴۵۶۳۶
۵	توسعه صنایع بهشهر	۱۷۷۰۴۳۸۷۸۴	۱۵	لوله و ماشین‌سازی	۳۷۴۵۷۶۲۲۸
۶	آذراب	۱۴۱۵۶۲۷۲۳۴	۱۶	ملی سرب و روی	۳۳۱۱۰۱۶۸۸
۷	معادن روی ایران	۱۰۶۶۲۴۵۶۱۵	۱۷	پتروشیمی شازند	۳۲۴۱۵۹۰۲۲
۸	داده‌پردازی ایران	۹۹۲۸۴۴۴۴۹	۱۸	شیشه همدان	۳۰۹۰۲۷۶۴۳
۹	ایران خودرو دیزل	۹۱۹۴۵۴۵۲۵	۱۹	صنعتی دریایی	۲۶۸۴۹۱۲۵۳
۱۰	مس باهنر	۷۳۸۵۹۸۲۳۹	۲۰	نیرو محرکه	۲۲۶۱۹۵۳۲۰

با توجه به نگاره ۹، شرکت ایران خودرو بیشترین حجم معامله را در سال ۱۳۹۲ به خود اختصاص داده است. سپس، شرکت‌های سایپا و گروه بهمن بیشترین حجم معامله را دارا بودند.

بحث و نتیجه‌گیری

برای پاسخ به سوال اصلی پژوهش و دو سوال فرعی مربوط، شرکت‌های مورد مطالعه بر اساس هر دو معیار نقدی و تعهدی (۶ سنجه) رتبه‌بندی گردیدند که در نگاره ۱ نشان داده شده است. همچنین، شرکت‌ها طبق معیارهای نقدی (سود تقسیمی، جریان وجه نقد عملیاتی و جریان نقد آزاد) در نگاره ۲ و معیارهای تعهدی (سود عملیاتی، سود هر سهم و سود انباشته) در نگاره ۳، رتبه‌بندی شدند. به منظور پاسخ به فرضیه اول، طبق نگاره ۴ معناداری اختلاف شاخص نزدیکی نسبی حاصل از هر یک از معیارها و همچنین کل معیارها مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاکی از نبود اختلاف معنادار بین شاخص‌های نزدیکی نسبی بود. افزون بر این، در بررسی فرضیه دوم، نتایج نشان داد که هر دو معیار نقدی و تعهدی رابطه معنادار با رتبه‌بندی کل دارند، لذا برای تصمیم‌گیری باید بر هر دو معیار مذکور تاکید نمود. از طرفی، مقایسه حجم معاملات شرکت‌ها بیانگر متفاوت بودن تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران در بازار و الگوهای نظری علمی است. بنابراین، این مطلب نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران از الگوهای علمی و جنبه‌های تئوریک، به نحو احسن بهره نمی‌برند.

تعیین شرکت‌های برتر با استفاده از الگوی تصمیم‌گیری سهامداران و استفاده از تکنیک TOPSIS برای اولین بار مورد استفاده قرار گرفته است، بنابراین با پژوهش‌های دیگر قابل مقایسه نیست. از طرفی به طور کلی با سایر پژوهش‌ها هم‌راستا است.

بهرام‌فر و مهرانی (۱۳۸۳) رابطه سود هر سهم، سود تقسیمی و سرمایه‌گذاری در بورس را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که بین این عوامل رابطه معنادار وجود دارد. انواری‌رستمی و همکاران (۱۳۸۹) نیز، دریافتند که برای سرمایه‌گذاران، سود هر سهم برای آنان اهمیت زیادی دارد. همچنین، سود تقسیمی نیز در دوره‌های بلندمدت، می‌تواند دارای محتوای افزاینده اطلاعاتی باشد. پورحیدری و قاسمیان‌سقی (۱۳۸۹) و سینایی و همکاران (۱۳۹۰) نیز تاکید بر سود تقسیمی و جریان نقدی عملیاتی داشتند که نتایج این پژوهش نیز نشان داد که معیارهای نقدی سود تقسیمی و معیار تعهدی سود هر سهم، در امر سرمایه‌گذاری بسیار مهم هستند.

پارک و ژنگ (۲۰۱۳)؛ فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳)؛ هاشمی و کمالی (۱۳۸۹) و مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۸۹) نیز تاکید بر جریان نقد آزاد و جریان وجه نقد عملیاتی بر تصمیم‌گیری داشتند که یافته این تحقیق حاکی از اهمیت معیار نقدی جریان نقد آزاد بود.

وکیلی فرد و افتخارنژاد (۱۳۸۸) دریافتند که سود انباشته و توزیع شده توأم بر روی سودآوری آتی تأثیر گذار می‌باشد. این پژوهش نیز حاکی از اهمیت معیار تعهدی سود انباشته بود.

سسمه و همکاران (۲۰۰۹) و یالسین و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند که تکنیک TOPSIS برای رتبه‌بندی شرکت‌ها مناسب است. در این پژوهش نیز از این تکنیک برای تعیین شرکت‌های برتر استفاده گردید.

براساس نتایج این پژوهش، پیشنهادات کاربردی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱) پژوهشگران، سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران برای مطالعات خود، هم از معیارهای نقدی و هم معیارهای تعهدی بهره‌مند گردند.

۲) سازمان بورس اوراق بهادار با استفاده از تکنیک TOPSIS، به صورت مستمر اقدام به رتبه‌بندی و ارزیابی شرکت‌ها نماید.

۳) تحلیل‌گران بورس، برای تجزیه و تحلیل سهام شرکت‌ها از هر دو معیار نقدی و تعهدی، استفاده نمایند.

۴) سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری در خصوص انتخاب گزینه سرمایه‌گذاری، به معیارهای این مطالعه توجه نمایند.

۵) نویسندگان و پژوهشگران در کتاب‌ها و مقالات، اقدام به واکاوی بیشتر نسبت به معیارهای نقدی و تعهدی، و به کارگیری آن‌ها در امر تصمیم‌گیری نمایند.

همچنین براساس یافته‌های این تحقیق پیشنهادات زیر به محققین آتی ارائه می‌گردد:

۱) توصیه می‌شود، پژوهشگران برای مطالعات خود علاوه بر معیارهای مالی، از معیارهای غیرمالی نیز استفاده نمایند.

۲) رتبه‌بندی شرکت‌ها در صنعت و براساس دیگر شاخص‌ها نیز انجام پذیرد.

پی‌نوشت

- | | |
|----------------------------|--|
| ۱ Earnings Per Share (EPS) | ۲ Dividend Per Share (DPS) |
| ۳ Free Cash Flow | ۴ Technique for Order Performance by Similarity to Ideal Solution (TOPSIS) |
| ۵ Compensatory Method | ۶ Fuzzy Analytic Hierarchy Process (FAHP) |

منابع

- اصغرپور، محمد جواد. (۱۳۸۷). تصمیم‌گیری چند معیاره، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- افشاری، اسدالله. (۱۳۷۸). مدیریت مالی در تئوری و عمل، چاپ اول، جلد اول، تهران: انتشارات سروش.
- انواری‌رستمی، علی‌اصغر؛ امینی، پیمان و گودرزی، علیرضا. (۱۳۸۹). بررسی سودمندی اطلاعات جریان‌های نقدی، سودآوری و سود تقسیمی (آزمون تجربی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). حسابداری مالی، شماره ۶، دوره ۲، صص ۳۷-۱۹.
- آذر، عادل و رجب زاده، علی. (۱۳۸۷). تصمیم‌گیری چند معیاره، چاپ دوم، تهران: انتشارات نگاه دانش.
- بهرام‌فر، نقی و مهرانی، کاوه. (۱۳۹۱). رابطه بین سود هر سهم، سود تقسیمی و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۶، دوره ۱۱، صص ۴۶-۲۷.
- پورحیدری، امید و قاسمیان‌سقی، علی. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین تغییرات جریان‌های نقدی عملیاتی و تغییرات سود تقسیمی با توجه به ویژگی‌های خاص شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های حسابداری، شماره ۱، دوره ۲، صص ۶۶-۳۹.
- حیدرپور، فرزانه و زارع‌رفیع، سمیه. (۱۳۹۳). تأثیر متغیرهای سود تقسیمی و فرصت‌های رشد بر رابطه کیفیت گزارش‌گری مالی و نوسان‌پذیری بازده سهام. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۲، سال ۶، صص ۲۴۷-۲۱۳.

- خواجوی، شکراله؛ نجفی، زهرا؛ و زین‌الدین‌زاده، سارا. (۱۳۹۱). به‌کارگیری مدل‌های پیش‌بینی خاکستری و نمو هموار ساده جهت پیش‌بینی جریان نقد آزاد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار*، شماره ۱۳، صص ۳۴-۲۱.
- ستایش، محمدحسین. (۱۳۸۲). مقایسه قدرت پیش‌بینی سود خالص و سود عملیاتی. *پیشرفت‌های حسابداری*، شماره ۲، دوره ۱۹، صص ۱۲۴-۱۱۳.
- سعیدی، پرویز و کلامی، عبدالحکیم. (۱۳۸۸). تأثیر تغییر قانون مالیات بر درآمد شرکت‌ها بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های تولیدی. *مدیریت صنعتی*، شماره ۷، دوره ۳، صص ۱۱۲-۹۳.
- سینایی، حسنعلی؛ سلگی، محمد و محمدی، کامران. (۱۳۹۱). تأثیر فرصت‌های رشد بر رابطه بین ساختار سرمایه، سود تقسیمی و ساختار مالکیت با ارزش شرکت. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، شماره ۴، دوره ۳، صص ۱۰۲-۸۷.
- کردستانی، غلامرضا و علیپوراصل، احد. (۱۳۸۹). بررسی نحوه قیمت‌گذاری فروش، بهای تمام شده کالای فروش رفته و جریان نقدی آزاد در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، شماره ۸، دوره ۲، صص ۲۱-۱.
- کمیته تدوین استانداردهای حسابداری سازمان حسابرسی. (۱۳۹۱). *استانداردهای حسابداری*. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی.
- مراذزاده‌فرد، مهدی؛ قیطاسی، روح‌اله و مسجد موسوی، میرسجاد. (۱۳۸۹). بررسی میزان ارتباط جریان نقد آزاد شرکت و جریان نقد آزاد سهام‌دار با ارزش بازار سهام (مورد مطالعه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). *مطالعات مالی*، شماره ۷، صص ۱۸-۱.
- مهدوی، غلامحسین و نمازی، نویدرضا. (۱۳۹۰). رتبه‌بندی عوامل موثر بر خطر حسابرسی با استفاده از تکنیک topsis. *دانش حسابرسی*، شماره پیاپی ۴۵، سال یازدهم، صص ۵۰-۲۸.
- مهرگان، محمدرضا و دهقان‌نیری، محمود. (۱۳۸۸). رویکرد منسجم bsc-topsis جهت ارزیابی دانشکده‌های مدیریت برتر دانشگاه‌های استان تهران، *مدیریت صنعتی*، شماره ۲، صص ۱۶۸-۱۵۳.
- نمازی، نویدرضا. (۱۳۹۰). رتبه‌بندی عوامل موثر بر خطر حسابرسی با استفاده از تکنیک topsis. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
- ودیعی، محمدحسین و شکوهی‌زاده، محمود. (۱۳۹۱). بررسی معیارهای مالی موثر بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار. *دانش حسابداری*، شماره ۸، صص ۱۷۱-۱۵۱.
- وکیلی‌فرد، حمیدرضا و افتخارنژاد، فرشته. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر سود انباشته و توزیع شده بر سودآوری آتی و بازدهی سهام. *حسابداری مالی و حسابرسی*، شماره ۱، دوره ۴، صص ۱۰۷-۷۷.

- هاشمی، سیدعباس و کمالی، احسان. (۱۳۸۹). تأثیر افزایش تدریجی اهرم مالی، میزان جریان نقدی آزاد و رشد شرکت بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، شماره ۲، دوره ۱، صص ۹۵-۱۱۵.
- Delen, D. ; Kuzey, C. & Uyar, A. (2013). Measuring Firm Performance Using Financial Ratios: A Decision Tree Approach. *Expert Systems with Applications*, No. 10, Vol. 40, pp 3970-3983 .
- Francis, Bill; Hasan, Iftekhar; Song, Liang & Waisman, Maya. (2013). Corporate Governance and Investment-Cash Flow Sensitivity: Evidence from Emerging Markets. *Emerging Markets Review*, Vol. 15, pp 57-71 .
- Fu, C. & Yang, S. (2012). The Combination of Dependence-Based Interval-Valued Evidential Reasoning Approach with Balanced Scorecard for Performance Assessment. *Expert Systems with Applications*, No. 3, Vol. 39, pp 3717-3730 .
- Mardani, Abbas; Jusoh, Ahmad and Kazimieras Zavadskas, Edmundas. (2015). Fuzzy Multiple Criteria Decision-Making Techniques and Applications – Two Decades Review from 1994 to 2014, *Expert Systems with Applications*, In press.
- Park, Kwangmin & Jang, SooCheong (Shawn). (2013). Capital Structure, Free Cash Flow, Diversification and Firm Performance: A Holistic Analysis. *International Journal of Hospitality Management*, Vol. 33, pp 51-63 .
- Seçme, N. Y. ; Bayrakdaroğlu, A. & Kahraman, C. (2009). Fuzzy Performance Evaluation in Turkish Banking Sector Using Analytic Hierarchy Process and TOPSIS. *Expert Systems with Applications*, No. 9, Vol. 36, pp 11699-11709 .
- Yalcin, N. ; Bayrakdaroglu, A. & Kahraman, C. (2012). Application of Fuzzy Multi-Criteria Decision Making Methods for Financial Performance Evaluation of Turkish Manufacturing Industries. *Expert Systems with Applications*, No. 1, Vol. 39, pp 350-364

اندازه‌گیری هزینه سرمایه بر اساس مدل مبتنی بر متغیرهای بنیادی و مقایسه آن با مدل‌های رایج در بازار

ابراهیم نوروزبگی*، علی ثقفی**، مهدی مرادزاده‌فرد***

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۴/۱۴

چکیده

ریسک و بازده از جمله مفاهیم اساسی در ادبیات مالی به شمار می‌رود که در نهایت در قالب هزینه سرمایه تجلی می‌یابد. هزینه سرمایه در تصمیمات تأمین مالی و سرمایه‌گذاری، نقش اساسی ایفا می‌کند و همواره یکی از دغدغه‌های اصلی سرمایه‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان مالی بوده است. در این تحقیق تلاش شده است تا بر اساس مدلی بنیادی، هزینه سرمایه اندازه‌گیری و سپس همبستگی آن با هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه برآورد شده از مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و مدل فاما و فرنچ مقایسه شود. نتایج حاصل از بررسی ۸۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹ نشان داد که هزینه سرمایه به دست آمده از مدل مبتنی بر متغیرهای حسابداری در مقایسه با هزینه سرمایه برآوردی از دو مدل مذکور همبستگی بیشتری با هزینه سرمایه ضمنی دارد و از این رو می‌تواند به استفاده‌کنندگان یاری بسیاری در ارزیابی و اتخاذ تصمیم نماید. این در حالی است که علی‌رغم آشنایی کمتر محققان و فعالان بازار، محاسبه ریسک مبتنی بر اطلاعات حسابداری کار پیچیده‌ای تلقی نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: معیارهای ریسک مبتنی بر اطلاعات حسابداری، هزینه سرمایه، بتای مازاد بازده حقوق

صاحبان سهام، مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و مدل فاما و فرنچ.

طبقه بندی موضوعی: G10

* دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) (Noruzbeigi@gmail.com)

** استاد حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، (ali_saghafi111@yahoo.com)

*** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، (moradzadehfard@gmail.com)

مقدمه

سودمندی اطلاعات حسابداری در پیش‌بینی بازده و ریسک اوراق بهادار همواره از موضوعات بحث برانگیز حسابداری بوده است و محققان بسیاری در این زمینه کوشیده‌اند. بیشتر تحقیقات حسابداری از قیمت‌ها و یا بازده سهام جهت محاسبه ریسک استفاده کرده‌اند و کمتر برای اندازه‌گیری ریسک از اطلاعات حسابداری بهره برده‌اند؛ درحالی‌که اعتقاد بر آن است که اطلاعات تهیه شده از سیستم حسابداری یکی از مهمترین منابع اطلاعاتی استفاده‌کنندگان است و قاعدتاً باید در تبیین ریسک هم سودمند باشد. چنانچه اطلاعات حسابداری بتواند بازده یا ریسک اوراق بهادار را تبیین کند، می‌تواند مبنایی فراهم سازد که از ارقام حسابداری به همراه مدل ارزشیابی سود باقی‌مانده، در محاسبه و اندازه‌گیری ریسک شرکت استفاده شود و در صورت فقدان داده‌های مورد نیاز جهت محاسبه مقادیر ریسک بر مبنای بازار، از ریسک محاسبه شده بر مبنای سود باقی‌مانده و بازدهی غیرعادی حقوق صاحبان سهام، به عنوان نماینده مناسبی از ریسک، استفاده شود. در چنین صورتی می‌توان ادعا داشت که اطلاعات حسابداری برای تصمیم‌گیری می‌تواند سودمند باشد (بیگلی و فلتام، ۲۰۰۲).

بر اساس مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (CAPM)، تنها عامل ریسک تأثیرگذار بر تصمیمات سرمایه‌گذاران، ریسک سیستماتیک (بتا) می‌باشد. تحقیقات متعدد انجام شده در نقد این مدل، فرض مذکور را رد کرده و اذعان دارد که محرک‌های ریسک دیگری نیز وجود دارند (نکراسو و شروف، ۲۰۰۹). نکته مهم در این میان، نقش و جایگاه اساسی اطلاعات حسابداری در تعیین این ریسک‌ها می‌باشد. اگرچه در برخی از تحقیقات، رابطه میان ریسک و متغیرهای حسابداری آزمون شده است، لیکن به نظر می‌رسد برای بررسی ریسک‌های متوجه شرکت به صورتی جامع، انجام مدل‌سازی بتواند نتایج بهتری را به دنبال داشته باشد. این تحقیق، با استفاده از تئوری سود باقیمانده و با در نظر گرفتن سه فعالیت اصلی شرکت (عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی)، مدلی را جهت تعیین هزینه سرمایه شرکت معرفی و تلاش می‌کند که به شکلی مطلوب، رابطه میان ارقام حسابداری و هزینه سرمایه را تبیین نماید.

تحقیقات ریسک حسابداری، عمدتاً به سه حوزه متفاوت اختصاص داشته است. ادبیات مربوط به دهه ۱۹۷۰، بر نقش متغیرهای حسابداری در برآورد ریسک سیستماتیک متمرکز شده بود (در آن زمان، کارایی بازار نسبت به اطلاعات عمومی، یک اعتقاد عام در میان

محققان تجربی حسابداری بود). طیف دیگری از تحقیقات وجود دارد که بر مبنای پرسشنامه بوده و با استفاده از یک "جایگزین پسین (آتی) ریسک"، اثر معیارهای ریسک حسابداری بر درک تحلیلگران از ریسک را مستند می‌کند (گینر و ریورت، ۲۰۰۶).

اخیراً تحقیقات مرتبط با ریسک، بر رابطه میان ریسک سیستماتیک، متغیرهای حسابداری و سایر متغیرهایی متمرکز شده است که اثرگذاری آن‌ها بر شناخت ریسک توسط سرمایه‌گذاران، همانگونه که به وسیله‌ی هزینه حقوق صاحبان سهام یا صرف ریسک اندازه‌گیری می‌شود، محتمل می‌باشد. بنابراین، تمرکز اصلی در اینجا، کسب و کار اصلی یا فعالیت‌های بنیادی است که می‌تواند بر کل ریسک و نه فقط بتا تأثیر بگذارد. با انجام مطابقت میان ریسک بنیادی و بتا می‌توان بیان نمود که ریسک بنیادی، منابع ریسک را با در نظر گرفتن کسب و کار اصلی توضیح می‌دهد.

به منظور شناسایی متغیرهای اساسی حسابداری، از مدل سود باقیمانده استفاده شده است. محرک‌های سود باقیمانده، به طور دقیقی فعالیت‌های اصلی یک شرکت را منعکس می‌کند و می‌تواند مبنای مناسبی جهت بررسی ریسک بنیادی موجود در یک شرکت باشد. همان محرک‌هایی که از سود باقیمانده به دست می‌آید، می‌تواند از سطح مورد انتظار خارج شده و ریسک را توضیح دهد. سودهای باقیمانده، بوسیله بازده سهام عادی و رشد در سرمایه‌گذاری‌ها ایجاد می‌شود. بنابراین، "ریسک"، از طریق میزان احتمالی که یک شرکت، بازده سهام عادی پیش‌بینی شده را به دست نیآورد یا سرمایه‌گذاری‌ها به منظور تحصیل بازده سهام عادی رشد نمایند، تعیین می‌گردد (رحمانی و معتمدی، ۱۳۸۸).

از آنجا که تنها جریان نقدی حاصل از خرید سهام، سود تقسیمی است، رایج‌ترین مدل ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سهام، مدل تنزیل سود تقسیمی به شمار می‌رود که ارزش یک سهم را برابر با ارزش فعلی سودهای تقسیمی مورد انتظار در نظر می‌گیرد و در صورتی که تغییرات در مبالغ دفتری تنها از طریق سودهای خالص و سودهای تقسیم شده صورت پذیرد (تئوری مازاد تمیز)، مدل سود باقی‌مانده می‌تواند جایگزینی برای مدل تنزیل سودهای تقسیم شده، در نظر گرفته شود (نکراسو و شروف، ۲۰۰۹).

طبق مدل سود باقی‌مانده، ارزش مجموع مبلغ دفتری و ارزش فعلی سودهای باقی‌مانده مورد انتظار آتی است که مقصود از سودهای باقی‌مانده (یا غیرعادی) سودهای مازاد بر بازده عادی مبلغ دفتری ابتدای دوره است.

محققان و فعالان بازار سرمایه، به‌طور قابل ملاحظه‌ای از متغیرهای بنیادی برای برآورد بازده‌ها و از بازده‌ها برای برآورد ریسک استفاده می‌نمایند؛ اما با این حال، به ندرت برای برآورد ریسک، متغیرهای بنیادی را مورد توجه قرار می‌دهند. آگاهی از اجزاء قیمت به استفاده‌کنندگان این امکان را می‌دهد که در تصمیم‌گیری‌های خود مراقب فاکتورهای تأثیرگذار بر ارزش باشند. بخشی از ارزش ناشی از تأثیر تحمل ریسک توسط سرمایه‌گذار است که موجب می‌شود ارزش محاسبه شده کوچکتر از ارزش در شرایط عدم وجود ریسک باشد. این جزء را عموماً صرف ریسک گویند. هدف این تحقیق تسهیل درک و محاسبه جزء صرف ریسک، به‌طوری است که بتوان به شکل معقول آن را از طریق داده‌های در دسترس برآورد کرد. برای این منظور مجموعه نامحدود کوواریانس‌ها در قالب یک کوواریانس منفرد از مازاد بازده‌های حقوق صاحبان سهام و متغیرهای موجود در سطح بازار که از طریق داده‌های تاریخی در اختیار باشند در نظر گرفته شده‌اند.

در این تحقیق تلاش می‌شود با آزمون تجربی اندازه‌گیری ریسک از طریق متغیرهای بنیادی نظیر بتای بازده غیرعادی حقوق صاحبان سهام، انحراف استاندارد بازده غیرعادی حقوق صاحبان سهام، انحراف استاندارد سود عملیاتی و انحراف استاندارد سود مستمر، به سرمایه‌گذاران، محققان و فعالان بازار سرمایه یاری رساند و سودمندی ارقام حسابداری در ارزیابی‌های بازار از ریسک و قیمت‌گذاری آن را مورد توجه قرار داد.

پیشینه تحقیق

نکراسو و شروف (۲۰۰۹) «اندازه‌گیری ریسک بنیادی در ارزشیابی» را مورد مطالعه قرار دادند. بر اساس نتایج آزمون‌های انجام شده، ریسک بدست آمده به وسیله بتای حسابداری، به‌طور با اهمیتی منجر به اشتباهات ارزشیابی کمتری نسبت به مدل‌های شاخصی مانند مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (CAPM) و مدل سه عاملی فاما و فرنچ می‌گردد؛ و به‌طور

کلی، نتایج تحقیق، مفید بودن ارقام حسابداری در تعیین ریسک و انعکاس آن‌ها به‌عنوان منابع ریسک را ثابت می‌کند (نکراسو و شروف، ۲۰۰۹).

بریمبل و هاجسون (۲۰۰۷) به تحقیق و مطالعه درباره «رابطه میان متغیرهای حسابداری و ریسک سیستماتیک» پرداختند. ایشان در تحقیق خود نشان دادند که متغیرهای بتای حسابداری، تغییرات سود، رشد، نسبت پرداخت سود، نسبت جاری، اهرم مالی، نسبت پوشش بهره و اهرم عملیاتی، بیش از ۵۷٪ تغییرات ریسک سیستماتیک را تبیین می‌نمایند (بریمبل و هاجسون، ۲۰۰۷).

گینر و ریورت (۲۰۰۶) «ریسک وابسته به داده‌های حسابداری در بورس مادرید» را بررسی کردند و با آزمون رابطه شش متغیر انحراف حاشیه سود، انحراف گردش دارایی، متوسط نسبت اهرم بدهی عملیاتی، متوسط اهرم مالی، انحراف هزینه استقراض و انحراف رشد، با هزینه حقوق صاحبان سهام و تأیید این رابطه، نتیجه گرفتند که میان ارقام حسابداری و ریسک، رابطه وجود دارد (گینر و ریورت، ۲۰۰۶).

بگینسکی و واهلن (۲۰۰۳) پیرامون دستیابی به شناخت نقش ریسک در ارزیابی بر مبنای مدل سود باقی‌مانده تحقیق و بررسی نموده و معیار جدیدی بر مبنای حسابداری تأثیر ریسک بر قیمت سهم با استفاده از تفاوت بین قیمت سهم و ارزش بدون ریسک اندازه‌گیری شده با استفاده از مدل سود باقی‌مانده و بازدهی نرخ‌های بدون ریسک ارائه نمودند که به آن تفاوت قیمت اطلاق شده که مقدار تنزیل ریسک ضمنی قیمت‌های سهم را بدست می‌آورد (بگینسکی و واهلن، ۲۰۰۳).

گبهارت، لی و سوامینسان (۲۰۰۱) در تحقیقی با عنوان «به سوی هزینه سرمایه تلویحی» نشان دادند که بتای بازار به تنهایی نمی‌تواند اختلاف مقطعی در ریسک را نشان دهد. همچنین، اهرم مالی، ارتباط مثبتی با صرف ریسک دارد و سرمایه‌گذاران برای شرکت‌های با اهرم مالی بالاتر، ریسک بیشتری قائل هستند (گبهارت، لی و سوامینسان، ۲۰۰۱).

حیدرنیا (۱۳۸۶) به «ارزیابی توانایی مدل مازاد تمیز در ارائه چارچوب پیش‌بینی نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و ارزش دفتری» پرداخت. طبق تحقیق وی، سه متغیر حاشیه سود عملیاتی فروش، نسبت گردش دارایی‌های عملیاتی و اهرم مالی، در تمامی مدل‌های کل شرکت‌های

نمونه و مدل صنایع، با نرخ بازده حقوق صاحبان سهام ارتباط معنادار دارند. دو متغیر نسبت گردش دارایی‌های عملیاتی و اهرم مالی نیز، در پیش‌بینی ارزش دفتری، قابل استفاده هستند (حیدرینیا، ۱۳۸۶).

احمدپور (۱۳۷۸) «مدل پیش‌بینی ریسک سیستماتیک با استفاده از اطلاعات حسابداری» را بررسی نمود. نتایج تحقیق نشان داد که اهرم مالی رابطه‌ای مثبت و اندازه شرکت رابطه‌ای منفی با ریسک سیستماتیک دارند، لیکن میان اهرم عملیاتی و میزان فروش با ریسک سیستماتیک رابطه معناداری مشاهده نگردید (احمدپور، ۱۳۷۸).

پرسش‌های تحقیق

کلاس و توماس (۲۰۰۱) و گبهارت و سومیناتان (۲۰۰۱) بیان می‌دارند که صرف ریسک به دست آمده از داده‌های تاریخی از صرف ریسک جاری بازار بزرگتر است و به سبب آن که مدل قیمت‌گذاری مبتنی بر بازده از صرف ریسک به دست آمده از داده‌های تاریخی استفاده می‌کند دارای جانبداری رو به بالای هزینه سرمایه است.

از این رو می‌توان به عنوان پرسش، همبستگی مقطعی هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی و مقایسه آن با همبستگی مقطعی هزینه سرمایه برآورد شده در مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و مدل فاما و فرنچ با هزینه سرمایه ضمنی را مورد توجه قرار داد و پرسش‌های زیر را مطرح کرد:

۱- آیا هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی در مقایسه با هزینه سرمایه برآورد شده در مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای همبستگی بیشتری با هزینه سرمایه ضمنی است؟

۲- آیا هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی در مقایسه با هزینه سرمایه برآورد شده در مدل فاما و فرنچ دارای همبستگی بیشتری با هزینه سرمایه ضمنی است؟

مدل ارزشیابی و تعیین معیار ریسک مبتنی بر متغیرهای بنیادی

مدل سود باقی مانده نسبت به مدل تنزیل سودهای تقسیم شده و مدل تنزیل جریان‌های نقدی در برآورد معیار ریسک دارای مزیت‌هایی است. به عنوان نمونه، کوواریانس سودهای تقسیم

شده، معیار مناسبی از ریسک را معمولاً ارائه نمی‌دهد؛ چرا که سیاست‌های تقسیم سود در طی زمان عموماً تنوع بسیاری ندارد و تغییر شرایط واحدهای تجاری را با مرور زمان منعکس نمی‌کند.

در صورت صادق بودن رابطه مازاد تمیز:

$$B_t = B_{t-1} + X_t - d_t$$

که B_t ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در تاریخ t و X_t سود دوره t و d_t سودهای تقسیم شده در تاریخ t است.

سود باقی مانده یا غیرعادی (X_{t+j}^a) عبارت است از:

$$X_{t+j}^a = X_{t+j} - r_{t+j-1,t+j}^f B_{t+j-1}$$

با استفاده از روابط بالا و و تفکیک جزء سود باقیمانده موردانتظار و جزء ریسک داریم:

(۱)

$$V_t = \left(B_t + \sum_{j=1}^{\infty} \frac{E_t[\tilde{X}_{t+j}^a]}{R_{t,t+j}^f} \right) + \left(\sum_{j=1}^{\infty} Cov_t[\tilde{m}_{t,t+j}, \tilde{X}_{t+j}^a] \right) \equiv RFPV + Risk.Adjustment$$

همچنین در رابطه بالا RFPV معرف ارزش فعلی محاسبه شده براساس نرخ بدون ریسک است که فرض می‌شود تغییر نخواهد کرد.

معیار ریسک در معادله (۱) یک رقم منفی است و برخلاف رویه عرف، به جای تعدیل فاکتور تنزیل بکار گرفته شده در مخرج کسر مدل ارزش گذاری، به تعدیل بازده‌های مورد انتظار در صورت کسر می‌پردازد.

ارزش فعلی براساس نرخ بدون ریسک

ارزش فعلی براساس نرخ بدون ریسک با فرض دوره محدود با ارزش تسویه در افق زمانی

$t+T$ برابر است با:

$$RFPV_t = B_t + \sum_{j=1}^{T-1} \frac{FEROE_{t+j} E_t [\tilde{B}_{t+j-1}]}{(1+r^f)^j} + \frac{FEROE_{t+T} E_t [\tilde{B}_{t+T-1}]}{(1+r^f)^{T-1} (r^f - g)} \quad (۲)$$

که مازاد مورد انتظار بازده حقوق صاحبان سهام ،

$$FEROE_{t+j} = \frac{E_t [\tilde{X}_{t+j}]}{E_t [\tilde{B}_{t+j-1}]} - r^f$$

بخش سوم معادله فوق بیانگر ارزش تسویه است که با فرض رشد دائمی سودهای باقی مانده در نظر گرفته شده است. $(1+r^f)^j = R_{t,t+j}^f$ و $g =$ نرخ رشد بلندمدت سودهای باقی مانده در نظر گرفته شده است.

در زمان $t+T$ با نرخ g به دست آمده است.

معیار ریسک

می‌توان رابطه زیر را از معادله ۱ استخراج کرد:

$$\text{Risk Adjustment} \approx \sum_{j=0}^{\infty} \frac{E_t [B_{t+j}]}{(1+r^f)^j} \text{Cov}[m, EROE] \quad (۳)$$

در رابطه فوق فرض شده است که کوواریانس بین مازاد بازده حقوق صاحبان سهام و فاکتور تنزیل تصادفی، در طی زمان ثابت است. این موضوع مشابه فرض ثابت بودن بتا در طی زمان در محاسبات مربوط به مدل ارزش گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای است.

با فرض وجود ارزش تسویه با نرخ رشد که در معادله (۲) بیان شد:

$$\text{Risk Adjustment} \approx K_t \text{Cov}[EROE, m] \quad (۴)$$

$$K_t = \left[\sum_{j=0}^{T-1} \frac{E_t (B_{t+j})}{(1+r^f)^j} + \frac{E_t (B_{t+T})}{(1+r^f)^{T-1} (r^f - g)} \right] \quad \text{که}$$

با فرض یک مدل خطی $m = a - \sum_l \lambda_l f_l$ که f_l معرف فاکتور ریسک است؛ این امکان

وجود دارد که معادله (۱) به شرح زیر بازنویسی شود:

$$(RFPV_t - V_t) = -\text{Risk Adjustment} = K_t \sum_l \lambda_l \text{Cov}[EROE, f_l] \quad (۵)$$

از این‌رو، در حالی که الزام مدل کلی، تعیین کوواریانس تمامی بازده‌های آتی است، معادله (۵) صرف ریسک را به یک جزء منفرد ساده می‌کند که می‌توان آن را به سادگی از طریق مجموع موزون کوواریانس‌های مازاد بازده‌های حقوق صاحبان سهام با متغیرهای اقتصادی برآورد کرد (فاما و فرنچ، ۱۹۹۵).

برای برآورد معیار ریسک، از معادله (۵) به منظور محاسبه ریسک قیمتی استفاده خواهد شد:

$$\frac{(RFPV_t - P_t)}{P_t} = \sum_l \lambda_l \frac{K_l Cov[EROE, f_l]}{P_t} \quad (۶)$$

همچنین دو جزء معیار ریسک، یعنی فاکتور حساسیت $K_l Cov[EROE, f_l] / P_t$ و فاکتور صرف (λ_l) به طور جداگانه برآورد می‌شوند.

فاکتور حساسیت یک معیار مختص شرکت است که برابر است با مجموع ارزش‌های دفتری آتی تنزیل شده شرکت ضربدر کوواریانس مازاد بازده حقوق صاحبان سهام و فاکتور مختص بازار (f_l) که براساس P_t مقیاس بندی شده است. فاکتور صرف (λ_l) یک معیار در سطح بازار به شمار می‌رود.

برآورد فاکتور حساسیت

به منظور برآورد $Cov[EROE, fl]$ از سه معیار بنیادی ریسک یعنی بتای حسابداری، بتای فاکتور اندازه و بتای فاکتورنسبت مبلغ دفتری به بازار استفاده شده است.

بتای حسابداری از طریق شیب خط رگرسیون مازاد بازده حقوق صاحبان سهام شرکت بر مازاد بازده حقوق صاحبان سهام بازار برآورد می‌شود. بنابراین بتای حسابداری ریسک متنوع نشده را از طریق تغییرات مشترک بازده شرکت و بازده بازار اندازه می‌گیرد که با بتای بازار مشابه است. مطابق نظر فاما و فرنچ، اگر سهام به طور منطقی قیمت گذاری شود، شرکتهای کوچکتر و نیز شرکتهای دارای نسبت مبلغ دفتری به بازار بزرگتر، بازده‌های بزرگتری خواهند داشت چرا که ریسک بزرگتری را تجربه می‌کنند. فاما و فرنچ معتقدند که فاکتورهای اندازه و نسبت مبلغ دفتری به بازار نهفته در سود، به تبیین این موارد در بازده یاری می‌رسانند. با اتکا بر نتایج تحقیق فاما و فرنچ، در این تحقیق از نسبت سود به مبلغ دفتری سرمایه به عنوان جانشینی

برای فاکتور بازار و نسبت‌های اندازه و مبلغ دفتری به بازار استفاده می‌شود (فاما و فرنچ، ۱۹۹۳؛ فاما و فرنچ، ۱۹۹۲).

برای هر شرکت حساسیت یا بتای مازاد بازده حقوق صاحبان سهام با موارد زیر سنجیده خواهد شد:

الف) مازاد بازده حقوق صاحبان سهام بازار؛

$$EROE_T = \alpha + \beta_{ACCTMKT}.EROE_T + \varepsilon_T \quad (7)$$

ب) بازده حقوق صاحبان سهام پورتنفوی شرکت‌های کوچک منهای شرکت‌های بزرگ؛

$$EROE_T = \alpha' + \beta_{ESMB}SMB.ROE_T + \varepsilon'_T \quad (8)$$

پ) بازده حقوق صاحبان سهام پورتنفوی شرکت‌های دارای نسبت بالای مبلغ دفتری به بازار منهای شرکت‌های دارای نسبت کوچک مبلغ دفتری به بازار؛

$$EROE_T = \alpha'' + \beta_{EHML}HML.ROE_T + \varepsilon''_T, \quad (9)$$

برآورد فاکتور صرف

برای برآورد این فاکتور از رابطه شماره (۶) و اجرای رگرسیون مقطعی به شرح معادله زیر استفاده می‌شود:

(۱۰)

$$\frac{(RFPV_{t-1} - P_{t-1})}{P_{t-1}} = c_1Cov_{ACCT} + c_2Cov_{ESMB} + c_3Cov_{EHML} + \vartheta_{t-1},$$

که، $Cov_{ESMB} = K_{t-1}\hat{\beta}_{ESMB}/P_{t-1}$ ، $Cov_{ACCT} = K_{t-1}\hat{\beta}_{ACCT}/P_{t-1}$ و $Cov_{EHML} = K_{t-1}\hat{\beta}_{EHML}/P_{t-1}$ و c_1 ، c_2 و c_3 فاکتورهای برآورد شده معرف ریسک و ϑ_{t-1} جزء خطا هستند.

$\hat{\beta}_{ACCT}$ ، $\hat{\beta}_{ESMB}$ و $\hat{\beta}_{EHML}$ ضرایب به دست آمده از رگرسیون شماره‌های (۹)، (۱۰) و (۱۱) برای هر شرکت به دست می‌آید. متغیرهای مستقل، مجموع کوواریانس‌های سودهای باقی‌مانده مرتبط با فاکتورهای تأثیرگذار که تو سط P_{t-1} مقیاس بندی می‌شود را

منعکس می‌کند. با این حال، برای برآورد متغیرهای مستقل و به منظور به دست آوردن برآوردهای قابل اتکا از کوواریانس‌ها، در این تحقیق سودهای باقی‌مانده به دو جزء مازاد بازده حقوق صاحبان سهام و ارزش دفتری تجزیه شده‌اند.

رابطه بین معیار قیمتی ریسک^۱ و هزینه سرمایه

صرف ریسک معرفی شده در معادله (۵) بیش از آن که یک معیار مبتنی بر بازده باشد یک معیار مبتنی بر قیمت است. مدل‌های استاندارد قیمت گذاری دارایی‌ها (مدل CAPM و آریترائز) هزینه سرمایه را از طریق استفاده از فاکتور بتا و فاکتورهای برآورد شده از بازده‌ها به دست می‌آورند. هیچگونه مبانی تئوری، برای مدل‌های فوق در خصوص استخراج بتا یا سایر فاکتورها از طریق متغیرهای حسابداری (یا سایر متغیرهای بنیادی) وجود ندارد. علی‌رغم عدم امکان ورود بتاهای حسابداری در فرمول هزینه سرمایه استاندارد، می‌توان متغیرهای بنیادی را در کوواریانس مربوط به صرف ریسک در سطح قیمت‌ها همان‌گونه که در مدل ۵ توضیح داده شده است، وارد نمود. علاوه بر این، امکان تبدیل کوواریانس صرف ریسک (یک معیار قیمتی) به هزینه سرمایه تعدیل شده بر اساس ریسک که مبتنی بر متغیرهای بنیادی است (یک معیار بازدهی) وجود دارد.

با این حال، معادل سازی فوق تنها در یک وضعیت ویژه امکان پذیر است. شرایطی که فرض شود سودهای باقی مانده مورد انتظار پس از دوره $t+1$ با نرخ ثابت g رشد خواهند کرد. همچنین در صورتی که معادله (۵) بر اساس قیمت P_t مقیاس بندی شود، داریم:

(۱۱)

$$K_t \sum \lambda_t Cov[EROE, f_t] / P_t = Covariance Risk/P_t = (E(r) - r^f) / (r^f - g)$$

بازنویسی معادله (۸) در قالب هزینه سرمایه خواهیم داشت:

$$E(r) = r^f + (r^f - g) [Covariance Risk/P_t] \quad (12)$$

بنابراین هزینه سرمایه شرکت ($E(r)$) برابر است با نرخ بدون ریسک به علاوه کوواریانس ریسک مقیاس بندی شده ضربدر فاکتور سرمایه‌ای کردن^۲. (Nekrasov & Sheroff, 2009)

(2009)

نوع و روش پژوهش

تحقیق حاضر را می‌توان از جنبه‌های متفاوتی مورد توجه قرار داد: این تحقیق از دیدگاه تئوری در قلمرو تحقیقات اثباتی قرار می‌گیرد. به سبب استفاده از اطلاعات مربوط به وقایع گذشته، این تحقیق جزء تحقیقات پس‌رویدادی تلقی می‌شود. با توجه به کاربرد رگرسیون در تحلیل آماری، این تحقیق را می‌توان جزء تحقیقات علی دست‌به‌بندی کرد. از لحاظ هدف تحقیق، تحقیقی کاربردی است و در نهایت از لحاظ نحوه‌ی گردآوری داده‌ها و یا به عبارت دیگر از لحاظ روش تحقیق، نوعی تحقیق تجربی در حوزه حسابداری و مالی است که در آن از روابط آماری و مدل‌های ریاضی جهت بررسی و تبیین متغیرهای تحقیق استفاده خواهد شد.

فرضیه‌های تحقیق

بر اساس توضیحات و پرسش‌های فوق، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر است:

فرضیه اول) هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به‌کارگیری متغیرهای بنیادی در مقایسه با هزینه سرمایه برآورد شده در مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای دارای همبستگی بیشتری با هزینه سرمایه ضمنی است.

فرضیه دوم) هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به‌کارگیری متغیرهای بنیادی در مقایسه با هزینه سرمایه برآورد شده در مدل فاما و فرنچ دارای همبستگی بیشتری با هزینه سرمایه ضمنی است.

جامعه و نمونه آماری

محدوده زمانی تحقیق با در نظر گرفتن اطلاعات نزدیک به زمان انجام تحقیق و در دسترس بودن آنها برای دوره ۱۰ ساله از ابتدای سال ۷۶ لغایت پایان سال ۸۹ خواهد بود. همان‌طور که در طرح کلی تحقیق اشاره شد، پیش از آزمون فرضیه‌ها نیاز به تخمین برخی متغیرها وجود دارد که در برآورد آنها از اطلاعات پنج سال پیش از آزمون فرضیه، استفاده خواهد شد. به عبارت دیگر محدوده زمانی اصلی پس‌آزمونها سالهای ۸۲ تا ۸۹ است و محدوده زمانی پیش‌آزمونها پنج سال پیش از اجرای آزمون است. با توجه به قلمرو مکانی تحقیق، جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است. شرکت‌های نمونه به

صورت حذفی و بر اساس شرایط زیر انتخاب خواهد شد: تا ابتدای سال ۷۶ در بورس تهران پذیرفته شده باشد و تا پایان سال ۸۹ در بورس فعال بوده و از فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس حذف نشده باشد. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره‌ی مالی آنها، منتهی به اسفند ماه باشد. طی سال‌های مالی مذکور زیان‌ده نباشد. داده‌های مورد نظر آنها در دسترس باشد. آشکار است که در صورت عدم دسترسی به داده‌های مورد نیاز امکان اجرای تحقیق میسر نخواهد بود. شرکت سرمایه‌گذاری نباشد. با مدنظر قراردادن محدودیت‌های فوق، جامعه آماری این تحقیق، شامل ۸۸ شرکت (۷۰۴ مشاهده شرکت-سال) می‌شود که به دلیل محدود بودن تعداد شرکت‌های جامعه آماری، تمام ۸۸ شرکت، بررسی شدند. به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، از نرم‌افزار تدبیرپرداز و صورت‌های مالی شرکت‌های تحت بررسی استفاده شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها از طریق صفحات گسترده، طبقه‌بندی، محاسبه، و با استفاده از بسته نرم‌افزاری SPSS پردازش گردید.

متغیرهای تحقیق

الف- متغیرهای بنیادی

بازده حقوق صاحبان سهام (ROE): بازده حقوق صاحبان سهام که از طریق تقسیم سود هر سهم بر مبلغ دفتری ابتدای دوره هر سهم محاسبه می‌شود.

مازاد بازده حقوق صاحبان سهام (EROE): بازده حقوق صاحبان سهام باقی‌مانده پس از کسر بازده‌ای به اندازه نرخ بدون ریسک از مبلغ دفتری ابتدای دوره

بتای مازاد بازده حقوق صاحبان سهام (β_{EROE}): معرف ریسک سیستماتیک بازده غیرعادی حقوق صاحبان سهام است که از کوواریانس بین بازده غیرعادی حقوق صاحبان سهام و بازده غیرعادی حقوق صاحبان سهام کل نمونه تعیین می‌شود.

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام (Ln BM): این متغیر نیز بر اساس تحقیق فاما و فرنچ (۱۹۹۲) در نظر گرفته شده است. آنها بدین نتیجه رسیدند که میانگین بازدهی با نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام رابطه مستقیم و مثبتی دارد. نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام از طریق لگاریتم طبیعی

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در انتهای هر سال اندازه‌گیری می‌شود (فاما و فرنچ، ۱۹۹۲).

ب- سایر متغیرها

قیمت سهم (P): قیمت هر سهم بلافاصله بعد از مجمع شرکت.

ارزش دفتری هر سهم (BPS): ارزش دفتری هر سهم عادی در ابتدای سال.

نسبت تقسیم سود: سود تقسیم شده هر سهم تقسیم بر سود هر سهم واقعی.

بازده حقوق صاحبان سهام پیش‌بینی شده: سود هر سهم پیش‌بینی شده تقسیم بر مبلغ دفتری پیش‌بینی شده هر سهم.

نرخ رشد بلند مدت: میانگین هندسی نرخ رشد بلند مدت سود هر سهم.

نرخ بازده بدون ریسک: نرخ بهره اوراق مشارکت دولتی در طی سالهای انجام تحقیق به‌عنوان نرخ بازده بدون ریسک استفاده می‌شود.

هزینه سرمایه بر اساس مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای: نرخ محاسبه شده براساس مدل تک متغیره CAPM.

$$ER_{CAPM} = ER_F + \beta_M (ER_M - ER_F)$$

که ER_F نرخ بازده بدون ریسک، ER_M نرخ بازده بازار و β_M بتای بازار است که خود از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$\beta_M = \frac{Cov[ER_i, ER_M]}{\sigma_M^2}$$

هزینه سرمایه بر اساس مدل فاما و فرنچ: نرخ محاسبه شده براساس مدل سه متغیره فاما و فرنچ.

$$ER_{F\&F} = ER_F + \beta_M (ER_M - ER_F) + \beta_{ESMB} SMB_t + \beta_{EHML} HML_t + e_t$$

هزینه سرمایه ضمنی (ICOE): نرخ محاسبه شده بر اساس مدل سود باقی مانده جهت دستیابی به قیمت جاری سهام که با متغیرهای به کار گرفته شده در برآورد ارزش فعلی بدون ریسک به دست آمده است.

اندازه (LnSize): اندازه شرکت که در قالب لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام محاسبه می شود.

نسبت اهرمی: نسبت بدهی‌های بلند مدت به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام سال گذشته.

کوواریانس ریسک (تک فاکتوری): برآوردی از داده‌های خارج از نمونه و مختص شرکت که با استفاده از فاکتور بتای حسابداری صورت می گیرد.

کوواریانس ریسک (سه فاکتوری): برآوردی از داده‌های خارج از نمونه و مختص شرکت که با استفاده از فاکتور بتای بازار، اندازه و نسبت مبلغ دفتری به بازار صورت می گیرد.

بازده مورد انتظار: فاکتوری مختص شرکت که با استفاده از کوواریانس ریسک تک و سه متغیره و بر اساس رابطه شماره (۱۲) به دست می آید.

روش آماری آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌های این تحقیق، ابتدا به شرح معادلات زیر، همبستگی نرخ هزینه سرمایه ضمنی با معیار ریسک مبتنی بر متغیرهای بنیادی، نرخ هزینه سرمایه بر اساس مدل قیمت گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و نرخ هزینه سرمایه بر اساس مدل فاما و فرنچ در سه سطح شرکت، پرتفوهای سهام و صنعت سنجیده شده است.

$$\frac{CovarianceRisk_{it}}{P_{it}} = a + c_4 \times ICOE_{it} + e_{it}$$

$$ER_{CAPM_{it}} = a + c_5 \times ICOE_{it} + e_{it}$$

$$ER_{F\&F_{it}} = a + c_6 \times ICOE_{it} + e_{it}$$

به منظور قضاوت در مورد همبستگی بیشتر هزینه سرمایه برآورد شده از مدل بنیادی با هزینه سرمایه ضمنی نسبت به دو مدل رایج بازار، بزرگ‌تر بودن ضریب همبستگی کفایت نمی کند بلکه ضرایب فوق باید اختلاف معناداری نسبت به یکدیگر داشته باشند. در این پژوهش جهت

آزمون معناداری اختلاف ضرایب از نرم افزار Eviews و آزمون ونگ استفاده شد. با استفاده از این آزمون فرض زیر مورد بررسی قرار گرفت:

عدم وجود تفاوت معنادار آماری بین ضرایب: H_0

وجود تفاوت معنادار آماری بین ضرایب: H_1

یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن

نگاره (۱): شاخص‌های آمار توصیفی مربوط به داده‌های تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی	حداکثر	حداقل
سود هر سهم	۱۱۳۰/۶۵	۷۸۲	۰/۱۱۵۵ ۷۵	۲/۶۵	۹/۷۴	۸۷۱۳	۲/۴۴
هزینه سرمایه CAPM	۰/۵۲	۰/۱۷	۲/۲۷	۱/۷۵	۱۱/۷۷	۱۹/۱۴	-۸/۸۵
هزینه سرمایه فاما و فرنچ	۰/۷۰	۰/۰۶	۱۴/۷۶	۲۶/۳۳	۶۹۶/۸۰	۳۹۰/۸۷	-۱۰/۸۰
کوواریانس ریسک در مدل ۳ فاکتوره	۱۱۷۷	۱۲۶۸	۲۸۵۲۸	-۸/۵۷	۱۶۴/۴۴	۲۲۸۹۷۹	-۴۹۶۹۰۳
کوواریانس ریسک در مدل ۱ فاکتوره	۵۹۶۴	۱۶۶۰	۱۰۰۷۲۱	۲۴/۹۹	۶۵۲/۶۹	۲۶۲۴۵۰۱	-۳۷۰۸۹۳
بازده مورد انتظار در مدل ۳ فاکتوره	۰/۱۴	۰/۲۲	۲/۲۰	-۲۳/۵۲	۵۸۹/۲۴	-۲/۴۸	-۵۵/۵۵
بازده مورد انتظار در مدل ۱ فاکتوره	۰/۴۸	۰/۲۴	۵/۸۵	۲۶/۳۶	۶۹۸	۱۵۵	-۴/۳۶
نرخ ضمنی هزینه سرمایه	۰/۲۰	۰/۱۸	۰/۱۲	۲/۹۸	۲۲/۰۱	۱/۴۶	۰/۰۰۰

میانگین بازده مورد انتظار در مدل سه متغیره ۱۴٪ و انحراف معیار آن ۲/۲۰ است. این مقادیر برای مدل تک متغیره ۴۸٪ و ۵/۸۵ محاسبه شده است. بیشترین بازده مورد انتظار را در مدل سه متغیره شرکت نیرو محرکه در سال ۱۳۸۶ و کمترین مقدار را شرکت سایپا در همان سال داشته است. این مقادیر در مدل تک متغیره ۱۵۵٪ برای شرکت سالمین در سال ۱۳۸۸ و ۳۶/۴- برای شرکت پتروشیمی شازند در سال ۱۳۸۳ بوده است.

میانگین نرخ ضمنی هزینه سرمایه ۲۰٪، انحراف معیار آن ۰/۱۲ و میانه آن ۰/۱۸ است. از نظر چولگی و کشیدگی، متغیر مورد نظر متقارن نیست اما متریک تلقی می‌شود. متوسط نرخ هزینه سرمایه مدل CAPM در شرکتهای عضو نمونه ۵۲٪ و انحراف معیار آن ۲/۲۷ است. حداکثر نرخ هزینه سرمایه در این مدل مربوط به شرکت کاشی الوند در سال ۱۳۸۹ است.

متوسط نرخ هزینه سرمایه مدل فاما و فرنچ ۷۰٪ و انحراف معیار آن ۱۴/۷۶ است. حداکثر نرخ هزینه سرمایه در این مدل مربوط به شرکت پتروشیمی اصفهان در سال ۱۳۸۳ است.

پیش از انجام آزمون‌های فرضیه‌های تحقیق، ابتدا آزمون کلموگروف-اسمیرنف جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها انجام شد که نتایج به شرح زیر ارائه می‌شود.

تکراه (۲): نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنف هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری مدل‌های ارزش‌گذاری و هزینه سرمایه ضمنی در سطح شرکت

آماره Z	هزینه سرمایه ضمنی	هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی سه فاکتوره	هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی تک فاکتوره	هزینه سرمایه مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای	هزینه سرمایه مدل فاما و فرنچ
۲/۸۶۲	۶/۶۱۴	۸/۴۰۵	۵/۳۱۱	۱۱/۸۷۷	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	
۷۰۴	۷۰۴	۷۰۴	۷۰۴	۷۰۴	

از آنجا که در سطح ۹۵٪ شواهد کافی برای رد کردن فرض صفر (نرمال بودن متغیرهای فوق) وجود دارد، توزیع متغیرها در سطح شرکت نامتقارن و از این رو باید از ضریب همبستگی اسپرمن استفاده شود.

تکانه (۳): نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنف هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به‌کارگیری مدل‌های ارزش‌گذاری و هزینه سرمایه ضمنی در سطح پرتفویهای سهام

هزینه سرمایه مدل فاما و فرنج	هزینه سرمایه مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای	هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به‌کارگیری متغیرهای بنیادی تک فاکتوره	هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به‌کارگیری متغیرهای بنیادی سه فاکتوره	هزینه سرمایه ضمنی	آماره Z
۵/۸۵۰	۲/۸۹۲	۲/۰۶۶	۲/۳۰۹	۱/۸۳۳	۲۰۰
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	تعداد

از آنجا که در سطح ۹۵٪ شواهد کافی برای رد کردن فرض صفر (نرمال بودن متغیرهای فوق) وجود دارد، توزیع متغیرها در سطح پرتفویهای سهام نامتقارن و از این رو باید از ضریب همبستگی اسپرمن استفاده شود.

تکانه (۴): نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنف هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به‌کارگیری مدل‌های ارزش‌گذاری و هزینه سرمایه ضمنی در سطح صنعت

هزینه سرمایه مدل فاما و فرنج	هزینه سرمایه مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای	هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به‌کارگیری متغیرهای بنیادی تک فاکتوره	هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به‌کارگیری متغیرهای بنیادی سه فاکتوره	هزینه سرمایه ضمنی	آماره Z
۳/۵۰۱	۲/۱۶۱	۱/۱۵۰	۱/۱۱۰	۱/۰۹۹	۱۱۲
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۴۲	۰/۱۷۰	۰/۱۷۹	Sig
۱۱۲	۱۱۲	۱۱۲	۱۱۲	۱۱۲	تعداد

از آنجا که در سطح ۹۵٪ شواهد کافی برای رد کردن فرض صفر (نرمال بودن متغیرهای فوق) برای هزینه سرمایه مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و هزینه سرمایه مدل فاما و فرنج وجود دارد، در سطح صنعت برای این متغیرها از ضریب همبستگی اسپرمن واز آنجا که شواهد کافی برای رد کردن فرض صفر (نرمال بودن متغیرهای فوق) برای هزینه سرمایه ضمنی، هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به‌کارگیری متغیرهای بنیادی سه فاکتوره و هزینه سرمایه

مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی تک فاکتوره وجود ندارد، در سطح صنعت برای این متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه اول

برای آزمون فرضیه اول، هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی سه متغیره و تک متغیره با هزینه سرمایه برآورد شده در مدل قیمت گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای در سطح شرکت، پرتفویهای سهام و صنعت از طریق نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آزمون به شرح زیر است:

نگاره (۵): همبستگی هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری مدل‌های ارزش‌گذاری و هزینه سرمایه ضمنی در سطح شرکت

هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی تک فاکتوره	هزینه سرمایه مدلی قیمت گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای	هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی سه فاکتوره	همبستگی اسپرمن	هزینه سرمایه ضمنی
۰/۵۲۶	-۰/۰۹۳	۰/۲۳۱		
۰/۰۰۰	۰/۰۱۴	۰/۰۰۰	Sig	
۷۰۴	۷۰۴	۷۰۴	تعداد	

همانطور که در نگاره فوق مشاهده می‌شود در سطح شرکت ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی سه فاکتوره ۰/۲۳۱، ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی تک فاکتوره ۰/۵۲۶ و ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه به دست آمده از مدل قیمت گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای -۰/۰۹۳ است. برای اطمینان از معناداری ضرایب فوق آزمون ونگ انجام شده است:

Vuong non-nested LR test		مقایسه ضرایب مدل بنیادی سه متغیره و CAPM	
v12	2/875051	p-value=	0/004162

با توجه به احتمال آماره Z و ننگ، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود تفاوت معنادار آماری بین ضرایب تعیین دو مدل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌شود. بنابراین بین محتوای اطلاعاتی نسبی متغیرهای مختلف تفاوت وجود دارد.

Vuong non-nested LR test		مقایسه ضرایب مدل بنیادی تک متغیره و CAPM	
v12	2/801062	p-value=	0/005233

با توجه به احتمال آماره Z و ننگ، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود تفاوت معنادار آماری بین ضرایب تعیین دو مدل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌شود. بنابراین بین محتوای اطلاعاتی نسبی متغیرهای مختلف تفاوت وجود دارد.

می‌توان ادعا کرد که مطابق فرضیه پژوهشی تحقیق، هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی در مقایسه با هزینه سرمایه برآورد شده در مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای دارای همبستگی بیشتری با هزینه سرمایه ضمنی است.

نگاره (۶): همبستگی هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری مدل‌های ارزش‌گذاری و هزینه سرمایه ضمنی در سطح پرتفوی سهام

هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی تک فاکتوره	هزینه سرمایه مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای	هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی سه فاکتوره	همبستگی اسپرمن	هزینه سرمایه ضمنی
۰/۳۸۸	-۰/۲۱۰	۰/۳۳۰		
۰/۰۰۰	۰/۰۴۷	۰/۰۰۰	Sig	
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	تعداد	

نگاره فوق نشان می‌دهد که در سطح پرتفوی سهام ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی سه فاکتوره ۰/۳۳۰، ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی تک فاکتوره ۰/۳۸۸ و ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه به دست آمده از مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای -۰/۲۱۰ است که مطابق فرضیه پژوهشی

تحقیق، هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی در مقایسه با هزینه سرمایه برآورد شده در مدل قیمت گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای دارای همبستگی بیشتری با هزینه سرمایه ضمنی است.

تگاره (۷): همبستگی هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری مدل‌های ارزش گذاری و

هزینه سرمایه ضمنی در سطح صنعت

هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی تک فاکتوره	هزینه سرمایه مدل قیمت گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای	هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی سه فاکتوره		
۰/۰۷۷	-۰/۱۱۹	۰/۲۲۵	همبستگی پیرسون	هزینه سرمایه ضمنی
۰/۰۱۹	۰/۰۱۰	۰/۰۱۷	Sig	
۱۱۲	۱۱۲	۱۱۲	تعداد	

در سطح صنعت، ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی سه فاکتوره ۰/۲۲۵، ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی تک فاکتوره ۰/۰۷۷ و ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه به دست آمده از مدل قیمت گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای ۰/۱۱۹- است که مطابق فرضیه پژوهشی تحقیق، هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی در مقایسه با هزینه سرمایه برآورد شده در مدل قیمت گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای دارای همبستگی بیشتری با هزینه سرمایه ضمنی است.

نتایج آزمون فرضیه دوم

برای آزمون فرضیه دوم، هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی سه متغیره و تک متغیره با هزینه سرمایه برآورد شده در مدل فاما و فرنچ در سطح شرکت، پرتفویهای سهام و صنعت از طریق نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آزمون به شرح زیر است:

تکانه (۸): همبستگی هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به‌کارگیری مدل‌های ارزش‌گذاری و هزینه سرمایه ضمنی در سطح شرکت

هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به‌کارگیری متغیرهای بنیادی تک فاکتوره	هزینه سرمایه مدل فاما و فرنچ	هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به‌کارگیری متغیرهای بنیادی سه فاکتوره	همبستگی اسپرمن	هزینه سرمایه ضمنی
۰/۵۲۶	-۰/۰۳۶	۰/۲۳۱		
۰/۰۰۰	۰/۰۳	۰/۰۰۰	Sig	
۷۰۴	۷۰۴	۷۰۴	تعداد	

همانطور که در نگاره فوق مشاهده می‌شود در سطح شرکت ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به‌کارگیری متغیرهای بنیادی سه فاکتوره ۰/۲۳۱، ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به‌کارگیری متغیرهای بنیادی تک فاکتوره ۰/۵۲۶ و ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه به‌دست آمده از مدل فاما و فرنچ ۰/۰۳۶- است. برای اطمینان از معناداری ضرایب فوق آزمون ونگ انجام شده است:

Vuong non-nested LR test		مقایسه ضرایب مدل بنیادی سه متغیر فاما و فرنچ	
v12	۲/۹۱۴۱۶۵	p-value=	۰/۰۰۳۷۹۸

با توجه به احتمال آماره Z ونگ، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود تفاوت معنادار آماری بین ضرایب تعیین دو مدل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌شود. بنابراین بین محتوای اطلاعاتی نسبی متغیرهای مختلف تفاوت وجود دارد.

Vuong non-nested LR test		مقایسه ضرایب مدل بنیادی سه متغیر فاما و فرنچ	
v12	۲/۸۳۲۲۱۰	p-value=	۰/۰۰۴۷۵۵

با توجه به احتمال آماره Z ونگ، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود تفاوت معنادار آماری بین ضرایب تعیین دو مدل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌شود. بنابراین بین محتوای اطلاعاتی نسبی متغیرهای مختلف تفاوت وجود دارد.

می‌توان ادعا کرد که مطابق فرضیه پژوهشی تحقیق، هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی در مقایسه با هزینه سرمایه برآورد شده در مدل فاما و فرنچ دارای همبستگی بیشتری با هزینه سرمایه ضمنی است.

تکانه (۹): همبستگی هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری مدل‌های ارزش‌گذاری و هزینه سرمایه ضمنی در سطح پرتفوی سهام

هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی تک فاکتوره	هزینه سرمایه مدل فاما و فرنچ	هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی سه فاکتوره		
۰/۳۸۸	-۰/۱۱۸	۰/۳۳۰	همبستگی اسپرمن	هزینه سرمایه ضمنی
۰/۰۰۰	۰/۶۱۲	۰/۰۰۰	Sig	
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	تعداد	

نگاره فوق نشان می‌دهد که در سطح پرتفوی سهام ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی سه فاکتوره ۰/۳۳۰، ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی تک فاکتوره ۰/۳۸۸ و ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه به دست آمده از مدل فاما و فرنچ ۰/۱۱۸- است که مطابق فرضیه پژوهشی تحقیق، هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی در مقایسه با هزینه سرمایه برآورد شده در مدل فاما و فرنچ دارای همبستگی بیشتری با هزینه سرمایه ضمنی است.

تکانه (۱۰): همبستگی هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری مدل‌های ارزش‌گذاری و هزینه سرمایه ضمنی در سطح صنعت

هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی تک فاکتوره	هزینه سرمایه مدل فاما و فرنچ	هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به کارگیری متغیرهای بنیادی سه فاکتوره		
۰/۰۷۷	-۰/۲۱۸	۰/۲۲۵	همبستگی پیرسون	هزینه سرمایه ضمنی
۰/۰۱۹	۰/۰۲	۰/۰۱۷	Sig	
۱۱۲	۱۱۲	۱۱۲	تعداد	

در سطح صنعت، ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به‌کارگیری متغیرهای بنیادی سه فاکتوره ۰/۲۲۵، ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به‌کارگیری متغیرهای بنیادی تک فاکتوره ۰/۰۷۷ که البته در این سطح ناچیز است و همچنین ضریب همبستگی هزینه سرمایه ضمنی با هزینه سرمایه به‌دست آمده از مدل فاما و فرنچ ۰/۲۱۸- است که مطابق فرضیه پژوهشی تحقیق، هزینه سرمایه مورد انتظار ناشی از به‌کارگیری متغیرهای بنیادی در مقایسه با هزینه سرمایه برآورد شده در مدل فاما و فرنچ دارای همبستگی بیشتری با هزینه سرمایه ضمنی است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

سود نقشی بنیادی در مدل ارزشیابی سود باقیمانده ایفا می‌کند اما آن به جایگاه مناسب خود نزد فعالان بازار سرمایه و محققان نرسیده است. علت این امر می‌تواند در نظرگیری سود به عنوان معیاری صرفاً برای اندازه‌گیری بازده و نه ریسک باشد. فلتهم و اوهلسون در سال ۱۹۹۹ و بگینسکی و واهلن در سال ۲۰۰۳ بر نقش ریسک در مدل ارزشیابی سود باقیمانده تاکید کردند و اشاره داشتند که بازارهای سرمایه باید ریسک غیرقابل تنوع بخشی خود را از سودهای باقیمانده مورد انتظار آتی قیمت‌گذاری کنند (بگینسکی و واهلن، ۲۰۰۳؛ نکراسو و شروف، ۲۰۰۹).

نحوه سنجش ریسک در تحقیقات تجربی و یا کاربرد عملی مدل سود باقیمانده به خوبی در تحقیقات قبلی روشن نشده است و از این رو تحقیق حاضر تلاش می‌کند تا درک و شناخت، از نقش ریسک در مدل ارزشیابی سود باقیمانده را بهبود بخشد. در این مسیر، تعدادی معیار حسابداری معرفی شده است تا بتواند آثار ریسک بر قیمت سهام را تبیین نماید. چنانچه معیارهای مطرح شده بتواند ریسک را تبیین کند؛ هزینه سرمایه برآورد شده از به‌کارگیری آن باید دارای همبستگی بیشتری با هزینه سرمایه ضمنی در مقایسه با سایر مدل‌های رایج بازار باشد. نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان می‌دهد که هزینه سرمایه برآورد شده از مدل مبتنی بر متغیرهای بنیادی همبستگی بیشتری با هزینه سرمایه ضمنی در مقایسه با هزینه سرمایه برآورد شده از طریق مدل‌های رایج بازار دارد. این امر می‌تواند برای مدیران شرکتهای سرمایه‌گذاران و

مقامات ذی صلاح بااهمیت باشد چراکه هزینه سرمایه معمولاً یکی از ورودی‌های اصلی مدل‌های تصمیم‌گیری افراد مختلف است.

پی‌نوشت

- ۱ Price-Level Risk Measure ۲ Capitalization Factor

منابع

- احمدپور، ا. (۱۳۷۸). مدل پیش‌بینی ریسک سیستماتیک با استفاده از اطلاعات حسابداری. رساله دکتری حسابداری. در تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- برینگام، & ارهارت. (۱۳۸۷). مدیریت مالی در تئوری و عمل. (ع. پارسائیان، & ع. مشهدی‌فراهانی، مترجم) تهران: نشر ترمه.
- بولو، ق. (۱۳۸۶). هزینه حقوق صاحبان سهام و ویژگی‌های سود. رساله دکتری حسابداری. در تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ثقفی، ع. و & تالانه، ع. (۱۳۸۵). نقش سود، ارزش دفتری و اختیار واگذاری در ارزشیابی حق مالکانه. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۳۴-۳، ۳۴.
- داموداران، آ. (۱۳۸۷). ارزشگذاری سهام، مفاهیم و مدل‌های کاربردی. (ش. ت. امین، مترجم) تهران: فرا.
- دلاور، ع. (۱۳۸۳). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: نشر ویرایش.
- رحمانی؛ علی و معتمدی فاضل (۱۳۸۸). هزینه حقوق صاحبان سهام و متغیرهای حسابداری محرک ریسک. رساله کارشناسی ارشد حسابداری. در تهران: دانشگاه علوم اقتصادی.
- مجتهد زاده، و. (۱۳۸۷). حسابداری مازاد تمیز: رابطه ارزشی سود و ارزش دفتری. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۵۱، ۵۷-۶۸.
- Baginski, S. P. , & Wahlen, J. M. (2003). Residual Income Risk, Intrinsic Values, and Share Prices. *The Accounting Review* , 327-352.
- Beaver, W. , Kettler, P. , & Scholes, M. (1970). The association between market determined and accounting-determined measures of risk. *The Accounting Review* , 654-682.
- Begley, j. , & Feltham, G. A. (2002). The Relation between Market Values, Earnings Forecasts, and Reported Earnings. *Contemporary Accounting Research* , 19, 1-48.
- Brimble, M. A. , and A. C. Hodgson. (2007) ; "The association between accounting variables and systematic risk", *Managerial Finance* 33 (8) , pp. 553-573.

- Damodaran, A. (2001). *The Dark Side of valuation*. Prentice Hall.
- Damodaran, A. (2002). *Investment Valuation*. New York: John Wiley & Sons.
- Fama, E. , & French, K. (1992). The cross-section of expected stock returns. *Journal of Finance* , 47, 427-465.
- Fama, E. , & French, K. (1993). Common risk factors in the returns on stocks and bonds. *Journal of Financial Economics* , 33, 3-56.
- Fama, E. , & French, K. (1995). Size and book to market factors in earnings and returns. *Journal of Finance* , 50, 131-155.
- Feltham, G. , & Ohlson, J. (1995). Valuation and clean surplus accounting for operating and financial activities. *Contemporary Accounting Research* , 11, 689-731.
- Gebhardt, W. , Lee, C. , & Swaminathan, B. (2001). Toward an Implied Cost of Capital. *Journal of Accounting Research* , 135-177.
- Giner, B. , and C. Reverte. (2006) ; "The Risk-Relevance of Accounting Data: Evidence from the Spanish Stock Market", *Journal of International Financial Management and Accounting* 17 (3).
- Nekrasov, A. , & Sheroff, P. (2009). Fundamentals-Based Risk Measurement in Valuation. *The Accounting Review* , 1983-2011.
- Nissim, D. , & Penman, S. H. (2001). Ratio Analysis and Equity Valuation: From Research to Practice. *Review of Accounting Studies* , 109-154.
- Ohlson, J. A. (2001). Earnings, Book Values, and Dividends in Equity Valuation: An Emperical Perspective. *Contemporary Accounting Research* , 107-121

Fundamentals-Based Cost of Capital Measurement and Comparison with Benchmark Modeles

Ebrahim Noruzbeigi¹, Ali Saghafi², Mahdi Moradzadeh Fard³

Received : 2015/04/12

Approved: 2015/07/05

Abstract

Risk and return in is counted as one of the main tools in Finance literature which at the end will be presented as cost of capital. Cost of capital has a direct and important role in investment and finance decisions and always has been the main challenge for investors and finance decision makers. In this research we have tried to measure the cost of capital based on fundamental model and to compare it with employed cost of capital and Fama&French models. The result of investigation which was taken in 2011 among more than 88 TSE firms indicated that accounting based cost of capital in relation to financial variables has more correlation in compare with Fama&French and CAPM.As to this matter cost of capital can be a better help to users in evaluating and decision makings.

Keywords: Accounting-based risk measures, Cost of capital, Excess return on equities Beta, capital asset pricing model, Fama and French model

Jel clacification: G10

¹ PhD in Accounting, corresponding author, (Noruzbeigi@gmail.com)

² Professor of Accounting, Allame Tabatabaee University, (ali_saghafi111@yahoo.com)

³ Assistant Professor of Accounting, Azad University, (moradzadehfard@gmail.com)

Determination of Premier Firms according to Investors Decision Making Model (Evidence of Firms Listed in Tehran Stock Exchange)

Hamid Mahmoodabadi¹, Navid-Reza Namazi²

Received : 2015/10/04

Approved: 2016/01/12

Abstract

The main goal of this paper is determination of premier companies according to investors' decision making model. Based on previous studies, this study applies 6 factors for investors decision making, 3 of which are cash basis (dividend per share, operational cash flow and free cash flow) and 3 others are accrual basis (operational income, earning per share and retained earnings). Data from 109 firms listed in Tehran Stock Exchange (TSE) is collected using Rahavard Novin software for a 13 years period from 2000 to 2013. Then, the firms are ranked based on cash basis, accrual basis and total factors using TOPSIS technique and Excel software. To test the first hypothesis, that is relative proximity index difference, the Friedman test and SPSS and to the second hypothesis, that is the relation between cash and accrual criteria, Spearman correlation and multiple regression tests are used. The first hypothesis test findings show that there is no significant difference between two relative proximity indexes. To determine premier companies, the study uses both cash and basis factors. The results of the second hypothesis test show that investors do not use efficiently scientific models and decision-making techniques.

Keywords: Investment, Cash criteria, Accrual criteria, Make decision, TOPSIS

Jel clacification: G11

¹ Assistant Professor of Accounting, Shiraz University, corresponding author, (hamid_mahmoodabadi@yahoo.com)

² Ph. D. Student of Accounting, Shiraz University, (navidnamazi2003@yahoo.com)

Safeguards to Auditor Independence against the Displacement Threat of Clients

Ahmad Modarres¹, Hossein Ebrahimi², Mohsen Azizkhani³

Received : 2013/03/24

Approved: 2013/06/29

Abstract

The purpose of this study is to identify strengthening factors of auditor independence against the displacement threat of clients. In order to achieve a consensus regarding the list of affecting factors on auditor's independence which was extracted from the previous literature and researches, the experts' opinion was gathered through questionnaire. The findings showed that all factors extracted from the literature and prior research, including reputation, audit firm size, the allocation of current audit market works by legal authorities, establishing appropriate disciplinary system against auditors faults, peer review, increasing the knowledge of users of audits services about financial reporting, transparency of independent auditors responsibility, requiring auditors to communicate with former auditors, mutual responsibilities of partners and audit firms, determination of auditing fees level, requiring clients to disclose reasons for auditors change and periodically turnover of auditors affect the independence of auditor against the displacement threat of clients, however, these factors haven't been applied properly in the current state of Iranian CPAs yet.

Keywords: auditor independence, Auditor Independence safeguard, independence threats.

Jel clacification: M42

¹ Assistant Prof. of accounting, retired faculty member of Tehran university, Corresponding author, (modarres@ut.ac.ir)

² MSc student of accounting, Tehran university (hossein.ebrahimi.he@gmail.com)

³ MSc student of accounting, Tehran university, (Mohsen.azizkhani@yahoo.com)

Financial Reporting Transparency and Value Relevance of Accounting Information

Shahnaz Mashayekh¹, Sepideh Sadat Nasiry²

Received : 2015/06/20

Approved: 2015/10/10

Abstract

This paper is aimed to examine the relation between financial reporting Transparency and value relevance of accounting information. In order to measure financial reporting transparency, this paper uses three important proxies of accounting information, specially earning which improves financial reporting Transparency according to the previous studies. These proxies are non-smoothing, earning predictability and accrual quality. To ensure the accuracy of results on each proxy, a component index is made. The study uses Collins et.al model (1995) to examine value relevance of accounting information. The study sample consists of 78 firms listed in Tehran Stock Exchange over 2006 to 2013. The findings indicate that financial reporting transparency has significant and positive effect on value relevance of accounting information. The results could encourage managers, who are interested in attracting more capital at lower costs, to improve the level of financial reporting transparency. This may lead to store investor confidence and increase the number of investors in Tehran Stock Exchange and ultimately, bring growth and prosperity for the community.

Keywords: value relevance of accounting information, financial reporting Transparency, earning predictability, accrual quality, earnings smoothing

Jel clacification: G32

¹ Associate professor of accounting, Alzahra university, Corresponding author
(shahnaz_mashayekh@yahoo.com)

² PH.D student, of accounting, Alzahra university, (sepideh.nasiry@yahoo.com)

Factors Affecting Dysfunctional Behavior and Turnover of Auditors in Audit Institutions

Mohsen Akbari¹, Gholamreza Mahfoozi², Rezvan Hooshmand³

Received : 2015/01/23

Approved: 2015/05/03

Abstract

The main factor in the success of many service companies, including auditing institutions, is manpower. Without expert manpower, performance and effectiveness of these institutions will be essentially affected, because human resource is the most important asset of the institutions. Therefore, functional behavior and also durability of auditors have great importance to these institutions. In the other hand, the dysfunctional behavior and turnover of employees in these institutions will be a big blow. This study aims to examine the factors affecting the dysfunctional behavior at various levels (Including task complexity, auditor independence, time budget pressure and client's importance) in order to answer the question whether dysfunctional behavior can influence the turnover of auditors in auditing institutions or not. So, 160 people (including technical managers, senior directors and supervisor) in the process of implementation of the study were surveyed using a questionnaire. The results of the analysis carried out using structural equation modeling and Smart PLS indicates that task complexity, auditor independence and time budget pressure impact dysfunctional behavior and this behavior has an effect on turnover in auditing institutions, while the role of the client's importance on dysfunctional behavior is not supported.

Keywords: Dysfunctional behavior, Turnover intention, Independence, Time budget pressure, Task complexity.

Jel clacification: M42

¹ Faculty member of Gilan university, (corresponding author) , (akbarimohsen@gmail.com)

² Faculty member of Gilan university, (gholamrezamahfoozi@yahoo.com)

³ MSc., azad university, Rasht branch, (rezvanhooshmand@gmail.com)

The Relation between Accounting Quality and Trade Credit

Naser Izadinia¹, Masoud Taheri²

Received : 2015/06/21

Approved: 2015/09/09

Abstract

Trade credit is one of the most important resources for short term financing. Several different factors affect trade credit one of the most important of which is accounting quality. Therefore, this paper examines the relation between a firm's amount of trade credit and its accounting quality. Earnings smoothness, conservatism and earnings management are independent variables being used to proxy for accounting quality, and the dependent variable is trade credit. Earning to operating cash flow ration and discretionary accruals are criteria for earning smoothness and earning management respectively. Discretionary accruals are adjusted by Jones model (1995) and conservatism is calculated by Khan& Watts model (2009). Also, trade credit is calculated using payable accruals to total assets ratio. The sample consists of 127 firms listed in Tehran stock exchange from 2008 to 2013. The ordinary least square method is used to test hypotheses. Results show that there is no significant relation between amount of trade credit and earnings smoothness as well as conservatism while there is a significant negative relation between the amount of trade credit and earnings management. In other words, increasing in earnings management decreases trade credit.

Keywords: Trade credit, Earnings smoothness, Conservatism, Earnings Management.

Jel clacification: E44 .M41

¹ Associate prof. of accounting, Esfahan University, (naser.izadinia@gmail.com)

² Phd. Student of accounting, Esfahan University, corresponding author, (masoudtaheri99@yahoo.com)

Necessity of changes in the Financial and Operational Accountability System of Public Universities and Identification of its Dimensions from the Experts and Academics View

Ghareibeh Esmaeli Kia¹, Mahnaz Mollanazari²

Received : 2015/11/07

Approved: 2016/02/20

Abstract

The study is aimed to investigate the necessity of changes in the financial and operational accountability systems of public universities and to identify its dimensions while accepting financial and operational accountability system as a system consisting of various subsystems. This investigation is made through obtaining views of 40 experts in the field of financial and operational accountability system changes in universities and 90 professors and graduate students of Tehran 's accounting department of public universities. To test the hypotheses, the study uses Binomial test and T-test. The results show that in the views of both groups, changes in financial and operational accountability system are necessary. In view of experts, for independence of universities, development dimensions in the bodies are different from those of other public sectors. Changes in financial and operational accountability system in public universities require a change in its financial accounting system, management accounting system establishment, and development of the financial and compliance audit to performance audit.

Keywords: financial and operational accountability system, public universities, change, management accounting system

Jel clacification: H83, M41, Q56

¹ Ph.D student of Alzahra university, (corresponding author) , (ghareibesmaeli@yahoo.com)

² Assistant Prof. of Alzahra university, (mahnaznazari43@gmail.com)

The Effects of Interaction among Audit Firms Ethical Culture, Audit Team Norms and Auditors Personality Type on Auditors' Intention to Report Detected Errors

Arezoo Aghaie Chadegani¹, Noushin Ahmadi²

Received : 2015/09/21

Approved: 2015/12/09

Abstract

Lacking intention to report detected errors by independent auditors reduces the quality of their work and leads to audit firm failure. This study investigates the effects of interaction among auditors personality type, audit firm ethical culture and audit team norms on auditors' intention to report detected errors. To investigate the interaction effects of the variables, the MODPROBE regression is used. The relation between variables and hypotheses is justified by Theory of Planned Behavior. The sample consists of audit firms, certified auditors in audit organization, and audit firms partners. Data are collected using questionnaire. The results indicate that the existing of audit firm ethical culture and audit team norms moderate the relation between auditors personality type and auditors' intention to report errors. Thus, in audit firms with strong ethical culture and audit team norms, auditors with any personality type have more intention to report detected errors and misstatements.

Keywords: intention to report errors, auditors' personality type, locus of control, ethical culture in audit firm, audit team norms.

JEL Classification: M42

¹ Assistant Professor, Islamic Azad University, Najafabad Branch, corresponding author, (arezooghaie2001@yahoo.com)

² PHd. Student and Teacher of accounting, Islamic Azad University, Dolatabad Branch, (nou.ahmadi@gmail.com)

The Role of Growth Opportunities in Moderating the Relationship Between Financial Leverage and Investment Decisions

Ahmad Ahmadpour¹, Saeed Pakdelan²

Received : 2013/01/31

Approved: 2013/05/21

Abstract

This study examines the relation between financial leverage and investment decisions and role of growth opportunities in this field. 97 firms listed in Tehran Stock Exchange during the 10 year period from 2002 to 2011 were reviewed. Two measures of financial leverage have been used: debt to asset ratio and long term debt to asset ratio. The relation between the first financial leverage ratio (debt to assets) and investment was negative and significant and the relation between the second financial leverage ratio (long term debt to assets ratio) and investment were positive and significant. The results show a stronger negative relationship between the first financial leverage ratio and investment in firms with fewer growth opportunities than firms with more growth opportunities.

Keywords: investment decisions, financial leverage, growth opportunities, panel data analysis.

Jel classification: G32, G35

¹ Prof. in Accounting, University Of Mazandaran, (ahmadpour@umz.ac.ir)

² MSc. in Accounting, University Of Mazandaran, corresponding author, (saeedpakdelan@yahoo.com)

The Relevance of Intangible Assets Considering Firm's Life Cycle

Javad Moradi¹, Hashem Valipour², Mehrdad Salehi³

Received : 2013/10/26

Approved: 2014/02/10

Abstract

This study is aimed to investigate the relation of company life cycle with intangible assets relevance. In this research, first, intangible assets relevance has been investigated and then, the relevance of these assets is examined during each of the stages of firms' life, and finally, utilizing correlation analysis, multivariable regressions and Wald test the hypotheses are examined. The analysis of 25 firms during the period of 2004 to 2012 show that there is a positive and significant relation of book value of firm, abnormal earning and book value of intangible assets with the equity market value. Also the results show that among the life cycle stages of firm, the relevance of intangible assets is higher in maturity and decline stages.

Keywords: Relevance, Intangible Assets, Growth, Maturity, Decline

Jel clacification: M41

¹ Assistant Prof. , Shiraz University, Corresponding author (jmoradi2005@yahoo.com)

² Assistant Prof of Accounting, Azad University of Firoozabad, (h.valipour@gmail.com)

³ MSc., Accounting, Azad University of Noorabad, (salehifinance@gmail.com)

Table of content

The Relevance of Intangible Assets Considering Firm's Life Cycle...	1
Javad Moradi, Hashem Valipour , Mehrdad Salehi	
The Role of Growth Opportunities in Moderating the Relationship Between Financial Leverage and Investment Decisions.....	15
Ahmad Ahmadpour, Saeed Pakdelan	
The Effects of Interaction among Audit Firms Ethical Culture, Audit Team Norms and Auditors Personality Type on Auditors' Intention to Report Detected Errors.....	33
Arezoo Aghaie Chadegani, Noushin Ahmadi	
Necessity of changes in the Financial and Operational Accountability System of Public Universities and Identification of its Dimensions from the Experts and Academics View.....	53
Ghareibeh Esmaeli Kia, Mahnaz Mollanazari	
The Relation between Accounting Quality and Trade Credit.....	81
Naser Izadinia, Masoud Taheri	
Factors Affecting Dysfunctional Behavior and Turnover of Auditors in Audit Institutions.....	103
Mohsen Akbari, Gholamreza Mahfoozi, Rezvan Hooshmand	
Financial Reporting Transparency and Value Relevance of Accounting Information.....	127
Shahnaz Mashayekh, Sepideh Sadat Nasiry	
Safeguards to Auditor Independence against the Displacement Threat of Clients.....	155
Ahmad Modarres, Hossein Ebrahimi, Mohsen Azizkhani	
Determination of Premier Firms according to Investors Decision Making Model (Evidence of Firms Listed in Tehran Stock Exchange).....	181
Hamid Mahmoodabadi, Navid- Reza Namazi	
Fundamentals-Based Cost of Capital Measurement and Comparison with Benchmark Modeles.....	203
Ebrahim Noruzbeigi, Ali Saghafi, Mahdi Moradzadeh Fard	

Licence Holder: Alzahra University

Director: Rahmani, Ali (Asso. Prof. Alzahra University)

Editor in chief: Mojtahed Zadeh, Vida (Prof. Alzahra University)

Executive Manager: Valizadeh, Azam (Assist. Prof. Alzahra University)

Scientific Editor: Valizadeh, Azam (Assist. Prof. Alzahra University)

Literally editor: Valizadeh, Azam (Assist. Prof. Alzahra University)

English Editor: Ebrahimi, Elaheh

Cover Designer: Teymourian, Hedye

Lay out editor: Esfandi, Khadijeh

Coordinator: Amirikhah Maryam

Print and Binding: Alzahra University Publishing

Editorial Board

Ahmadpour, Ahmad, Prof. of Mazandaran University

Eslami Bidgoli, Gholamreza, Associate Prof. of Tehran University

Pourjalali, Hamid, Professor of Hawaii University

Pourheidari, Omid, Professor of Baahonar University

Hejazi, Rezvan, Prof. of Alzahra University

Khalifesoltani, seyed ahmad, Assistant Prof. of Alzahra University

Sajadi, Hosein, Associate Prof. of Chamraan University

Soleimani Amiri, Gholamreza, Associate Prof. of Alzahra University

Alavi Tabari, Seyed Hosein, Associate Prof. of Alzahra University

Mojtahed Zadeh, Vida, Prof. of Alzahra University

Mehrani, Sasan, Associate Prof. of Tehran University

Address: Alzahra University, Vanak, Tehran-Iran. P. O Box 1993891176

Tel & Fax: (+9821) 88212578

Website: <http://journals.alzahra.ac.ir/jera>

Email: jera@alzahra.ac.ir

In the Name of God



Alzahra university

Quarterly Journal of

Empirical Research in Accounting

Spring 2016, Vol 5, Number 19